



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوات  
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

انگلوہائی فرشتہ

حضرت  
فاطمہؑ



پیشکش کنندہ: ماسٹر انسٹیٹیوٹ آف ایجوکیشن  
پتہ: ایف 10، سیکٹر 10، لاہور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

نویسنده:

حلیمه صفری

ناشر چاپی:

مشهور

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۱۷	..... الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)
۱۷	..... مشخصات کتاب
۱۷	..... مقدمه کوتاه
۱۸	..... فصل اول : دیباچه
۱۸	..... گذری کوتاه بر زندگی حضرت فاطمه زهرا (علیه السلام)
۲۰	..... اسمها، لقبها و کنیه های آن حضرت
۲۱	..... فصل دوم : ولادت
۲۱	..... نور فاطمه علیها السلام از نور خداست
۲۱	..... آفرینش نور فاطمه علیها السلام
۲۳	..... مادر جان محزون مباش
۲۴	..... نازل شدن سوره کوثر
۲۴	..... کوثر چیست ؟
۲۵	..... زلزله بزرگ در لحظه ولادت فاطمه علیها السلام
۲۵	..... اعمال روز تولد حضرت فاطمه علیها السلام
۲۵	..... نام فاطمه علیها السلام را خدا بر او نهاد
۲۶	..... فصل سوم : در منزل پدر
۲۶	..... من هرگز پدر را رها نخواهم کرد
۲۶	..... فاطمه در محاصره اقتصادی
۲۷	..... فاطمه علیها السلام در فراق مادر
۲۷	..... ام اءبیها
۲۸	..... داستان هجرت
۲۸	..... فاطمه غمخوار پدر

۲۹	فصل چهارم : ازدواج
۲۹	جمال دل آرای فاطمه
۲۹	خواستگاران فاطمه علیها السلام
۳۰	ازدواج دو نور
۳۰	مراسم خواستگاری
۳۱	مراسم عقد فاطمه علیها السلام در بهشت
۳۱	خداوند ولی عقد فاطمه در آسمان
۳۱	حضرت زهرا علیها السلام مصداق آیه مرج البحرین یلتقیان
۳۲	ازدواج آسمانی
۳۲	زمین ، مهر فاطمه علیها السلام
۳۲	مهر حضرت زهراء علیها السلام
۳۳	مهریه فاطمه علیها السلام در آسمان
۳۳	مدت عقد و عروسی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۳۳	خطبه پیامبر علیه السلام در عقد فاطمه علیها السلام
۳۴	خطبه عقد حضرت زهرا علیها السلام
۳۴	تزیین اطاق عروسی
۳۴	اسماء بنت عمیس (۶۴) عهده دار شب زفاف فاطمه علیها السلام
۳۵	یاد قبر قیامت در شب عروسی
۳۵	پیراهن عروسی به بینوایی هدیه می شود
۳۶	همراهی فرشتگان در عروسی فاطمه علیها السلام
۳۶	استفاده کردن حضرت از بوی خوش
۳۷	ولیمه عروسی حضرت فاطمه علیها السلام
۳۷	میخک و سنبل ، گل‌های عروسی
۳۷	جهاز حضرت صدیقه طاهره علیها السلام

- عروس و داماد یکدیگر را می ستایند ..... ۳۸
- فاطمه علیها السلام همسری صدیقه ..... ۳۹
- پیمان اسماء و خدیجه ..... ۳۹
- بخشش پیراهن نو ..... ۴۰
- فصل پنجم همراه رسول الله (صلی الله علیه وآله ) ..... ۴۰
- پیامبر (ص ) فاطمه علیها السلام را بسیار می بوسید. .... ۴۰
- فاطمه در بیان پیامبر ..... ۴۱
- بوی بهشت ..... ۴۲
- اطاعت از پدر ..... ۴۲
- آموختن از پدر ..... ۴۳
- خبر از حوادث آینده ..... ۴۳
- حدیث معراج درباره زنان گمراه ..... ۴۴
- فاطمه علیها السلام پرستار پدر ..... ۴۴
- پدر به فدایت ..... ۴۴
- کمک به خانواده شهداء ..... ۴۵
- خدا به تو رحم کند ..... ۴۶
- نگذارید پیامبر را بیازارند ..... ۴۶
- آخرین سخنان پدر با دختر ..... ۴۷
- فاطمه پاره تن رسول خدا ..... ۴۸
- وعده دیدار ..... ۴۹
- فصل ششم : در منزل علی علیه السلام ، همراه امام ..... ۵۰
- در خانه فاطمه علیها السلام محل دعای پیامبر (صلی الله علیه وآله ) ..... ۵۰
- ذوالفقار علی علیه السلام در دست فاطمه علیها السلام ..... ۵۱
- دفاع از امام علی علیه السلام در فتح مکه ..... ۵۱

- ۵۱ ..... خانه فاطمه علیها السلام خانه من است
- ۵۲ ..... پذیرایی شایسته از مهمان
- ۵۲ ..... تحمل گرسنگی با شنیدن فضایل علی علیه السلام
- ۵۳ ..... چرخیدن آسیای سنگی به امر پروردگار
- ۵۳ ..... در همه خانه ها بسته شود الا خانه علی و فاطمه علیها السلام
- ۵۳ ..... پدرم فدای تو باد
- ۵۴ ..... سخنان حضرت فاطمه در مورد پیامبر و علی
- ۵۴ ..... ادب و ایثار فاطمه علیها السلام
- ۵۴ ..... شائن نزول آیه تطهیر
- ۵۵ ..... کارهای فاطمه در خانه علی
- ۵۵ ..... شائن نزول سوره هل اتی
- ۵۶ ..... کمک به مجاهدین در جنگ خندق
- ۵۷ ..... داستان دینار و آرد فروش
- ۵۸ ..... داستان انار
- ۵۹ ..... حکایتی دیگر
- ۵۹ ..... تحمل کمبودها و مشکلات زندگی
- ۶۰ ..... چادر نورانی فاطمه علیها السلام
- ۶۰ ..... امام چون کعبه است
- ۶۰ ..... تقسیم کارهای خانه باکنیز
- ۶۱ ..... فرشتگان خدمتکار فاطمه
- ۶۱ ..... فاطمه علیها السلام یکی از دوررکن علی علیه السلام
- ۶۱ ..... مفاخره ای دیگر
- ۶۲ ..... عشق و علاقه به شوهر
- ۶۲ ..... ساده زیستی



- ۶۳ ..... مدارا و مهربانی با همسر
- ۶۳ ..... علی جان! خانه، خانه توست
- ۶۵ ..... برای دنیا رقم ولی توشه آخرت آوردم
- ۶۵ ..... کمک کردن پیامبر به فاطمه
- ۶۶ ..... خانه فاطمه جایگاه رسالت
- ۶۶ ..... سقف خانه فاطمه علیهاالسلام عرش پروردگار
- ۶۶ ..... فاطمه علیهاالسلام در مراسم حجۃ الوداع
- ۶۷ ..... فصل هفتم: فرزندان
- ۶۷ ..... مادری نمونه
- ۶۸ ..... فرزندان فاطمه علیهاالسلام
- ۶۸ ..... امام حسین علیه السلام به مادرش مباحث می کند
- ۶۹ ..... نامگذاری فرزند فاطمه علیهاالسلام از طرف پروردگار
- ۶۹ ..... کمک گرفتن از فرزند در مورد آیات نازل شده
- ۷۰ ..... تعلیم و تربیت زینب علیهاالسلام
- ۷۰ ..... خیر شهادت امام حسین علیه السلام به فاطمه علیهاالسلام
- ۷۱ ..... حرمت آتش بر فاطمه (س) و فرزندان
- ۷۲ ..... قطرات اشک و فرزندان فاطمه علیهاالسلام
- ۷۲ ..... آرامش گهواره امام حسین علیه السلام
- ۷۳ ..... توجه به فرزندان
- ۷۳ ..... بازی با فرزندان
- ۷۳ ..... آیا فرزندان فاطمه علیهاالسلام فرزندان پیامبرند؟
- ۷۴ ..... استدلالی دیگر
- ۷۵ ..... لباس بهشتی برای فرزندان فاطمه علیهاالسلام
- ۷۵ ..... مصیبت امام حسین علیه السلام

- ۷۶ ..... ماجرای پنج تن آل عبا
- ۷۷ ..... خبر شهادت امام حسین علیه السلام
- ۷۸ ..... عنایت حضرت زهراء به حضرت عباس
- ۷۸ ..... پارچه دست بافت فاطمه علیها السلام
- ۷۹ ..... مرقد حضرت معصومه (س) تجلیگاه مرقد حضرت زهرا (س)
- ۷۹ ..... فصل هشتم : فضایل و کرامات
- ۷۹ ..... حضرت زهراء و حضرت مریم
- ۷۹ ..... اسماء و القاب آن حضرت
- ۸۰ ..... اما لقبهای حضرت :
- ۸۲ ..... ملاقات فاطمه علیها السلام با حوربان بهشتی
- ۸۳ ..... چادر بانوی زنان جهان
- ۸۳ ..... توقف فاطمه علیها السلام در مدخل جهنم
- ۸۳ ..... سخن گفتن با جبرئیل
- ۸۴ ..... فاطمه و اهل بیت علیه السلام در کشتی نوح
- ۸۴ ..... فاطمه سبب سجده ملانکه بر آدم
- ۸۵ ..... حضرت فاطمه علیها السلام در آیه مباحله
- ۸۵ ..... ویژگیهای خاص حضرت فاطمه علیها السلام
- ۸۶ ..... نرو افشانی حضرت زهرا علیها السلام
- ۸۷ ..... دخترم ، طاهره مطهره است
- ۸۷ ..... انگشتر دنیایی یا تخت بهشتی ؟
- ۸۸ ..... شفاعت فاطمه (ع) از گریه کنندگان حسین علیه السلام
- ۸۸ ..... وجه نامگذاری فاطمه علیها السلام
- ۸۹ ..... نزدیکترین حالات زن
- ۹۰ ..... فاطمه علیها السلام ، نخستین کسی که وارد بهشت می شود

- ۹۰ ..... فاطمه علیه السلام نور آسمان و زمین
- ۹۰ ..... این بانو کیست ؟
- ۹۱ ..... شفاعت فاطمه علیها السلام از گناهکاران
- ۹۱ ..... آتش بر گوشت و خون فاطمه علیها السلام حرام است
- ۹۲ ..... احترام به حدیثی از پیامبر
- ۹۲ ..... فایده های دوستی فاطمه علیها السلام
- ۹۲ ..... تاءثیر حالات معنوی حضرت فاطمه علیها السلام بر فضا
- ۹۳ ..... استقبال از فاطمه علیها السلام
- ۹۴ ..... سبزی حضرت فاطمه علیها السلام
- ۹۴ ..... صلوات بر فاطمه و فرزندان ایشان
- ۹۴ ..... اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم
- ۹۵ ..... صفات شیعیان و پیروان اهل بیت علیه السلام
- ۹۶ ..... فاطمه علیها السلام شاخه شجره طیبه
- ۹۶ ..... ارزش و احترام خداوند به فاطمه
- ۹۶ ..... اهل محشر ! چشمان خود را ببندید
- ۹۷ ..... نام فاطمه علیها السلام معجزه می کند
- ۹۷ ..... فاطمه علیها السلام روشنی نور آسمانها
- ۹۷ ..... سقف خانه فاطمه علیها السلام ، عرش پروردگار
- ۹۸ ..... خدا از خشم فاطمه علیها السلام خشم می کند
- ۹۸ ..... ما وسیله خدا در بین بندگان هستیم
- ۹۸ ..... اطعام الهی
- ۹۹ ..... گلو بند پر برکت
- ۹۹ ..... از خود گذشتگی و ایثار فاطمه علیها السلام
- ۱۰۰ ..... ارزش علم و دانش

- ۱۰۰ ..... علم و دانش حضرت فاطمه علیها السلام
- ۱۰۱ ..... عنایات حضرت زهرا علیها السلام به سادات
- ۱۰۱ ..... فضایل فاطمه علیها السلام
- ۱۰۱ ..... سیبی از طرف خداوند
- ۱۰۲ ..... برائتی از سوی خداوند برای شیعه علی و فاطمه علیها السلام
- ۱۰۲ ..... در وصف فاطمه علیها السلام
- ۱۰۳ ..... فاطمه علیها السلام در آیه مؤدۀ فی القربی
- ۱۰۴ ..... اگر فاطمه نبود درخت نبوت باردار نمی شد
- ۱۰۴ ..... اهمیت پوشش و حجاب
- ۱۰۴ ..... نزول آیه برای خشنودی فاطمه علیها السلام
- ۱۰۵ ..... این قبه پر نور از آن فاطمه علیها السلام است
- ۱۰۵ ..... سنگریزه هایی که به غذای خوش طعم مبدل شدند
- ۱۰۵ ..... فاطمه علیها السلام برترین مخلوقات
- ۱۰۶ ..... مقصود از نور علی نور چیست ؟
- ۱۰۶ ..... مقام فاطمه علیها السلام در بهشت
- ۱۰۶ ..... زنان مورد شفاعت فاطمه علیها السلام
- ۱۰۷ ..... لباس بهشتی فاطمه علیها السلام
- ۱۰۷ ..... فاطمه علیها السلام سزاوارترین زنان
- ۱۰۷ ..... فاطمه علیها السلام حوریه ای انسان نما
- ۱۰۷ ..... فاطمه علیها السلام تمام حقیقت زن
- ۱۰۷ ..... فاطمه علیها السلام حقیقت لیلۀ القدر
- ۱۰۸ ..... مصحف فاطمه علیها السلام
- ۱۰۸ ..... پوشش از نامحرم
- ۱۰۹ ..... نور تبسم فاطمه علیها السلام

- فصل نهم : پس از رسول الله (صلی الله علیه وآله ) ..... ۱۰۹
- ناله های حضرت زهرا علیها السلام در فراق پدر ..... ۱۰۹
- استدلال فاطمه علیها السلام به قرآن ..... ۱۰۹
- ام سلمه از فاطمه علیها السلام دفاع می کند ..... ۱۰۹
- شهادت ام ایمن در غصب فدک ..... ۱۱۰
- وصیت فاطمه علیها السلام در مورد املاک ..... ۱۱۰
- بوی پیراهن پدر ..... ۱۱۱
- دوست دارم صدای اذان بلال را بشنوم ..... ۱۱۱
- یاد آوری ماجرای غدیر خم ..... ۱۱۱
- شهادت عایشه علیه فاطمه علیها السلام ..... ۱۱۱
- فاطمه علیها السلام خودش را معرفی می کند ..... ۱۱۲
- چرا ابوبکر فدک را به فاطمه علیها السلام نداد ..... ۱۱۲
- انگیزه های مطالبه فدک ..... ۱۱۲
- داستان فدک ..... ۱۱۴
- فدک در طول تاریخ ..... ۱۱۵
- سخنان فاطمه علیها السلام در برابر هجوم کنندگان به خانه خود ..... ۱۱۶
- محدوده فدک از نظر امام کاظم علیه السلام ..... ۱۱۶
- سخنان فاطمه علیها السلام در مورد فدک ..... ۱۱۶
- طلب یاری از مردم ..... ۱۱۷
- گریه فاطمه علیها السلام بر مظلومیت علی علیه السلام ..... ۱۱۷
- استدلال علی علیه السلام در مورد فدک ..... ۱۱۷
- عثمان از ارث فاطمه علیها السلام دفاع کرد ..... ۱۱۸
- دیدار ام سلمه با فاطمه علیها السلام ..... ۱۱۸
- فاطمه علیها السلام یکی از بکائین ..... ۱۱۸

- ۱۱۹ ..... فصل دهم : ادعیه و اذکار
- ۱۱۹ ..... عشق فراوان فاطمه به جمال زیبای پروردگار
- ۱۱۹ ..... تسبیح حضرت فاطمه زهرا و فضایل آن علیه السلام
- ۱۲۰ ..... فضیلت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در شب
- ۱۲۰ ..... تسبیح حضرت فاطمه از بیان امام صادق علیه السلام
- ۱۲۰ ..... تعلیم دادن تسبیح به فاطمه علیها السلام توسط پدر
- ۱۲۱ ..... درمان با تسبیح فاطمه علیها السلام
- ۱۲۱ ..... تلاوت قرآن فاطمه علیها السلام
- ۱۲۲ ..... دعای خلاص شدن از زندان
- ۱۲۲ ..... اضافه شدن یک رکعت به نماز مغرب
- ۱۲۳ ..... دعای جامع حضرت زهراء علیها السلام
- ۱۲۳ ..... صلوات بر فاطمه علیها السلام
- ۱۲۴ ..... فاطمه و شب قدر
- ۱۲۴ ..... برنامه عبادی فاطمه علیها السلام
- ۱۲۵ ..... دعای فاطمه علیها السلام برای گنهکاران
- ۱۲۵ ..... روایتی از حضرت فاطمه در مورد سستی در نماز
- ۱۲۶ ..... نماز فاطمه علیها السلام
- ۱۲۷ ..... نماز دیگری از حضرت فاطمه علیها السلام
- ۱۲۷ ..... توسل به آن حضرت علیه السلام
- ۱۲۷ ..... زیارت حضرت فاطمه علیها السلام
- ۱۲۷ ..... چهار عمل مهم موقع خواب
- ۱۲۸ ..... دعای حضرت زهرا علیها السلام در آخرین روزهای حیات
- ۱۲۹ ..... حرز حضرت فاطمه علیها السلام
- ۱۲۹ ..... نماز استغاثه به حضرت زهراء علیها السلام

- آداب سفره از زبان فاطمه علیها السلام ..... ۱۲۹
- نماز شب فاطمه علیها السلام ..... ۱۲۹
- عبادت فاطمه علیها السلام قبل و بعد از تولد ..... ۱۳۰
- نقش انگشترهای حضرت فاطمه علیها السلام ..... ۱۳۰
- دعاهای حضرت زهراء در روزهای هفته ..... ۱۳۱
- فصل یازدهم : سوگنامه فاطمه علیها السلام ..... ۱۳۲
- شکایت امام زمان (عج) ..... ۱۳۲
- یا علی علیه السلام در هیچ امری مخالف تو را نکردم ..... ۱۳۲
- تقاضای عیادت از فاطمه علیها السلام ..... ۱۳۳
- و داع فرزندان با مادر ..... ۱۳۴
- هنوز بازوی مادرم سیاه و کبود است ..... ۱۳۴
- اندوه امام زمان علیه السلام ..... ۱۳۵
- ذخیره فاطمه علیها السلام برای قبر ..... ۱۳۵
- سفارش به خواندن قرآن ..... ۱۳۵
- تابوت فاطمه علیها السلام ..... ۱۳۵
- آتش زدن در خانه ! از زبان فاطمه علیها السلام ..... ۱۳۶
- فاطمه بین فشار در و دیوار ..... ۱۳۶
- لحظه غم انگیز شهادت فاطمه علیها السلام ..... ۱۳۷
- ماجرای خاک سپاری فاطمه علیها السلام ..... ۱۳۸
- اندوه امام جواد علیه السلام بر مصائب مادرش فاطمه علیها السلام ..... ۱۳۸
- ماجرای ضربت فاطمه علیها السلام از زبان عمر ..... ۱۳۸
- مقام رفیع فاطمه علیها السلام در روز موعود ..... ۱۳۹
- صدای ناله زهرا علیها السلام ..... ۱۳۹
- وصیتهای حضرت زهراء علیها السلام به علی علیه السلام ..... ۱۳۹

- ۱۴۰ ..... بدون اجازه وارد خانه فاطمه علیها السلام شدند
- ۱۴۰ ..... علی در فراق همسر
- ۱۴۱ ..... خبر دادن از لحظه شهادت
- ۱۴۱ ..... علت وفات فاطمه علیها السلام از زبان امام صادق علیه السلام
- ۱۴۱ ..... قبر فاطمه علیها السلام کجاست؟
- ۱۴۱ ..... آخرین کارهای فاطمه زهراء
- ۱۴۲ ..... وصیت نامه ای که بالای سر فاطمه علیها السلام بود
- ۱۴۲ ..... آماده شدن برای دیدار حق
- ۱۴۳ ..... غمهای فاطمه علیها السلام از زبان علی (ع)
- ۱۴۳ ..... فاطمه علیها السلام را در پیراهنش غسل دادم
- ۱۴۳ ..... صدیقه را جز صدیق غسل ندهد
- ۱۴۳ ..... ای کاش فاطمه زنده بود
- ۱۴۴ ..... اعمال روز شهادت حضرت فاطمه علیها السلام
- ۱۴۴ ..... مهدی (عج) منتقم فاطمه علیها السلام
- ۱۴۵ ..... نبش قبر فاطمه علیها السلام
- ۱۴۵ ..... بشارت عزرائیل و میکائیل به فاطمه علیها السلام
- ۱۴۶ ..... داغ دل مولا
- ۱۴۶ ..... حنوط بهشت
- ۱۴۶ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: صفری حلیمه - ۱۳۴۷ عنوان و نام پدید آور: الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا (س) / تالیف حلیمه صفری مشخصات نشر: قم مشهور، ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ص ۴۱۶ شابک: ۹۶۴-۶۸۶۳-۹۸-۱۲۰۰۰۰ ریال گالینگور؛ ۹۶۴-۶۸۶۳-۹۸-۱۲۰۰۰۰ ریال گالینگور؛ پشت جلد به انگلیسی ۱۲۰۰۰۰ ریال گالینگور؛ ۱۶۰۰۰ ریال شومیز) وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: پشت جلد به انگلیسی Halimeh Safari. The holly Fatemeh's manner samples. یادداشت: کتابنامه ص ۴۱۶ - ۴۱۴ موضوع: فاطمه زهرا (س) ، ۸ قبل از هجرت - ق ۱۱ موضوع: فاطمه زهرا (س) ، ۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق -- فضایل رده بندی کنگره: BP۲۷/۲ ص ۷۵ الف ۷۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۱۵۲۶۲

### مقدمه کوتاه

با خودم گفتم قلم بر پا کنم\*\*\*بهر زهرا مدحتی انشاء کنم اشک چشمم فرصت انشاء نداد\*\*\*دست لرزید و قلم هم پا نداد از فراسوی دلم آمد ندا\*\*\*تو کجا و مدت خیر النساء با دلی بشکسته و حالی خراب\*\*\*زیر لب گفتم مدد یا بوتراب من نبودم لایق مدحش ولی\*\*\*مدح زهراء گفتم از قول علی ای بزرگ آفرینش فاطمه\*\*\*چلچراغ اهل بینش فاطمه ای ستون خیمه آل عبا\*\*\*محور اصلی اصحاب کساء ای طفیل هستیت چرخ و فلک\*\*\*لوح اصلی اصحاب کساء ای طفیل هستیت چرخ و فلک\*\*\*لوح و کرسی و قلم جن و ملک دست بوست اولین و آخرین\*\*\*خاک روب خانه ات روح الامین روح بخش کائنات فاطمه\*\*\*معنی صوم و صلاتی فاطمه بسم الله الرحمن الرحیم فاطمه زهرا (س)، زنی که در حجره ای کوچک و خانه ای محقر، انسانهایی را تربیت کرد که نورشان از بسط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می درخشند. (۱) (آری) تمام ابعادی که برای زن و برای یک انسان متصور است، در فاطمه (س) جلوه کرده است. (ایشان) یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام زن، تمام حقیقت انسان. (۲) نسخه های رفتاری فاطمه (س) بهترین الگو برای پرورش انسان ها و تکمیل شخصیت اجتماعی است .. و آنچه می آید جلوه ای از زندگانی این زن ملکوتی است که همیشه چراغ راه انسانها است، شخصیتی که نه تنها مسلمین بلکه تمام انسانهای آزاده و طالب رفتار انسانیت از ایشان الگو می گیرند. مجموعه الگوی های رفتاری درباره ابعاد شخصیتی ائمه معصومین (ع) ابعاد تاریخی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و... کتابها، جزوات و مقالات زیادی نوشته شده است که هر کدام در جایگاه خود شایسته و نیکو است، اما آنچه امروز بیش از همه مورد توجه و نیاز جامعه است تهیه الگوهایی از این بزرگواران است که به راحتی بتواند الگو است، و شکی نیست جامعه شیعی ما شیفته الگو گرفتن از این بزرگواران است که به راحتی بتواند الگو قرار گیرد، امروزه افراد، خصوصا نسل جوان ما به دنبال الگو است، و شکی نیست جامعه شیعی ما شیفته الگو گرفتن از این بزرگواران است به نحوی که بسیار مشاهده گردیده که افراد پس از مدتها جایگزینی فرهنگی مجددا دنبال فرهنگ ناب اهل بیت (ع) می گردند تا بتوانند جان تشنه خویش را سیراب کنند. آنچه ما را بر آن داشت تا روی این موضوع کار شود دقیقا در راستای مطالب فوق است. آنچه اکنون تقدیم می گردد تنها گوشه ای از این دریای بیکران است که بنام الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا (س) نام گرفته است. همانطور که بیان شد الگوهای رفتاری، مجموعه ای از رفتارهای عملی تمام امامان معصوم است که انشاءالله به زودی در مجموعه های جداگانه تقدیم می گردد. الگوهای رفتاری حضرت فاطمه (س) در مجموعه رفتارهای ام ابیها و شفیع روز جزا نورانیت خاصی نهفته است که هیچگاه نمی توان یکی را بر دیگری ترجیح داد. در این کتاب سعی گردیده علاوه بر الگوهای

رفتاری و عملی آن حضرت مختصری از تاریخ زندگانی ایشان بیان گردد تا مجموعه ای کامل گردد. در دسته بندی الگوهای عنوان شده در کتاب سعی شده تا چند چیز ملاحظه گردد. اول: بیان مختصری از زندگی ایشان، دوم: دسته بندی مطالب بصورت سیر تاریخی، سوم: جهت تنوع و عدم خستگی در مطالعه سعی شده ترتیب موضوعات یکنواخت نباشد. کل کتاب از فصول ذیل تشکیل یافته است: فصل اول دیباچه: شامل موضوعات، گذری بر زندگانی، اسماءالقاب و... فصل دوم: ولادت: مسائل مختلف ایام ولادت، معجزات و... فصل سوم: در منزل پدر: پس از ولادت، توجهات پدر بزرگوار و... فصل چهارم: ازدواج بانوی اسلام، الگوهای یک ازدواج خوب و سالم و... فصل پنجم: همراه با رسول الله: الگوهای از رفتار پدر نسبت به دختر و بالعکس و... فصل ششم: در منزل علی (ع) همراه امام: الگوهای زیبایی از همسر داری و همراهی با امام علی (ع) و... فصل هفتم: همراه با فرزندان: تربیت و همراهی با فرزندان و... فصل هشتم: فضایل و کرامت: فضایل و کرامات این بانوی بزرگ که بیشترین مطالب در این فصل متمرکز شده است. فصل نهم: پس از رسول الله: آنچه پس از رسول الله (ص) بر ایشان گذشت و آنگونه که آن حضرت رفتار نمود. فصل دهم: ادعیه و اذکار: ادعیه فاطمیه، که شامل الگوهای عبادی و رفتاری و معنوی ایشان است. فصل یازدهم: سوگنامه: در فراق فاطمه (س) بیت الاحزان فاطمه (س) و... در خاتمه لازم می دانم از تمام بزرگوارانی که در تکمیل این مجموعه ما را یاری رسانده اند تقدیر و تشکر نمایم. انشاء الله اعمال رفتاری و گفتار ما مورد رضایت خداوند قرار گیرد. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

## فصل اول: دیباچه

### گذری کوتاه بر زندگی حضرت فاطمه زهرا (علیه السلام)

آفتاب وجود زهرا ی اطهر - ام اییها - در آخرین ساعات روز جمعه، بیستم جمادی الاخری، سال دوم یا پنجم بعثت، از پیغمبر مکرم اسلام و ملکه عرب، خدیجه کبری، در شهر مکه طالع گردید. حضرت فاطمه (علیه السلام) دختری بود که به فرموده پیامبر (علیه السلام) نور وجودش قابل از آفرینش آسمانها و زمین، از نور با عظمت خداوند خلق گردید و نطفه اش از سیب بهشتی بود هنگام تولد در حالی که نور وجودش خانه های مکه را نورانی ساخته بود و بر لب شکر خدا می کرد پا بر عرصه دنیا نهاد. به شهادت قرآن، او از هر پلیدی و عادات زنانه پاک و پاکیزه بود. قابله اش بهترین زنان بودند که پس از تولد، او را طیب و طاهر در قنداقه ای پیچیده و به مادرش تحویل دادند. حضرت فاطمه (علیه السلام) بسیار مورد علاقه پدر بوده و او را بسیار دوست می داشت و درباره اش می فرمود: من هر گاه مشتاق بهشت می شوم فاطمه را می بوسم. و نیز می فرمود: فاطمه بعضه منی... فاطمه (علیه السلام) پاره تن من است. آغاز زندگی حضرت علیه السلام در مکه با محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب همراه بود که در پایان این محاصره، عمر یکی از بهترین کسان حضرت، یعنی مادر ایشان خدیجه کبری علیها السلام به آخر رسید. حضرت خدیجه با وجود مهر و محبت فراوان نسبت به دختر، به فرمان الهی دار ممر را برای اسکان در دار مستقرها نمود و به سرای آخرت رهسپار شدند. پس از مادر، مهر او در خانه پدر سایه افکنده و بر چهره پدر که از فراق ابوطالب و خدیجه و آزار کفار در هم می شکست گل نشاط و امید می کاشت. حضرت فاطمه علیها السلام پس از چند سال زندگی پر مشقت و تحمل مشکلات فراوان در مکه، در سال دهم بعثت به سوی مدینه، شهری که پیغمبر علیه السلام بخاطر در امان ماندن از مشکین به دستور خداوند هجرت کرده بود، رهسپار شد. حضرت زهرا علیها السلام در اول ذی الحجه، سال دوم هجرت، در حالی که هنوز ۹ سال از عمر شریفش نگذشته بود به همسری علی علیه السلام که حدود ۲۵ سال داشت در آمد و در ۲۱ محرم سال سوم هجرت که شب زفاف آن حضرت است، زندگانی مشترک خود با علی علیه السلام در روایت آمده است که: جبرئیل امین از سوی پروردگار ماء مور گشت

تا در زمین او را به عقد علی علیه السلام که از قبل در آسمانها و در ملکوت اعلی بسته شده بود در آورد. در روایتی دیگر آمده است که اگر علی علیه السلام نبود هیچ یک از خلائق شایستگی همسری برای حضرت فاطمه را نداشتند. ازدواج آنها به فرموده قرآن، تلاقی دریای نبوت و امامت بود و رسول خدا علیه السلام در شب زفاف، بین این دو دریا نشست و دست فاطمه را در دست علی علیه السلام گذاشت و واسطه تلاقی این دو دریای عمیق و موج هدایت و ارشاد شد. نیکوترین ثمره این تلاقی الوء و المرجان یعنی امام حسن و امام حسین علیه السلام بودند. فاطمه شمع خانه و حلقه وصل رسالت و امامت بود. هم عزیز پدر و هم محبوب همسر بود. ۹ سال زندگی زناشویی او با علی علیه السلام از خاطره هایی است که هیچ وقت از نظر علی مرتضی محو نمی شود. خانه آنها مهد تربیت و کانون عفت و عصمت بود که از این کانون، فرزندان همچون امام حسن، امام حسین، حضرت زینب، ام کلثوم علیها السلام بیرون آمدند. فاطمه زهرا علیها السلام دارای زهد و تقوی، فصاحت و بلاغت (نظم و نثر)، صاحب اذکار و صحیفه فاطمیه، بزرگ بانویی است که با وجود مهیا بودن امکانات یک زندگی راحت و اشرافی، هرگز به سمتش نرفت و با تبعیت بی چون چرا از پدر یعنی پیغمبر اسلام و وصی او علی مرتضی علیه السلام به مقام سیده انساء العالمین؛ سرور زنان جهان هستی مفتخر گشت. او با عنایم جنگی و هدایایی که برایش می رسید، خود و زندگی اش را زینت نمی داد و تمامی آنها را برای کمک به وضع فقرا و مستمندان خدمت پدر می فرستاد. فاطمه علیها السلام در خانه شوهر برای پیشبرد زندگی مشترک، همرمز علی علیه السلام به تلاش و کوشش می پرداخت و با دستهای پینه بسته آسیا می کرد و شخصا در آن زمان که نیاز بود آب به دوش می کشید و از تحمل هیچ و نه زحمتی دریغ نمی فرمود. وقتی که فضا خادمه برای کمک در کارهای خانه به منزل او آمد، کارها را با او تقسیم نمود و به نوبت، روزی او و روزی فضا به امر خانه مبادرت می ورزیدند. حضرت فاطمه او و روزی فضا به امر خانه مبادرت می ورزیدند. حضرت فاطمه علیها السلام هیچ وقت از شوهر تقاضایی نکرد و در علت آن می فرمود: پدرم به من وصیت کرد که هیچگاه از شوهر تقاضایی نکنم، مبادا که از انجام آن برنیاید. فاطمه علیها السلام یکی از دو رکن امامت، پس از پیامبر علیه السلام با تمام وجودش به دفاع از حریم ولایت پرداخت و با تحمل مشقات فراوان، سیلی نا محرمان، سرانجام خود و فرزند عزیزش را در این راه ایثار نمود. فاطمه علیها السلام دنیایی از شرم و عاطفه، به قدری محبوب بود که خجالت می کشید به شوهرش وصیت کند و حتی فشاری که از در خانه به پلویش رسیده بود، مدت‌ها کتمان کرد و به علی علیه السلام نگفت. سرانجام در سیزدهم جمادی الاولی یا سوم جمادی الاخری سال ۱۱ هجری در سن هجده سالگی، مابین نماز مغرب و عشاء به جوار حق شتافت و به فرموده امام صادق علیه السلام، ۷۵ روز پس از رحلت رسول خدا علیه السلام در اثر فشار روحی و جسمی، علی علیه السلام را تنها گذاشت و به جوار حق شتافت. قبر شریف در مدینه منوره در سه محل کنار قبر پیامبر علیه السلام قبرستان بقیع، و بین قبر و منبر پیامبر مطاف ملائکه مقرب الهی است. چه خوب سروده است: زیتونه عم الوری برکاتها مشکاة نور الله جل جلاله فاطمه علیها السلام فانوس نور خداوند عزوجل و زیتونی می باشد که برکاتش همگان را فرا گرفته است. لما تنزلت اکثر کثراتها هی قطب دائرة الوجود و نقطه او قطب دایره هستی و نقطه ای (مرکزی) است که هنگامی که نازل شد کثرت فراوان پیدا کرد. هی عنصر التوحید فی عرصاتها هی احمد الثانی و احمد عصرها او احمد دوم و ستوده ترین مردم دوران خویش است. او در میدان یکتاپرستی اصل و اساسی آن است. (۳) شناسنامه حضرت فاطمه علیها السلام نام: فاطمه علیها السلام، زهراء... شهرت: سیده انساء العالمین کنیه: ام ایبها تن اءم الحسن، اءم الحسین و... نام پدر: احمد، محمد... نام مادر: خدیجه کبری دختر خویلد تاریخ تولد: ۲۰ جمادی الاخری روز تولد: جمعه محل تولد: مکه مکرمه تاریخ ازدواج: سال دوم هجری در سن ۹ سالگی نام همسر: علی بن ابی طالب. فرزندان ذکور: حسن، حسین و محسن فرزندان مؤنث: زینب و ام کلثوم نام ماماها: چهار زن برگزیده آسیه، مریم، حوا و کلثوم نام پرستاران: ده حورالعین بهشتی و فرشتگان تاریخ شهادت: ۱۳ جمادی الاولی یا سوم جمادی الاخری محل دفن: مدینه منوره

## اسما، لقبها و کنیه های آن حضرت

اسمها: فاطمه ، صدیقه ، مبارکه ، طاهره ، زکیه ، راضیه ، مرضیه زهرا، و محدثه . کنیه ها: کنیه های مشهور آن حضرت عبارتند از: ام اییها. ام النبی ام الحسن ، ام الحسین ، ام المحسن ، ام السبطين ، ام الائمة . لقبها: بعضی از لقبها عبارتند از: سیده ، انسیه حوراء نوریه ، حانیه ، کریمه ، رحیمه ، قانع ، قوامه ، عقیله ، فهیمه ، رثوفه ، محرمة ، منصوره ، جمیله ، جلیله ، صابره ، شریفه ، عفیفه ، شهیده ، حکیمه ، مطهره ، عطوفه ، زاهده بتول و عذراء (۴) پدرش محمد مصطفی علیه السلام در خانم انبیاء است و در وصفش همین بس ، که خداوند درباره اش فرمود: یا احمد لو لاک اما خلقت الافلاک ای احمدد اگر بخاطر تو نبود جهان هستی را نمی آفریدم . او آخرین فرستاده از سفرای الهی ، عقل کل و هادی سیل است . رمز خلقت و آفرینش افلاک و انجم به برکت وجود اوست و در سایه بعثت او نظام اسلامی رشد کرد و بشر به سعادت واقعی رسید. او مردی پاکدامن و امین مکه بود که خداوند او را بر همه جهانیان بلکه بر همه انبیاء و اوصیاء برتری داد. مادرش زن سرشناس عرب ، خدیجه کبری ، از خاندانی بود که اغلب اعضایش متفکر و صاحب مقامات علمی بودند. خدیجه از قبیله قریش ، صاحب مال و ثورت بسیار، دارای صفات عالی و در خور نام زکیه ، پناه زنان و دختران بی پناه بود. به گونه ای که بدین خاطر ام الاء یتامش ؛ مادر یتیمان می خواندند. او پس از مرگ همسر اول و به قولی همسر دوم به علت ثروت و شهرت و پاکدامنی و طهارت ، خواستگاران بسیار داشت ولی به همه آنها پاسخ منفی می داد، اما چون محمد علیه السلام را فردی امین و راستگو یافته بود و آثار عظیمی از نجابت و عزت در او سراغ داشت ، خود به وسیله پیام رسانی به او پیشنهاد ازدواج داد و تقاضای همسری با او را کرد. خدیجه به او گفت : ای پسر عم ! به خاطر خویشاوندی و نزدیکی تو با من و داشتن شرافت ، امانت داری ، اخلاق خوش و صدق در سخن ، به تو رغبت دارم و خواستار ازدواج با تو شده ام . او با مال و ثروت خود از دین محمد حمایت کرد و به جایی رسید که خداوند به وسیله جبرئیل برای او سلام می رساند. پیامبر علیه السلام او را بسیار عزیز می داشت و درباره اش می فرمود: خدیجه دختر خویلد از جمله چهار زنی است که به کمال رسیده اند. برادران و خواهران حضرت علیها السلام در احوالات فرزندان رسول خدا علیه السلام آمده است : آن حضرت داری سه یا چهار فرزند پسر و چهار دختر بود. پسران آن حضرت عبارت بودند از: ۱- قاسم : قبل از بعثت به دنیا آمد و پیش از بعثت نیز از دنیا رفت و به همین جهت کنیه رسول خدا علیه السلام ابوالقاسم بود. ۲- عبدالله : این فرزند نیز که در کودکی از دنیا رفت ، همنام پدر بزرگوار پیغمبر علیه السلام بود. به او طیب هم می گفتند. ۳- ابراهیم : در مدینه متولد شد و پس از یک سال و شش ماه و نبار روایتی پس از یک سال و ده ماه از دنیا رفت . اما دختران پیامبر علیه السلام ۱- زینب : دختر بزرگ رسول خدا علیه السلام بود که به عقد پسر خاله اش ابوالعاص بن ربیع در آمد. از او یک دختر و یک پسر متولد شد که دخترش امامه به وصیت حضرت زهرا علیها السلام به عقد علی علیه السلام در آمد. ۲- ام کلثوم : برخی گفته اند: هم نام مادر رسول خدا علیه السلام آمده ، که پیامبر او را به عثمان بن عفان تزویج کرد، ولی قبل از مراسم عروسی از دنیا رفت . ۳- رقیه : پس از رسیدن به سن بلوغ ، پیامبر علیه السلام او را به عقد عتبۀ بن ابی لهب در آورد. عتبۀ به علت دشمنی با رسول خدا علیه السلام رقیه را از خانه اش بیرون کرد و پس از مرگ عتبۀ ، رقیه به عقد عثمان بن عفان در آمد. ۴- فاطمه زهرا علیه السلام : نسل رسول خدا علیه السلام از این دختر است . پس از رسیدن به سن بلوغ به عقد علی علیه السلام در آمد و از این ازدواج دارای چهار فرزند گردید. (۵) شخصی از حسین بن روح - یکی از نواب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - پرسید: رسول خدا علیه السلام چند دختر داشت ؟ گفت چهار دختر: پرسید: کدامیک از همه با فضیلت ترند؟ جواب داد: فاطمه علیها السلام پرسید: با اینکه او از همه فرزندانش کوچکتر بوده و کمتر مصاحبت رسول خدا علیه السلام را درک کرده ، چرا او با فضیلت تر است ؟ حسین بن روح جواب داد: به سبب دو خصلت که خدای سبحان مخصوص او گردانیده

وید: یکی اینکه او وارث رسول خدا علیه السلام بود و دیگری اینکه نسل رسول خدا علیه السلام از ذریه اوست و خداوند سبحان اینها را به او ارزانی نداشت مگر به خاطر اخلاصی که در نیت داشت. (۶) فاطمه علیها السلام در رابطه با اخلاص می فرماید: من اصعد الی الله خالص عبادته اهبط الله عزوجل الیه افضل مصلحته (۷) کسی که عبادت خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، پرورگار بزرگ ترین مصلحت او را به سوی او خواهد فرستاد.

## فصل دوم: ولادت

### نور فاطمه علیها السلام از نور خداست

رسول خدا علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند متعال خواست بهشت را بیافریند آن را از نور وجه خویش خلق کرد، سپس آن را گرفته به سوی ما افکند. یک سوم آن نور به من رسید و یک سوم آن به فاطمه علیها السلام و یک سوم دیگر به علی و خاندانش اصابت کرد. از آن نور به هر کسی که چیزی تابیده شده باشد به ولایت آل محمد علیه السلام راه پیدا می کند و هر کس از آن نور چیزی به او نرسیده باشد، از ولایت خاندان محمد علیه السلام منحرف و گمراه می شود. (۸) پروردگار! این نور از چیست؟ جابر بن عبدالله از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: برای چه فاطمه علیه السلام، زهراء نامیده شد؟ آن حضرت فرمودند: برای اینکه خداوند فاطمه علیها السلام را از نور با عظمت خویش خلق کرده، پس، چون نور فاطمه علیها السلام طلوع کرد آسمانها و زمین به واسطه نور او منور شدند، چشم ملائکه از آن نور خیره شد و از عظمت پروردگار به سجده افتادند و گفتند: پروردگارا، این نور را چیست؟ خداوند به آن وحی نمود که این نور از نور من است، آن را در آسمان جای دادم و از عظمت و جلال خود او را خلق کردم و از صلب بزرگترین پیامبران خود او را خارج خواهم ساخت. از همین نور جانشینان او را بیرون می آورم، همانهایی که امر مرا بر پای می دارند و مردم را به سوی من هدایت می کنند و جانشینان و حاکمان من در زمین خواهند بود. (۹) نام زهراء جزء را کل می کند نام زهراء خار را گل می کند نام زهراء زنگ از دل می برد نام زهراء کشتی ما را ساحل می برد نام زهراء در دل و جان من است نام زهراء روح ایمان من است

### آفرینش نور فاطمه علیها السلام

پیغمبر علیه السلام فرمود: نور فاطمه علیها السلام قبل از آفرینش آسمانها و زمین خلق شده و چون آدم خواست از بهشت هبوط کند نور فاطمه علیها السلام به سیبی تابیدن گرفت و با تناول آدم از آن سیب، در صلب او قرار گرفت. نور فاطمه در اصلاّب آباء طاهره و ارحام امهات طیبه نقل می شد تا اینکه جبرئیل برای من سیبی آورد و با خوردن آن سیب نطفه فاطمه علیها السلام بسته شد. (۱۰) بر این اساس است که در روایت از پیامبر اکرم علیه السلام نقل شده که می فرمود: من هر وقت مشتاق بوی بهشت می شوم فاطمه علیها السلام را می بوسم. درخشندگی بانویی در بهشت وقتی که خداوند آدم را خلق فرمود، در بهشت چشم آدم به بانویی افتاد که درخشندگی و نورانیتش بی نظیر بود. این بانو در حالی که بر سر، تاجی از طلا و مرصع به جواهر داشت چنان زیبا می نمود که آدم زیباتر از وی مشاهده نکرده بود. پس سؤال کرد: پروردگار! این بانو کیست؟ فرمود: فاطمه دختر محمد علیه السلام سؤال کرد: شوهر او کیست؟ خداوند به جبرئیل فرمان داد، در قصری از یاقوت را به روی وی بگشاید، وقت که جبرئیل در راگشود آدم در آن قبه ای از کافور (به خوشبوئی کافور) دید و تختی از طلا که بر روی آن جوانی به زیبایی یوسف نشسته بود. پس فرمود: این جوان شوهر او، یعنی علی بن ابیطالب است. (۱۱) فاطمه علیها السلام جزئی از الولاکک لما خلقت الافلاک ای احمد! اگر تو نبودی موجودات را نمی آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را نمی آفریدم. هر چه هست به



افتخار وجود فاطمه علیها السلام و پدرش و همسرش و فرزندان اوست . (۱۲) نام فاطمه علیها السلام در توبه حضرت آدم در کتابهای تفسیری در ذیل آیه فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحیم (۱۳) روایاتی ذکر شده است ، مبنی بر اینکه این کلمات ، چه کلماتی بوده اند. از جمله در الدر المنثور از ابن عباس نقل شده است که : از رسول خدا علیه السلام درباره کلماتی که آدم از پروردگارش دریافت نمود و خداوند توبه او را پذیرفت پرسیدم ، فرمود: ادم از خداوند به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام در خواست کرد که توبه او را پذیرد و خداوند هم پذیرفت (۱۴) دستور جبرئیل برای دوری از خدیجه پیامبر در رابط (۱۵) نشسته بود که جبرئیل همانند آغاز بعثت در شکل و صورت اصلی اش در حالی که پره‌های او مشرق و مغرب جهان را فرا گرفته بود بر آن حضرت فرمود آمد. این گونه ظهور و طلوع جبرئیل ، نشان از وقوع کاری بزرگ و امری عظیم داشت . جبرئیل حضرت را صدا زد و گفت : ای محمد ! خداوند علی اعلی ، سلام می رساند و امر می فرماید که چهل روز از خدیجه همسر کناره گیری کنی . اعتکاف چهل روزه حضرت در خانه فاطمه بنت اسد، شب زنده داری ، روزه های مکرر و کنار گیری از مردم و همسرش ، شباهتی به دوران آغاز نزول و حی و بعثت داشت . بر خلاف سنت همیشگی بستن در بر دروی دیگران در هنگام افطار شب چهلم و به تنهایی از طعام آسمانی خوردن و توجه و حرکت به سوی خانه خدیجه و ترک سنت در تطهیر و وضو گرفتن و نماز قبل از خوابید، همه اینها نشان از وقوع امر بزرگ بود. نطفه تکوین فاطمه علیها السلام از غذای بهشتی بود. علامه مجلسی در جلد ششم بحار آورده است : جبرئیل امین نزد رسول خدا علیه السلام آمد و عرض کرد: یا محمد خداوندی علی اعلی سلامت می رساند و به تو فرمان می دهد که به مدت چهل شبانه روز از همسرت خدیجه دوری گزینی . پیامبر علیه السلام پس از صدور این دستور از سوی خداوند متعال با وجود علاقه زیاد خود به خدیجه ، چهل شبانه روز، در حالی که روزها روزه و شبها به عبادت می ایستاد از خدیجه کنار گیری نمود و به توسط عمار یاسر برای همسرش پیام فرستاد که : ای خدیجه ! کناره گیری من از تو به جهت بی اعتنایی و یا اینکه تو را رها کرده باشم نیست ، بلکه به جهت امثال فرمان پروردگارم است . تو ای خدیجه این موضوع را بر خیر و نیکی حمل نما، زیرا که خدای متعال به وجود تو بر فرشتگان مقربش در هر روز افتخار می کند. به هنگام شب در خانه را ببند و استراحت کن ، من در منزل فاطمه بنت اسد به سر می برم . پس از گذشت چهل روز جبرئیل فرود آمد و گفت : ای محمد علیه السلام ! پروردگار علی اعلی سلامت می رساند و می فرماید که خود را برای تحیت و تحفه او آماده سازی ! رسول خدا علیه السلام فرمودند: ای جبرئیل ! تحفه حضرت رب العالمین چیست ؟ جبرئیل پاسخ داد: من نمی دانم . در این هنگام میکائیل شرفیاب حضور پیامبر شد، در حالی که طبقی به همراه داشت و روی آن دستمالی از دیبا بود. پس آن طبق را در برابر علیه السلام نهاد و جبرئیل پیش آمد و عرض کرد: ای محمد علیه السلام ! پروردگارت امر می کند که امشب از غذای موجود در این طبق افطار کنی ! علی علیه السلام می فرمایند: پیامبر علیه السلام هر شب به هنگام افطار به من می فرمودند که در خانه را باز بگذارم تا هر که نیازمند غذا است بتواند داخل خانه شده و غذای بخورد، ولی در آن شب فرمودند: بر در منزل بنشین و مانع ورود افراد به خانه شو، زیرا این غذا جز من بر هم کسی حرام است . علی علیه السلام می فرمایند: پیامبر علیه السلام دستمال روی طبق را برداشت و در آن خوشه ای خرما تاز و خوشه ای انگور بود. رسول خدا علیه السلام از آن غذا به تنهایی سیر میل فرموده و آب گوارا نوشیدند، سپس دست خویش را برای شستن در از فرمودند. جبرئیل بر دست ایان آب می ریخت ، میکائیل می شست و اسرافیل خشک می کرد. باقی مانده غذا به همراه ظرف به آسمان برده شد. رسول خدا علیه السلام برخاستند تا نماز گزارند. جبرئیل گفت : امشب نماز اول وقت بر شما حرام است تا به منزل خدیجه در آئید. خدای تعالی به ذات خود سوگند خورده است که از صلب شما امشب فرزندی پاک و پاکیزه ایجاد فرماید. رسول خدا علیه السلام به سرعت به سوی منزل خدیجه آمدند. خدیجه می گوید: در آن شب بین خواب و بیداری بودم که صدای در را شنیدم . صدا کردم کیست که در را می کوبد؟ ناگاه رسول خدا علیه السلام با سخن دلنشین و لحن زیبای خود فرمودند: خدیجه باز کن من محمدم . خدیجه می گوید: برخاستم در حالی که بسیار خوشحال و شادمان بودم ، در را

باز کردم و پیامبر علیه السلام وارد شدند. ایشان عادت داشتند هر وقت وارد منزل می شدند ظرفی می خواستند، وضو می گرفتند و نماز می خواندند، آنگاه استراحت می کردند. ولی در آن شب نه ظرفی برای وضو خواستند و نه آماده برای خواندن نماز شدند، بلکه بلافاصله به بستر آمدند. سوگند به آنکس که آسمان را برافراشت و آب را جاری نمود، در آن شب رسول خدا علیه السلام از من دور نشد مگر اینکه سنگینی حمل فاطمه علیها السلام را در خویشتن احساس کردم. (۱۶) همدم تنهایی مادر از امام صادق علیه السلام درباره چگونگی ولادت فاطمه علیها السلام پرسیدند، آن حضرت فرمود: بعد از آنکه خدیجه با رسول خدا علیه السلام ازدواج کرد، زنان مکه از او دوری جسته و به خانه او رفت و آمد نمی کردند و از اسلام کردن به او خودداری می کردند و مانع ارتباط زنان دیگر نیز با خدیجه علیها السلام می شدند. خدیجه از این رفتار آنان به وحشت افتاده و بسیار غمگین و افسرده بود، البته نه از ترس جان خودش، بلکه بیم او از خطری بود که جان پیامبر علیه السلام را تهدید می کرد. اما هنگامی که به فاطمه علیها السلام حامله شد، فاطمه علیها السلام در رحم مادر با او سخن می گفت و او را دعوت به صبر می کرد و به او آرامش می داد. خدیجه علیها السلام سخن گفتن فاطمه علیها السلام را از رسول خدا علیه السلام مخفی داشته بود. روزی رسول خدا علیه السلام بر خدیجه وارد شد، شنید که خدیجه علیها السلام با کسی سخن می گوید: پرسید: ای خدیجه با چه کسی سخن می گفتی؟ خدیجه می گفتی؟ خدیجه عرض کرد: یا رسول الله! جنینی که در رحم من است با من سخن می گوید و مونس تنهایی من شده است. رسول خدا علیه السلام فرمود: ای خدیجه! اکنون این جبرئیل است که مرا بشارت می دهد که این طفل دختر است و اصل و ریشه پاک و پاکیزه من می باشد، خداوند تبارک و تعالی نسل مرا از او قرار می دهد و بعد از امام وحی از سلسله اولاد او پیشوایان و جانشینانی در زمین بر می گزیند. (۱۷) برخیز ای مادر! روزی حضرت خدیجه نماز می خواند، اشتباها خواست در رکعت سوم سلام دهد، فاطمه علیها السلام از درون شکم، وی را ندا داد: قومی یا اماه، فانک الثالثه برخیز ای مادر! تو در رکعت سوم می باشی (۱۸)

### مادر جان محزون مباش

هنگامی که کافران از پیامبر اکرم علیه السلام خواستند که شکافته شدن ماه را به آنها نشان دهد، زمانی بود که خدیجه به فاطمه زهرا علیها السلام حامله بوده و این موضوع بر همگان مشخص شده بود. (چند روزی بیش به تولدش نمانده بود) که خدیجه با خود می گفت: زهی تأسف و اندوه، چه بسیار زیانکار است آن کسی که منکر رسالت محمد علیه السلام شود و حال آنکه او بهترین فرستاده پروردگار من است. در این هنگام فاطمه علیها السلام از درون شکم، وی را صدا زده و گفت: مادر جان! محزون مباش و نترس! همانا خداوند با پدرم می باشد و یاور اوست. (۱۹) سلام خدا و جبرئیل بر مادر فاطمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول علیه السلام فرمود که: چون جبرئیل مرا به معراج برد و برگردانید، گفتم: این جبرئیل! آیا حاجتی داری؟ گفت: حاجت من آن است که خدیجه را از جانب خدا و از جانب من سلام برسانی. پس چون حضرت رسول علیه السلام سلام جبرئیل را رسانید، خدیجه گفت: الله السلام، و منه السلام، و الیه السلام خدا را است سلام و از او است سلام و به سوی اوست سلام و بر جبرئیل سلام باد. در روایات دیگر نقل شده است که: هرگاه جبرئیل نازل می شد و خدیجه حاضر نبود او را سلام می رسانید. (۲۰) خشم پیامبر به خاطر توهین به خدیجه علیها السلام حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: روزی رسول خدا علیه السلام وارد منزل شد، عایشه را دید که مقابل حضرت زهرا علیها السلام ایستاده و با او به تندی حرف می زند و می گوید: ای دختر خدیجه! تو گمان می کنی مادرت بهتر از من است؟ چه فضیلتی بر من دارد؟ او زنی مثل ما بود رسول خدا علیه السلام سخن عایشه را شنید، وقتی فاطمه چشمش به پدر افتاد، شروع به گریه کرد. پیغمبر علیها السلام فرمود: فاطمه جان! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: عایشه به مادرم توهین کرد. رسول خدا علیه السلام خشمناک شد و فرمود: عایشه ساکت شو! خداوند متعال زنها را

محبت و بچه دار را مبارک قرار داده است . خدیجه برای من فرزندان مثل طاهر و قاسم و فاطمه (ع) و رقیه و ام کلثوم و زینب آورده است ، ولی خدا تو را عقیم و نازا قرار داده است . (۲۱)

### نازل شدن سوره کوثر

ابن عباس می گوید: سوره کوثر درباره عاص بن وائل سهمی نازل شد و این موقعی بود که : روزی رسول خدا علیه السلام از مسجد بیرون می آمد و (عاص بن وائل) در زندگی بین سهم با آن حضرت ملاقات و گفتگو کرد . این در حالی بود که عده ای از بزرگان قریش در مسجد نشسته بودند. چون عاص داخل مسجد شد، گفتند: با چه کسی صحبت می کردی ؟ گفت : با این ابتر این ماجرا زمانی رخ داد که عبدالله فرزند رسول خدا علیه السلام و خدیجه از دنیا رفته بودند. غم از دست دادن عبدالله و زخم زبان مشرکین ، قلب ایشان را آزرده کرد، اما فرشته وحی که همواره آرامش دهنده قلب رسول الله علیه السلام بود نازل شد و پیامبر را بشارت داد که ای محمد ! پروردگار مهربان به سوی تو سرچشمه برکات و خیرات را نازل خواهد کرد و دشمن تو را که بر تو جسارت کرده است خوار و ذلیل نموده و ابتر قرار می دهد. پس پیامبر به شکرانه این وعده الهی نماز گذارد و پروردگار را بر این نعمت با برکت ستود. (۲۲) در جواب آنکه گوید، ابتر است گو که زهرایم عالم برتر است او عطای رب الارباب من است مادر اولاد و انساب من است نسل زهراء برترین نسلهاست ریشه او بهترین اصلهاست هر که گوید نسل پیغمبر کجاست گو درون نسل پاک مرتضی است

### کوثر چیست ؟

وقتی که سوره کوثر بر پیامبر اسلام علیه السلام نازل شد، علی بن ابی طالب علیه السلام به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا؟ کوثر چیست ؟ حضرت فرمود: نهری است که خداوند به من کرامت نموده است . علی علیه السلام عرض کرد: این نهر گرانقدر است ، پس برای ما توصیف کن ای رسول خدا؟ حضرت فرمود: آری ای علی ، کوثر نهری است که از زیر عرش خدای غروجل جاری است ، آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از کره نرم تر است ، سنگیزه هایش زبر جد و یاقوت و مرجان ، گیاهش زعفران ، خاکش مشک و خوشبو و پایه هایش به زیر عرش خداوند استوار است . پس رسول خدا علیه السلام دست به پهلوان امیرالؤمنین علی علیه السلام زد و فرمود: علی جان این نهر از آن من و تو و دوستان تو پس از من خواهد بود. (۲۳) سخن فاطمه علیها السلام به هنگام تولد فاطمه زهرا علیها السلام در آخرین ساعات روز جمعه ، بیستم جمادی الثانی ، سال پنجم بعثت به دنیا آمد. امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که وجود مبارک فاطمه علیها السلام به زمین رسید نوری از آن وجود نازنین ساطع گردید که پرتو آن به تمام خانه های مکه داخل شد، به حدی که همه مکه را روشن کرد. همزمان با آن در آسمان نیز نور روشنی پدیدار گشت که ملائکه و فرشتگان آسمان پیش از آن نوری به این زیبایی ندیده بودند. به مبارکی تولد فاطمه علیها السلام ده فرشته از فرشتگان زیبا روی پروردگار - در حالی که درست هر کدام تشطی از ظروف بهشتی که پر بودند از آب کوثر قرار داشت - به حضور فاطمه علیها السلام شرفیاب شدند و از آن آب به ایشان نوشانده و غسلش دادند. سپس دو جامعه زیبایی سفید، از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوش بوتر، یکی را به بدن نازنین فاطمه علیها السلام پیچیدند و جامعه دیگر را مقنعه او قرار دادند. آنگاه فاطمه علیها السلام را دعوت به سخن گفتن کردند. فاطمه شروع به سخن گفتن کرد و گفت : شهادت می دهم که پروردگار و آفریننده من ، کسی نیست مگر خدای بزرگ و بی همتا، گواهی . می دهم با اینکه پدرم سید و سرور برگزیدگان خدا و رسول خداست و اقرار می کنم به اینکه همسر و جانشین رسول خداست و فرزندانم (حسن و حسین علیه السلام) دو سبط رسول خدایند. پس از آن فاطمه علیها السلام بر هر یک از آن چهار زنانی که خدیجه را در امر زایمان مساعدت کرده بودند با بردن نام ایشان سلام داد و آنها نیز با



شادمانی پاسخ دادند. (۲۴) فاطمه علیها السلام رشد جسمانی خود را آغاز کرد و طوری که در هر روز به اندازه یک هفته و در هفته به اندازه یک ماه و در یک ماه به اندازه یک سال کودکان دیگر رشد می کرد.

### زلزله بزرگ در لحظه ولادت فاطمه علیها السلام

حضرت علی علیه السلام فرمود: در شب تولد نور پاک فاطمه، زلزله عظیمی در مکه اتفاق افتاد که سنگهای بزرگی از کوه ابوقیس جدا شد و بر زمینهای پس و بلند می غلطیدند. آن قدر این زلزله ادامه داشت که ابوطالب بر بالای بلندی رفت و به خداوند عرض کرد: الهی و سدی اساءلک بالحمدیه المحمودیه و العلویه العالیه و بالفاطیمه البیضاء الا تفضلت علی اهل التهامه بالرحمه و الرافه. ای خدا و آقای من. به مقام حمد شده محمدی و مقام بلند علوی و مقام و درخشان فاطمی از او در خواست می کنم که بر اهل مکه بوسیله رحمت و مهربانیت تفضل و احسان نمایی. به این ترتیب ابوطالب در پیشگاه خداوند به ساحت مقدس پیامبر علیه السلام و علی و فاطمه علیها السلام توسل جست و از برکت نام ایشان همان لحظه زمین مکه آرام شد. (۲۵) پس از آن مرم آن کلمات را حفظ کرده و در شراید و بلاها می خواند ولی جهت آن را نمی دانستند. کمک کردن زنان بهشتی در تولد فاطمه طبری در ذخانی العقبی از خدیجه علیها السلام نقل می کند که فرمود: زمان که لحظه تولد فرزندم نزدیک شد به سراغ قابله های قریش فرستادم، تا مرا در امر زایمان مساعدت کنند، ولی چون همسر محمد علیه السلام بودم از آمدن امتناع ورزیدند. در همین هنگام چهار زن بر من وارد شدند که جمال، زیبایی و نورانیت آنان قابل توصیف نیست! یکی از آنان گفت: من مادر تو حوا هستم. دسیگری گفت: من آسیه دختر مزاحم هستم. سومی خود را کلثم خواهر موسی معرفی کرده و چهارمی گفتن من مریم دختر عمران، مادر عیسی هستم، آمده ایم تا در امر زایمان، تو را کمک کنیم. پس از آنکه فاطمه (ع) به دنیا آمد نور جمالش فضا را روشن و منور ساخت و بر آنان با ذکر نامشان سلام کرد و در همان لحظه تولد به یگانگی خداوند، رسالت پدرش، امامت شوهر و فرزندانش شهادت داد. (۲۶) چه خوب سروده است شاعر: خجلا- من نور بهجتها تتواری الشمس بالشفق از خجالت در بخشش نور او خورشید، هر بامداد در پوشش شفق، پنهان می شود. و حیاء من شمائلها یتغلی الغصن بالورق و از شرم شمایل و اوصاف او شناخته های درختان، خود را به زیر برگها گشیده و قامت خود را بدان پوشیده و پنهان می دارند.

### اعمال روز تولد حضرت فاطمه علیها السلام

در مفاتیح الجناح شیخ عباس قمی (ره) آمده است که: سال پنجم یا دوم او بعثت و ولادت و با سعادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام واقع شده و در آن روز چند عمل مناسب است. اول: روزه دوم: خیرات و صدقات بر مؤمنین. سوم: زیارت آن حضرت که چنین است: یا ممتحنه امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لما امتحنک صابره و زعمنا انا لک اولیا و مصدقون، و صابرون لکل ما اتانا به ابوک، و اتی به وصیه، فانا نسئلك ان کنا صدقتاک الا الحقنا بتصدیقنا لهما لنبشر انفسنا بانا قد طهرنا بولایتک و مستحب است در ادامه بگوید: اسلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک یا بنت الله... ای آنکه خدایی که تو را خلق کرد پیش از خلقت بیازمود و در آن آزمایش بر هر گونه بلا و مصیبت تو را شکبیا و بردبار گردانید و ما چنین پنداریم که دوستان شما هستیم و مقام بزرگی شما را تصدیق می کنیم و بر هر دستور و تعلیم الهی که پدر شما و وصیش که درود حق بر او باد برای ما آورد صبور و مطیع خواهیم بود پس ما در خواست می کنیم هرگاه که مصدق و مؤمن به شما هستیم که ما را به واسطه این تصدیق به رسول و وصیش خدا به شما ملحق فرماید تا به ما مژده رسد که بواسطه دوستی شما ما را از گناهان پاک سازد.

### نام فاطمه علیها السلام را خدا بر او نهاد

از امام باقر العلوم علیه السلام روایت کرده اند که: زمانی که فاطمه زهراء علیها السلام پا به جهان خدای متعالی فرسته ای را امر فرمود تا این نما (فاطمه) را بر زبان رسول مکرم جاری نماید، سپس خداوند خطاب به فاطمه علیها السلام فرمود: من شیر را به وسیله علم در وجود تو قطع کردم (۲۷) و تو را از ناپاکی باز داشتم. امام باقر علیه السلام در ادامه می فرماید: والله خدای تبارک و تعالی این بانو را از علم مملو ساخت و او را از ناپاکیهای زنان در میثاق ذر (که خداوند از همه خلائق پیمان (۲۸) پاک گرفت) پاک و پاکیزه تر قرار داد. فاطمه حوریه ای انسان نما از امام صادق علیه السلام روایت است که رسول خدا علیها السلام فرمود: ای مدرم آیا می دانید چرا فاطمه علیها السلام آفریده شده است؟ عرض کردند: خدا و رسول او بهتر می دانند پیامبر علیه السلام فرمود: خلقت فاطمه حوراء انسیه لا انسیه فاطمه یک بانوی بهشتی انسانی است اما انسان نیست. او از عرق جبرئیل و موهای ریز او آفریده شده است. سپس فرمود: آن زمان که من به معراج رفتم جبرئیل سیبی از بهشت از طرف پروردگار برای من هدیه آورد. جبرئیل آن سیب را به سینه خود چسبانید به طوری که عرق سیب و عروق جبرئیل یکی شده بود. آنگاه بر من سلام کرد و من جوان دادم. جبرئیل گفت: خداوند این سیب را از بهشت برای تو هدیه فرستاده، آن را بخور. پس من آن را شکافتم، ناگهان نور درخشانی از آن درخشید که من از آن در شگفت شدم. جبرئیل گفت: بخور این نور منصوره، فاطمه می باشد، گفتم: منصوره چه کسی است؟ جبرئیل گفت: بانویی است که از صلب تو خارج می گردد. نام او در آسمان منصور و در زمین فاطمه است. (۲۹)

### فصل سوم: در منزل پدر

#### من هرگز پدر را رها نخواهم کرد

هنگامی که خواهران حضرت فاطمه علیها السلام ازدواج کردند و به خانه شوهر رفته بودند، فاطمه به دامن مادرش (که هنوز زنده بود) چسبیده و گفت: مادر! من دوست نمی دارم به خانه دیگر بروم، من هیچ گاه از شما جدا نمی شوم. خدیجه علیها السلام با لبخندی سرشار از ستایش پاسخ داد: این را همه می گویند، ما نیز می گفتیم. بگذار وقتش برسد! اما فاطمه علیها السلام در حالی که مادر ساکت بود با اصرار گفت نه، من هرگز پدر را رها نخواهم کرد هیچ کس نمی تواند مرا از او جدا کند. (۳۰)

#### فاطمه در محاصره اقتصادی

یکسال از عمر نازنین در دانه پیامبر علیه السلام سپری شده بود که پیامبر علیه السلام و اصحاب او، به دلیل فشارهای روحی و شکنجه های کفار بر مسلمانان و تصمیم سران کفار بر قتل پیامبر علیه السلام، تصمیم بر ترک مکه گرفته و به دره ای بیرون از مکه در محلی که به آن شعب ابی طالب می گفتند، حرکت کردند. فاطمه علیها السلام رشد و نمای خود را در تنگنای شعب سپری نمود. او می دید که خویشان ابوطالب و دوستداران پدر و روزها پیرامون او و شبها تا صبح از خیمه پدر حراست می نمودند. وقتی که کودکان هم سن او در ناز و نوازش و رفاه بودند، او بر روی ریگهای داغ بیابان مکه راه می رفت و در سختی و رنج بزرگ می شد. نگاهی که او را از شیر مادر گرفتند، نه تنها غذا مخصوصی برایش نبود، بلکه خوراک معمولی هم یافت نمی شد. فاطمه علیها السلام پایان دوران شیرخوارگی، راه رفتن، سخن گفتن، و آداب ابتدایی زندگی را به همراه پدر و مادر و دیگران مسلمانان به مدت سه سال دوشوارترین شرایط در شعب ابی طالب گذارند. هنوز گرد و غبار مشکلات و سختیهای دوران شعب از رخسار رسول خدا و فاطمه علیها السلام زایل نشده بود که خدیجه در سن شصت و پنج سالگی به سختی بیمار شد. خدیجه از این بیماری بر نخاست و فاطمه را که پنج سال بیش نداشت با پدر گرامیش تنها گذاشت. آن سال به جهت فوت ابوطالب و خدیجه سال غم و اندوه نام گرفت کفن خدیجه علیها السلام را از بهشت آوردند خدیجه همسر گرامی پیامبر علیه السلام به وسیله فاطمه علیها السلام

از پیامبر خواهش کرد تا همان عبايي را که در حین نزول وحی به سر می کشید کفن او قار دهد. پیامبر علیه السلام نیز عبا را برای خدیجه داد، در همین هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: یا رسول الله سلام بر تو و خدیجه باد، خدایت می فرماید: خدیجه هر چه مال داشت در راه ما داد، تو عباد خود را نگه دار، من کفن خدیجه را از بهشت آوردم و آن کفن رحمت و مغفرت است. (۳۱)

### فاطمه علیها السلام در فراق مادر

خدیجه کبری، ملکه عرب، در نجابت و جلالت شهرتی بسزا داشت. در جود و بخشش و کرم افضل بانوان عرب بود. خدیجه بهترین مونس و انیس پیغمبر، قویترین مددکار روزهای سختی او بود. از بذل مال دریغ نکرد و با آن قدرت مالی و شهرت مقامی که داشت از هر لحاظ خود را در اختیار پیامبر و آرمانهای او گذاشت. به این جهت رسول خدا علیه السلام بسیار او را دوست می داشت و جبرئیل در اکثر مواقع که نازل می شد به خدیجه سلام می رساند. در سال دهم بعثت زمانی که هنوز بیش از یک سال از رهایی پیغمبر و یارانش از محاصره شعب نگذشته بود که خدیجه و ابوطالب به فاطمه کمی از یکدیگر از دنیا رفتند. خدیجه از دنیا رفت در حالی که فاطمه علیها السلام پنج ساله بود و در این سن، تحمل درد یتیمی برای فاطمه علیها السلام بسیار سخت بود. چون خدیجه از دنیا رفت، پیامبر خدا به همراهی اصحاب، او را با احترام بسیار تشیع کرده و برای خاکسپاری به قبرستان حجون آوردند. پیامبر علیه السلام خود به درون قبر رفت و خدیجه علیها السلام را که یادگار سالهای رنج و مجاهدت او بود به خاک سپرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: وقتی که خدیجه از دنیا فاطمه علیها السلام کودک خرد سالی بیش نبود او از نبود مادر اظهار دلنگی می نمود و از همگان سراغ مادر را می گرفت. سراغ پدر رفت و دامان پدر را گرفته، به دور او گشت و گفت: یا ایتاه امی ای پدر جان، مادرم کجاست؟ پیامبر علیه السلام نتوانست جواب او را بدهد، قدری ساکت شد، در همین لحظات فرشته وحی نازل شد و از طرف پروردگار جل و علا- برای فاطمه پیام آورد که: ان ربک یاءمرک ان تقرأ علی فاطمة السلام ای رسول خدا! پروردگارت فرمان می دهد که بر فاطمه علیها السلام سلام برسانی و به او بگویی که: ان امک فی بیت من قصب کعبه من ذهب و عمده من یاقوت احمر، بین آسیه امراه فرعون و مریم بنت عمران... مادرت در کاخی از مروارید که اطاقهایش از طلا و ستونهایش از یاقوت سرخ است جای دارد. او در کنار آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران دو زن از زنان برگزیده عالم میهمان نعمتهای پروردگار است. پیامبر (ص) پیغام پروردگار را به فاطمه علیها السلام ابلاغ کرد. فاطمه که دریای معرفت و دانش و بینش بود با شنیدن پیغام پروردگار آرام گرفت و گفت: ان الله هو السلام و منه السلام و الیه السلام پروردگار من خوند سر منشاء و آغاز سلام است، سلام مخصوص اوست و به او باز می گردد. سپس سر را به دامان پدر گذارد و رضایت خود را بر رضایت پروردگار اعلام کرد. (۳۲) فاطمه علیها السلام ابوجهل را دشنام می دهد. ابن مسعود روایت کرده که: روزی پیغمبر خدا علیه السلام نزدیک خانه کعبه نماز می خواند و ابوجهل و جمعی از مشرکان دیگر در کناری نشسته بودند ابوجهل رو به اطرافیان خود کرده و گفت: کیست که اکنون برخیزد و شکنجه ای از شتران فلان قبیله را که دیروز نحر کرده اند بیاورد و همین که محمد به سجده رفت بر سر او گردن او بیفکند؟ یکی از مشرکین که در آنجا حضور داشت انجام این کار را به عهده گرفت و این کار را انجام داد. ابوجهل و اطرافیان او در حالی که نظاره گر صحنه بودند می خندیدند و به صورت تمسخر به یکدیگر نگاه کردند. پیامبر همچنان در سجده بود تا آنکه شخصی خود را به منزل پیامبر علیه السلام رسانید و فاطمه علیها السلام را از ماجرا با خبر کرد، فاطمه علیها السلام که در آن زمان دختر کوچکی بود به سرعت خود را به مسجد رسانده و آن شکنجه را از روی پدر برداشت و سپس رو به ابوجهل و اطرافیان او کرده و به سختی آنان را دشنام داد. (۳۳)

چون آیه شریفه النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم ؛ (۳۴) نازل شد، بر حسب این آیه زنان رسول خدا کنیه ام المؤمنین یافته و بدان مفتخر شدند. حضرت زهرا علیها السلام نزد پدر آمد و تقاضای افتخاری کرد، پیامبر علیه السلام او را در آغوش گرفت و نوازش کرد و فرمود: اگر زنان من مادر مؤمنین هستند تو مادر منی . (۳۵) شدت علاقه رسول خدا علیه السلام به فاطمه علیها السلام به حدی بود که او را ام ابیها؛ مادر پدر خود به معنی مادر پدرش خطاب می فرماد. امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت باقرالعلوم علیه السلام روایت کرده است که فرمود: ان فاطمه علیها السلام کانت تکنی ام ابیها همانا فاطمه علیها السلام به ام ابیها کینه گرفت . (۳۶) این کینه مستقیماً توسط شخص پیامبر علیه السلام خطاب به فاطمه به کار می گرفته است . فاطمه علیها السلام ثمره شجره طیبه نبوت و نتیجه خلقت و حاصل عمر پیامبر علیه السلام در همه حال غمخوار پدر بود. وقتی که مشرکین مکه پیامبر را آزار و اذیت می کردند و گرد و خاک و شکمبه حیوانات بر روی پیامبر می ریختند، این فاطمه بود که غبار غم از چهره پدر می شست و با محبتهای خود نسبت به پدر مکنی به کنیه ام ابیها شد، یعنی دختری که مثل مادر است برای پدرش !

### داستان هجرت

می دانیم رسول اکرم علیه السلام در جریان هجرت و پیش از حرکت و خروج از مکه ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مأمور کرد تا در بستر او بخوابد و به سفارشهایش عمل نماید و به همراه زنانی که باقی مانده بودند به آن جناب ملحق شوند. زنانی که در هجرت علی علیه السلام از مدینه به مکه همراه او بودند عبارت از: حضرت فاطمه علیها السلام فاطمه بنت اسد، فاطمه دختر حمزه و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب . حضرت علی علیه السلام در راه هجرت به مدینه وقتی به منطقه ای به نام ضحجان رسید، با هشت نفر از شجاعان قریش که آنها را تعقیب می کردند و برخورد نمود، به آنها حمله ور شد و متفرقشان کرد. در برخی از کتب سیره آمده است که حویرث بن نقید بن عبد قصى ، یکی از سوار کارانی بود که قریش او را به تعقیب حضرت علی علیه السلام و همراهانش فرستاده بود، وی بر شتری که حضرت زهرا علیها السلام و یکی از بانوان دیگر به نام فاطمه بر آن سوار بودند، حمله کرده و حضرت زهرا علیها السلام را بر زمین انداخت ، حضرت که بر اثر صدمات روحی وارد شده پیش از هجرت ، به ویژه پس از رحلت مادر بزرگوارش بسیار ضعیف گشته بود، از این ضربه صدمه دید. حضرت علی علیه السلام و همراهان او، یک شبانه روز در ضحجان ماندند که در این توقف عده ای دیگر از مسلمانان از جمله ام ایمن کنیز حضرت رسول علیه السلام به آنها ملحق شدند. در آن شب ، در پیشگاه پروردگار نماز به جای آورده و تا صبح مشغول راز و نیاز و ذکر و دعا با خلق کردگار شده و پس از برپایی نماز صبح به جماعت ، حرکت خود را آغاز نمودند. این گروه از مهاجرین ، منزل همین مراسم عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت را انجام می دادند تا اینکه وارد مدینه شدند. پیش از رسیدن آنان به مدینه آیه : الذین یدکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبها و یتفکرون فی خلق السوات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار... فاستجاب لهم ربهم انی لا اضعی مل عامل منکم من ذکر او انثی (۳۷) در شائن آنان نازل شد که مراد از مرد در آیه شریفه حضرت علی علیه السلام وزن حضرت فاطمه علیها السلام می باشد (۳۸)

### فاطمه غمخوار پدر

در سال دهم بعثت ابوطالب و خدیجه ، در فاطمه کوتاهی یکی پس از دیگری از دنیا رفتند، این دو حادثه ناگوار به قدری در روح بزرگ پیغمبر تأثیر کرد که آن سال را سال غم و اندوه نامیده . دشمنان رسالت پیامبر علیه السلام وقتی که مشاهده کردند مدافع او، یعنی ابوطالب از دنیا رفته است ، شروع به آزار و اذیت او پرداختند. روزی یکی از مشرکین مکه پیامبر (ص) را در کوچه ملاقات کرد، مقداری خاکروبه و آشغال بر سر و صورت آن جناب پاشید، پیامبر علیه السلام چیزی نگفت و با همین حال وارد خانه

شد. فاطمه علیها السلام به استقبال پدر شتافت، آب آورد و با چشم گریان سو و صورت پدر را شست پیامبر علیه السلام فرمود: دخترم! گریه نکن، مطمئن باش که خدا پدرت را از شر دشمنان محفوظ می‌دارد و پیروز می‌گرداند. (۳۹)

## فصل چهارم: ازدواج

### جمال دل آرای فاطمه

انس بن مالک می‌گوید: فاطمه علیه چ مانند شب چهارده بود یا مانند خورشیدی که ابرگردا گرد او را گرفته باشد و از ابر بیرون آید. سفید چهره ای که، سفیدی وی آمیخته با سرخی بود، با موئی بسیار سیاه و شبیه ترین مردم به رسول خدا علیه السلام مادر انس فاطمه را اینگونه توصیف می‌کند: فاطمه علیها السلام همچون ماه شب چهارده بود، همچون خورشیدی که پشت ابر به زیبایی نور افشانی می‌کند، یا همچون لحظه ای که ماه با تمام شکوه از پشت ابر بیرون می‌آید. فاطمه سپید رو و وجیه، همواره تبسم دلنشین و نمکین بر لبی داشت و هنگام تبسم دندانهای سپید و مرتب و زیبایش بسان دانه های مروارید که در رشته ای ردیف شده باشند نمایان می‌گشت. پیامبر علیه السلام در این باره فرمود: او را همچون خود ندانید، فاطمه حوریه ای است در لباس انسان. من هر زمان مشتاق بهشت می‌شوم او را می‌بوسم. فاطمه زهرا علیها السلام گل است. (۴۰) همچنین نقل کرده اند که: امام حسین علیه السلام در جریان خواستگاری حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام از دختر امام حسین علیه السلام (فاطمه یا سکینه)، در جواب فرمود: من فاطمه را رای تو اختیار می‌کنم، زیرا شباهت بیشتری به مادرم فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا علیه السلام دارد. او در دیانت تمام شب را بیدار بوده و روز را روزه می‌گیرد و شکل و جمال شبیه حورالعین است. (۴۱)

### خواستگاران فاطمه علیها السلام

عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان که هر دو از ثروتمندان بزرگ بودند، به عزم خواستگاری نزد رسول خدا علیه السلام آمدند. عبدالرحمن عرض کرد: ای رسول خدا! اگر فاطمه علیها السلام را به همسری من در آوری حاضرم یک صد ستر سیاه با چشمانی آبی و بارهایی از پارچه های کتان اعلای مصری به همراه ده هزار دینار پول مهریه اش کنم! عثمان عرض کرد: با توجه به امتیازی که من بر عبدالرحمن از جهت پیش قدمی و سابقه بیشتر در اسلام دارم، حاضرم همین مهریه را پردازم. پیغمبر اسلام علیه السلام از سخن آنان سخت خشمناک شد و برای آنکه به آنها بفهماند من به مال شما علاقه ای ندارم و داستان ازدواج فاطمه علیها السلام داستان خرید و فروش و مبادله ثروت نیست، بلکه امری است خدایی، مثنی سنگ ریزه برداشته و به طرف عبدالرحمن پاشید و فرمود: تو خیال می‌کنی من بنده پول و ثروتم، که بوسیله ثروت خود بر من فخر و مباهات می‌کنی و می‌خواهی بوسیله پول ازدواج را بر من تحمیل کنی؟ در نقل ابن شهر آشوب به دنبال آن آمده که آن سنگریزه ها را وقتی پیش عبدالرحمن ریخت به صورت مرجان و جواهرات قیمتی در آمد، که هر یک از آنها به اندازه قیمت تمام ثروت او بود. پیامبر بدین وسیله به او فهماند که احتیاجی به این پولها ندارند. (۴۲) علی علیه السلام همتای فاطمه علیها السلام امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت می‌کند: پیامبر اکرم علیها السلام به من فرمود: ای علی! عده ای از بزرگان قریش مرا در مورد فاطمه علیها السلام سرزنش کرده و گفتند: ما فاطمه را از تو خواستگاری کردیم و موافقت نمودی و او را به علی علیه السلام دادی. به آنان گفتم: به خدا سوگند، من به نظر شخصی خودم او را به همسری علی در نیاوردم، بلکه خداوند با ازدواج شما مخالفت و با ازدواج علی علیه السلام موافقت فرمود. جبرائیل بر من نازل شده و گفت: ای محمد علیه السلام! همانا خداوند عزوجل می‌فرماید: اگر علی علیه السلام را نمی‌آفریدم برای دخترت فاطمه همتا و همسری در روی زمین وجود نداشت، از آدم گرفته تا پایین

تر از او. (۴۳)

## ازدواج دو نور

خوارزمی به سند خود از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: رسول خدا علیه السلام در خانه ام سلمه بود که فرشته ای بایست سر که هر سری هزاران زبان داشت (۴۴) و با هر زبان به زبانی مستقل خدا را تسبیح و تقدیس می کرد، فرود آمد. کف دست او از گسترده هفت آسمان و زمین پهناورتر بود. پیامبر علیه السلام پنداشت که جبرئیل است. پرسید: جبرئیل! تا کنون با این شکل بر من فرود نیامده ای؟ عرض کرد: من جبرئیل نیستم، من صرصائلم. خدا مرا به سوی شما فرستاد تا پیام دهم که نور را به نور تزویج فرمایی. پیامبر (ع) فرمود: چه کسی را به چه کسی؟ عرض کرد: دختری فاطمه را به علی بن ابی طالب. پیامبر علیه السلام دید که در میان دو شانه صرصائیل نوشته شده است: هیچ معبود به حقی جز خدا نیست، محمد رسول خدا و علی بن ابی طالب به پا دارند حجت خداوندی است. پیامبر علیه السلام پرسید: صرصائیل! از چه زمانی این کلمات میان دو شانه ات نوشته است؟ عرض کرد: دوازده هزار سال پیش از آنکه خدا دنیا را بیافریند. (۴۵)

## مراسم خواستگاری

ابوبکر و عمر و چند تن از ثروتمندان بزرگ، حضرت فاطمه علیها السلام را از پیامبر خواستگاری کردند، ولی پیامبر علیه السلام به همه آنها جواب رد داد و فرمود: فاطمه علیها السلام هنوز کوچک است و تعیین همسر او با خداست، من نیز منتظر فرمان خدایم. اصحاب رسول خدا علیه السلام احساس کرده بودند که پیغمبر میل دارند فاطمه را به علی کابین ببندد. یعنی نور را بانور. یک روز ابوبکر، عمر، سعد بن معاذ و گروهی دیگر در مسجد نشسته بودند و با هم در مورد خواستگاری از حضرت فاطمه علیها السلام صحبت می کردند و می گفتند: علت خواستگاری نکردن حضرت علی از حضرت فاطمه تهدیستی او می باشد. سپس با هم به سراغ علی رفته و حضرت را در نخلستان یکی از انصار که با شتر آبکش، درختان خرما را آبیاری می کرد پیدا کردند. به او گفتند: یا علی! تو در تمام کمالات بر سایرین برتری داری و از علاقه رسول خدا علیه السلام به خودت آگاهی، اشراف و بزرگان قریش برای خواستگاری از فاطمه علیها السلام رفتند ولی پیامبر دست رد سینه آنها زد، گمان می کنیم که خدا و رسول فاطمه را برای تو قرار داده اند. شخصی دیگری قابلیت این افتخار را ندارد. علی علیه السلام فرمود: ای ابابکر! احساسات و خواسته های درونی مرا تحریک نمودی، به خدا سوگند من نیز خواستگار فاطمه ام، ولی از مال دنیا چیزی ندارم، ابوبکر عرض کرد: یا علی! تو می دانی که اموال دنیا در نظر خدا و رسول او ارزشی ندارد. پیشنهاد ابوبکر روح علی علیه السلام را تکان داد و عشق درونی او را شعله ور ساخت. به منزل آمد، بدنش را شستشو داد و عبای تمیزی بر تن کرد و به خدمت رسول خدا شتافت. پیامبر در منزل ام سلمه تشریف داشت. علی علیه السلام در زد. پیغمبر به ام سلمه فرمود: در را باز کن. کوبنده در شخصی است که خدا و رسولش او را دوست دارند و او هم خدا و رسولش را دوست دارد. علی علیه السلام وارد منزل شد، سلام کرد و در حضور پیامبر نشست و از خجالت شرش را به زیر انداخت. پیامبر علیه السلام سکوت را شکست و فرمود: یا علی! گویا برای حاجتی نزد من آمده ای که از اظهار آن خجالت می کشی؟ عرض کرد: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد، من در خانه شما بزرگ شدم و از الطاف شما برخوردار گشتم و به برکت وجود شما هدایت شدم. یا رسول الله! اکنون موقع آن شده که برای خودم همسری انتخاب کنم، اگر صلاح می دانید که دختری فاطمه علیها السلام را به عقد من در آوری سعادت بزرگی نصیب من شده است. رسول خدا علیه السلام که در انتظار چنین پیشنهادی بود، صورتش از سرور و شادمانی بر افروخته شد و فرمود: صبر کن تا از فاطمه اجازه بگیرم. پیامبر علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام رفت و فرمود: دخترم! علی را به خوبی می شناسی، برای خواستگاری تو آمده است، آیا



اجازه می دهی تو را به عقدش در آورم؟ خدا از آسمان اجازه عقد فرموده است. فاطمه علیها السلام از خجالت سکوت کرد و چیزی نگفت. (۴۶) پیامبر علیه السلام سکوت او را علامت رضایت دانست و به نزد علی علیه السلام آمد و بالبی خندان فرمود: یا علی! یا عروسی چیزی داری؟ (۴۷)

### مراسم عقد فاطمه علیها السلام در بهشت

خورزمی در مناقب می نویسد: قبل از عقد علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در زمین، جبرئیل خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: خداوند، تو وزیر و دامادی اختیار فرمود (اراده کرده) دخترت فاطمه را به عقد او در آورد. پیغمبر علیه السلام پرسید او کیست؟ عرض کرد: پسر عم تو در نسب و برادر تو در دنیا. نامش علی بن ابیطالب است. سپس جبرئیل عرض کرد: یا رسول الله! خداوند امر فرمود: بهشت را زینت کنند، درختان آن میوه آورند و حوریان بهشتی جمال خود را به زیورها آرایش نمایند ملائکه در حوالی بیت المعمور جمع شدند و منبری از نور که آدم در روز عرض اسماء (۴۸) بر آن بالا رفت نصب نمودند. آنگاه جبرئیل گفت: بر من چنین وحی شد: من عقد بستم نیزک خود فاطمه را به علی بن ابیطالب و تو نیز برای ملائکه عقد نکاح را بخوان. من عقد نکاح را بر فراز منبر نور خواندم و ملائکه را شاهد این ازدواج گرفتم. پس از اتمام عقد، به درخت طوبی امر شد که میوه خود را بر ملائکه نثار کند. او با حرکتی میوه هایش را ریخت و ملائکه و حورالعین از آن جمع نموده و از این نصیب به خود افتخار کردند. من (جبرئیل) اینک مأمور شدم که به تو ابلاغ کنم تا در زمین نیز عقد ازدواج میان آن دور را منعقد گرانی (۴۹)

### خداوند ولی عقد فاطمه در آسمان

از انس بن مالک روایت شده است که است: در جریان خواستگاری عبد الرحمن بن عوف زهری و عثمان بن عفان از حضرت فاطمه علیها السلام پیشنهاد کردند که صد ناقه سیاه چشم کبود با ده هزار دینار مهریه او قرار می دهند. در همان لحظه، جبرئیل نازل شد و گفت: ای احمد، خداوند متعال به تو سلام رسانده و می فرماید: به سوی علی حرکت کن و به نزدش برو، زیرا مثل او مثال کعبه است که همگی به سوی آن می روند، اما آن به سوی کسی نمی رود. خداوند به من دستور داده تا به رضوان بهشت دستور دهم چهار طرف بهشت را آذین بندد و به درخت طوبی و سدره المنتهی دستور دهم تا جایی که می توانند خود را به زر و زیور بیاریند و به حورالعین امر کنم تا خود را زینت دهند و زیر درخت طوبی و سدره المنتهی بایستند. به یکی از فرشتگان به نام راحیل دستور داد که بر ساق عرش حاضر شود. هنگامی که همه فرشتگان حاضر شدند، به من امر فرمود منبری از نور بر افرازم و به راحیل دستور داد بر بالای منبر رود و خطبه ازدواج را ایراد کند و فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام در آورد. مهریه آن حضرت را خمس اموال دنیا قرار داد که تا روز قیامت متعلق به او و فرزندانش باشد. من و میکائیل شهود، و خداوند ولی عقد بود. به درخت طوبی و سدره المنتهی دستور داد که تمام عطرها و زیورهای خود را بر سر آنان بیفشانند و به تو نیز امر فرموده که در روی زمین فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام در آوری (۵۰)

### حضرت زهرا علیها السلام مصداق آیه مرج البحرين يلتقیان

کلیه مفسرین، محدثین و مورخین فریقین در اسلام در شائن نزول آیه مرج البحرين يلتقیان برزخ لا بیغیان فبای آلا ربکما تکذبان یخ رج منهما اللؤلؤ و المرجان (۵۱) گفته اند که درباره تلاقی بحر نبوت و ولایت، تعیین ازدواج حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام نازل شده است. از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که: مراد از آیه مرج البحرين يلتقیان تلاقی دریای نبوت و ولایت به واسطه بحر عصمت و طهارت است. این دریای عمیق، متوازی السطح بوده و برزخ آنها شخصیت رسول

الله است که زودتر از جهان رحلت می فرماید. از آسمان ولایت باران رحمت در زمین عصمت و طهارت می بارد و مراد از لؤلؤ و مرجان امام حسن و امام حسین علیه السلام هستند که از آن مهد عصمت و طهارت به وجود می آیند. این دو دریای عمیق هیچ یک بر دیگری طغیان نمی کنند. بر اساس همین حقیقت، رسول خدا علیه السلام شخصا در شب زفاف بین این دریای نبود و ولایت نشست و دست فاطمه علیها السلام را گرفت و در دست علی علیه السلام گذاشت و واسطه تلاقی این دو دریای عمیق مواج هدایت و ارشاد شد. (۵۲)

### ازدواج آسمانی

وقتی که علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را از رسول خدا خواستگاری کرد، پیامبر مسرور و شادمان شد، تبسم نمود و فرمود: آیا برای این امر چیزی داری؟ علی علیه السلام عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما یا رسول الله! من چیزی را از شما پنهان نمی کنم، تمام دارائیم یک شمشیر، یک زره و یک شتر آبکش (یا اسب) است و جز اینها چیزی ندارم. (۵۳) رسول خدا علیه السلام فرمود: شمشیر برای تو لازم است، زیرا تو مرد جنگ حتی و با آن در راه خدا جهاد می کنی. شتر نیز از لوازم زندگی است که باید با آن آبکشی نمایی و برای اهل و عیال خود کسب روزی کنی و در مسافرتها برای باربری استفاده اش کنی، زره را به عنوان مهر زهراء علیه السلام می پذیرم. سپس فرمود: یا علی! آیا می خواهی تو را را بشارتی بدهم؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله! پدر و مادرم فدای شما باد. فرمود: تو را بشارت باد که خدای تعالی فاطمه را در آسمان به تو تزویج نمود پیش از آنکه من او را در زمین به تو تزویج کنم. (۵۴)

### زمین، مهر فاطمه علیها السلام

ابن عباس از رسول خدا علیه السلام روایت می کند که: آن حضرت به علی علیه السلام فرمود: ای علی خداوند فاطمه را به ازدواج تو در آورد و زمین را مهریه او قرار داد، پس هر کس بر روی زمین راه برود و با تو دشمن باشد راه رفتن او بر روی زمین حرام است. (۵۵) مهریه فاطمه علیها السلام شفاعت از گناهکاران احمد بن یوسف دمشقی در اخبار الدول و آثار الاول می گوید: در خبر وارد شده: زمانی که حضرت رسول اکرم علیه السلام فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام در آورد، مالی اندک را به عنوان صدق تعیین فرمود: فاطمه علیها السلام عرض کرد. ای رسول خدا! دختران مردم نیز شوهر کرده و مقدار کمی به عنوان صدق برایشان تعیین می گردد، پس فرق بین من و آنان چیست؟ از شما می خواهم که مهریه مرا به علی علیه السلام برگردانی و از خدای تعالی بخواهی که مهریه مرا شفاعت گناهان امت تو قرار دهد. پس جبرئیل در حالی که با وی کاغذ کوچکی از حریر بود نازل شد که در آن نوشته شده بود. خدا تعالی مهریه فاطمه را شفاعت گناهکاران از امت پدرش قرار داد. در تاریخ زندگی زندگانی حضرت زهراء آمده است که وقتی به حال احتضار قرار گرفتند، گرفتند، وصیت فرمودند که آن کاغذ کوچک را روی سینه شان، در زیر کفن قرار دهند. به وصیتشان که عمل شد فرمودند: به هنگامی که در قیامت برانگیخته شدم این کاغذ را به دست می گیرم و از گناهکاران امت پدرم شفاعت می کنم همچنین صفوری در نزهة المجالس نقل می کند که: فاطمه زهرا علیها السلام از پدر بزرگوارش رسول اکرم درخواست نمود تا صدق وی را شفاعت رای امت او قرار دهد و این بانوی بزرگوار زمانی که بر صراط می آیند صدق خویشان را طلب کنند. (۵۶)

### مهر حضرت زهراء علیها السلام

۱- یک زره که به مبلغ چهارصد یا چهارصد و هشتاد یا پانصد درهم ارزش داشت. (۵۷) ۲- یک دست لباس کتان یمنی. ۳- یک



پوست گوسفند دباغی نشده .

### مهریه فاطمه علیها السلام در آسمان

شخصی به پیغمبر علیه السلام عرض کرد: ما مهریه فاطمه علیها السلام را در زمین دانستیم چقدر است (مهریه حضرت همان زره علی علیه السلام بود) اما مهریه او در آسمان چقدر بوده؟ پیامبر فرمود: از آنچه به کارت می آید پرس و آنچه را به کارت نیاید واگذار؟ آن شخص اصرار کرد و پیغمبر به او فرمود: مهریه فاطمه در آسمان خمس ۵/۱ زمین تعیین شده، هر کسی در آن قسمت از روی بغض و عداوت نسبت به فاطمه علیها السلام و فرزندان او، راه برود تا روز قیامت بر او حرام است. در حدیث دیگری در مناقب از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرود: مهریه حضرت در آسمان پنج یک یک نیم دنیا و ثلث بهشت و چهار رود از رودهای دنیا، فرات، نیل، نهروان و بلخ مقرر شده است. (۵۸)

### مدت عقد و عروسی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

بعضی از مورخین، فاطمه بین عقد و زفاف را یک ماه و گروهی یک سال نقل کرده اند. در این مدت علی و فاطمه علیها السلام از روی شرم نام همدیگر را بر زبان جاری نمی کردند، تا یک ماه گذشت. یک روز زوجات پیامبر نزد حضرت علی علیه السلام رفته و گفته: چرا در زفاف فاطمه علیها السلام تاخیر می کنی؟ اگر شرم داری اجازه ده ما با پیغمبر علیه السلام در این مورد صحبت کنیم و اجازه عروسی را بگیریم. علی علیه السلام رخصت داد که ایشان با رسول خدا صحبت کنند. چون همه در حضور پیغمبر جمع شدند، اول ام سلمه عرض کرد: یا رسول الله! اگر خدیجه زنده بود خاطرش به زفاف فاطمه علیها السلام مسرور می شد و چشم فاطمه علیها السلام هم به دیدار شوهرش روشن می گشت. علی خواستار همسرش است و ما همه در انتظار این شادمانی هستیم. چون پیامبر علیه السلام نام خدیجه را شنید اشک در چشمش حلقه زد و فرمود: مانند خدیجه کجاست؟ او بانویی بود که مرا تصدیق کرد آن هنگام که همه مرا تکذیب می کردند، او با مالش مرا در دین حق یاری کرد. خداوند به او بشارت داد که در بهشت قصری از زمرد که در آن از همه بلایا مصون است خواهد داشت. زوجات پیامبر عرض کردند: نام خدیجه را به نیکویی نبردیم که باعث ناراحتی شما گردد. پیامبر علیه السلام فرمود: چرا علی خود تقاضای همسرش را نکرد؟ گفتند حیاء مانع در خواست او شده است. پیامبر علیه السلام دستور داد یکی از اطاقها (اطاق ام سلمه) را تمیز و زینت کنند و ام سلمه را مأمور کارهای عروسی و زفاف فاطمه علیها السلام کرد و سرانجام عروسی حضرت زهرا علیها السلام واقع گشت.

### خطبه پیامبر علیه السلام در عقد فاطمه علیها السلام

سپاس خدای را که به نعمتش مورد سپاس و ستایش است و به قدرتش مورد پرستش و در سلطنت و پادشاهش مطاع و فرمانبردار و به آنچه نزد اوست مورد رغبت و میل همگان. آنکه از عذابش همگی ترسان، فرمانش در آسمان و زمین نافذ و روان است. آفریدگان را به قدرتش آفرید و به احکام و فرامین خود آنان را متمایز ساخت و به دین خود ایشان را عزت بخشید و به وسیله پیغمبر خود محمد گرامیشان داشت. به راستی که خدای تعالی پیوند از طریق زناشویی را نسبتی جدید و به صورت امری فرض قرار داد و همگان را بدان ملزم ساخت و این گونه فرمود: اوست که از آب بشری آفرید و آن را نژاد و پیوندی قرار داد و پروردگار تو قدرتمند است (۵۹) پس فرمان خدا به حکم او جریان یابد و حکمش به آنچه مقدر فرموده جاری شود. برای هر حکمتی مقدری و برای هر مقدری و برای هر مدتی و برای هر مدتی مکتوبی است. هر چه را خدا خواهد محو و هر چه را خدا خواهد ثبت می کند و اصل همه کتابها نزد اوست، باری من شما را گواه می گیرم که فاطمه علیها السلام را در برابر چهار صد مثقال نقره به

عقد ازدواج علی علیه السلام در آوردم اگر او راضی باشد. (۶۰)

### خطبه عقد حضرت زهرا علیها السلام

پس از مراسم خواستگاری، پیغمبر علیه السلام به همراه علی علیه السلام به مسجد رفته و به بلال فرمودند: مهاجر و انصار را در مسجد جمع کن. هنگامی که مردم جمع شدند، حضرت بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! آنگاه باشید که جبرئیل بر من نازل شد و از جانب خدا پیام آورد که مراسم عقد ازدواج علی و فاطمه علیها السلام در عالم بالا و در حضور فرشتگان برگزار شده و دستور داده که در زمین نیز آن مراسم را انجام دهم و شما را به آن گواه گیرم. سپس حضرت نشست و به علی فرمود: برخیز و خطبه عقد را بخوان. علی علیه السلام برخاست و فرمود: خدا را بر نعمتهایش سپاس می گویم و شهادت می دهم که به غیر از او خدایی نیست، شهادتی که مرد پسند و رضایت او واقع شود. درود بر محمد علیه السلام، درودی که مقام و درجه اش را بالا برد. ای مردم! خدا ازدواج را برای ما پسندیده و بدان امر نموده است. ای مردم! رسول خدا، فاطمه را به عقد من در آورد و زره ام را از بابت مهر قبول کرد، از آن حضرت پرسید و گواه باشید. مسلمانان به پیغمبر علیه السلام کردند: یا رسول الله فاطمه را با علی کابین بسته ای؟ رسول خدا پاسخ دادند: آری، پس تمام حضار دست به دعا برداشته و گفتند: خدا این ازدواج را بر شما مبارک گرداند و در میان شما دوستی و محبت افکند. (۶۱)

### تزئین اطاق عروسی

حارثه بن نعمان یکی از منازل خود را به علی علیه السلام داد و حضرت علی علیه السلام اطاق عروسی را تزئین کرد. بهتر است بدانیم که اطاق عروس و داماد چگونه تزئین شده بود!! آری مولای متقیان مقداری شن در کف اطاق پهن کرد و چوبی در داخل اطاق نصب فرمود که بر آن مشک و کوزه را آویزان فرمودند. چوب بزرگی را نیز را این دیوار به آن دیوار به عنوان پرده آویزان نمود، و آنگاه پوست گوسفند را بر روی شن کف اطاق پهن نمود و بالشی از برگ خرما روی آن نهاد، این تمام چیزهایی بود که علی (ع) از متاع دنیا و زخارف آن در تزئین اطاق عروسی بهره برده بود. (۶۲) دعای پیامبر علیه السلام در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام وقتی که حضرت فاطمه علیها السلام وارد خانه علی علیه السلام شدند، رسول گرمی اسلام، علی را فرا خواندند و به فاطمه زهراء فرمان دادند تا پیش او بنشیند، آنگاه دست فاطمه علیها السلام را گرفت و در دست علی (ع) نهاد و فرمود: خدا دختر رسولش را بر تو مبارک فرماید. ای علی! این فاطمه امانت من است نزد تو. ای علی! این فاطمه علیها السلام بهترین همسری است که تو می توانستی انتخاب کنی و ای فاطمه! این علی علیه السلام برترین شوهری است که امکان داشت نصیب تو گردد. سپس فرمود: پروردگارا! نیکبختی خود را برای آن دو و در دو فرزندشان قرار بده پروردگارا! این دو، محبوب ترین مخلوق نزد من هستند. خدایا! آن دو را دوست بدار و من اینان را به تو می سپارم و فرزندان آنان را نیز از شر شیطان رانده شده در پناه تو قرار می دهد. (۶۳)

### اسماء بنت عمیس (۶۴) عهده دار شب زفاف فاطمه علیها السلام

خدیجه کبری در بستر مرگ بود و آه می کشید و گریه می کرد. اسماء بنت عمیس به ایشان گفت: آیا گریه می کنی و حال آنکه تو سیده زنان هستی و همسر رسول خدایی، و کسی هستی که پیامبر به وی بهشت را بشارت داده است. خدیجه فرمود: گریه من برای آن است که فاطمه ام کوچک است و من از دنیا می روم و شب عروسی او را نمی بینم، همان شبی که هر دختری نیاز دارد تا زنی همراهیش کند و وظایف وی را به او گوشزد نماید. از آن می ترسم و اندوهگینم که در آن شب زنی نباشد تا فاطمه را

همراهی کرده و همدمش باشد. اسماء گفت: این امر به عهده من، با خدا پیمان می بندم که اگر تا آن وقت زنده ماندم وظیفه شما را در برابر فاطمه زهراء علیها السلام انجام دهم. (۶۵)

### یاد قبر قیامت در شب عروسی

شب ازدواج و آغاز لحظه های شروع یک زندگی تازه برای هر زن و مردی شیرین و خاطره انگیز است. بسیاری این لحظه های شیرین را به انواع گناه آلوده می کنند، اما ببینیم کاملترین زن، الگوی بانوان جهان حضرت فاطمه علیها السلام در شب عروسی چه حالتی دارد؟ و زندگی مشترک خود با همسرش را چگونه شروع می نماید؟ علی علیه السلام در شب عروسی، همسر گرامیش فاطمه را نگران و گریان دید، پرسید، فاطمه! چرا ناراحتی؟ پاسخ داد: یا علی! پیرامون حال و رفتار خویش فکر کردم. به یاد پایان عمر و قبر خویش افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. پس تو را به خدا سوگند می دهم که بیا تا به نماز بایستیم و با هم در این شب خدا را عبادت کنیم. (۶۶)

### پیراهن عروسی به بینوایی هدیه می شود

حضرت زهرا علیها السلام که دارای پیراهنی وصله دار بود، رسول خدا علیه السلام در شب عروسی و زفاف فاطمه علیه السلام، پیراهن تازه ای را برای او تهیه فرمود. سائلی بر در خانه شد و گفت: من از خاندان نبوت پیراهن کهنه ای می خواهم. حضرت خواست پیراهن وصله دار خود را به او دهد، به یاد این آیه شریفه افتاد که خداوند متعال می فرماید: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ (۶۷) هرگز به مقام نیکوکاران نخواهید رسید تا اینکه از آنچه که دوست دارید، انفاق کنید. بنابراین پیراهن نو خود را به او داد. هنگام زفاف که فرا رسید. جبرائیل به همراه هدیه ای از لباسهای بهشتی که از سندس سبز بود نازل شده و گفت: ای محمد! همانا خداوند به تو سلام می رساند و به من دستور داده که بر فاطمه علیها السلام سلام کنم. می خواهم این لباس را به او بدهم. حضرت سلام خداوند را به فاطمه علیها السلام ابلاغ نمود و پیراهنی را که جبرئیل آورده بود بر او پوشانید. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) عبادی خود را نیز بر او پیچاند و جبرئیل او را با بالهای خود در بر گرفت تا نور آن پیراهن چشمان را خیره نکند. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام - با چراغی که به همراه داشت - در بین زنان کافر که هر یک شمعی به همراه خود داشتند نشست، جبرائیل بال خود را به یک سوزد و عبا را برداشت، انواری از او تابید که مشرق و مغرب را روشن ساخت، با تابش نور بر دیدگان زنان کافر، کفر از دلهای آنان بر طرف شده و همگی شهادتین گفتند. (۶۸) خداوند تو را از لغزشهای دنیا و آخرت ننگه دارد. شب زفاف فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و رسول خدا علیه السلام کاسه ای طلیید و غذایی در آن نهار و فرمود: این متعلق به فاطمه و همسرش می باشد هنگامی که خورشید غروب کردت به ام سلمه فرمود: فاطمه را بیاور. ام سلمه می گوید: رفتم و دست فاطمه را گرفته، در حالی که دامنش بر زمین کشیده می شد و عرق شرم و خجالت از چهره اش جاری بود، او را نزد حضرت آوردم. به خدمت حضرت که رسید، از شدت خجالت پایش لغزید. رسول خدا علیه السلام فرمود: خداوند تو را از لغزشهای دنیا و آخرت ننگه دارد. پیش روی حضرت که قرار گرفت، حضرت چادر از صورتش به یک سوزد تا علی چهره او را ببیند. (۶۹) سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دست فاطمه را گرفت و در دست علی علیه السلام گذاشت و فرمود: بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللهِ... خداوند در مورد دختر رسول خدا به تو برکت دهد. ای علی، فاطمه همسر نیکی است، وای فاطمه، علی نیز همسر نیکی است، پس فرمود: به خانه خود بروید و کاری نکنید تا من نزد شما بیایم. آنگاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد خانه علی علیه السلام شد به فاطمه علیها السلام فرمود: برخیز و مقداری آب بیاور. فاطمه برخاست و کاسه ای پر از آب کرده نزد آن حضرت حاضر کرد، پیامبر علیه السلام اندکی از آن آب را به دهان خود ریخت و مضمضه کرد، و آن را در آن ظرف ریخت،

سپس مقداری از آن آب را بر سر فاطمه علیها السلام ریخت ، و فرمود: به جانب من رو کن ، وقتی که فاطمه علیها السلام به جانب آن حضرت رو کرد، پیامبر (صلی الله علیه وآله) قدری از آن آب را به سینه فاطمه پاشید و مقداری را هم بین شانه های او پاشید و آنگاه در حق او دعا کرد. (۷۰)

### همراهی فرشتگان در عروسی فاطمه علیها السلام

در حدیثی آمده است که : در شب زفاف فاطمه علیها السلام پیامبر اکرم علیه السلام قطیفه ای بر استر شهبای خود (و به روایتی به ناقه خود دلدل - انداخت و فاطمه علیها السلام را بر آن سوار کرد، زمام مهار ناقه را به سلمان داد و خود از پشت سر، اسر را می راند. در بین راه صدایی شنید، دید که جبرئیل و میکائیل هر یک با هفتاد هزار فرشته وارد شده اند. پرسید: چه شده که به زمین فرود آمدید؟ گفتند آمدیم تا به عنوان همراهی با عروس ، فاطمه را به خانه علی بن ابیطالب ببریم . آنگاه جبرائیل ، میکائیل ، فرشتگان و حضرت رسول همگی تکبیر گفتند، و از آن زمان تکبیر گفتن در عروسی رسم شد. (۷۱) اشعار زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) در عروسی فاطمه علیها السلام شبی که صدیقه طاهره را برای زفاف به سوی منزل علی علیه السلام می بردند، پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای اینکه دختر عزیزش درد یتیم را احساس نکند دستور داد، مرکب خاصی او را با پارچه ای ریشه دار تزئین کنند تا فاطمه علیها السلام بر آن سوار شود. دهانه اسب به دستور پیامبر (صلی الله علیه وآله) در دست سلمان قرار داشت و پیامبر خود نیز اسب را می راند. دختر عبدالمطلب (عمه های پیامبر (صلی الله علیه وآله)) و زنان مهاجر و انصار در این حرکت ، فاطمه علیها السلام را همراهی می نمودند و زنان پیامبر در حالی که اشعار می خواندند، پیشاپیش قافله در حرکت بودند. ام سلمه چنین می خواند، پیشاپیش قافله در حرکت بودند. ام سلمه چنین می خواند: ای همقدمان من ! با یاری خدا راه روید و پروردگار را در هر حال شکر نمائید. یاد آورید آنچه را که پروردگار بر شما انعام فرمود و شما را از ناراحتیها و آفتها دور نگه داشت . راه بروید با بهترین زنان عالم ، آن زنی که سزاوار است به او گفته شود: که فدای تو عمه ها و خاله های من . بعد از او عایشه اشعاری سرود و سپس حفصه چنین گفت : فاطمه بهترین زنان بشر، آن کسی که صورتی همچون قرص ماه دارد. پروردگار به فضل خود به آیه های سوره زمر تو را بر تمام جهانیان برتری داده است . خداوند تو را به جوانی فاضل تزویج فرمود، علی بهترین کسی است که موجود است . پس از حفصه ، معاذه (مادر سبعین معاذ) چنین سرود: ماهمراه دختر پیامبر هدایت هستیم که شرف در او جمع و فراهم شده است ، در قله ارتفاعی بلند مرتبه که هیچ کس را شبیه و نزدیک او نمی بینم . این قافله به این صورت در حرکت بودند تا اینکه به خانه علی علیه السلام رسیدند.

### استفاده کردن حضرت از بوی خوش

ام سلمه می گوید: وقتی که می خواستند حضرت فاطمه علیها السلام را به خانه علی ببرند، به فاطمه علیها السلام گفتم : آیا عطر و بوی خوشی دارید؟ فرمود: آری ، شیشه ای از عطر مخصوص ذخیره کرده ام . فاطمه علیها السلام شیشه عطری آورد و مقداری از آن را در کف دستم ریخت ، آنچنان بوی خوشی داشت که هرگز مثل آن نبوئیده بودم ، گفتم : این بوی خوش را از کجا تهیه کرده ای ؟ فرمود: هر وقت دحیه کلبی (۷۲) به حضور پدرم می آمد، حضور پدرم می آمد، پدرم به من می فرمود: ای فاطمه ! فرشی برای عمویت بیاور: فرشی می آوردم و او بر آن می نشست . وقتی بر می خاست از درون لباسش چیزی بر زمین می ریخت ، پدرم به من می فرمود: جمع کن ، این عنبر است که از بال و پر جبرئیل ریخته است . برخی نوشته اند: هرگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله) در خواب قیلوله عرق می کرد، حضرت فاطمه علیها السلام عرق او را می گرفت و در شیشه ای می کرد، این عرق بوی خوشی داشت که از آن متصاعد می شد. (۷۳) شادمانی ملائکه در عروسی فاطمه علیها السلام عبدالرحمن صفوری از جابرین

عبدالله نقل می کند: ام ایمن (۷۴) در حالی که می گریست بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شد. رسول مکرّم اسلام از علت گریه او سؤال فرمودند. گفت: مردی از انصار دختر خویش را شوهر داده و در مراسم ازدواج، بر سر دختر خویش گردو و شکر افشاند، من با دین این منظره به یاد منظره به یاد ازدواج فاطمه زهراء علیها السلام افتادم که شما بر سر وی چیزی نیفشاندید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: قسم به آن کس که مرا به پیامبری برانگیخت و رسالت را خاص من گرانید، پروردگار متعال در آن هنگام که فاطمه را برای علی تزویج فرمود، ملائکه مقرب خود را امر کرد تا در گرد عرش او جمع شوند که در میان این فرشتگان، جبرئیل، میکائیل و اسرافیل نیز حضور داشتند. آنگاه به پرندگان امر فرمود: نغمه سرائی کرده و درخت طوبی بر آنان لؤلؤ شفاف و درخشانده با در سفید همراه با زبرجد سبز و یاقوت سرخ بیفشاند. (۷۵)

### ولیمه عروسی حضرت فاطمه علیها السلام

علی علیه السلام می فرمایند: حضرت رسول علیه السلام از پول زره ده درهم به من داد و فرمودند: یا علی، با این پول مقداری روغن و خرما و کشک تهیه کن. من طبق دستور حضرت آنها را خریده و به نزد ایشان آوردم پیامبر خود نیز گوسفند چاقی تهیه نموده بود. حضرت سفره چرمی خواست، آستین بلا-زد و از آن خرما و کشک و روغن غذایی تهیه نمود آنگاه به من فرمود: هر کس را که می خواهی دعوت کن. علی علیه السلام می فرماید: من به مسجد آمدم، دیدم جمع کثیری از صحابه در مسجد حضور دارند و من از اینکه گروهی را دعوت کنم و عده ای را دعوت نکنم شرمگین شدم، لذا روی بلندی رفته و گفتم: ای مردم! همگی برای صرف ولیمه فاطمه بیائید. مردم بلند شده و به راه افتادند و من از کثرت جمعیت و کمی غذا خجالت می کشیدم. چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از این مطلب آگاهی یافت، فرمود: علی جان من از خدا می خواهم که این غذا برکت دهد. پس تمام آن جمعیت از آن غذا خوردند و سیر شدند در حالی که چیزی از غذا کم نشد... چون آفتاب غروب کرد زوجات پیامبر، فاطمه (ع) را زینت و عطر آگین نمودند. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، علی علیه السلام را در سمت راست و فاطمه علیها السلام را در سمت چپ خود نشانید و پیشانی آنها را بوسید. آنگاه دست دخترش را در دست علی علیه السلام گذاشت و فرمود: علی جان فاطمه همسر خوبی است، به دخترش نیز فرمود: فاطمه جان! علی شوهر خوبی است، سپس در حق آنها دعا کرد. (۷۶)

### میخک و سنبل، گل‌های عروسی

وقتی علی علیه السلام حضرت فاطمه (ع) را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خواستگاری کرد، پیامبر به علی علیه السلام و فرمود: می خواهم مژده ای به تو بدهم. علی علیه السلام ماجرا را پرسید، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: قبل از آمدن تو، جبرئیل خبر ازدواج شما را به من داده بود. وقتی که جبرئیل آمد در دستش دسته های گل میخک و سنبل خوش بوی بود. پرسیدم: این گلها برای چیست؟ گفت: این از گل‌های جشن عروسی علی و فاطمه علیها السلام در بهشت است، امروز خدای تعالی به فرشتگان دستور آذین بندی بهشت را داد و فرمود: همه جای بهشت را بیاریند و در فضای آن عطر افشانی کنند و حوریان با خواندن طه یس و حمعسق سرود شادی بخوانند. ندایی از جانب خداوند برخاست که امروز روز جشن عقد علی بن ابی طالب در آوردم. خطبه عقد به دستور خداوند شد و ندایی بلند شد که ای فرشتگان! ای ساکنان بهشت! به علی و فاطمه تبریک گوید (۷۷)

### جهاز حضرت صدیقه طاهره علیها السلام

پس از اینکه حضرت رسول اکرم علیه السلام پیشنهاد ازدواج حضرت علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام را قبول کرد و از میان

وسایل کم علی، زره او را برای خرج عروسی قبول فرمود، علی علیه السلام زره را فروخت و پول آن را نزد رسول اکرم آورد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) این مبلغ را به سه قسمت تقسیم فرمودند، یک سوم برای خرید جهیزیه، یک سوم برای خریدن عطر و بوی خوش و یک سوم آن را نزد ام سلمه به امانت گذاشتند تا برای ولیمه شب عروسی از آن استفاده کنند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۶۳ درهم، مقدار پولی را که برای جهیزیه گذاشت بود چند نفر از یاران و اصحاب و فرمودند: با این پول برای دخترم آنچه از لوازم خان مورد نیاز است تهیه کنید. آنها به بازار رفته و وسائل مورد نیاز را خریداری کردند که آن وسائل عبارتند از: ۱- دو دست رختخواب از پارچه مصری، محتوای یکی از آنها برگ خرما و دیگری پشم گوسفند بود. ۲- فرشی از پوست. ۳- بالشی از پشم با درونی از برگ خرما. ۴- عبائی خیبری. ۵- مشک آب. ۶- دو کوزه و دو ظرف آب. (دو ظرف بزرگ و دو ظرف کوچک) ۷- آفتابه. ۸- پرده ای از پشم نازک ۹- پیراهنی به قیمت ۹ درهم. ۱۰- یک روسری به ارزش چهار درهم. ۱۱- حوله ای سیاه رنگ. ۱۲- تختی پوشیده به روتختی. ۱۳- چهار زیر دستی از پشم طائف با محتوای از گیاهی به نام اذفر. ۱۴- حصیری بحرینی. ۱۵- دستاس. ۱۶- وسیله و ظرف خضابی از مس. ۱۷- ظرفی برای شیر. ۱۸- ظرفی بزرگ برای آب. وقتی کالاها به نزد پیامبر علیه السلام آورده شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دست آنها را زیر و رو کرده و فرمودند: پروردگارا! برکت ده قومی را که بیشترین ظرفهایشان گلین است. (۷۸) جهاز فاطمه علیها السلام در عرض خداوند یکی از منافقان مدینه حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام را در خواستگاری از فاطمه زهرا علیها السلام ملامت و گفت: یا علی، تو معدن فضل و ادب و شجاع ترین مبارزان عرب هستی، چرا زنی خواستی که چاشتش به شب نمی رسد؟! اگر دختر مرا می خواستی، چنان می کردم که از در خانه من تا در خانه تو، شتر پر از جهاز دختر من بود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این کار به تقدیر است نه به تدبیر. الحکم لله العلی الکبیر فرمان از آن خداوند بلند مرتبه و بزرگ است. ما را به مال و متاع دنیا نظری نیست، مقصود رضای حق تعالی است. تفاخر ما با اعمال است، نه با اموال و مباحات ما به کردار است نه به درهم و دینار. چون علی علیه السلام رضای خود را به حکم و قضای الهی ظاهر کرد، ندایی به وی رسید: علی! سر بردار تا قدرت حق را بینی و جهاز دختر محمد (صلی الله علیه و آله) را بنگری. حضرت سربلندی کرد، از بالای سرش تا عرش خدا حجابها برداشته شد و در زیر عرش میدانی وسیع به نظرش آمد. تمام آن میدان از ناقه های بهشتی، با بارهایی از در و گوهر و مشک و عنبر پر بود. بر هر شتری کنیزکی چون مهر تابان در حالی که زمام هر شتر به دست غلامی بود، قرار داشت. آنها ندا می کردند. هذا جهاز فاطمة بنت محمد المصطفی این جهاز فاطمه دختر محمد مصطفی است. علی از مشاهده آن منظره خوشحال شد و به حجره فاطمه علیها السلام آمد. حضرت فاطمه علیها السلام با مشاهده علی علیه السلام گفت: اگر چه سرزنش منافقان را درباره ما شنیدی، اما جهاز ما را عین عیان دیدی. (۷۹)

### عروس و داماد یکدیگر را می ستایند

شخصیت فاطمه زهراء علیها السلام از همان شب اول ازدواج چنان برای علی علیه السلام جلوه می نماید، که وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فردای آن شب از علی علیه السلام می پرسد: همسرت را چگونه یافتی؟ بی درنگ پاسخ می گوید: نعم العون علی طاعة الله بهترین یار و یاور برای اطاعت و عبودیت خداوند. همچنین از فاطمه زهراء علیها السلام می پرسد: کیف رایت زوجک؟ شوهرت را چگونه دیدی؟ پاسخ داد: یا ابا خیر زوج؛ ای پدر بهترین شوهر دیدم. (۸۰) تاج دامادی روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: حضرت سلیمان جهیزیه ای برای دخترش که جهاز بزرگی با چیزهای دیگر، به همراه تاجی از طلا برای دامادش که به ۷۰۰ دانه جواهر زینت شده بود آماده ساخت. علی علیه السلام بعد از شنیدن این مطالب به منزل آمده و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای حضرت علی علیه السلام بیان کرد. فاطمه علیها السلام چنین تصور کرد که شاید در قلب شوهرش چنین گذشته باشد که: سلیمان علیه السلام، پیامبر با عظمتی بوده، اما پیغمبر ما که قدر او بالاتر و شاء او بزرگتر است، دخترش چنین جهیزیه



ای! فاطمه علیها السلام این موضوع را پنهان نمود و برای احدی آشکار نکرد تا اینکه از دنیا رحلت فرمود. علی علیه السلام در یکی از شبها فاطمه علیها السلام را در خواب دید که در بهشت بالای تختی نشسته و اطراف تخت فاطمه علیها السلام حورالعین به خدمت او ایستاده اند و دختری در نهایت حسن و جمال و گشاده روئی در حالتی که به زیورها زینت کرده در مقابل فاطمه علیها السلام ایستاده و منتظر فرمان اوست. علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه علیها السلام این دختر کیست؟ حضرت جواب داد: این دختر سلیمان پیغمبر است که او را به خدمت من واداشته اند. بدانکه یا علی! آن روز که پدرم راجع به جهیزیه دختر سلیمان فرموده بود و در قلب من چیزی گذاشت که من آن را با خود حدیث نفس کردم (و برای احدی آشکار نساختم) برای تو عوضی آن تاجی که سلیمان برای دامادش ریخته بود چنین قرار داده شده که پرچم حمد در روز قیامت به دست تو باشد. (۸۱) فاطمه علیها السلام جان! تو را نزد علی علیه السلام به ودیعه نهادم شب عروسی علی و فاطمه علیها السلام وقتی که عروسی وارد منزل داماد شد، رسول خدا علیه السلام به بلال فرمود تا اذان نماز عشاء را بگوید. پس از اذان و اقامه نماز عشاء حضرت ظرفی آب خواست، در حالی که آیاتی از قرآن تلاوت می فرمود به عروس و داماد دستور داد تا از آن آب بنوشند، سپس خود با آن آب بنوشند، سپس خود با آن وضو گرفت و بر سر هر دو پاشید. وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواست از خانه علی علیه السلام خارج شود جدایی از پدر را می چشید. پیامبر علیه السلام دخترش را آرام کرد و فرمود: دخترم! اکنون تو همسر کسی هستی که نیرومندترین مردم در ایمان است و از نظر اخلاق و روح بلند بر همگان برتری دارد، من تو را نزد او به ودیعه نهادم. (۸۲)

### فاطمه علیها السلام همسری صدیقه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا علی! پروردگار سه نعمت ارزشمند به تو عطا کرده است که به هیچ کس، حتی به من ارزانی نکرده: اول: پدرزنی چون من به تو عطا کرده است. دوم: به تو همسری چون دخترم صدیقه هدیه فرموده است. سوم: فرزندان چون حسن و حسین علیه السلام به تو عطا کرده است پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دنبال آن فرمود: البته شما از من و من هم از شما هستم. (۸۳) شوهر فاطمه علیها السلام برترین خلق است اسماء بنت عمیس گفت: فاطمه زهراء علیها السلام به من فرمود: شبی که من به خانه علی علیه السلام رفتم علیه السلام رفتم (در نیمه های شب) از خواب بیدار شدم، دیدم که زمین با علی علیه السلام سخن می گوید و علی نیز با آن حرف می زند. صبح نزد پدرم جریان را گفتم، پدرم سجده ای طولانی کرد و سرش را بلند کرد و فرمود: دخترم، بشارت باد تو را به اولاد صالح و نسل پاکیزه، زیرا خداوند شوهرت را بر سایر مردم برتری داده و به زمین دستور داده که با او سخن بگوید و از اخبار شرق و غرب عالم او را مطلع کند.

### پیمان اسماء و خدیجه

بعد از مراسم شب عروسی، رسول مکرم اسلام آب خواستند، جرعه ای به دهان برد و مضمضه کرد و بعد آن جرعه را از دهان به داخل کاسه ای بیرون ریختند و آنگاه آن آب را بر سر و سینه و بین دو کتف حضرت فاطمه علیها السلام افکنده و علی علیه السلام را نیز صدا کرد و همین عمل را با او انجام دادند. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) زنان را امر فرمود تا همگی خارج شوند. وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستند از اطاق خارج شوند شخصی را در آنجا دیدند، فرمودند: که هستی؟ گفت اسماء بنت عمیس هستم. فرمود: آیا نگفتم که همه از اینجا خارج شوید. عرض کرد. آری یا رسول الله، پدر و مادرم فدای شما من قصد مخالفت امر شما را نداشتم، ولی با خدیجه پیمانی بسته ام. آنگاه جریان را برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیان کرد. پیامبر با شنیدن نام خدیجه متاثر شده، گریستند و بعد فرمودند: ای اسماء امیدوارم که خدا حوائج تو را در دنیا و آخرت بر آورد. (۸۴)

**بخش پیراهن نو**

حضرت علی علیه السلام به هنگام رحلت حضرت فاطمه (ع) دستمالی بسته شده در کنار آن حضرت مشاهده کرد، آن را گشود و دید، پارچه ای ابریشمی و سبز است که در آن پارچه کاغذ سفیدی است که بر روی آن چیزهایی نوشته شده و نور از آن می درخشد، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ای ابوالحسن، هنگامی که پدرم مرا به همسری تو در آورد، در شب عروسی دو پیراهن داشتم، یکی نو و دیگری کهنه و وصله دار. سر نماز بودم که کسی در زد و سائلی از پشت در می گفت: ای خاندان نبوت و معدن خیر و جوانمردی، من بینوایی برهنه ام، اگر پیراهن کهنه ای دارید من نیازمند آن می باشم. من پیراهن نو خود را برداشته، به او دادم و لباس کهنه را پوشیدم. صبح روز بعد از عروسی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر من وارد شد و فرمود: دخترم مگر تو لباس نو نداشتی، چرا آن را نپوشیدی؟ گفتم: ای پدر آن را به سائلی صدقه دادم. فرمود: بسیار کار خوبی کردی، اگر به خاطر شوهرت لباس نو را خودت می پوشیدی و لباس کهنه را صدقه می دادی در هر دو حالت توفیق شامل تو می شد. عرض کردم: ای رسول خدا من به شما اقتدار کردم، هنگامی که با مادرم خدیجه ازدواج کردی، هر آنچه را که به تو داده بود در راه خدا انفاق کردی تا حدی که سائلی به شما رسید و پیراهن خود را به او دادی و حصیر بر خود پوشیدی. در همان موقع جبرائیل نازل شد و این آیه را آورد. و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا خیلی دستهایت را ننگشای که بعد شرزنش شده و حسرت زده بنشین. (۸۵) رسول خدا گریست و مرا به سینه اش چسباند، جبرائیل نازل شده و گفت: خداوند سلام رسانده و می فرماید: به فاطمه علیها السلام سلام برسان و به او بگو، هر چه می خواهی طلب کن و اگر هر چه در آسمان و زمین است بخواهی به تو داده خواهد شد. عرض کردم: پدر جان لذت خدمتگزاری او، مرا از سؤال کردن از او بازداشته است. من نیازی جز نگاه کردن به چهره بزرگوارانه او در بهشت برین ندارم. پیامبر فرمود: دخترم، دستهایت را بالا بیاور، من دستهایم را بالا بردم و حضرت نیز دستهایت را بالا بیاور، من دستهایم را بالا بردم و حضرت نیز دستهایم را بالا برده و گفت: خداوند امتم را ببخشای، و من آمین گفتم، جبرائیل پیامی از سوی خداوند متعال آورد که خداوند می فرماید: من آن عده از گناهکاران امت تو را که در دلشان محبت فاطمه و مادرش و شوهرش و فرزندانش را داشته باشد می بخشم، فرمود: من در این باره سندی می خواهم. خداوند به جبرائیل دستور داد دیبایی سبز و دیبایی سپید که بر روی آن نوشته شده است: کتب ربکم علی نفسه الرحمة پروردگارتان رحمت را بر خود لازم کرده است. بیاورد. جبرائیل و میکائیل و حضرت رسول بر آن گواهی داده و امضاء کردند، حضرت فرمود: دخترم این نوشته در این بسته است، روز وفات که رسید وصیت کن در قبرت بگذارند تا روز قیامت که مردم سر از قبر بر بردارند و گناهکاران حتمی شدند این امانت را به من تسلیم کن تا آنچه را که خداوند بر من و تو ارزانی داشته از خداوند بخواهم. تو و پدرت برای جهانیان رحمت هستید. (۸۶)

**فصل پنجم همراه رسول الله (صلی الله علیه و آله)****پیامبر (ص) فاطمه علیها السلام را بسیار می بوسید.**

روایات زیادی در مورد بوسیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) دختر گرامیش فاطمه را وجود دارد که به نقل از آنها اکتفا می کنیم. ۱- عایشه می گوید: فاطمه علیها السلام در سخن گفتن، شبیه ترین مردم به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. وقتی بر پیغمبر وارد می شد آن حضرت دستش را می گرفت و می بوسید و بر جای خودش می نشاند. هر گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد می شد، فاطمه به احترام پدر از جای بر می خاست، دست آن حضرت را می بوسید و در جای خودش می نشاند. روزی عایشه دید که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه را می بوسد، عرض کرد: یا رسول الله! آیا



هنوز هم فاطمه علیها السلام را می بوسی با اینکه شوهر دارد؟ فرمود: اگر می دانستی من چقدر فاطمه علیها السلام را دوست دارم محبت تو نیز نسبت به او زیادتر می شد. فاطمه حوریه ای است به صورت انسان، من هر وقت مشتاق بوی بهشت می شوم او را می بوسم (۸۷) ۲- عایشه می گوید: هر گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مسافرت بر می گشت گلوگاه فاطمه را می بوسید و می فرمود: بوی بهشت از او استشمام می کنم. ۳- عایشه می گوید: بسیاری از اوقات رسول خدا طره موی بالای پیشانی فاطمه را می بوسید، او را می بویید و زبانش را بر او می کشید. ۴- حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمی خوابید مگر آنکه اول صورت فاطمه را می بوسید، صورت خود را روی سینه فاطمه می گذاشت و برای او دعا می کرد. در روایتی دیگر چنین آمده است: پیامبر تمام صفحه پیشانی فاطمه و یا میان سینه او را می بوسید. ۵- ابو ثعلبه حسنی می گوید: هر گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مسافرت بر می گذشت به منزل فاطمه می رفت، فاطمه به استقبال پدر می رفت و حضرت او را در آغوش می گرفت و بین دیدگانش را می بوسید. (۸۸) روزی حضرت زهرا علیها السلام به خدمت حضرت رسول رسید. حضرت او را استقبال کرده، دستهایش را بوسید، به هنگام خداحافظی بار دیگر دستهایش را بوسید و او را بدرقه فرمود. راوی گوید، عرض کردم. ای رسول خدا! چنین کاری را درباره هیچ یک از شما ندیده ام؟... پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: من این کار را جز به فرمان پروردگارم انجام ندادم (۸۹) فاطمه پاره تن رسول خدا روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی که دست حضرت فاطمه علیها السلام را گرفته بود از منزل بیرون آمد و فرمود: هر کس او را می شناسد که می شناسد و هر کس او را نمی شناسد بداند که فاطمه علیها السلام دختر محمد (صلی الله علیه و آله) است، او پاره تن، قلب و روحی در کالبد من است. هر کس او را بیازارد، مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده است. (۹۰) در روایتی دیگر آمده است که: در زمان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) ابولبابه، رفاعه بن عبدالمنذر، به منظور پذیرفته شدن توبه آنها، خود را به ستون مسجد بستند. وقتی که توبه شان پذیرفته شد، حضرت فاطمه علیها السلام خواست او را از ستون باز کند، او گفت: سوگند یاد کرده ام که جز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کسی مرا باز نکند. پیامبر فرمود: همانا فاطمه، پاره تن من است. (۹۱) کیست زهرا؟ آئینه ایزدنا کیست زهرا؟ آئینه ذات خدا کیست زهرا؟ مظهر کل الجمال کیست زهرا؟ مظهر کل الجلال کیست زهرا؟ مظهر کل الکمال آئینه حسن جمال ذو الجلال کیست زهرا؟ عاشق ذات خدا مظهر اسماء و اوصاف خدا کیست زهرا؟ دخت احمد، مصطفی مظهر کل الکمال کبریا

### فاطمه در بیان پیامبر

فاطمه زهراء علیها السلام به خاطر منزلت و جایگاهی که در نزد پروردگار عالمیان داشتند، بسیار مورد علاقه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بودند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در قالب گفتار و کردار، بارها محبت و علاقه قلبی خود نسبت به فاطمه را ابراز داشتند که در اینجا به نمونه هایی از آن کلمات اشاره می کنیم. ۱- فاطمه بضعه منی؛ فاطمه پاره تن من است. ۲- هی نور عینی؛ فاطمه نور چشم من است. ۳- فاطمه حوراء انسیه، کلما اشتقت الی الجنة قبلتها؛ فاطمه حوریه ای است به صورت انسان، هر زمانی که من مشتاق بهشت می شوم او را می بوسم ۴- ابنتی فاطمه حوراء آدمیه؛ دخترم فاطمه حوریه است به صورت آدمیان. ۵- فاطمه هی الزهره؛ فاطمه گل است. ۶- فاطمه روحی اللتی بین جنبی فاطمه روح و جان من است ۷- فاطمه ثمره فر آری؛ فاطمه میوه دل من است. ۸- و هی قلبی؛ فاطمه دل و قلب من است. ۹- فمن اذاها فقد آذانی؛ هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است. ۱۰- فمن اغضبها اغضبنی؛ هر که او را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است. ۱۱- و بیسطنی ما بیسطها و یریبنی ما راءبها؛ هر کس فاطمه را شاد کند مرا شاد کرده است و هر که فاطمه را نگران کند مرا نگران کرده است.

**بوی بهشت**

ابن عباس گوید: عایشه بر رسول خدا وارد شد، در حالی که پیامبر مشغول بوسیدن فاطمه علیها السلام بود سؤال کرد: آیا فاطمه را دوست می داری؟ فرمود آری و الله تو نیز اگر میزان دوست داشتن مرا نسبت به او می دانستی محبتت به فاطمه ام زیادتر می شد، زیرا آن شب که مرابه آسمان چهارم به معراج بردند، در آن هنگام به من خرمای تازه ای که نرم تر از کف و معطرتر از مشک و شیرین تر از عسل بود دادند. خرما در من به صورت نطفه در آمد و از آن خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها السلام حامله شد. پس فاطمه علیه السلام، حوریه ای است به صورت انسان که هرگاه من مشتاق بهشت می شوم بوی فاطمه علیها السلام را استشمام می کنم. (۹۲) دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای فاطمه علیها السلام عمران بن حصین می گوید: یک روز خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودم که حضرت فاطمه علیها السلام بر او وارد شد. وقتی چشم آن حضرت به صورت دخترش که از شدت گرسنگی زرد و آثار از خون در آن دیده نمی شود افتاد، او را به نزد خویش خواند، دست مبارکش را بر سینه او نهاد و فرمود: ای خدایی که گرسنه ها را سیر می کنی و درماندگان را بالا میبری، فاطمه علیها السلام دختر محمد را گرسنه مدار. عمران می گوید: به برکت دعای پیغمبر زردی صورت حضرت زهراء علیها السلام بر طرف شد و آثار خون در صورتش هویدا گشت. (۹۳) فاطمه جان! صدایم کن ای پدر وقتی که آیه شریفه: لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا (۹۴) زنان شد، فاطمه زهراء علیها السلام شاگرد اول قرآن، لحن گفتگوی خود را با پیامبر (صلی الله علیه و آله) عوض کرده و به جای پدرم، در هنگام گفتگو با پیامبر از واژه یا رسول الله استفاده نمود. این واژه هر چند حاوی یک نوع احترام و تکریم بود، اما برای رسول خدا از طرف فاطمه علیها السلام رنگ و بوی عاطفی و جلای عشق و صفا را نداشت و واژه ای دلنشین برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از طرف دخترش نبود، (لذا با عکس العمل پیامبر مواجه گردید). (۹۵) از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: به هنگام نزول آیه شریفه لا تجعلوا دعا الرسول... هیبت و شکوه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مانع از این شد که به حضرت بگویم یا ابئه، ای پدر جان لذا یا رسول الله خطاب می کردم. چند بار ایشان را به همین ترتیب صدا کردم، ولی پیامبر از پاسخ دادن خودداری فرمودند تا اینکه رو به من کرده فرمود: فاطمه جان! این آیه درباره تو و خانواده تو و نسل تو نازل نشده است، تو از منی و من از تو هستم. این آیه در رابطه با جفاکاران و انسانهای خود خواه و متکبر نازل گردیده است. پس فاطمه جانم، به من بگو ای پدر، زیرا این کلمه قلبم را احیاء کرده و خدا را ارضی می کند انت منی و انا منک قولی یا ابئه فانها اءحی للقلب و اءرضی للرب؛ تو از منی و من از تو، بگو به من ای پدر، زیرا آن مایه حیات قلب من و خشنودی پروردگار است. (۹۶) پس حضرت، پیشانی مرا بوسید و آب دهان مبارک را به صورتم کشید که پس از آن دیگر به استعمال عطر نیازی نداشتم. (۹۷)

**اطاعت از پدر**

اسماء دختر عمیس روایت کرده اند که گفت: روزی در خدمت فاطمه علیها السلام در حالی که در گردش گردنبدی از طلا بود نشسته بودم. (این گردنبد را حضرت علی علیه السلام را سهم غنایم جنگی خود برای فاطمه علیها السلام خریده بود). در این وقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد خانه دخترش شد، چون چشمش به آن گردنبد افتاد فرمود: ای فاطمه علیها السلام! مردم نمی گویند فاطمه علیها السلام دختر محمد (صلی الله علیه و آله) زیور آلات جباران را به تن کرده است؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیش از این سخنی نگفت. حضرت فاطمه علیها السلام با شنیدن سخن کوتاه پدر، گردنبد را بیرون آورده، آن را فروخت و با پول آن بنده ای خریداری کرد و آزاد نمود. (۹۸)

## آموختن از پدر

زراره امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) اظهار دلتنگی کرد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) برگ خرمایی به او داد و فرمود: دخترم! آنچه در آن است بیاموز. در آن برگ چنین نوشته شده بود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه اش را اذیت نمی‌کند. هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مهمانش را گرمی می‌دارد. هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید سخن نیک بگوید یا سکوت کند. (۹۹) فاطمه علیها السلام بهترین افراد روی زمین قال رسول الله علیه السلام: و لو كان الحسن شخصا لكان فاطمة، بل هي اعظم، ان فاطمة ابنتی و خیر اهل الارض عنصرها و شرفا و کرما رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود اگر حسن و نیکویی در قالب یک شخص و یک چهره در می‌آمد آن شخص فاطمه بود، بلکه از آن هم بزرگتر بود، مطمئنا دختر من فاطمه بهترین افراد روی زمین از نظر شخصیت، شرافت و کرامت است. (۱۰۰) برکت غذا به دعای فاطمه علیها السلام جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: یک سال در مدینه قحطی شده بود و چند روزی بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) غذایی برای خوردن نداشت، پس به حجره‌های همسرانش رفت. اما غذایی نیافت. به خانه فاطمه علیها السلام رفت و از دخترش تقاضای غذا نمود. فاطمه علیها السلام عرض کرد: فدایت گردم، هیچگونه غذایی در خانه نیست، بعد از رفتن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) یکی از همسایگان دو قرص نان و مقداری گوشت برای فاطمه هدیه آورد، فاطمه علیها السلام آن را گرفت و در میان ظرفی نهاد و روپوشی بر آن گذاشت و گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را بر خود و فرزندانم مقدم می‌دارم، لذا توسط حسن و حسین علیه السلام، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را خبر کرد. آن حضرت دوباره به منزل دخترش آمد. فاطمه علیها السلام جریان هدیه را خدمت پدر عرض کرد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: آن را نزد من بیاورد، فاطمه علیها السلام آن ظرف را نزد پیامبر نهاد، پیامبر وقتی سرپوش را از روی ظرف برداشت ناگهان دید که ظرف پر از نان و گوشت است. پیامبر (صلی الله علیه وآله) به فاطمه علیها السلام فرمود: این غذا از کجا بدست آمده؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: از نزد خدا، خداوند به هر کس بخواهد روزی فراوان می‌بخشد هو من عند الله یرزق من یشاء بغیر حساب پیغمبر (صلی الله علیه وآله) حمد خدای را به جا آورده و فرمود: سپاس خدایی را که تو را شبیه بانوی بنی اسرائیل (مریم) قرار داد. پس همگی اهل خانه و حتی همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) از آن غذا خوردند و سیر شدند، ولی ظرف همچنان پر از غذا بود. حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید: از آن غذا برای همه همسایه‌ها فرستادم، خداوند خیر و برکت سرشاری به آن غذا داد چنانکه چنین برکتی به حضرت مریم علیه السلام عطا فرمود (۱۰۱)

## خبر از حوادث آینده

روزی پیغمبر (صلی الله علیه وآله) بر فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد، حضرت زهرا علیها السلام مقداری خوراکی از خرما، نان و روغن برای پدرش آماده کرد پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیه السلام برای تناول دور هم جمع شدند. پس از تناول طعام رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به سجده رفت و سجده ای طولانی کرد، سپس خندید، آنگاه گریست، سپس نشست. علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا! علت خندیدن و سپس گریه خود را برای ما بفرمایید. حضرت فرمود: وقتی که با شما غذا خوردم از سلامتی و جمع شما، شادمان و مسرور شدم. پس سجده شکر به جای آوردم. جبرئیل فرود آمد و گفت: آیا تو را از آنچه پس از تو بر خاندانت خواهد گذشت خبر ندهم؟ گفتم چرا برادرم! جبرئیل گفت، او نخستین فرد از خاندان تو است که پس از آنکه مورد ستم واقع شد، حقش را از او گرفتند و از آنکه مورد ستم واقع شد، حقش را از او گرفتند و از ارث محروم شدند و بر همسرش ستم روا داشتند به تو ملحق خواهد شد. اما پس عمویت، مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. اما حسن

علیه السلام مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. اما حسین علیه السلام مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرد و شهادت می‌شود، پا مال سم ستوران می‌شود و با پیکر غرقه به خون در غربت دفن می‌شود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: پس من در این حال گریستم و گفتم: آیا کسی او را زیارت می‌کند؟ گفتم: غریبان، او را زیارت می‌کنند. گفتم: زائر او چقدر ثواب می‌برد؟ گفتم: ثواب هزار حج و هزار عمره که همه را با تو بجا آورده باشد. سپس خندید. (۱۰۲)

### حدیث معراج درباره زنان گمراه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در شب معراج زنانی را مشاهده فرمود که به انواع عذابها گرفتار شده بودند، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ای حبیب من، ای نور چشم من! مگر کار و رفتار این زنها چه بود که خداوند این گونه عذابها را بر آنان مقرر داشت؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: دخترم! آن زنی که به موهایش آویزان بود زنی بود که موهایش را از مردها نمی‌پوشاند، و آن کسی که به زبانش آویخته شده بود، شوهرش را اذیت می‌کرد، و آن زنی که به پاهایش آویخته شده بود، بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون می‌رفت و آن زنی که گوشت بدن خود را می‌خورد، به خاطر آن بود که بدن خود را برای مردم آرایش می‌کرد و آن زنی که به شکل سگ بود و آتش از پایینش وارد و از دهانش خارج می‌شد، به خاطر آن بود که زنی آواز خوان و نوحه سرا و حسود بود. (۱۰۳)

### فاطمه علیها السلام پرستار پدر

در غزوه احد پیغمبر علیه السلام زخمهای فراوان دیده بود، به همین علت خبر شهادت آن حضرت را به مدینه آوردند. ۱۴ نفر از زنان هاشمی و نزدیکان اهلیت علیه السلام برای کسب اطلاع از حال پیامبر سراسیمه به طرف احد بیرون رفتند، قافله سالار آنها فاطمه زهرا علیها السلام بود. وقتی به محل استقرار سپاه اسلام رسیدند، فاطمه علیها السلام با دیدن بدن مجروح پدر، او را در آغوش گرفت و گریست. بدن و لباس آن حضرت غرق خون بود. فاطمه با کمک علی علیه السلام که سپر آب می‌آورد، بر زخمهای پیامبر می‌ریخت و فاطمه زخمهای پدر را می‌شست، اما هر چه می‌شستند خون بند نمی‌آمد، بلکه خونریزی بیشتر می‌شد. فاطمه قطعه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر زخمهای پدر گذاشت تا آنکه خون قطع شد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) روزها استخوان پوسیده را می‌سوزانید و با آن زخمها را دود می‌داد تا بهتر شد. (۱۰۴)

### پدر به فدایت

رفتار پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنان بود که هرگاه به سفری می‌رفت آخرین کسی که برای خداحافظی نزد او می‌رفت فاطمه علیها السلام بود و چون از سفر باز می‌گشت نخستین کسی را که به دیدارش می‌رفت فاطمه علیها السلام بود که مدتی طولانی در نزد او می‌ماند. در یکی از سفرها فاطمه علیها السلام در غیاب پدر دستبند گردن بند و دو گوشواره و یک پرده برای درب خانه تهیه کرد تا با وضع بهتری پدر و شوهرش را دیدار کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مراجعت از سفر یکسره به خانه فاطمه علیها السلام آمد، اما بر خلاف گذشته اصحاب دیدند که رسول خدا خیلی زود در حالی که آثار ناراحتی در چهره اش نمایان بود از خانه فاطمه خارج شد، به مسجد آمد و به منبر رفت. فاطمه علیها السلام از نگاه پر معنای پدر فهمید که او بسیار آزرده شده، اشکش جاری گشت، زیرا تا کنون پیامبر با او چنین برخورد نکرده بود. فاطمه علیها السلام که چنان دید فوراً دستبند و گردن بند و گوشواره‌ها را باز کرده، همه را نزد رسول خدا فرستاد و برای پدر پیغام فرستاد که: دخترم سلام می‌رساند و می‌گوید: اینها را در راه خدا صرف کن! همینکه فرستاده فاطمه به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و جریان را معروض

داشت ، پیغمبر سه بار فرمود: فداها ابوها؛ پدرش به فدایش باد. دنیا از برای محمد و خاندان او نیست ، اگر دنیا در پیش خدا به اندازه بال مگسی ارزش داشت شربتی از آب به کافر نمی داد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله ) این سخنان را فرمود و از منبر پائین آمد و به خانه فاطمه علیها السلام رفت . (۱۰۵)

### کمک به خانواده شهداء

وقتی که جعفر بن ابیطالب در غزوه موته شهید شد این خبر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) رسید. پیامبر گریست و صحابه نیز گریه کردند و این خبر به اندرون خانه پیامبر نیز رسید. رسول اکرم به خانه اسماء آمده و فرزندان جعفر را خواسته ، دست بر سر آنان کشید و آنان را بوئید و بر سینه خویش چسباند. اسماء احساس کرد که واقعه ای اتفاق افتاده ، لذا سؤال کرد: ای رسول خدا! آیا از جعفر خبری رسیده ؟ پیامبر گریه کرده و فرمود: جعفر را پیش خدا بدان . سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) به سمت منزل دختر خویش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رفته و به وی فرمود: طعامی برای خانواده جعفر درست کن ، زیرا آنان مشغول عزاداری هستند. فاطمه علیها السلام آردی تهیه کرد و با آن مقداری فراوانی نان پخته ، سپس نانها را به همراه مقداری خرما به خانه جعفر فرستاد. (۱۰۶) گریه فاطمه علیها السلام به خاطر نزول آیه عذاب سید بن طاووس از کتاب زهدالنی نقل می کند: هنگامی که آیات و ان جهم لمو عدهم اجمعین لها سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم (۱۰۷) نازل شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله ) گریه شدیدی کرد، صحابه نیز از گریه آن حضرت به گریه افتادند. ولی کسی علت گریه آن حضرت را نمی دانست . پیامبر چنان منقلب بود که کسی نمی توانست از او سؤال کند. عادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) این بود که هرگاه فاطمه علیها السلام را می دید خوشحال می شد، از این رو یکی از اصحاب به حضور فاطمه علیها السلام رفت تا او را نزد پیامبر بیاورد، وقتی که به خانه زهراء وارد شد دید که او مشغول آسیا کردن جو است و آیه و ما عندالله خیر و ابقی (۱۰۸) را می خواند آن مرد صحابی سلام کرد و جریان گریه رسول خدا را به او خبر داد. فاطمه علیها السلام بی درنگ برخاست و چادر کهنه ای که دوازده وصله از لیف خرما داشت به سر گرفت و از خانه بیرون آمد. سلمان او را دید و گریه کرد، و گفت : واحزناه دختران قیصر روم و کسری (شاه ایران ) لباسهای سندس و حریر بپوشند، اما دختر پیامبر چادری را که دوازده وصله دارد و کهنه است به سر کند !! فاطمه علیها السلام به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله ) آمد و عرض کرد: پدر جان فدایت کردم : علت گریه تو چیست ؟ پیامبر دو آیه فوق را که جبرئیل نازل کرده بود خواند. فاطمه علیها السلام وقتی که نام جهنم را شنید، با صورت به روی زمین افتاده و پی در پی می گفت : الویل ثم الویل لمن دخل النار وای سپس وای بر کی که وارد دوزخ (۱۰۹) گردد. بهشت وعده گاه فرزندان فاطمه علیها السلام روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) وارد منزل دخترش فاطمه زهرا علیه السلام شد، حضرت فاطمه مشغول روشن کردن آتش بود تا برای اهل خانه خود غذایی بپزد. علی علیه السلام و فرزندان در کناری خوابیده بودند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) کنار دخترش نشست و با او مشغول صحبت شد. در این هنگام امام حسن علیه السلام از خواب بیدار شده خدمت پیامبر آمد و عرض کرد: باباجان ! آب می خواهم . پیامبر او را در آغوش کشید، سپس برخاست و به سوی شتر شیر ده خود آمد و با دست خود آن را دوشید، آنگاه کاسه شیر را آورد تا به حسن علیه السلام بدهد، پس حسین علیه السلام بیدار شده ، عرض کرد: باباجان ! آب می خواهم . پیامبر (صلی الله علیه و آله ) فرمود: فرزندم ! برادرت که از تو بزرگتر است پیش از تو آب خواسته است . حسین علیه السلام عرض کرد: اول باید مرا سیراب فرمایی . پیامبر با نرمی و مهربانی از او می خواست تا بگذارد ابتدا برادرش حسن علیه السلام بیاشامد، ولی او نمی پذیرفت . در این حال فاطمه علیها السلام عرض کرد: پدرجان ! گویا حسن را بیشتر دوست داری ؟ فرمود: او را بیشتر دوست ندارم ، هر دو نزد من برابرنند، جز اینکه حسن اول تقاضای آب کرد و او مقدرتر است . من و تو و آنان و علی علیه السلام همگی در بهشت در یک جا و یک درجه قرار داریم . (۱۱۰)

**خدا به تو رحم کند**

بلال مؤذن رسول خدا (ص) بود و معمولاً زودتر از بقیه رای نماز حاضر می‌شد، اما یک روز بلال از وقت معمول دیرتر به نماز صبح حاضر شد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) علت دیر آمد بلال را پرسید، عرض کرد: وقتی به مسجد می‌آمدم از منزل فاطمه علیها السلام عبور کردم، دیدم مشغول آسیا گردن استو بچه اش گریه می‌کند. عرض کردم: ای دختر رسول خدا یکی از کارهایت را به من واگذار کن، تا شما را کمک کنم، فرمود: بچه داری از من بهتر ساخته است، اگر میل داری در آسیا گرداندن کمک کن. من آسیا کردن را به عهده گرفتم، از این جهت دیرتر به مسجد آمدم. پیغمبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: به فاطمه رحم کردی خدا به تو ترحم کند. (۱۱۱) دعای پیامبر و شفای فاطمه علیها السلام روز پیغمبر (صلی الله علیه وآله) به عیادت دخترش که بیمار شده بود آمد. حضرت به او فرمود: زهرای من! حالت چطور است؟ چرا غمگینی؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: پدر جان! کسالت دارم. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: آیا به چیزی میل داری؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: به انگور میل دارم، ولی می‌دانم که اکنون فصل انگور نیست. پیامبر فرمود: خداوند قدرت آن را دارد که انگور برای ما بفرستد. آنگاه دست به دعا برداشت و عرض کرد: اللهم ائتنا به مع افضل امتی عندک منزله خدایا انگور را همراه کسی که از نظر مقام بهترین فرد امت من در پیشگاه توست نزد ما بفرست. لحظاتی نگذشت که علی علیه السلام در حالی که زنبیلی زیر عبا به دست گرفته بود وارد خانه شد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او فرمود: یا علی! چه همراه داری؟ عرض کرد: انگور است که برای فاطمه علیها السلام آورده ام. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) دوبار فرمود: الله اکبر، الله اکبر، خدایا همانگونه که دعای مرا (در مورد بهترین فرد امت) به علی علیه السلام اختصاص دادی، شفای دخترم را در این انگور قرار بده. فاطمه زهرا علیها السلام از آن انگور خورد و هنوز پیامبر از خانه ایشان بیرون نرفته بود که آن بانوی بزرگوار با اذن پروردگار شفا یافت. (۱۱۲) رؤیای صادقه فاطمه علیها السلام حضرت فاطمه علیها السلام بعد از حجه الوداع در خواب دیدند که: قرآنی در دست دارد و می‌خواند، ناگاه قرآن از دستش افتاد و مفقود شد. وحشت زده از خواب بیدار شد، خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسید و از خوابش برای رسول خدا گفت. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: نور دیده ام! آن قرآنی که در خواب دیدی، من بودم که به زودی از نظرها ناپدید می‌شوم. و به دیدار حق می‌روم. (۱۱۳)

**نگذارید پیامبر را بیازارند**

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در واپسین روزهای زندگانی، روزی به منبر رفت و فرمود: هر کس از من طلبی دارد درخواست نماید، آنگاه بلال در کوچه های مدینه فریاد زد که: ای مردم! اینک این محمد بن عبدالله است که می‌خواهد قبل از روز قیامت قصاص شود هر کس حقی از او طلب دارد بخواهد. مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا! شما در جنگ بدر که صف سربازان را تنظیم می‌کردید، با شلاق خود بر شکم من در حالی که لخت بود، زدید. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: بیا قصاص کن. مرد گفت: همان شلاق را بیاورید. پیامبر (صلی الله علیه وآله) به بلال اشاره فرمود که از خانه فاطمه علیها السلام همان شلاق روهای جنگ را بیاورد. وقتی که بلال از فاطمه علیها السلام سراغ شلاق را گرفت، حضرت فرمود: ای بلال! پدرم با شلاق چه می‌خواهد بکند؟ الان که روز جنگ نیست؟ وقتی که بلال آنچه را در مسجد گذشت برای فاطمه شرح داد، آن حضرت ناله ای زد و گفت: وای از این اندوه، برای اندوه تو ای پدر، غیر از تو چه کسی سرپرست فقرا و تهیدستان و درماندگان است؟ ای دوست خدا و دوست همه دلها! ای بلال به فرزند نام حسن و حسین بگو نزد آن مرد رفته تا از آنان قصاص کند و نگذارند پیامبر را بیازارند. در ادامه آمده است: وقتی که شلاق را آوردند پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیراهن خود را بلا زد تا آن مرد با شلاق بر همان موضع



بزند ولی بر شکم پیامبر بوسه زد و گفت: منظورم از این کار همین بود. (۱۱۴) پدر جان شما را کجا ملاقات کنم؟ جابر بن عبدالله انصاری از قول علی علیه السلام نقل می‌کند که: حضرت فاطمه علیها السلام از رسول خدا پرسید: ای پدر، در روز توقفگاه بزرگ! (روز قیامت) شما را کجا ملاقات کنم؟ حضرت فرمود: ای فاطمه، کنار در بهشت در حالی که پرچم الحمدالله با من است و نزد پروردگام امت خود را شفاعت می‌کنم. عرض کرد: پدرم اگر آنجا ملاقات نکردم؟ فرمود: مرا بر حوض کوثر ملاقات کن، در حالی که به امتم آب می‌دهم. عرض کرد: اگر آنجا ملاقات نکردم؟ فرمود: مرا به صراط ملاقات کن؛ در حالی که ایستاده‌ام و می‌گویم: پروردگار! امت مرا سالم نگه دار. عرض کرد: اگر آنجا ملاقات نکردم؟ فرمود: مرا نزد میزان ملاقات کن، در حالی که می‌گویم: پروردگار! امت مرا سلامت نگه دار. عرض کرد: اگر آنجا ملاقات نکردم؟ حضرت فرمود: مرا بر کنار جهنم ملاقات کن، در حالی که امتم را از شعله و زبانه‌های آتش منع می‌کنم، پس فاطمه علیها السلام با شنیدن این جمله خوشحال شد. (۱۱۵) راز پیامبر (صلی الله علیه و آله) با فاطمه علیها السلام در هنگامه وفات خدا (صلی الله علیه و آله) صحبت‌های خصوصی و سری بین پیامبر و حضرت فاطمه علیها السلام صورت پذیرفت که در ابتداء، حضرت زهرا علیها السلام گریست و در پایان صحبت آن حضرت، شاد و خندان دانه‌های اشک را از صورت مبارک پاک کرد. برای همه این گریه و خنده جای سؤال بود؟ پس از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حضرت زهرا علیها السلام علت را پرسیدند، جواب داد: علت گریه نخستین این بود که: در ابتدا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمود که جبرئیل هر سال یک بار قرآن را به من عرضه می‌فرمود، ولی امسال و هم اکنون دوبار عرضه کرد. من مرگ و وفات خود را نزدیک می‌بینم. دخترم! با تقوا باش و صبر پیشه کن. من با شنیدن این خبر گریستم. سپس فرمود: دخترم هیچ زنی در مقام و منزلت مانند تو نیست پس در صبر و بردباری مانند کمترین زنان نباش و این را بدان که تو نخستین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد. با شنیدن این خبر خوشحال شدم و خندیدم. (۱۱۶) گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مظلومیت فاطمه علیها السلام شیخ طوسی از ابن عباس روایت کرده است که: چون هنگام وفات حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نزدیک شد آن قدر گریست که آب دیده اش بر محاسن مبارکش جاری شد. عرض کردند: یا رسول الله! سبب گریه شما چیست؟ فرمود: به خاطر آنچه افراد جفا کار از امت من، نسبت به فرزندانم روا می‌دارند گریه می‌کنم. گویا می‌نگرم که بعد از من به دخترم فاطمه ستم کنند و از ندا زند: یا ابتاه واحدی از امت من او را کمک و اعانت نکند. حضرت فاطمه علیها السلام وقتی که این سخن را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنید گریست. پیامبر اکرم فرمود: دخترم گریه نکن. فاطمه گفت: ای پیامبر خدا! گریه نمی‌کنم برای آنچه بعد از تو با من خواهند کرد، بلکه گریه من از مفارقت شماست یا رسول الله! حضرت فرمود: بشارت باد تو را ای فاطمه! که زود به من ملحق خواهی شد و از اهل بیت من تو اول کسی خواهی بود که به من ملحق می‌شوی. (۱۱۷)

### آخرین سخنان پدر با دختر

سلیم بن قیس هلالی می‌گوید: از سلمان فارسی شنیدم که می‌گفت: در آن بیماری که پیامبر از دنیا رفت نزد آن حضرت نشسته بودم که فاطمه زهراء علیها السلام وارد شد، چون حال ضعف پدر را دید بغض گلویش را گرفت به طوری که اشک بر گونه هایش جاری شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: دخترم، چرا گریه می‌کنی؟ عرض کرد، یا رسول الله! بعد از تو بر خودم و بر فرزندانم از بی‌اعتنایی و ضایع شدن حقمان می‌ترسم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی که چشمانش اشک آلوده شده بود فرمود: ای فاطمه! مگر نمی‌دانی ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا ترجیح داد و فنا را بر همه خلقتش حتمی نموده است. خداوند تبارک و تعالی توجهی به زمین نمود و مرا از میان آنان انتخاب کرد و سپس بار دوم به زمین توجه نمود و همسر تو را انتخاب کرد. سپس بار سوم به زمین توجه کرد و تو و یازده نفر از فرزندان و فرزندان برادرم و شوهرت را که از نسل

تو هستند انتخاب کرد. دخترم، آیا نمی دانی که از جمله کرامت های خداوند بر تو آن است که تو را به ازدواج بهترین امتم و بهترین اهل بیت در آورده است. تو سیده زنه‌ای اهل بهشت هستی و دو پسر حسن و حسین علیه السلام دو آقای اهل بهشتند. حضرت زهرا علیها السلام از آنچه پدرش به او فرمود مسرور و خوشحال شد. (۱۱۸) پیامبر علیه السلام فرمود: دخترم، چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: یا رسول الله! بعد از تو بر خودم و بر فرزندانم از بی اعتنایی و ضایع شدن حقمان می ترسم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی چشمانش اشک آلوده شده بود فرمود: ای فاطمه! مگر نمی دانی ما اهل بیته هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا ترجیح داد و فنا را بر همه خلقتش حتمی نموده است. خداوند تبارک و تعالی توجهی به زمین نمود و مرا از میان آنان انتخاب کرد. سپس بار سوم به زمین توجه کرد و تو و یازده نفر از فرزندانم برادرم و شوهرت را که از نسل تو هستند انتخاب کرد. دخترم، آیا نمی دانی که از جمله کرامت های خداوند بر تو آن است که تو را به ازدواج بهترین امتم و بهترین اهل بیت در آورده است. تو سیده زنه‌ای اهل بهشت هستی و دو پسر حسن و حسین علیه السلام دو آقا اهل بهشتند. حضرت علی علیه السلام از آنچه پدرش به او فرمود مسرور و خوشحال شد. (۱۱۹) فصل پنجم همراه رسول الله (صلی الله علیه و آله) پیامبر (ص) فاطمه علیها السلام را بسیار می بوسید. روایات زیادی در مورد بوسیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) دختر گرامیش فاطمه را وجود دارد که به نقل از آنها اکتفا می کنیم. ۱- عایشه می گوید: فاطمه علیها السلام در سخن گفتن، شبیه ترین مردم به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. وقتی بر پیغمبر وارد می شد آن حضرت دستش را می گرفت و می بوسید و بر جای خودش می نشاند. هرگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد می شد، فاطمه به احترام پدر از جای بر می خاست، دست آن حضرت را می بوسید و در جای خودش می نشاند. روزی عایشه دید که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه را می بوسد، عرض کرد: یا رسول الله! آیا هنوز هم فاطمه علیها السلام را می بوسی با اینکه شوهر دارد؟ فرمود: اگر می دانستی من چقدر فاطمه علیها السلام را دوست دارم محبت تو نیز نسبت به او زیادتر می شد. فاطمه حوریه ای است به صورت انسان، من هر وقت مشتاق بوی بهشت می شوم او را می بوسم (۸۷) ۲- عایشه می گوید: هرگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مسافرت بر می گشت گلوگاه فاطمه را می بوسید و می فرمود: بوی بهشت از او استشمام می کنم. ۳- عایشه می گوید: بسیاری از اوقات رسول خدا طره موی بالای پیشانی فاطمه را می بوسید، او را می بویید و زبانش را بر او می کشید. ۴- حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمی خوابید مگر آنکه اول صورت فاطمه را می بوسید، صورت خود را روی سینه فاطمه می گذاشت و برای او دعا می کرد. در روایتی دیگر چنین آمده است: پیامبر تمام صفحه پیشانی فاطمه و یا میان سینه او را می بوسید. ۵- ابو ثعلبه خشنی می گوید: هرگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مسافرت بر می گذشت به منزل فاطمه می رفت، فاطمه به استقبال پدر می رفت و حضرت او را در آغوش می گرفت و بین دیدگانش را می بوسید. (۸۸) روزی حضرت زهرا علیها السلام به خدمت حضرت رسول رسید. حضرت او را استقبال کرده، دستهایش را بوسید، به هنگام خداحافظی بار دیگر دستهایش را بوسید و او را بدرقه فرمود. راوی گوید، عرض کردم. ای رسول خدا! چنین کاری را درباره هیچ یک از شما ندیده‌ام؟... پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: من این کار را جز به فرمان پروردگارم انجام ندادم (۸۹)

### فاطمه پاره تن رسول خدا

روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی که دست حضرت فاطمه علیها السلام را گرفته بود از منزل بیرون آمد و فرمود: هر کس او را می شناسد که می شناسد و هر کس او را نمی شناسد بداند که فاطمه علیها السلام دختر محمد (صلی الله علیه و آله) است، او پاره تن، قلب و روحی در کالبد من است. هر کس او را بیازارد، مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده است. (۹۰) در روایتی دیگر آمده است که: در زمان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) ابولبابه، رفاعه بن عبدالمنذر، به منظور پذیرفته شدن



توبه آنها، خود را به ستون مسجد بستند. وقتی که توبه شان پذیرفته شد، حضرت فاطمه علیها السلام خواست او را از ستون باز کند، او گفت: سوگند یاد کرده ام که جز رسول خدا (صلی الله علیه وآله) کسی مرا باز نکند. پیامبر فرمود: همانا فاطمه، پاره تن من است. (۹۱) کیست زهرا؟ آئینه ایزدنا کیست زهرا؟ آئینه ذات خدا کیست زهرا؟ مظهر کل الجمال کیست زهرا؟ مظهر کل الجلال کیست زهرا؟ مظهر کل الکمال آئینه حسن جمال ذو الجلال کیست زهرا؟ عاشق ذات خدا مظهر اسماء و اوصاف خدا کیست زهرا؟ دخت احمد، مصطفی مظهر کل الکمال کبریا

## وعده دیدار

حضرت زهراء در واپسین لحظات عمر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) به آن حضرت عرض کرد: پدرجان! من لحظه ای در دنیا در فراق شما نمی توانم صبر کنم، قرار من و شما فردا کجا؟ حضرت فرمود: تو نخستین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد و قرار من و تو در کنار پل جهنم. گفت: مگر خداوند متعال جسم و بدن شما را بر آتش حرام نکرده است؟ فرمود: آری، اما من در آنجا ایستاده ام تا اینکه اتم عبور کنند. عرض کرد: اگر شما را آنجا ندیدم؟ فرمود مرا در کنار پل هفتم از پل های جهنم در حالی خواهی دید که از ستمدیده در خواست بخشش ستمگر از ظلمش می کنم. پرسید: اگر شما را ندیدم؟ فرمود: مرا در مقام شفاعت می بینی و من امت خود را شفاعت می کنم. پرسید: اگر شما را آنجا ندیدم؟ فرمود: مرا در مقام شفاعت می بینی و من امت خود را شفاعت می کنم. پرسید: اگر شما را آنجا ندیدم؟ فرمود: مرا نزد میزان می بینی در حالی که از خداوند برای اتم رهایی از آتش را می خواهم. پرسید: اگر شما را آنجا ندیدم؟ فرمود: مرا در کنار حوض خود (کوثر) خواهی دید. عرض حوض من به اندازه فاصله بین ایله تا صنعا است. (۱۲۰) بر سر حوض هزاران جوان ایستاده که هزار جام مانند در منظم و جواهر سپید پوشیده شده در دست دارند در یک صف کنار یکدیگر ایستاده اند. هر کسی یک بار از آن بیا شامد پس از آن هیچ گاه تشنه نخواهد شد. حضرت همچنان پاسخ می داد تا وقتی که روح از بدن مبارکش مفارقت کرد. (۱۲۱) سخنی نمی گویم که پروردگار را به خشم آورد جابر انصاری می گوید: فاطمه علیها السلام کنار بستر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نشسته بود و با اندوهی جانکاه می گفت: وا کرباه لکربک یا ابتاه؛ اه و فغان از رنج و مصیبت تو ای پدر جان. پیامبر (صلی الله علیه وآله) به فاطمه (صلی الله علیه وآله) به فاطمه علیها السلام فرمود: دخترم، برای من بعد از امروز رنجی نخواهد بود. ای فاطمه! نباید در وفات پدرت گریبان چاک کنی و سبیلی به صورت بزنی، تو همچنان که پدرت در مرگ پسرش ابراهیم گفت، بگو دیدگاه اشک می ریزند، و دل به درد می آید ولی سخنی نمی گویم که پرتونگار را به خشم آورد در مصیبت تو ای ابراهیم اندوهنا کیم. (۱۲۲) فاطمه علیها السلام در لحظات آخر عمر پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در آخرین لحظات عمر شریفشان به علی علیه السلام فرمودند: سرم را بر دامن خود بگیر، زیرا که امر الهی فرا رسید و چون جان من بیرون رود مرا رو به قبله بگذار و کار غسل و کفن مرا خودت انجام بده. حضرت علی علیه السلام سر آن حضرت را به دامن گرفت، آن حضرت از حال رفت، فاطمه علیها السلام خود را بر آن حضرت افکند و به روی او نگاه می نمود و نه و گریه می کرد و این شعر ابوطالب را می خواند: و ایضیستسقی الغمام بوجهه شمال الیتامی عصمه الیتامی عصمه اللارامل و سفید روئی که مردم به برکت روی او طلب باران می کنند، او که فریاد رس یتیمان و پناه بیوه زنان است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چشمش را باز کرد و با آواز ضعیف فرمود: دختر جانم: ای گفتار عمویت ابوطالب است، آن را مخوان ولی این آیه را بخوان: و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل اءفان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین (۱۲۳) در این هنگام فاطمه علیها السلام صدای گریه اش بلند شد، پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او اشاره کرد که نزدیک بیا. فاطمه علیها السلام نزدیک رفت، پیامبر (صلی الله علیه وآله) آهسته به او سخنی گفت که روحی فاطمه از آن سخن شکوفا شد، سپس جان رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

(قبض گردید... در حدیث آمده: که بعد از رحلت پیامبر از فاطمه علیها السلام پرسیدند که آن سخن پیامبر با تو چه بود که موجب خرسندی تو گردید؟ فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من خبر داد که من نخستین نفر از اهل بیت او هستم که به او ملحق می‌گردم و بعد از او چندان نمی‌گذرد که من به او می‌پیوندم و این مژده موجب از بین رفتن اندوه من می‌گردید. (۱۲۴) گفتگوی فاطمه علیها السلام با عزرائیل از ابن عباس روایت شده: رسول خدا هنگام بیماری لحظه‌ای بیهوش گردید، در آن هنگام در خانه کوبیده شد. فاطمه علیها السلام فرمود: کیستی؟ کوبنده در گفت: مرد غریبی هستم آمده‌ام از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسشی کنم! آیا اجازه می‌دهید به محضرش برسم؟ فاطمه علیها السلام فرمود: باز گرد، خدا تو را بیامرزد، اکنون پیامبر بیمار است. آن شخص غریب رفت و پس از لحظه‌ای باز آمد و در خانه را کوبید و گفت: مرد غریبی است از پیامبر اجازه ورود می‌طلبد آیا به غریبان اجازه ورود می‌دهید؟ در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به هوش آمد و فرمود: فاطمه جانم! آیا می‌دانی این شخص کیست؟ این کسی است که جمعیتها را پراکنده می‌کند، لذات را در هم می‌شکند، این فرشته مرگ (عزرائیل) است، به خدا سوگند قبل از من از کسی اجازه نگرفته و پس از من هم از احدی اجازه می‌طلبد، به او اجازه ورود بده. فاطمه علیها السلام به او فرمود: داخل شود، خدا تو را بیامرزد، عزرائیل مانند نسیم ملایمی وارد خانه پیامبر شد و گفت: السلام علی اهل بیت رسول الله؛ سلام بر خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله). (۱۲۵) حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت پدر ناله‌های جانشوزی دارد که دل هر عاشقی را به درد می‌آورد. حضرتش در فراق پدر و در توصیف او می‌گوید: پدر عزیزم دنیا به جمال تو با رونق و روشن بود و امروز در عزای تو گلهای جهان پژمرده است، اکنون، تر و خشک دنیا حکایت از ظلمت و تاریکی می‌نماید. تو بهار دین پروردگار عالم بودی، تو نور فروزان نبوت بودی، چه شد در فراق تو کوهسارها فرو نمی‌ریزد، چه پیش آمد دریاها فرو نمی‌نشینند. چگونه است که آب زمین را فرا نمی‌گیرد. پدر عزیزم: فرشته گان بر تو گریستند محراب تو بی مناجات و معطل ماند. تو خود قرین مسرت و شادی گشتی و بهشت به لقای تو در دعای تو زینت گرفت. ای روشنایی روز و جلوه و مجال خورشید، تو کجایی که جهان دور از تو لباس عزا پوشیدن و گلهای شاداب بهاری در غم تو، رنگ خزان به خود گرفته. پدر عزیزم، آنچنان در غم تو بنالم که جان بسپارم. آنقدر در جستجوی تو بکوشم تا تو را باز جویم. این چه بار گران بود که پشت مرا در هم شکست دیگر نمی‌توانم به مسجد بیایم تا جای خالی تو را بینم ... (۱۲۶)

## فصل ششم: در منزل علی علیه السلام، همراه امام

### در خانه فاطمه علیها السلام محل دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

پس از نزول آیه و اءمر اهلک بالصلوة و اصطر علیها (۱۲۷) و آیه انما یرید الله لینهب عنکم... (۱۲۸) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هر روز، وقت نماز صبح به در خانه‌علی و فاطمه علیها السلام می‌آمد و می‌فرمود: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. پس اهل بیت، یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام در پاسخ اظهار می‌داشتند: و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد ای پیامبر خدا. سپس حضرت دو طرف چهار چوبه در را گرفته می‌فرمود: نماز، نماز خدا شما را رحمت کند. همانا خداوند چنین می‌خواهد که هر گونه آلودگی را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را از هر ناخالصی پاک کند. پس حضرت تا زمانی که در مدینه حضور داشت هر روز صبح پیوسته این کار را انجام می‌داد تا اینکه از دنیا رحلت فرمود. (۱۲۹) حضرت فاطمه علیها السلام در برابر یکی از افراد نادان مدینه که در مورد علی علیه السلام زبان به سرزنش گشوده بود و ناسزا می‌گفت، فرمود: می‌دانی علی کیست؟ علی امامی ربانی و الهی و هیکل نورانی و مرکز توجه همه عارفان و خداپرستان و فرزندی از خاندان پاکان، گوینده به حق و روا، جایگاه اصلی و محور امامت، پدر حسن و حسین علیه السلام دو دسته گل پیامبر علیه السلام و دو بزرگ و سرور

جوانان اهل بهشت است . (۱۳۰)

### ذوالفقار علی علیه السلام در دست فاطمه علیها السلام

مرحوم شیخ مفید (ره) نقل می کند: وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جنگ احد باز می گشت حضرت فاطمه علیها السلام با ظرفی پر از آب بر در خانه به استقبال پدر آمد و سر و صورت پدرش را از گرد و خاک راه شستشو داد، به دنبال آن امیرالمؤمنین علیه السلام با دستی مجروح و پر از خون از راه رسید و ذوالفقارش را به فاطمه علیها السلام داد و فرمود: خدی هذا السیف فقد صدقنی الیوم این شمشیر را بگیرد، که امروز وفای خود را نسبت به من نشان داد. سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به فاطمه علیها السلام فرمود: ای فاطمه علیها السلام شمشیر علی را بگیر که شوهرت امروز دین خود را ادا کرد و خداوند و به وسیله شمشیر او بزرگان قریش را از پای در آورد. (۱۳۱) فاطمه علیها السلام به سؤالات شرعی با گشاده روئی پاسخ می داد علی علیه السلام نقل فرمود: روزی یکی از زنان مدینه خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسید و گفت: مادر پیری دارم که در مسائل نماز سؤالاتی دارد، مرا فرستاده تا مسائل شرعی نماز را از شما بیروم. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: بیروم. زن مسائل فراوانی را مطرح کرد و پاسخ شنید. در ادامه پرسشها، آن زن خجالت کشید و گفت: ای دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، بیش از این نباید شما را به زحمت اندازم. حضرت فاطمه فرمود: آن چه سؤالی داری بیروم، آیا کسی را اجیر نمایند که بار سنگینی را به بام ببرد و در مقابل، صد هزار دینار طلا- مزد بگیرد، چنین کاری برای او دشوار است؟ آن زن گفت: خیر. حضرت ادامه داد: من هر مسأله ای را که پاسخ می دهم. بیش از فاصله بین زمین و عرش گوهر و لؤلؤ پاداش می گیرم، پس سزاوارتر است که بر من سنگین نیاید. (۱۳۲)

### دفاع از امام علی علیه السلام در فتح مکه

ام هاین، خواهر علی علیه السلام گوید: در روز فتح مکه دو تن از خویشان مشرک شوهرم را پناه دادم. هنوز آنها در خانه ام بودند که ناگهان برادرم علی علیه السلام، سواره و زره پوش وارد خانه ام شده و به طرف آن دو تن شمشیر کشید. من میان او و ایشان ایستادم و گفتم: اگر بخواهی آن دو را بکشی باید پیش از آنها مرا بکشی! (ظاهراً خواهرش حضرت را نشناخته بود). علی علیه السلام بیرون رفت در حالی که چیزی نمانده بود آنها را بکشد. من خود را به محل خیمه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بطحا رساندم، اما آن حضرت را پیدا نکردم، ولی فاطمه علیها السلام را دیدم و ماجرا را برایش گفتم، دیدم فاطمه علیها السلام از همسرش قاطع تر است، با تعجب فرمود: تو هم باید مشرکین را پناه دهی؟ یا به نقلی حضرت زهرا علیها السلام در مقام دفاع از شوهرش بر آمده و روی به ام هانی کرده فرمود: ای ام هاین! تو از اینکه علی دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا را ترسانیده و تهدید کرده، آمده ای به حضرت رسول شکایت کنی...؟ در این میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و از حضرتش برای آن دو نفر امان طلبیدم و پیامبر به آنها امان داد. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه علیها السلام فرمود که برای او آب فراهم کند. فاطمه آب فراهم کرد و پیامبر شستشو نمود. (ناگفته نماند) هنگامی که هند و دیگر زنان مشرکین برای اعلام پذیرش اسلام و بیعت به حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدند فاطمه علیها السلام نیز حضور داشت. (۱۳۳)

### خانه فاطمه علیها السلام خانه من است

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی چنین فرمود: پیامبر اکرم به هنگام رحلت از این دنیا فرمود: آگاه باشید که در خانه فاطمه علیها السلام در خانه من و خانه اش خانه من است، هر کس هتک حرمت او کند، حجاب خداوند را دریده و هتک حرمت خدا را کرده است. راوی این حدیث می گوید: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مدتی طولانی گریست

و فرمود: به خدا سوگند که حجاب خداوند هتک شد، به خدا سوگند حجاب خدا هتک شد، به خدا سوگند حجاب خداوند هتک شد، ای مادر! درود خداوند بر او باد. (۱۳۴) شرافت فاطمه علیها السلام بر حورالعین فاطمه علیها السلام از جمله ابرار و کسانی است که سوره هل اتی درباره آنان شده است. علمای شیعه و سنت نکته ای راجع به عظمت حضرت فاطمه علیها السلام در سوره هل اتی بیان می کنند که از آن جمله، ابوالفرج عبدالرحمن بن الجوزی است، او می گوید: شگفتا که انواع نعمت های بهشت از پوشیدنیها، طعامها، آشامیدنیها، قصرها، چشمه های جاری در سوره هل اتی ذکر شده، ولی از زنان و حوریان بهشتی که نهایت لذت است سخنی به میان نیامده و این به خاطر احترام فاطمه علیها السلام است که اشرف دختران به شمار می آید. کسی که فاطمه زهرا علیها السلام را وصف می کند از حورالعین سخن به میان نمی آورد. (۱۳۵)

### پذیرایی شایسته از مهمان

قرآن کریم در شرح ایثار خاندان نبوت در سوره مبارکه حشر می فرماید: و یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة (۱۳۶) شرح ماجرا: در حدیث آمده است که مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شد و از گرسنگی شکایت کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شخصی را به حجره های همسران خود فرستاد تا چیزی برای مرد فقیر بیابند، اما همگی آنها گفتند: ما عندنا الا الماء؛ نزد ما چیزی جز آب نیست. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) رو به اصحاب کرد و فرمود: چه کسی امشب این مرد فقیر را مهمان می کند؟ علی علیه السلام فرمود: انا له یا رسول الله؛ من پذیرایش می کنم ای رسول خدا!؛ پس به طرف خانه حرکت کرد و جریان را به اطلاع حضرت فاطمه علیها السلام رساند، حضرت فاطمه گفت: ما عندنا الا قوت الصبیة و لکنائو ثر به ضعیفنا زند ما غذایی، جز به اندازه دختر بچه ای نیست و لکن ما مهمان را بر خود مقدم می داریم. آن شب علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام فرمود: شما بچه ها را خواب کن، من از مهمان پذیرایی می کنم. چراغها را خاموش کرد و خوب به همراه مهمان سر سفره نشست، اما خود از غذا چیزی نخورد تا اینکه مهمان سیر شد، صبح همان شب این آیه نهم از سوره حشر در شائن ایشان، (علی و فاطمه علیها السلام) نازل شد. علی علیه السلام صبح که خدمت رسول خدا (گ) شرفیاب شد. (بی آنکه سخنی بگوید) پیامبر (صلی الله علیه و آله) تبسم کرد و آیه فوق را تلاوت فرمود و ایثار آنها را ستود. (۱۳۷)

### تحمل گرسنگی با شنیدن فضایل علی علیه السلام

حضرت فاطمه علیها السلام گوید: نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفته سلام کردم، حضرت فرمود: علیک السلام دخترم! ای پیامبر خدا! به خدا سوگند که امروز صبح در خانه علی علیه السلام یک دانه گندم هم نبود. هم اکنون پنج روز است که غذا به دهان او وارد نشده است. صبحگاهان نه گوسفندی داشتیم، نه شتری و نه خوراکی و نه آشامیدنی ای!! حضرت فرمود: نزدیک بیا. نزدیک رفتم. فرمود: دستت را میان پشت و لباسم قرار ده. من چنین کردم، مشاهده نمودم که بین پشت و شانه حضرت سنگی است که به سینه ایشان بسته شده است، فریادی کشیدم، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: دخترم! حدود یک ماه است که در خانه های خاندان محمد آشتی برای غذای افروخته نشده است. سپس فرمود: آیا قدر و منزلت علی علیه السلام را میدانی؟ او کسی است که کارهای مرا در سن دوازده سالگی کفایت کرد و در شانزده سالگی در پیش روی من به دفاع از من شمشیر زد، در نوزده سالگی شجاعان (قریش) را بر زمین زد و گشت و در بیست سالگی غم و اندوه مرا به طرف کرد و در قلعه خیبر را که پنجاه نفر نمی توانستند آن را بلند کنند، در بیست و چند سالگی بلند نمود. چهره فاطمه علیها السلام از شنیدن این مطالب روشن شد، نزد علی علیه السلام آمد در حالی که خانه اش از نور چهره اش روشن شده بود. علی علیه السلام به او فرمود: ای دختر محمد (صلی الله علیه و آله) هنگامی که از نزد من بیرون رفتی، چهره ات بدین گونه روشن نبود؟ گفت: همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

فضایل تو را برایم گفت ، نتوانستم خود را نگه دارم تا اینکه نزد تو آمدم . (۱۳۸)

### چرخیدن آسیای سنگی به امر پروردگار

از ابوذر غفاری روایت کرده اند که گفت : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا به خانه علی علیه السلام فرستاد تا او را به نزد پیغمبر بخوانم ، چون به خانه آن حضرت رفتم چیز عجیبی مشاهده کردم ، دیدم آسیای سنگی که در خانه بود، بدون اینکه کسی او را به گردش در آورد می چرخد. من به همراه علی علیه السلام به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدم . آنگاه من جریان را به عرض پیغمبر رساندم . رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا خدای تعالی قلب و جوارح دخترم فاطمه علیها السلام را از ایمان و یقین پر کرده و چون ناتوانی جسمی او را می داند وی را کمک می دهد. مگر نمی دانی که خداوند فرشتگانی را به کمک و خدمتکاری آل محمد علیه السلام گماشته است ؟ در روایت دیگری وارد شده : گاهی حضرت فاطمه علیها السلام به نماز و عبادت که می ایستاد و کودکش در گهواره گریان می شد. فرشته ای گهواره را به حرکت در می آورد. (۱۳۹)

### در همه خانه ها بسته شود الا خانه علی و فاطمه علیها السلام

امام حسن علیه السلام فرموده است : آیا می خواهید برخی از اخبار خود را برای شما باز گو کنم ؟ گفتند: آری ای پسر امیرالمؤمنین ! فرمود: هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مسجدش را در مدینه ساخت و در خانه خود را به روی مسجد باز گذاشت ، مهاجرین و انصار نیز درهایی از خانه های خود را بر طرف مسجد گشودند. خداوند متعال اراده فرمود که فضیلت حضرت محمد و خاندان والای او را آشکار کند، لذا جبرئیل نازل شد و از سوی خداوند متعال دستور آورد که : پیش از آنکه عذاب الهی فرود آید، باید همه درهایی که به سوی مسجد باز است ، بسته شود ! نخستین کسی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او دستور داد در خانه اش را ببندد عباس عمومی حضرت بود. بعد عمر بن خطاب از راه رسید و گفت : ای رسول خدا دوست دارم به هنگام رفتن به جایگاه نماز شما را ببینم ، اجازه فرمایید روزانه ای به مسجد باز کرده تا بتوانم شما را ببینم . حضرت فرمود: خداوند متعال چنین اجازه ای نمی دهد. گفت : به اندازه ای که بتوانم صورتم را بر آن بگذارم . فرمود: خداوند اجازه نمی دهد. گفت : به اندازه ای که بتوانم یکی از چشمهایم را روی آن بگذاریم . فرمود: خداوند اجازه نمی دهد. آنگاه فرمود: اگر بگویی به اندازه سر سوزن به تو اجازه نخواهم داد. سپس فرمود: سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست . من شما را خارج و آنها (علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام) را داخل نکردم ، بلکه خداوند آنان و شما را خارج کرد. (۱۴۰)

### پدرم فدای تو باد

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که از مسافرت برگشته بود به در خانه فاطمه علیها السلام رفت ، دید که بر در خانه او پرده ای و در دستهایش دستبندی نقره ای است . بی درنگ از در خانه برگشت . ابو رافع وارد خانه فاطمه علیها السلام شد. آن حضرت رسول را به ابو رافع از پیامبر (صلی الله علیه و آله) علت مراجعت حضرت رسول را به ابو رافع گفت : ابو رافع از پیامبر (صلی الله علیه و آله) علت مراجعت را پرسید. حضرت فرمود: به خاطر پرده و دستبندها. فاطمه علیها السلام آنها را به وسیله بلال نزد حضرت فرستاد و پیغام داد: اینها را به عنوان صدقه دادم ، به هر نحوی که صلاح می دانید خرج کنید. حضرت به بلال فرمود: اینها را ببر و بفروش و به اهل صغه بده . بلال دستبندها را به دو درهم و نیم فروخته و به اهل صغه داد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد فاطمه علیها السلام آمد و فرمود: پدرم فدای تو باد، کار نیکی انجام دادی . (۱۴۱) در نقلی دیگر آمده است که : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در یکی از سفرهای جنگی ، به مدینه بازگشت و به سوی خانه فاطمه رهسپار شد، وقتی که به در خانه رسید، ناگهان

پرده مخصوصی را دید که آویزان است و حسن و حسین علیه السلام را دید که در دستشان دستبند نقره ای می باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از همانجا بازگشت و وارد خانه فاطمه علیها السلام نشد. فاطمه از جریان برگشتن پدر از در خانه آگاه شد و گمان برد که علت بازگشت پیامبر به خاطر آن پرده و دستبندها بوده است. بلافاصله پرده را گرفت، دستبندها را از دست حسن و حسین علیه السلام بیرون آورد. آنها با چشمی گریان به حضور رسول خدا آمدند. رسول خدا آن دستبندها را از آنها گرفت و به ثوبان (یکی از غلامان) فرمود: اینها را به فلان جا ببر و با اینها برای فاطمه یک گردنبند از چوب عصب، و دو دستبند از چوب عاج خریداری کن و فرمود: فان هولاء اهل بیتی و لا- احب ان یاء کلوا طیباتهم فی حیاتهم الدنیا زیرا اینها اهل خانه من هستند و من دوست ندارم که آنها زیباییها و لذائذ را در این دنیا مصرف کنند و برای آخرت باقی نگذارند. (۱۴۲)

### سخنان حضرت فاطمه در مورد پیامبر و علی

حضرت زهرا علیها السلام برخی از زنان فرمود: دو پدر دینیت، محمد و علی را با ناخشنودی پدر و مادر نسبی خود خشنود ساز! ولی پدر و مادر نسبی خود را با خشم دو پدر دینی خود از خود راضی مساز، زیرا اگر پدر و مادر نسبی تو از تو ناراضی باشند حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و علی علیه السلام با دادن جزئی از هزاران هزار ثوابهای طاعت خود آن دو را راضی می کنند، ولی پدران دینی (حضرت محمد و علی (صلی الله علیه و آله)) اگر از تو ناراضی باشند پدر و مادر نسبی تو نمی توانند آنها را راضی کنند. زیرا ثواب طاعت همه مردم دنیا نمی تواند جلو سخط و غضب آنان را بگیرد (۱۴۳)

### ادب و ایثار فاطمه علیها السلام

ادب و ایثار حضرت فاطمه علیها السلام به حدی بود که گرسنگی خود و فرزندانش را از علی علیه السلام پنهان می کرد و از شوهرش تقاضایی نمی کرد تا شاید نتواند آن را بر آورده کند. در این رابطه به موارد زیر توجه فرمایید: ۱- روزی فاطمه زهرا علیها السلام در حالی که آثار ضعف و گرسنگی از چهره او نمایان بود، به حضور پدرش رسید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وقتی این حالت را مشاهده کرد، دستهایش را به سوی آسمان بلند نمود و گفت: خدایا! گرسنگی فرزندم را به سیری تبدیل نما و وضع او را سامان بده. (۱۴۴) ۲- روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از دخترش پرسید: فاطمه جان! چرا رنگ رخسارت پریده است؟ چرا رنگ فرزندانم حسن و حسین دگرگون شده است؟ عرض کرد: پدرجان! سه روز است که غذا نخورده ایم و فرزندانم حسن و حسین از شدت گرسنگی بی تاب شده اند و هم اکنون مانند جوجه های پرکنده از گرسنگی به خواب رفته اند. (۱۴۵) ۳- روزی علی علیه السلام از آن حضرت تقاضای غذایی کرد، آن حضرت گفت: دو روز است که خودم چیزی نخورده ام و هر چه در خانه بود برای شما و فرزندانم آورده. وقتی که علی علیه السلام به او می گوید: چرا مرا آگاه نساختی تا برای شما غذا تهیه کنم؟ می گوید: از خدای خود شرم کردم که چیزی از تو بخواهم که انجام آن برایت دشوار باشد. (۱۴۶) کمک کردن حضرت علی علیه السلام در کارهای منزل در بحار از جامعه الاخبار نقل شده که: علی علیه السلام فرمودند: رسول خدا علیه السلام بر ما وارد شدند در حالی که فاطمه زهراء علیها السلام در کنار دیگ نشسته بود و من عدس پاک می کردم. حضرت فرمودند: گوش فراده، زیرا آنچه می گویم از سوی پروردگار می گویم: مردی که به همسرش در خانه کمک و مساعدت نماید، به تعداد موهای بدنش برای او عبادت سالی را می نویسد که روزها را روزه داشته و شب ها را شب زنده داری نموده است. (۱۴۷)

### شاعن نزول آیه تطهیر

ابن بابویه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: روزی با حسین و فاطمه علیها السلام به حضور پیغمبر اکرم (صلی الله



علیه وآله)، در حجره ام سلمه همسر پیامبر وارد شدیم. در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیه: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا (۱۴۸) را نازل نمود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: یا علی! این آیه در شأن تو و فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام نزول شده است. علی علیه السلام می فرمود: به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) عرض کردم: ائمه بعد از شما چند نفر هستند؟ حضرت فرمود: دوازده نفرند، که اول آنها تو، و بعد از تو حسن و بعد از او حسین و بعد از او علی فرزند حسین. یکی یکی اسامی ایشان را بیان فرمود تا به حضرت حجه بن الحسن العسکری (عج) رسید. آنگاه فرمود: اسامی تمام شما بر ساق عرش نوشته شده. در شب معراج پروردگار به من فرمود: اینها نام و اوصیاء و ائمه بعد از تو می باشند، همه ایشان پاک و پاکیزه و معصوم و دشمنان آنها معلومند. (۱۴۹)

### کارهای فاطمه در خانه علی

روزی امیرالمؤمنین به یکی از اصحاب خود فرمود: می خواهی جریانی از زندگانی خودم با فاطمه علیها السلام را برایت تعریف کنم؟ فاطمه علیها السلام آنقدر در خانه من با مشک آب حمل کرد که اثر آن در سینه اش پدیدار شد. آنقدر به وسیله آسیاب دستی گندم آرد کرد که دستش تاول زد. آنقدر خانه را جاروب کرد که بر لباس او گرد و خاک نشست. آنقدر آتش زیر دیگ روشن کرد که لباسش دوده ای و سیاه شد. او زیاد کار کرد و بسیار هم آسیب دید. (۱۵۰) هرگز از شوهرت چیزی نخواه علی علیه السلام باغی داشتند که آن را به مبلغ ۱۲ هزار در هم فروخته و همه پولها را بین فقراء تهیدستان مدینه تقسیم کرد. وقتی که به منزل بازگشت، فاطمه علیها السلام از ایشان پرسید؟ یا علی! پس غذای امروز ما چه شد؟ علی علیه السلام برای تهیه غذا از منزل خارج شد، اما فاطمه علیها السلام با خود اندیشید که چرا چنین گفتم، چون از پدر شنیده بود که هرگز از شوهرت چیزی نخواه، شاید نتواند آن را تهیه کند. آنگاه فرمود. فانی استغفر الله و لاءعود اءبدا من از خدا آمرزش می طلبم و دیگر این رفتار را تکرار نخواهم کرد. (۱۵۱)

### شاعر نزول سوره هل اتی

امام حسن و امام حسین علیه السلام بیمار شدند. رسول خدا (گ) به همراه جمعی از اصحاب به عیادت آنها آمد و به علی علیه السلام گفتند: خوب است برای شفای فرزندان نذر کنی. علی و فاطمه و فضه خادمه علیها السلام نذر کردند که اگر آن دو از بیماری شفا یافتند سه روز، روزه بگیرند و شکر نعمت سلامتی آن دو عزیز را به جا آورند. طولی نکشید که حال آن دو به بهبودی رفت و شفا یافتند. در این هنگام در خانه امیرمؤمنان علی علیه السلام چیزی برای خوردن یافت نمی شد، به مین خاطر علی علیه السلام از شمعون خیبری یهودی سه صاع (که هر صاع سه کیلو است) جو قرض کرد. فاطمه علیها السلام پس از آسیاب کردن جو، یک سوم آن را به اندازه تعداد افراد خانواده، یعنی پنج قرص نان پخت. علی علیه السلام پس از پایان نماز به امامت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به خانه برگشت. اینک سفره غذا در حالی که طعام اول و آخرش نان و نمک است، آماده پذیرایی از بهترین خلق خداست. آنها آماده افطار می شوند، اما هنوز شروع به افطار نکردند که صدای کوبه در بلند می شود. آری صدای فقیری است که تقاضای غذا دارد و می گوید: اسلام علیکم یا اهل بیت محمد، (انا) مسکین من مساکین المسلمین، اطعمونی اطعمکم الله من موائد الجنة درود بر شما ای خاندان محمد، من مسکین از مسکینان مسلمین هستم غذایی به من بدهید، خدای تعالی از غذاهای بهشتی به شما بخوراند. علی علیه السلام صدا را که شنید، خطاب به دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چنین فرمود: فاطمه جان! ای بزرگوار اهل یقین! ای دختر بهترین خلق روی زمین! آیا به بیچاره ای که دست نیاز به خانه ات آورده، نظری داری؟ به خدا شکوه می کند و حاجت می طلبد. با گرسنگی غم و به سوی ما آمده است و تمام امور در دست خداست و همه

خوبیها از او نشاءت می گیرد. بهشت دلپذیر به شما وعده می دهد، همان بهشتی که بر بخیل حرام است. حضرت زهرا علیها السلام در جواب همسرش فرمود: به آن گرسنه خوارک می دهم و به سیر شدن او امیدوارم، به راستی که حق برای نیکان است و به شفاعت خود آنها را به بهشت خواهم برد. آن پنج تن، شخص مسکین را بر خود مقدم داشته و سهم خود را به فقیر دادند و آن شب را با آب افطار کردند. روز دوم را نیز روز حضرت فاطمه علیها السلام بخش دیگری از جو را آسیاب کرد و به اندازه تعداد افراد، نان پخت. چون هنگام افطار شد، یتیمی بر در خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله)! من یتیم و گرسنه ام، پدرم از مهاجرین بود و در جنگ شهید شد. از آنچه خدا به شما روزی داده به من دهید تا خدا نیز در بهشت به شما عوض دهد. حضرت علی علیه السلام فرمود: هر کس که بخشش کند برای او خواهد ماند و آب و غذای بهشتی به او داده می شود. حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ به دعوت همسرش چنین سرود: حتما او را بر فرزندانم مقدم می دارم و او را سیر می کنم - زیرا آنها که گرسنه اند فرزندانند. این بار هم مثل شب قبل، تمام افراد خانه غذای خود را به آن یتیم دادند. فاطمه علیها السلام روز سوم نیز باقیمانده جو را آسیاب کرده و نان پخت. هنگام افطار، اسیری آمد و از آنها تقاضای غذا کرد. امیرالمؤمنان فرمود: فاطمه، دختر پیامبری است که سرور تمام انبیاء است. فاطمه جان! بر این اسیر گرفتار، منت بگذار. هر کس امروز کار خیری انجام دهد و بذر را بپاشد، روز جزا محصول آن درو خواهد کرد. آنگاه همگی غذای خود را سیر دادند. فردای روز سوم، علی علیه السلام دست حسن و حسین علیه السلام را گرفته و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی آنها را دید مشاهده کرد که از شدت گرسنگی مانند جوجه ای می لرزند. فرمود: چقدر این منظره و این حالتی که در شما دیدم بر من ناگوار است! برخاسته، همراه ایشان به خانه علی علیه السلام آمد، دید که فاطمه علیها السلام در محراب عبادت ایستاده و آثار گرسنگی در چهره اش نمایان است و از شدت گرسنگی پوست شکمش به پشت او چسبیده و دیدگانش به کاسه سر فرو رفته است. مشاهده آن وضع، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را ناراحت کرد و فرمود: خدایا، بچه های پیامبرت از گرسنگی می میرند؟ در این وقت جبرئیل نازل شد و سوره هل اتی را بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرود آورد و به او گفت: خدایا یا محمد هناک الله اهل بیتک بگیر این سوره را، خداوند تو را در داشتن چنین اهل بیتی تهنیت می گوید.. (۱۵۲) خداوند فاطمه علیها السلام را راضی خواهد کرد ثعلبی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده است: روزی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به خانه فاطمه علیها السلام رفتند، فاطمه را در حالی مشاهده کرد که جامعه ای از جلهای شتر پوشیده و با دستهای خود آسیاب را می گردانید و در حین کار فرزند خود را نیز شیر می داد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) وقتی که این حالت را از دختر دید متاءثر شد، اشک از دیده های مبارکش جاری شد و فرمود: ای دختر گرامی! تلخیهای دنیا را به خاطر حلاوتهای آخرت تحمل کن. پس فاطمه علیها السلام عرض کرد: یا رسول الله! حمد می کنم خدا را بر نعمتهای او و شکر می کنم خدا را بر کرامتهای او. در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیه: و لسوف یعطیک ربک فترضی (۱۵۳) را از طرف خداوند فرود آورد. (۱۵۴) رضایت کامل علی و فاطمه از همدیگر امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: هیچ گاه فاطمه از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجانند، او را به هیچ کاری مجبور نکردم، او نیز مرا آزرده نساخت. در هیچ امری قدمی بر خلاف میل باطنی من برنداشت و هرگاه به رخسارش نظاره می کردم تمام غصه هایم بر طرف می شد و دردهایم را فراموش می کردم. در جای دیگر می فرمایند: به خدا قسم! هرگز کاری نکردم که فاطمه علیها السلام خشمگین شود، او نیز هیچ گاه مرا خشمگین نکرد. (۱۵۵)

### کمک به مجاهدین در جنگ خندق

در جنگ خندق که مدینه در محاصره قرار داشت، هر کس به اندازه توان خود از جنگ پشتیبانی می کرد، حضرت زهراء علیها السلام نیز نان می پخت و بخشی از نیازمندیهای مجاهدان سنگر نشین را تاءمین می فرمود. در یکی از روزها که برای فرزندان



خویش نان تازه آماده کرده بود، نتوانست بدون پدر از آن استفاده نماید، به نزد پدر رفت و گفت: پدرجان! قرص نانی را که می بینید برای غذای فرزندانم آماده کردم، اما دلم آرام نگرفت، ناچار آن را در خط جبهه خدمت شما آوردم. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: دخترم! این اولین غذایی است که پس از سه روز، پدرت برده‌ان می گذارد. (۱۵۶) تذکر: وجود مساجد سبعة (که یکی از آن مساجد به نام حضرت زهرا علیها السلام می باشد) بر دامنه کوه سلع که در عهد پیامبر (صلی الله علیه وآله) هنگام نبرد احزاب، (خندق) بر کنار آن حفر گردید نشان و یادگاری از حضور حضرت زهرا علیها السلام در روزهای سخت محاصره است. (۱۵۷) مصرف گوشت قربانی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حضرت علی علیه السلام را به سفری دور اعزام فرمود، در این ایام مقداری گوشت قربانی برای حضرت فاطمه علیها السلام رسید. حضرت مقداری از گوشت قربانی را برای شوهرش ذخیره نمود. از ایشان سؤال شد: مگر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مصرف گوشت قربانی را نهی نفرمود؟ (منظور صدقه که بر سادات و اهل بیت حرام است). فرمود: مصرف گوشت عید قربان اجازه داده شده. (۱۵۸) شاد شدن فاطمه علیها السلام به خاطر تقسیم کارها در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: میان علی و فاطمه علیها السلام درباره تقسیم کارها بحث شد. برای حل این مشکل خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رفتند و پیغمبر (صلی الله علیه وآله) کارهای منزل را اینگونه تقسیم کرد: کارهای مربوط به داخل خانه به عهده فاطمه و کارهای خارج از خانه به عهده علی علیه السلام باشد. فاطمه علیها السلام به قدری از این تقسیم خوشحال شد که گفت: جز خدا کسی نمی داند تا چه اندازه از این تقسیم خوشحال شدم که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) کار مردان را (کاری را که موجب تماس با مردان است) از عهده من برداشت. (۱۵۹) پشتیبانی از شوهر در کارهای خیر روزی علی علیه السلام وارد خانه شد، دید حسن و حسین علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام گریه می کنند. فاطمه زهرا علیها السلام گفت: اینها گرسنه اند و یک روز است که چیزی نخورده اند! علی علیه السلام پرسید: پس این دیگ بر سر آتش چیست؟ گفت: در دیگ، تنها آب است که برای دل خوشی فرزندانم بر سر آتش نهاده‌ام! علی علیه السلام از این ماجرا دل‌تنگ شد. عبايش را به بازار برد و به مبلغ شش درهم فروخت و با آن غذایی تهیه کرد. وقتی که به خانه باز می گشت فقیری به حضرت گفت: آیا کسی در راه خدا وام می دهد تا چند برابر گردد؟ علی علیه السلام همه آن خوراکی را به او داد، چون به خانه رسید، فاطمه علیها السلام پرسید: یا علی! چیزی برای رفع گرسنگی بچه‌ها بدست آوردی؟ گفت: آری، ولی همه آنها را به بینوایی دادم. فاطمه علیها السلام گفت: چه خوب کردی، تو همیشه توفیق کار خیر می یابی! علی علیه السلام برای اقامه نماز از منزل خارج شد. در راه شخصی را دید که پولی ندارم. گفت: به تو فروختم هر وقت پولی بافتی به من باز دهی؟ علی علیه السلام آن شتر را به ۶۰ درهم خرید و حرکت کرد. ناگهان شخصی رسید و عرض کرد: یا علی! این شتر را به من بفروش. علی علیه السلام فرمود: به چه قیمتی می خری؟ گفت: ۱۲۰ درهم. حضرت شتر را داد و پول را گرفت، نیمی از آن پولها را به صاحب شتر داد و نیمی دیگر را برای خود برداشت. در این وقت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسید و ماجرا را از علی علیه السلام شنید. حضرت فرمود: یا علی! فروشنده جبرئیل و خریدار میکائیل بود. این در عوض آن وامی بود که به فقیر داده بودی. (۱۶۰)

## داستان دینار و آرد فروش

روزی در خانه فاطمه علیها السلام غذا و پولی یافت نمی شد، در این حال علی علیه السلام از خانه بیرون آمد و یک دینار پول در کوچه پیدا کرد. در همه جا اعلام کرد که یک دینار پیدا شده، ولی هیچ کس به سراغ آن دینار نیامد. حضرت فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام گفت: با این دینار آرد بخر، هرگاه صاحب آن پیدا شد به او بر می گردانیم. حضرت علی علیه السلام با این قصد از منزل خارج شد، مردی را دید که مقداری آرد به قیمت یک دینار می فروشد. علی علیه السلام آرد را خرید و یک دینار را به او داد، ولی او سوگند یاد کرد که پولی از بابت آرد نمی گیرد. علی علیه السلام آرد و یک دینار را به خانه آورد و جریان را به

فاطمه علیها السلام گفت: فاطمه علیها السلام از جریان بسیار تعجب کرد، با آن آرد نان درست کردند و خوردند. پس از تمام شدن آرد، علی علیه السلام دوباره اعلام کرد دیناری پیدا کرده، ولی باز کسی به عنوان صاحب آن مراجعه نکرد. علی علیه السلام دوباره برای خرید آرد بیرون رفت باز همان مرد را دید و قضیه خرید آرد مثل دیروز تکرار شد. علی علیه السلام وقتی که به منزل برگشت فاطمه زهرا علیها السلام تعجب کرد! و گفت: یا علی! هم آرد آوردی و هم دینار را؟ علی علیه السلام فرمود: فروشنده سوگند یاد کرد که دینار را نمی‌گیرم. فاطمه علیها السلام گفت: می‌خواستی تو در سوگند از او پیشی بگیری و دینار را به او بدهی. علی علیه السلام برای بار سوم خرید آرد بیرون رفت، ابتدا در این مدت برای یافتن صاحب دینار همه جا اعلام کرده بود. دوباره همان مرد را دید که آرد می‌فروشد. حضرت این بار او را سوگند داد که باید پول آرد را بگیری. پس از آن دینار را به طرف آن مرد انداخت و به سوی خان بازگشت. در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را دید، فرمود: یا علی! آیا آن مرد را شناختی؟ عرض کرد: نه یا رسول الله. فرمود: او جبرئیل بود، آن آرد رزقی بود بود که خداوند بوسیله جبرئیل برای شما فرستاده بود. سوگند به خداوندی که جانم در دست اوست اگر سوگند یاد نمی‌کردی هر روز تا آن دینار در دست تو بود جبرئیل را همان گونه می‌یافتی که آرد به تو می‌داد و دینار از تو نمی‌گرفت. (۱۶۱)

## داستان انار

روزی حضرت زهرا علیها السلام بیمار و بستری شد. علی علیه السلام به بالین او آمد فرمود: زهراء جان! چه میل داری تا برایم فراهم کنم؟ گفت: من از شما چیزی نمی‌خواهم. حضرت علی علیه السلام اصرار کرد. فاطمه علیها السلام گفت: ای پسر عمو، پدرم به من سفارش کرده که هرگز چیزی از شوهرت در خواست نکن، مبادا تهیه آن برایش مشکل باشد و در برابر در خواست تو شرمنده شود. علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه علیه السلام، به حق من، هر چه میل داری بگو تا برایم آماده کنم. فاطمه علیها السلام گفت: اکنون که ما را سوگند دادی می‌گویم. اگر اناری برایم فراهم کنی خوب است. حضرت علی علیه السلام برخاست و برای فراهم نمودن انار از منزل بیرون رفت. در راه با چند نفر از مسلمانان روبرو شد و از آنها پرسید: انار در کجا پیدا می‌شود؟ آنها گفتند: یا علی! فصل انار گذشته، ولی چند روز قبل شمهون یهودی چند انار از طائف آورده بود. حضرت به در خان شمعون رفت. شمعون وقتی که چشمش به علی علیه السلام افتاد علت آمدن آن حضرت را پرسید؟ علی علیه السلام ماجرا را گفت و افزود که برای خریداری انار آمده‌ام. شمعون گفت: چیزی از انارها باقی نمانده است همه را فروخته‌ام. همسر شمعون پشت در بود و سخن آنها را می‌شنید، به شوهرش گفت: من یک انار برای خودم برداشته‌ام و در زیر برگها پنهان کردم. آنگاه رفت و انار را آورد و به حضرت علی علیه السلام داد. آن حضرت چهار در هم به شمعون داد. او گفت: قیمتش، نیم درهم است. امام فرمود: همسرت این انار را برای خود ذخیره کرده بود تا روزی از آن نفع بیشتری ببرد. نیم در هم مال خودت و سه درهم و نیم هم مال همسرت. آن حضرت در برگشت به طرف منزل، صدای ناله در مانده‌ای را شنید، به دنبال صدا رفت، دید مردی غریب و بیمار و نابینایی در خرابه‌ای بدون سرپرست و غذا روی زمین خوابیده است، حضرت جلو رفت و سرش را به دامن گرفت و از او پرسید: تو کیستی؟ از کدام قبیله‌ای؟ چند روز است که در اینجا افتاده‌ای؟ گفت: ای جوان صالح! من از اهالی مدائن (ایران) می‌باشم، در آنجا قرض زیادی داشتم. ناگزیر سوار بر کشتی شدم و با خود گفتم خود را به مولایم امیر مؤمنان می‌رسانم شاید آن حضرت کمکی به من کند و قرضهایم را ادا نماید - جوان نمی‌دانست که سرش بر دامن علی علیه السلام است - امام فرمود: من یک انار برای بیمار عزیزم می‌برم، ولی تو را محروم نمی‌کنم و نصفش را به تو می‌دهم. حضرت انار را دو نصف کرده و نصف آن را کم کم در دهان آن جوان می‌گذاشت تا تمام شد. جوان گفت: اگر مرحمت فرمایی نصف دیگرش را نیز به من بخورانی، چه بسا حال من خوب شود! علی علیه السلام نیم دیگر انار را نیز کم کم به او خوراند تا تمام شد. آنگاه حضرت بعد از خداحافظی با

آن جوان بیمار به سوی خانه حرکت کرد. در حالی که از شدت حیا غرق در فکر بود به در خانه رسید، ولی حیا کرد وارد خانه شود. از شکاف در به درون خانه نگاهی کرد تا ببیند فاطمه علیها السلام خواب است یا بیدار. مشاهده کرد فاطمه علیها السلام تکیه کرده و طبقی از انار پیش روی اوست و میل می فرماید، حضرت بسیار خوشحال وارد خانه شد، متوجه شد که این انار مربوط به این دنیا نیست. پرسید: فاطمه جان! این انار را چه کسی برای شما آورده است؟ فاطمه علیها السلام گفت: ای پسر عمو! وقتی که از پیش من رفتی، چندان طولی نکشید که نشانه سلامتی را در خود یافتم. ناگاه صدای در به گوشم رسید فضا خادمه در را گشود، مردی را دید که طبق انار دارد. آن مرد گفت: این طبق انار را امیر مؤمنان علی علیه السلام برای فاطمه فرستاده است. (۱۶۲)

### حکایتی دیگر

روزی حضرت فاطمه علیها السلام بیمار شد، علی علیه السلام نزد آن حضرت آمد و فرمود: ای فاطمه، از شیرینی های دنیا دلت چه میل داری؟ گفت: ای علی، من اناری می خواهم. حضرت قدری اندیشید، چون چیزی با خود نداشت، از جا حرکت کرد و به بازار رفت، در همی قرض کرد و اناری با آن خرید و به سوی منزل شتافت. در بین راه، به مردی بیمار و نا آشنا برخورد کرد، ایستاد و فرمود: ای پیر مرد! دلت چه می خواهد؟ پاسخ داد: ای علی، هم اکنون پنج روز است که در اینجا افتاده ام، مردم از کنارم عبور کرده، اما توجهی به من نمی کنند، دلم انار می خواهد. حضرت لحظه ای با خود اندیشید و گفت: یا انار برای فاطمه خریده ام، اگر آن را به این مستمند بدهم فاطمه از انار محروم خواهد شد و اگر به او ندهم با فرمایش خداوند که فرمود: واما السائل فلان تنهر؛ سائل را از خود مران (۱۶۳) مخالفت ورزیده ام. پس انار را باز کرد و به آن پیرمرد خوراند. پیرمرد بی درنگ بهبود یافت و در همان حال فاطمه علیها السلام نیز بهبود یافت. علی علیه السلام در حالی که از فاطمه علیها السلام شرمند بود وارد منزل شد. حضرت زهراء علیها السلام از جان حرکت کرد و به طرف حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: چرا اندوهناکی؟ سوگند به عزت و شکوه خداوند! همین که انار را به آن پیرمرد دادی، میل به انار از دلم کنار رفت. در همین هنگام شخصی حلقه در را کوبید. حضرت پرسید: کیستی؟ پاسخ داد: من سلمان فارسی هستم، در را باز کن! در را باز کرد، دید که سلمان فارسی طبقی سرپوشیده آورده، آن را پیش روی حضرت گذاشت. حضرت پرسید: این طبق چیست؟ جواب داد: از خداوند برای پیامبرش و از پیامبرش برای تو رسیده. حضرت سرپوش از روی طبق برداشت، نه عداد انار در آن بود. فرمود: ای سلمان! اگر این انارها برای من است می بایست ده عدد باشد. زیرا خداوند فرموده است: من جاء بالحسنه فله عشر امثالها هر کس کار نیک انجام دهد برای او ده برابر پاداش نیک خواهد بود. سلمان خندید و یک انار از آستین خود بیرون آورد و آن در طبق گذاشت و گفت: ای علی! به خدا سوگند ده تا بود، اما خواستم بدین وسیله تو را بیازمایم! (۱۶۴)

### تحمل کمبودها و مشکلات زندگی

۱- حضرت زهراء روزی در خدمت پدر از مشکلات زندگی و کمبودهای رفاهی سخن به میان آورد و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) من و پسر عموم چیزی از وسایل رفاهی ندایم مگر پوست گوسفندی که شبها بر روی آن می خوابیم و روزها بر روی آن شتر خود را علف می دهیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: دخترم صبر و تحمل داشته باش، زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد در حالی که فروشی جز یک قطعه عبای قبطانی نداشتند. ۲- روزی دیگر رسول گرامی بر دخترش فاطمه علیها السلام وارد شد و از نزدیک وضع زندگی آنان را مشاهده نمود، پس فرمود: فاطمه جان! در چه حالی به سر می بردی؟ پاسخ داد: یا رسول الله! حال و وضع ما همین است که می نگرید. با عبایی زندگی می کنیم که نصف آن فرش زیر

ماست که بر روی آن می نشینیم و نصفی دیگر، رو انداز ما که بر روی خود می کشیم . ۳- زمانی دیگر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پرسید: فاطمه جان! چرا رنگ تو پریده است؟ چرا رنگ فرزندانم حسن و حسین دگرگون شده است؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: پدرجان! سه روز است که غذا نخورده ایم، حسن و حسین علیه السلام از شدت گرسنگی بی تاب شده اند، هم اکنون مانند جوجه های پراکنده از شدت گرسنگی به خواب رفته اند. ۴- روزی فرزندان فاطمه علیها السلام جد بزرگوارشان را جلوی درب منزل دیدند، به سوی پیامبر (صلی الله علیه وآله) شتافتند و بر روی دوش رسول خدا جای گرفتند و گفتند: یا رسول الله! گرسنه ایم، به مادرمان بگو قرص نانی به ما بدهد تا رفع گرسنگی نمایم. پیامبر داخل منزل آمد و خطاب به فاطمه علیها السلام فرمود: دخترم به دو فرزندم طعام بده، پاسخ شنید: پدرجان! در خانه ما چیزی به جز برکت وجود رسول خدا وجود ندارد. (۱۶۵)

### چادر نورانی فاطمه علیها السلام

ابن شهر آشوب و قطب راوندی روایت کرده اند که: روزی حضرت علی علیه السلام که به پول احتیاج پیدا کرد بود، به ناچار چادر حضرت فاطمه علیها السلام را که از جنس پشم بود نزد مردی یهودی به نام زید رهن گذاشت و قدری جو قرض گرفت. آن مرد یهودی چادر را به خانه برد و در حجره گذاشت. به هنگام شب، زن مرد یهودی وقتی که وارد حجره شد نوری از آن چادر مشاهده کرد که تمام حجره روشن کرده بود. زن وقتی که آن حالت عجیب را دید نزد شوهرش رفت و آنچه دیده بود نقل کرد. شوهرش از شنیدن آن حالت تعجب کرد. (چون فراموش کرده بود که چادر حضرت فاطمه علیها السلام در خانه اوست) پس به سرعت داخل حجره شد و متوجه شد که نور از چادر حضرت فاطمه علیها السلام آن بانوی عصمت است که مانند بدر منیر خانه را روشن کرده است. یهودی از مشاهده این حالت تعجبش زیادتیر شد. پس آن دو به خانه خویشان و دوستان خود رفتند و هشتاد نفر از آنها را به خانه آوردند که همگی آنها از برکت شعاع (نور) چادر فاطمه علیها السلام به نور اسلام منور گردیدند. (۱۶۶)

### امام چون کعبه است

محمود بن لبید گوید: پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حضرت فاطمه علیها السلام بر سر مزار شهیدان می رفت و آنجا می گریست. در یکی از روزها حضرت را در آنجا دیده، جلوه، جلو رفته، سلام کردم و گفتم: ای بانوی زنان جهان! سو الی دارم که در سینه ام پنهان کردم و مرا می آزارد. فرمود: بپرس. عرض کردم: چرا علی علیه السلام نسبت به حق خود ساکت مانده و از آن دست برداشته است؟ فرمود: ای ابا عمر! رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: امام چون کعبه است که به سوی او می روند و او به سوی مردم نمی رود. سپس حضرت ادامه داد: به خدا سوگند، اگر می گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد و آن را برای اهلش باقی می گذاشتند و از خاندان پیامبر خدا پیروی می کردند، هیچ گاه دو نفر درباره خدا یا یکدیگر مخالفت نمی کردند و آیندگان از گذشتگان آن را به ارث می بردند و گذشتگان برای آیندگان خود می گذاشتند تا اینکه قائم ما که نهمین فرزند حسین علیه السلام است، به پاخیزد. اما اینان آن کسی را که خداوند مؤخر دانسته، مقدم داشته و آن کسی را که خداوند پیشوا قرار داده، کنار زدند. آنها همین که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) را در قبر نهاند و جسم شریفش را به خاک سپردند، هوی و هوس را برکزیده و به آراء و افکار خود عمل کردند. نفرین بر آنان باد! (۱۶۷)

### تقسیم کارهای خانه باکنیز

امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در یکی از جنگها و غزوه های ساحلی، اسیرانی نصیبش شد. آنها را تقسیم فرمود و دو زن را که یکی جوان و دیگری به سن کمال رسیده بود برای خود نگه داشت. به

دنبال حضرت زهرا علیها السلام فرستاد و دست یکی از آن دو را گرفته در دست فاطمه علیها السلام گذاشت و فرمود: ای فاطمه علیها السلام! این از آن تو باشد، او را کتک نزن، زیرا من دیدم که نماز می خواند و جبرائیل مرا از اینکه نمازگزاران را کتک بزنم نهی کرد. فاطمه علیها السلام وقتی دید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرتب سفارش او را می کند، رو به حضرت کرده و گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کارهای خانه یک روز بر عهده من و یک روز بر عهده او باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با شنیدن سخنان فاطمه علیها السلام اشک از دیدگاه مبارکش سرازیر شد. (۱۶۸) و فرمود: الله اعلم حیث یجعل رسالته (۱۶۹)

### فرشتگان خدمتکار فاطمه

مرحوم راوندی در کتاب خرائج از سلمان فارسی روایت می کند که گفت: فاطمه علیها السلام را دیم که نشسته بود و پیش روی او آسیابی بود که جو را با آن دستاس می کرد و بر دسته دستاس خون تازه دیدم که در اثر سائیده شدن و زخم دست فاطمه علیها السلام بود و فرزندش حسین علیه السلام را دیدم که در گوشه ای دیگر گریه می کرد. دلم به حال زهرا علیها السلام سوخت. به او عرض کردم: ای دختر پیغمبر! این فضا است، چرا کارخانه را به او واگذار نمی کنی؟ در جواب من فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من سفارش کرده که کارهای خانه را با او به نوبت انجام دهم. امروز نوبت من و فردا نوبت اوست. سلمان گفت: من عرض کردم، پس اجازه دهید من به شما کمک کنم، یا جو را دستاس کنم یا حسین علیه السلام را آرام نمایم. زهرا علیها السلام فرمود: من بهتر می توانم حسین را آرام کنم. پس تو جو را دستاس کن. من مشغول دستاس کردن جو شدم و در این حال صدای مؤذن برخاست و وقت نماز شد، من برخاستم و به نماز رفتم. چون نماز تمام شد ماجرا را به علی علیه السلام گفتم، علی علیه السلام گریان شده، به خانه رفت، اما طولی نکشید که تبسم کنان باز گشت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما چرا را از او پرسید و او در جواب گفت: به خانه رفتم، زهرا علیها السلام را دیدم که به پشت خوابیده و حسین روی سینه اش به خواب رفته و دستاس نیز خود به خود می چرخید! پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تبسم کرد و فرمود: ای علی! مگر نمی دانی که خدا متعال فرشتگانی دارد و آنها در زمین گردش می کنند تا خدمتکاری محمد و آل محمد را بکنند. (۱۷۰)

### فاطمه علیها السلام یکی از دوررکن علی علیه السلام

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی فرمود: سلام بر تو ای پدر دو ریحانه! به زودی دو رکن تو از بین می روند و خداوند خود کمبود مرا برای تو جبران می نماید. بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علی علیه السلام فرمود: این یکی از دورکن بود. بعد از آنکه فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، فرمود: این رکن دیگر بود. (۱۷۱) مفاخره بین فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام از بن عباس روایت شده که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر علی و فاطمه علیها السلام وارد شدند، در حالی که آن دو بزرگوار می خندیدند. وقتی که چشم آنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) افتاد ساکت شدند، پیامبر اکرم (ص) به آنان فرمودند: شما را چه شده، می خندیدید اما با دیدن ساکت شدید؟ فاطمه علیها السلام زودتر جواب داد: پدر جان! علی می گوید: پیامبر مرا بیش از تو دوست می دارد و من می گویم: پیامبر مرا بیشتر از تو دوست دارد. رسول خدا تبسم نمود و فرمودند: دخترم! تو شیرینی فرزندی برای من داری (یعنی نسل من از تو است) اما علی برای من عزیزتر از تو است. (۱۷۲)

### مفاخره ای دیگر

ابن شاذان قمی روایت می کند که یک روز علی علیه السلام با همسر گرامیش حضرت فاطمه علیها السلام در بین خرما خوردن به

مفاخره پرداختند. علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا از تو بیشتر دوست می دارد. حضرت زهرا علیها السلام گفت: و اعجاب! من دختر اویم، من نور دیده پیغمبرم، من یگانه دختر باقی مانده او هستم. علی علیه السلام فرمود: اگر سخن مرا باور نمی کنی بیا با هم خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) برویم. علی و فاطمه علیها السلام با هم خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدند. فاطمه علیها السلام پیشدستی کرده و گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کدامیک از ما دو نفر نزد شما محبوبتریم، من یا علی؟ رسول خدا فرمود: انت احب و علی اعزمنک تو به من محبوبتری، و علی از تو برای من عزیزتر است.. علی علیه السلام فرمود: نگفتم که پیغمبر مرا بیشتر از تو دوست دارد. من کسی هستم که در خانه خدا متولد شدم. فاطمه: من دختر خدیجه کبری هستم. علی: من کسی هستم که بلندی پرچم اسلام به دست من بوده. فاطمه: من دختر کسی هستم که تا مقام دنی فتدلی رفت و به مقام قرب قاب قوسین او ادنی رسید. علی: من کسی هستم که جبرئیل خدمت من کرده. فاطمه: من کسی هستم که خطبه ام را در آسمان راحیل خوانده است و خدمتگزارانم فرشتگان می باشند. علی: من کسی هستم که مولدم خانه خداست. فاطمه: من کسی هستم که عقدم در آسمانها بسته شده. علی: من صالحترین بندگان خدا هستم. فاطمه: من دختر خاتم النبیین هستم. علی: من آنم که نامم علی از نام خدای علی مشتق شده. فاطمه: من آنم که نامم فاطمه از فاطر مشتق گشته است. علی: من سرچشمه علوم و معارف دینم. فاطمه: من محور گردش چرخ نجات راغبین هستم. علی: من آنم که به نام من آدم توبه کرد. فاطمه: من آنم که تو به او به واسطه من قبول شد. علی: من تقسیم کننده بهشت و دوزخم. فاطمه: من دختر محمد مختارم. علی: من بهترین رهروان جهانم. فاطمه: من بهترین زنانم... آنگاه فاطمه علیها السلام به پدر عرض کرد: یا رسول الله! مرا حمایت نمی کنی، بر پسر عمت مرا تنها می گذاری؟ علی فرمود: یا فاطمه من از محمد به منزله نفس او هستم. فاطمه گفت: من گوشت و پوست و خون او هستم... در این موقع رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: فاطمه قومی؛ دختر جان برخیز سر پسر عمت را ببوس که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل با چهار هزار ملک، برای حمایت پسر عمت آمده اند. فاطمه علیها السلام بر خواست سر شوهرش را بوسید و گفت: یا ابا الحسن بحق رسول الله معذرة الی الله عزو جل و الیک ولی ابن عمک ای ابا الحسن! به حق رسول خدا از خداوند عزوجل و از تو و پسر عمویت پوزش می طلبم. و امیرالمؤمنین نیز دست فاطمه علیها السلام را بوسید. (۱۷۳)

### عشق و علاقه به شوهر

شیخ مفید در کتاب الارشاد نقل می کند: هنگامی که در سال هشتم هجرت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضرت علی علیه السلام را در ماجرای جنگ ذات السلال به سوی بیابان و ریگزار یابس برای سرکوبی دشمن فرستاد، روایت شده که: حضرت علی علیه السلام عصابه (دستمال) مخصوصی داشت، هر گاه به جنگ بسیار سخت می روفت آن عصابه را به سر می بست. در این سفر هم به نزد فاطمه علیها السلام آمد و آن عصابه را طلبید. فاطمه علیها السلام گفت: کجا می رود؟ مگر پدرم می خواهد ترا به کجا بفرستد؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: به سوی بیابان ریگزار می روم. حضرت فاطمه علیها السلام از خطر این سفر، و مهر و محبتی که به علی داشت گریان شد. در همین هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خانه فاطمه علیها السلام آمد و به فاطمه فرمود: چرا گریه می کنی؟ آیا می ترسی که شوهرت کشته شود؟ نه، انشاء الله کشته نمی شود. علی علیه السلام به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: ای رسول خدا آیا نمی خواهی کشته شوم و به بهشت بروم؟ (۱۷۴)

### ساده زیستی

سلمان فارسی می گوید: روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله دار بر سر داشت، در شگفتی ماندم و گفتم:



عجبا دختران پادشاهان ایران و روم بر کرسیهای طلایی می نشینند و پارچه های زر بافت به تن می کنند و این دختر رسول خداست نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباسهای زیبا فاطمه علیه اسلام پاسخ داد: ای سلمان خداوند بزرگ ، لباسهای زینتی و تختههای طلایی را برای ما، در روز قیامت ذخیره کرده است . حضرت سپس به خدمت پدر گرامیش رفت و شگفتی سلمان را مطرح کرد و گفت : ای رسول خدا، سلمان از سادگی لباس من تعجب نمود ، سوگند به خدایی که تو را مبعوث فرمود: مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می خورد و شبها بر روی آن می خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است . (۱۷۵) در خانه فاطمه علیها السلام محل دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله ) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله ) هر سپیده دمت بر در خانه علی و فاطمه علیها السلام می ایستاد و به خداوند عرض می کرد : الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل الذی بنعمته تتم الصالحات سمیع سامع بحمد الله و نعمه و حسن بلاوه عندنا نعوذ بالله من النار نعوذ بالله من صباح النار نعوذ بالله من مساء النار الصلوة ... حمد مخصوص آن خدای محسن و نیکوئی است که فضیلت بخش و به نعمت خود، اعمال صالحه را تمام کرده ، سمیع است و سامع ، حمد خدا و نعمت او و حسن آزمایش او بر ما، پناه می برم به خدا از دوزخ ، پناه می برم به خدا از بامداد دوزخ ، پناه می برم به خدا از شام دوزخ ، رحمت بر شما باد، ای اهل بیت ، همانا خداوند خواسته پلیدی را از شما ببرد ای اهل بیت ، و به خوبی شما را پاکیزه کند. (۱۷۶) خانه فاطمه علیهما السلام بهترین خانه ها در حدیث است که رسول خدا علیها السلام وقتی که آیه مبارکه فی بیوت اذن الله ترفع و یدکرفیها اسمه در خانه هایی که خدا فرمان داده رفعت یابد و نام خدا در آن ها ذکر شود. (۱۷۷) را تلاوت فرمود: مردی از جای خود بلند شد و عرض کرد: ای بیوت هذا یا رسول الله ؟؛ ای رسول خدا آن خانه کدامند؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله ) فرمود: بیوت الانبیاء؛ خانه های پیامبران است . ابوبکر از جای بلند شد عرض کرد: یا رسول الله ، در حالی که اشاره به خانه علی و فاطمه علیها السلام می کرد هذا البیت منها؟؛ این خانه از آن خانه هاست . پیامبر فرمود: نعم من افضلها؛ آری این خانه از بهترین آن خانه هاست ؟. (۱۷۸)

### مدارا و مهربانی با همسر

رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) چند روز بعد از عروسی حضرت فاطمه علیها السلام به دیدار آنها رفت . از علی علیه السلام خواست تا چند لحظه از اتاق بیرون رود، پس از فاطمه علیها السلام پرسید: دخترم ! همسرت را چگونه یافتی ؟ عرض کرد: پدرجان ، خدا بهترین مردان را نصیب من کرده ، لکن زنان قریش که به دیدنم آمدند به جای تبریک ، عقده ای بر دلم نهادند و گفتند: پدرت تو را به مردی فقیر و تهیدست کابین بسته ، با اینکه ثروتمندان و رجال بزرگی خواستگار تو بودند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) دخترش را دلداری داد و فرمود: نور دیده ام ! پدر و شوهر تو فقیر نیستند، به خدا سوگند. گنجهای زمین را بر من عرضه داشتند، ولی من نعمتهای اخروی را بر ثروت و مال دنیا ترجیح دادم . عزیزم ! من برای تو همسری برگزیدم که از همه زودتر اسلام آورد او از حیث علم و دانش و عقل بر تمام مردم برتری دارد. خدا در بین بشر، من و شوهرت را برگزید. تو همسر خوبی داری ، قدرش را بدان و از فرمانش سرپیچی نکن . سپس علی علیه السلام را خواند و فرمود: با همسرت مدارا و مهربانی کن . بدان که فاطمه علیها السلام پاره تن من است . هر کس او را آزاد کند مرا اذیت کرده و هر کس او را خشنود کند مرا خشنود کرده است . (۱۷۹)

### علی جان ! خانه ، خانه توست

چون حضرت زهراء علیها السلام مریض شد، ابوبکر و عمر برای عیادت آمدند، اما حضرت زهرا علیها السلام به آن دو اجازه ملاقات نداد. ابوبکر که نتوانست با فاطمه علیها السلام ملاقات کند و رضایت او را بدست آورد، گفت : به خدا قسم زیر سقف

دیوار نمی خوابم تا رضایت فاطمه علیها السلام را بدست آورم. آن دو نزد علی علیه السلام رفتند و گفتند: ما برای عیادت فاطمه علیها السلام رفتیم، اما به ما اجازه عیادت نداد، شما او را راضی کنید تا به خدمت او برویم و از او دلجوئی کنیم. علی علیه السلام فرمود: بسیار خوب، من با فاطمه علیها السلام صحبت می کنم. به منزل رفت و از دختر پیغمبر برای ورود آن دو اجازه خواست. حضرت زهرا علیها السلام گفت: به خدا سوگند که هرگز با آنها سخن نخواهم گفت تا خدمت پدرم برسم و جریان کار آنها را بازگویم. علی علیه السلام فرمود: آنها مرا واسطه و شفیع قرار دادند. حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: علی جان! خانه، خانه، توست. زنان تابع مردانند و من مخالفت تو نمی کنم، هر که را خواهی اجازه فرمای. آن دو وارد خانه شدند و در برابر بستر فاطمه علیها السلام نشستند و سلام کردند. فاطمه علیها السلام روی از آنها گردانید و با آنها سخن نگفت. آنها گفتند: ما برای رضای خاطر تو آمده ایم که ما را ببخشی و از تقصیر ما درگذری. حضرت فاطمه علیها السلام روی به علی علیه السلام کرده و فرمود: من از آنها یک سؤالی دارم و خدا را شاهد می گیرم که حقیقت را بگویند. فرمود: آیا فراموش کردید که رسول خدا فرمود: فاطمه پاره تن من است. او از من و من از او هستم. هر کس او را آزار دهد مرا آزرده است و هر کس مرایا زارد خدا را آزرده است و کسی که پس از من او را بیازارد چنان است که در حضور من او را آزرده باشد و هر که در زندگی من او را اذیت کند مثل آن است که در مرگ من او را اذیت کرده است؟ هر دو حرفهای حضرت فاطمه علیها السلام را تصدیق کردند. وقتی حضرت فاطمه علیها السلام از آن دو اقرار گرفت، سربلند کرد و فرمود: پروردگار! تو شاهد باش، شما هم ای حاضرین شاهد باشید که ابوبکر و عمر مرا اذیت کردند. سپس؛ دوباره از آنان روی گردانید و فرمود: به حق پدرم با شما دیگر سخن نگویم تا خدا را ملاقات کنم و شکایت شما را به داوری عدل الهی تقدیم نمایم. ابوبکر از حرفهای حضرت فاطمه علیها السلام به شدت متاثر و گفت: کاش مادرم مرا به دنیا نیاورده بود تا دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از من ناراضی نباشد. عمر به او گفت: عجب است از مردم که زمام امور را به دست تو داده اند که برای خشم زنی جزع می کنی و به رضای زنی شاد می گردی. این را گفت و هر دو برخاستند و رفتند. نزول مائده آسمانی برای فاطمه علیها السلام در کتاب کشف الغمه آمده است: روزی علی علیه السلام مختصری به عنوان قیلوله (۱۸۰) خوابید، چون از خواب بیدار شد، برای رفع گرسنگی خود غذایی از همسرش طلب کرد. زهراء علیها السلام گفت: سوگند به آن خدایی که پدرم را به نبوت و تو را به وصیت گرامی داشته، امروز چیزی که بتوانم تو را سیر کنم ندارم، بلکه دو روز است که خود چیزی نخورده ام و هر چه در خانه بود برای شما و فرزندانم آوردم...! علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! چرا به من خبر ندادی تا برای شما چیزی تهیه کنم؟ فاطمه علیها السلام پاسخ داد: ای ابوالحسن! از خدای خود شرم کرده که چیزی از تو بخواهم که انجام آن برایت دشوار باشد. علی علیه السلام بعد از شنیدن سخنان فاطمه علیها السلام با دلی پر از امید و توکل به خدا، از خانه بیرون آمد و یک دینار پول قرض کرد تا برای اهل خانه چیزی بخرد، او همچنان می رفت که مقدار بن اسود را دید که در هوای گرم این چنین پریشان در کوچه نشسته ای؟ مقدار عرض کرد: ای ابوالحسن! مرا به حال خود واگذار و از وضع من نپرس. علی علیه السلام فرمود: الی برادر! من نمی توانم از تو بگذرم، مگر آنکه از حال تو با خبر گردیم. مقدار وقتی که با اصرار علی علیه السلام روبرو شد گفت: ای ابوالحسن! اکنون که اصرار می کنی خواهم گفت: سوگند به خدا چیزی جز تنگدستی مرا به این حال در نیاورده، من در حالی که چیزی جز تنگدستی مرا به این حال در نیاورده، من در حالی که خانواده ام گرسنه بودند از خانه بیرون آمدم، چون صدای گریه آنها را از شدت گرسنگی شنیدم نتوانستم خود داری کنم و اندوهناک از خانه بیرون آمدم. با شنیدن این سخنان دیده گان علی علیه السلام از اشک پر شد و بر محاسن مبارکش جاری گشت. رو به مقدار کرد و فرمود: سوگند به همان خدا، که به او سوگند یاد کردی مرا نیز چنین امری از خانه بیرون آورده و من اکنون یک دینار قرض کرده ام، آن را به تو می دهم و تو را بر خود مقدم می دارم. پول را به او داد و برای اقامه نماز، به مسجد رفت. نماز ظهر را با پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جا آورد و همچنان در مسجد ماند تا نماز عصر و مغرب را نیز در مسجد با پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جای آورد.



پیامبر (صلی الله علیه وآله) بعد از نماز رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: آیا دوست داری من مهان شما باشم؟ علی علیه السلام از شرم، پاسخی نداد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) که از طریق وحی از ماجرای گرسنگی خاندان علی و قرض دادن یک دینار به مقدار مطلع بود، از طرف خدای تعالی مأمور شده بود تا آن شب را برای صرف شام به خانه علی علیه السلام برود. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: ای ابالحسن! چرا نمی گویی نه! تا برگردم و نمی گویی آری تا به همراهت بیایم؟ علی علیه السلام عرض کرد: با کمال اشتیاق مقدم شما را گرامی می دارم، بفرمائید! پس به اتفاق یکدیگر وارد خانه شدند. فاطمه علیها السلام در مطلای خود، مشغول عبادت بود و پشت سرش قدحی پر از غذای گرم که بخار از آن بر می خاست وجود داشت. فاطمه علیها السلام چون صدای پدر را شنید از مصلا برخاست و به پدر سلام کرد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پاسخ سلامتی را داده و دست بر سرش کشید و فرمود: دخترم! چگونه روز خود را شب کردی؟ خدایت رحمت کند! فاطمه علیها السلام از زندگی خود اظهار رضایت کرد و گفت: به خوبی! سپس رفت و آن قدح پر از غذا را برداشته و پیش روی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) گذارد. علی علیه السلام بعد از دیدن ظرف غذا که بوی عطر آن فضای اتاق را پر کرده بود به صورت همسرش خیره شد، پس به همسرش گفت: مرگر تو سوکند نخوردی و نگفتی که دو روز است غذایی نخورده ام. فاطمه چ سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدا من داناتر است بدانچه که در آسمانها و زمین است و می داند که من راست گفته ام. علی علیه السلام پرسید: پس این غذا را که تا کنون مانند آن را ندیده و خوشبوتر از آن را استشمام نکرده ام از کجا آورده ای؟ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دست مبارک خود را بر پشت شانه علی گذارد و فشاری داد و فرمود: این غذا، در مقابل همان دیناری است که در راه خدا ایثار کردی در حالی که خود به آن نیازمند بودی. در این وقت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) گریست و گفت: الحمد لله الذی اءبی لکما ان تخرجا من الدنیا حتی یجریک یا علی مجری زکریا و یجری فاطمة مجری مریم بنت عمران. سپاس خدایی را سزاوار است که نخواست شما از دنیا بروید تا تو را همانند زکریا و فاطمه را همانند مریم دختر عمران گرداند. (۱۸۱)

### برای دنیا رقم ولی توشه آخرت آوردم

در کتاب دعوت راوندی از سوید بن غفله نقل شده که: برای علی علیه السلام گرفتاری پیش آمد کرد، لذا فاطمه زهرا علیها السلام برای رفع مشکل خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رفت و در زد. پیامبر فرمودند: صدای راه رفتن حبیبه ام، فاطمه علیها السلام را از پشت در می شنوم. ای ام ایمن! برخیز و بین کیست. ام ایمن برخاست و در را گشود، پس فاطمه علیها السلام وارد شد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: فاطمه جان! در ساعتی به سراغ من آمده ای که هیچگاه در این ساعت ها سابقه نداشت به دیدن من بیائی. صدیقه طاهره عرض کرد: ای رسول خدا! طعام ملائکه در نزد پروردگار چیست؟ فرمودند: حمد و ستایش کردن، عرض کرد: طعام ما چیست؟ رسول اکرم فرمودند: قسم به آن کس که جانم در قبضه قدرت اوست یک ماه است که در منزل ما برای طبخ طعام آتشی افروخته نشده است، ولی فاطمه جان! به تو پنج کلمه یاد می دهم که جبرئیل آن را به من یاد داده. فاطمه علیها السلام سؤال کردند: یا رسول الله! آن پنج کلمه چیست؟ فرمود: یا رب الاولین و الاخرین، یا ذالقوة المتین، یا راحم المساکین، و یا راحم الراحمین. ای پروردگار اولین و آخری، و ای صاحب نیرویی سخت استوار، ای مهربان نسبت به مساکین، و ای مهربان ترین مهربان. فاطمه زهرا علیها السلام با خوشحالی به طرف منزل برگشت. علی علیه السلام سؤال فرمودند: پدر و مادرم فدای تو باد، با خود چه آورده ای؟ عرض کرد: برای دنیا رقم ولی توشه آخرت آوردم. علی علیه السلام فرمودند: خیر پیش، خیر پیش، هر چه آورده ای خیر است. (۱۸۲)

### کمک کردن پیامبر به فاطمه

در روایت آمده است که: روزی رسول خدا وارد خانه امیر مؤمنان علی علیه السلام شد، دید علی و فاطمه علیهما السلام با هم مشغول آسیا کردن می باشند، فرمود: کدامیک از شما خسته ترید؟ علی علیه السلام عرض کرد: فاطمه علیها السلام از من خسته است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه علیها السلام فرمود: دختر عزیزم برخیز. فاطمه علیها السلام برخاست و پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود به جای فاطمه علیها السلام نشست و به علی علیه السلام در آسیا کمک کرد. (۱۸۳)

### خانه فاطمه جایگاه رسالت

زید بن علی از پدرش علی بن الحسین و از علی بن ابیطالب علیه السلام روایت می کنند که فرمود: روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر علی و فاطمه علیهما السلام وارد شد و دو طرف در خانه را گرفته، فرمود: سلام بر شما ای خاندان رحمت و جایگاه رسالت و محل نزول فرشتگان! ای دخترم! همانا خداوند سبحان توجهی خاصی به اهل زمین فرمود و پدرت را برگزید و پیامبرش نمود. بار دیگر به زمین نگریست و از مردم روی زمین همسرت علی را بعنوان برادر و جانشین من انتخاب نمود. باز به زمین نگریست و تو و مادرت را برگزید و شما را بانوی زنان جهانیان قرار داد. برای چهارمین مرتبه به زمین توجه نمود، دو پسر را برگزید و آنان را دو آقای جوانان اهل بهشت قرار داد. عرش پروردگار گفت: پروردگار! اینان دو پسر پیامبرت و دو جانشین و وصی اویند، مرا به آنان زینت ده. بنابر این، آن دو در روز قیامت همانند دو گوشواره بر دو طرف عرش خدا قرار می گیرند. (۱۸۴)

### سقف خانه فاطمه علیها السلام عرش پروردگار

عبدالله بن عجلان سکونی می گوید: از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: خانه علی و فاطمه علیهما السلام از حجرات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و سقف خانه شان عرض و پروردگارجهانیان می باشد. از درود خانه آنان پنجره ای گشاده به سوی عرش، معراج وحی میباشد که فرشتگان صبح، شب و در هر ساعت و هر لحظه بر آنان وحینازل می کنند. ورود و خروج گروههای فرشتگان از آنان نمی گسلد، گروهی فرود می آیند و گروهی بالا می روند. (۱۸۵)

### فاطمه علیها السلام در مراسم حجة الوداع

در ماه رمضان سال دهم هجری، علی علیه السلام از سوی پیامبر برای یک مأموریت مهم رزمی تبلیغی به همراه سیصد سواره نظام به کشور یمن که در قلمرو پیامبر بود اعزام شد. پس از انجام مأموریت و موفقیت کامل، علی علیه السلام از یمن طی نامه ای گزارش کار خود را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاد. پیامبر در پاسخ به علی علیه السلام امر فرمود: برای انجام مراسم حج خود را به مکه برسان. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ماه ذیقعد آن سال با عده زیادی از مردم برای سفر حج مهیا شده و در روز شنبه ۲۵ ذیقعد سال دهم هجری قمری از مدینه به سوی مکه حرکت نمودند و در ذی الحلیفه احرام بستند. همه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت فاطمه علیها السلام در این سفر همراه پیامبر در انجام مناسک حج حضور داشتند. علی علیه السلام پس از گذشت سه ماه از مأموریت. در ایام حج به مکه رسید و در آنجا همسر عزیزش فاطمه را دیدار نمود. در پایان این سفر (حجة الوداع) در غدیر خم در یک اجتماع با شکوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فرمان خداوند علی علیه السلام را به امامت و جانشینی خود منصوب نمود. پس با توجه به حضور فاطمه علیها السلام در حجة الوداع با اطمینان می توان گفت که: فاطمه زهراء در مراسم با شکوه غدیر خم حضور داشته است. (۱۸۶) اولین مدافع حریم ولایت در آن هنگامه غم آلود مدینه که علی علیه السلام را به زور به طرف مسجد می بردند، فاطمه زهرا علیها السلام میان جمعیت آمد و بین امام و آنان قرار گرفت و فرمود: سوگند به خدا، نمی گذارم پسر عموی مرا ظالمانه به سوی مسجد ببرید. وای بر شما چه زود به خدا و رسولش خیانت کردید، با اینکه رسول

خدا (صلی الله علیه وآله) پیروی از ما و دوستی با ما را به شما سفارش کرده بود... آنگاه که امام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند، حضرت زهرا علیها السلام وارد مسجد شد و فرمود: رها کنید پسر عموی مرا. قسم به آن خدایی که محمد را به حق برانگیخت، اگر از علی دست بردارید گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا را بر سر افکنده در برابر خدا فریاد خواهیم زد. در مسجد وقتی که عمر با شمشیر برهنه، علی علیه السلام را تهدید کرد که اگر بیعت نکنی گردنت را می زنم، در این هنگام حضرت زهراء علیها السلام خطاب به ابوبکر فرمود: ای ابوبکر! آیا می خواهی شوهرم را از دستم بگیری؟ سوگند به خدا اگر دست از او برنداری، موی سرم را پریشان می کنم و گریبان چاک زده کنار قبر بردم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می روم. سپس دست امام حسن و حسین علیه السلام را گرفت و به سوی قبر پیامبر به راه افتاد. حضرت علی علیه السلام به سلمان فرمود: سلمان، فاطمه علیها السلام را دریاب، گویی دو طرف مدینه را می نگرم که با لرزه در آمده، سوگند به خدا، اگر فاطمه علیها السلام گریبان چاک نماید و کنار قبر پیامبر نفرین و ناله سر دهد دیگر مهلتی برای مردم مدینه باقی نمی ماند و زمین همه آنها را در کام مرگبار خود فرو می برد. سلمان شتابان خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسید و گفت: ای دختر محمد (صلی الله علیه وآله) خداوند پدرت را مایه رحمت جهانیان قرار داده است، خواهش می کنم به خانه برگرد و نفرین در حق مردم نادان مکن. حضرت پاسخ داد: ای سلمان! آنها قصد جان علی (ع) را دارند، من در شهادت علی علیه السلام نمی توانم صبر کنم، صبرم تمام شده... سلمان گفت: امام علی علیه السلام مرا فرستاد و فرمود که به شما بگویم: به خانه باز گردید و نفرین نکنید. وقتی که حضرت زهرا علیها السلام پیام امام را شنید، فرمود: حال که شوهر و امام من فرمان داده که به خانه باز گردم، می روم و صبر می کنم و از او اطاعت می کنم. بعد از اینکه دست از امام برداشتند امام علی علیه السلام تنها و مظلوم از مسجد مدینه بیرون آمده و راه خانه را در پیش گرفت. حضرت زهرا علیها السلام به شوهر معصوم خود نگریسته و فرمود: علی جان! جانم فدای جان تو، جان و روح من سپر بلاهای جان تو. یا ابالحسن علیه السلام! همواره با تو خواهم بود. اگر تو در خیر و نیکی به سربری با تو خواهم زیست و با تو خواهم بود. (۱۸۷)

## فصل هفتم: فرزندان

### مادری نمونه

یکی از ابتدای ترین مراحل پرورش و اثر گذاری در روح کودک نامگذاری است. نامگذاری، برای طفل اهمیت فوق العاده ای دارد، زیرا اولین چیزی که در فهم لطیف و حساس کودک راه پیدا می کند نام و شهرت اوست و اینکه این نام چه بار فرهنگی و معنا داری را حمل می کند، تأثیر زیادی در روح و روان کودک دارد. بدین جهت علی علیه السلام یکی از حقوقی را که فرزندان بر عهده پدر دارند نام نیکو و پسندیده می شمارد و می فرماید: حق الولد علی الوالد اءن یحسن اسمہ حق فرزند بر پدر این است که نامی نیکو بر او بگذارد. (۱۸۸) با این توضیح نگاهی کوتاه می کنیم به زندگی حضرت زهرا علیها السلام در رابطه با تولد فرزندان و نام گذاری و عقیقه و... بعد از تولد امام حسن، امام حسین، حضرت زینب و ام کلثوم علیها السلام حضرت زهرا علیها السلام امر نامگذاری را به علی علیه السلام واگذار می کرد. علی علیه السلام می فرمود: من در امر نامگذاری فرزندانم از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سبقت نمی گیرم، بنابر این کودک را نزد پیامبر می آورد و حضرت هم به نامهای برگزیده شده از طرف خداوند بر آنان نام می گذاشت. یکی دیگر از سنتهای جاری در زندگی صدیقه کبری، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند بود و دیگر عقیقه (قربانی که در واقع می توان آن را بیمه سلامتی شمرد) و صدقه برای نوزاد متولد شده بود. نقل شده است که حضرت فاطمه علیها السلام هر گاه صاحب فرزندی می شد، برای او گوسفندی عقیقه می داد، سپس روز هفتم، سر او را می

تراشید و برابر وزن موهای او نقره صدقه داده و برای قابله و همسایه ها هدیه می فرستاد و دیگران را در شادی خود سهیم می کرد. (۱۸۹)

### فرزندان فاطمه علیها السلام

حاصل پیوند آسمانی فاطمه زهرا علیها السلام با علی علیه السلام سه پسر و دو دختر می باشد. امام حسن علیه السلام اولین فرزند فاطمه علیها السلام بود که در ۱۵ رمضان سال سوم هجری قمری متولد شد. بعد از تولد او را در پارچه ای سفید پوشاندند و جهت نامگذاری خدمت رسول اکرم بردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امر پروردگار نام حسن را بر او نهاد و برایش گوسفندی عقیقه کرد و روز هفتم سر او را تراشید و به اندازه وزن آن نقره صدقه داد. امام حسن علیه السلام دوران کودکی را در دامن پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرورش یافت و بسیار مورد علاقه ایشان بود. در دوران امامت علی علیه السلام همراه پدر در جبه های جهاد و از جمله در نبرد جمل و صفین و نهروان شرکت جست و پس از شهادت علی علیه السلام، امام و خلافت به او منتقل گردید. عاقبت در سال ۴۹ هجری به وسیله زهرا به شهادت رسید و در قبرستان بقیه در مدینه منوره دفن گردید و مزار شریفش مطاف ملائکه مقرب خداوند است. امام حسین علیه السلام دومین فرزند فاطمه علیها السلام، در سوم شعبان سال چهارم هجری متولد شد. او نیز مثل برادرش مورد علاقه و محبت بسیار زیاد نبی اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بود. پس از شهادت امام حسن علیه السلام به امامت رسید و علیه حکومت جابرانه و ضد اسلامی یزید قیام نمود و در عاشورای سال ۶۱ هجری با شهادت خود و یارانش در کربلا پر شورترین حماسه تاریخ بشریت را آفرید و قبر شریفش در کربلای معلا زیارتگاه ملائکه و فرشتگان الهی و عاشقان می باشد. حضرت زینب علیها السلام سومین فرزند فاطمه زهراء علیها السلام در سال پنجم یا ششم هجری متولد شد و با پسر عمویش عبدالله بن جعفر ازدواج کرد. او همیشه از همان کودکی دلبستگی خاص به برادرش امام حسین علیه السلام داشت و حتی به هنگام ازدواج شرط بر آن نمود که هرگاه برادرش حسین علیه السلام خواست به مسافرتی برود همراه اسیران شهر به شهر می رفت و افشاگری نمود و از حقانیت دین اسلام دفاع کرد. مدتی بعد از واقعه عاشوراء وفات نمود. در محلی دفن آن حضرت اختلاف است. بعضی گفته اند: در مدینه وفات یافته و همانجا مدفون است و برخی دیگر گفته اند: در اطراف شام و برخی گفته اند در مصر مدفون است و بنابر قولی هم دمشق محل دفن آن است و دارای زیارگاهی است. زینت صغری علیها السلام که کنیه اش ام کلثوم است. دومین دختر علی و فاطمه علیها السلام در سال هفتم هجری دیده به جهان گشود. وی در کربلا- به همراه برادر بزرگوارش حضور داشت و پس از شهادت آن حضرت در خدمت امام سجاد علیه السلام به شام و از آنجا به مدینه بازگشتند. چهارده ماه پس از مراجعت، در مدینه در گذشت، شوهرش عون بن جعفر بوده است. محسن علیه السلام آخرین فرزند فاطمه، که پیامبر این نام را بر او نهاده بود. او در حادثه هجوم بر در خانه حضرت سقط شود و اولین شهید و ولایت شد و بنابر روایتی در روز قیامت حضرت خدیجه و فاطمه بنت اسد، محسن شهید را بدست گرفته وارد صحرای محشر می شوند و از خداوند می خواهند که انتقام او را بگیرد.

### امام حسین علیه السلام به مادرش مباحثات می کند

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، در حالی که علی علیه السلام نزد او بود امام حسین علیه السلام را که شش ساله بود در دامن خود نشانند و لبان او را می بوسید. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! کدام یک نزد شما محبوب تریم، من یا حسین؟ امام حسین علیه السلام پاسخ داد: هر که در شرافت والاتر است او نزد رسول خدا علیه السلام محبوب تر و مقرب تر است. علی علیه السلام فرمود: حسین جان! با من مباحثات می کنی؟ عرض کرد: بلی پدر جان! علی علیه السلام فرمود: من امیر مؤمنانم،

من زبان راستگویانم، من وزیر مصطفایم، من ... حدود هفتاد فضیلت از فضایل خود را شمرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حسین علیه السلام فرمود: ابا عبدالله! آیا شنیدی؟ اینها ذره‌ای از فضایل و مزیت اوست او بالاتر از اینهاست. حسین علیه السلام فرمود: همه ستایشها از آن خداوند است. ای امیر مؤمنان! من حسین بن علی هستم. مادرم فاطمه زهرا علیه السلام سرور بانوان جهانیان است. ای علی! مادر من نزد خدا و همه مردم برتر از مادر تو و جدم محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) برتر از همه مردم و جد توست. ای علی! تو نزد خدا برتر از منی و من با پدران و مادران و اجداد خود فاخرتر از تو هستم ... سپس برخاسته دست به گردن علی انداخت و او را بوسید و علی علیه السلام نیز او را در آغوش گرفت و بوسید. (۱۹۰) پنج تن هرگز از هم جدا نمی شوند. جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: به آفتاب اقتدار پیدا کنید و اگر آفتاب غروب کرد و به ماه اقتدار پیدا کنید و اگر ماه از نظرها غائب شد، به زهره به اگر زهره ناپدید گشت. پس به دورستاره فرقدین تمسک کنید. سؤال شد یا رسول الله منظور از خورشید کیست؟ فرمود منم. دوباره سؤال شد منظور از ماه کیست؟ فرمود: علی بن ابیطالب. و از زهره؟ فرمود: زهراء علیها السلام و از دو ستاره فرقدین؟ فرمودند: مقصود امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می باشند. سپس فرمود: کتاب خدا با عترت من بهم پیوسته است و هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند، تا در کنار حوض کوثر به من ملحق شوند. (۱۹۱) خانه فاطمه علیها السلام پرورشگاه زبندگان اولاد آدم امام خمینی (ره) سلاله پاک زهراء اطهر (س) در پیامی فرمود: زنی که در حجره ای کوچک و خانه ای محقر، انسانهایی را تربیت کرد که نورشان از بسط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می درخشد. صلوات و سلام خداوند بر این حجره محقر که جلوه گاه نور عظمت الهی و پرورشگاه زبندگان اولاد آدم است. (۱۹۲)

### نامگذاری فرزند فاطمه علیها السلام از طرف پروردگار

وقتی که در نیمه ماه مبارک رمضان سال سوم هجری قمری اولین مولد فاطمه علیها السلام چشم به جهان گشود، فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام گفت نام او را انتخاب کند. علی علیه السلام فرمود: من در نامگذاری بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سبقت نمی گیرم. پس او را نزد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بردند، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سبقت نمی گیرم. پس او را نزد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بردند، پیامبر او را بوسید و فرمود: چه نامی برایش انتخاب کردید؟ حضرت علی علیه السلام جواب داد: قبل از شما نامی برای او انتخاب نکردیم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: من هم بر خدای خویش سبقت نمی گیرم. جبرئیل از طرف خداوند نازل شد و تبرک پروردگار را به پیامبرش رساند و عرض کرد: خداوند عز و جل امر می کند که چون نسبت علی علیه السلام به شما مانند نسبت هارون به موسی علیه السلام است او را به نام فرزند هارون نام بگذار. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: نام او چه بود؟ جبرئیل جواب داد: شبر. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: زبان من عربی است، جبرئیل عرض کرد، معادل آن در زبان عربی حسن است. (۱۹۳)

### کمک گرفتن از فرزند در مورد آیات نازل شده

امام حسن علیه السلام در دوران هفت سالگی، به مسجد می رفت و پای منبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می نشست و آنچه در مورد وحی از آن حضرت می شنید در برگشت به منزل، برای مادرش فاطمه زهرا علیها السلام نقل می کرد. (بدین ترتیب که همچون یک خطیب روی متکائی می نشست و سخنرانی می نمود و در ضمن سخنرانی آنچه که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرا گرفته بود بیان می کرد). حضرت علی علیه السلام هر گاه وارد منزل می شد و با فاطمه زهرا علیها السلام سخن می گفت در می یافت که فاطمه از تمام آیات نازل شده قرآن اطلاع دارد، از او پرسید: با اینکه شما در منزل هستید چگونه از آنچه که پیامبر (صلی

الله علیه و آله) در مسجد بیان کرده آگاه هستی؟ فاطمه زهرا علیها السلام جریان را برای علی علیه السلام شرح داد که این آگاهی از ناحیه فرزندش حسن می باشد. روزی علی علیه السلام در گوشه ای از منزل مخفی شد. حسن که در مسجد، سخنان پیامبر را شنیده بود وارد منزل شد و طبق معمول بر متکائی نشست، تا به سخنرانی بپردازد. ولی لکنت زبان پیدا کرد، حضرت زهراء علیها السلام تعجب نمود. حسن علیه السلام به مادرش عرض کرد: تعجب نکن، زیرا که شخصی بزرگی، سخن مرا می شنود و استماع او مرا از بیان مطلب، باز داشته است. در این هنگام علی علیه السلام از مخفیگاه خارج شده و فرزندش، حسن را بوسید. (۱۹۴)

### تعلیم و تربیت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام دختر دانشمند فاطمه زهرا (س) بود، طوری که او را عقیده بنی هاشم نامیده اند، او استاد علوم قرآنی بود. روزی مشغول تلاوت قرآن بود، در این هنگام پدرش علی علیه السلام صدای او را شنید حضرت زینب تفسیر بعضی از این آیات قرآنی را از پدرش سؤال می کند. علی علیه السلام به سختی تحت تأثیر هوش و ذکاوت درخشان زینب قرار گرفته، لذا اشاراتی به آینده دختر گرامی خود زینب کرد. جریاناتی را که در پیش دارد یاد آورد شد. حضرت زینب در پاسخ پدر گفت: مادرم فاطمه علیها السلام مرا به این مطالب، آگاه کرده تا مرا برای فردایم آماده سازد. (۱۹۵) غذای آسمانی برای فاطمه علیها السلام و فرزندانش مرحوم مجلسی گوید: گروهی از صحابه نقل کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد منزل فاطمه زهرا علیها السلام شد و فرمود: فاطمه جان! حسن و حسینی از من خوردنی می خواهند و من چیزی نمی یابم تا آنها بخورند. پس پیامبر با علی و حسن و حسین و فاطمه علیها السلام نشستند، فاطمه علیها السلام متحیر بود و نمی دانست چه کند؟ پیامبر مدتی به آسمان نگاه کرد، در این هنگام جبرئیل نازل شد و عرض کرد: ای محمد (صلی الله علیه و آله) خدای اعلی سلامت می رساند و می فرماید: به علی و حسن و حسین و فاطمه علیها السلام بگو، از میوه های بهشتی چه چیزی را دوست می دارند؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) رو به اهل بیت کرد و فرمود: پروردگار می داند که شما گرسنه اید و می فرماید: از میوه های بهشتی کدام را دوست دارید؟ آنان از روی شرم از پیامبر سکوت کرده و چیزی نگفتند، پس حسین علیه السلام سکوت را شکست و عرض کرد: با اجازه شما! بابا جان ای امیرمؤمنان، با اجازه شما! مادر جان، ای بانوی زنان عالمیان و با اجازه شما، ای برادر حسن نیکوکار، می خواهم یکی از میوه های بهشتی را انتخاب کنم، همگی فرمودند: حسین جان هر چه می خواهی بگو. امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! به جبرئیل بگو: ما رطب تازه می خواهیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند این را می دانست. سپس رو به فاطمه علیها السلام نمود و فرمود: فاطمه! برخیز و وارد آن اطاق شو و هر چه در آن بود بیاور. فاطمه علیها السلام وارد شد، دید طبقی بلورین با روپوش سبز بهشتی که در آن رطب تازه است - با اینکه فصلش نبود - در آنجا نهاده شده است. آن طبق را نزد پیامبر آورد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: فاطمه جان! این از کجا آمده؟ فاطمه علیها السلام همان جواب مریم را (که در قرآن مجید آمده) داد و عرض کرد: از جانب خداست همانا خدا هر که را که بخواهد بی حساب روزی می دهد (۱۹۶) سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخاست و طبق را پیش روی همه نهاد و فرمود. بسم الله الرحمن الرحیم. آنگاه خرما را دانه دانه در دهان اهل بیت خود گذاشت و می فرمود: بخورید نوش جان و گوارایتان باد. (۱۹۷)

### خبر شهادت امام حسین علیه السلام به فاطمه علیها السلام

از صادق آل محمد (صلی الله علیه و آله) سؤال شد: فضیلت فرزندان حسین علیه السلام بر اولاد حسن علیه السلام در چیست و حال آنکه ایشان در طریق واحد و مکان و منزلت یکسانند؟ امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: مگر معتقد نیستید و باور ندارید آنچه را



می گویم و سبب آن را بیان می کنم! همانا جبرئیل به محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شد و عرض کرد: یا محمد! ان الله بيشرك بمولود يولد من فاطمة تقتله امتك من بعدك (...))؛ ای رسول خدا! خداوند مژده می دهد که فرزندی برایت از فاطمه متولد می شود که بعد از تو امت تو او را به شهادت می سانند. (۱۹۸) پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: به خدایم سلام برسان و بگو: من چنین فرزندی را نمی خواهم. این گفتگو و رفت و آمد جبرئیل تا سه بار تکرار شد. آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، علی علیه السلام را از این موضوع آگاه ساخت. علی علیه السلام نیز فرمود: مرا به چنین فرزندی رغبتی نیست و همچنان این گفتار سه بار بین آنان تکرار شد و در مرتبه سوم خداوند فرمود: این فرزند صاحب امامت خواهد بود و آثار پیغمبران را به ارث خواهد بود و علوم اولین و آخرین را خواهد داشت. آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فاطمه علیها السلام را نیز از این ماجرا خبر داد. فاطمه علیها السلام عرض کرد: این پدر! من چنین فرزندی نمی خواهم و باز این گفتگو سه بار تکرار شد و در مرتبه سوم فرمود: ای فاطمه! فرزندان پسر تو پیشوایان دین من و وارث آثار من و خازن علم من خواهند بود. پس فاطمه علیها السلام عرض کرد: ای پدر به قضای خدا رضا دادم، پس به حسین علیه السلام حامله شد و پس از شش ماه وضع حمل نمود و فرزند شش ماهه زنده نمی ماند به جز حسین و عیسی (به روایتی یحیی) (۱۹۹) در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام ضمن اشاره به این مطلب که جبرئیل از شهادت امام حسین علیه السلام به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آن حضرت به فاطمه علیها السلام خبر داده بود می فرماید: آیا مادری را در دنیا سراغ دارید که او را به تولد پسری مژده دهند و او با کراهت حامله شود و با کراهت وضع حمل کند (بار بگذارد). این مطلب امام صادق علیه السلام اشاره به این آیه شریفه قرآنی است که درباره امام حسین علیه السلام نازل شده است. و وصینا الانسان بوالديه احسانا حملته امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلثون شهرا حتی اذا بلغ اءشده و بلغ اءربعین سنه قال رب اءوزغنی اءن اءشکر تغنام الی اء نعمت علی و علی والدی و اءن اءعمل صالحا ترضاه و اءصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین (۲۰۰) باز در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام درباره فضیلت فرزندان امام حسین علیه السلام بر فرزندان امام حسین علیه السلام در علل الشرایع آمده است که: بعد از تولد امام حسین علیه السلام نه از فاطمه و از هیچ زنی دیگر شیر نیاشامید و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هر روز حاضر می شد و زبان مبارکش را در دهان حسین علیه السلام می گذاشت و حسین علیه السلام زبان جدش را می مکید و سیر می شد و گوشت او از گوشت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روئید. در بعضی از روایات آمده است که آن حضرت انگشت ابهام را در دهانش می گذاشت و حسین علیه السلام همچون سینه و مادر انگشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می مکید و شیر می خورد و بدین صورت یک روز یا دو روز گرسنه نمی شد. (۲۰۱)

### حرمت آتش بر فاطمه (س) و فرزندانش

حضرت علی علیه السلام چنین فرمودند: شنیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: فاطمه را فاطمه نامیده اند، زیرا که خدا تبارک و تعالی وی و فرزندانش را از آتش باز داشته و برکنار داشته است، البته آن فرزندان از ایشان که خدا را ملاقات کنند در حالی که ایمان به پروردگار داشته و به آنچه که بر من نازل گردیده اعتقاد داشته باشند. (۲۰۲) ماجرای شگفت انگیز روزهای بارداری از مقداد بن اسود الکندی روایت شده است که گفت: روزی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسیدم: یا رسول الله! چنان می نماید که حسین از حسن به سال بزرگتر است؟ فرمود: از برای حسین علیه السلام در قلوب مؤمنین معرفتی است پنهان از مادرش فاطمه پرسش کن! مقداد می گوید: من به در خانه فاطمه علیها السلام آمدم و بر در خانه ایستادم، حمامه بر در خانه آمد. گفت ای برادر کندی! چیزی مرا به شگفتی در آورده است! گفت: چه کسی به تو خبر داده است که من بر در خانه ایستاده ام؟ گفت: بانوی من فاطمه علیها السلام به من فرمود: مردی از کنده بر در خانه ایستاده است و سؤالی دارد از محل و مقام قره العین من



مقداد می گوید: کرامت فاطمه علیها السلام موجب کنجاوری من شد. پس خدمت آن حضرت رسیدم و عرض کردم: ای دختر پیامبر! منزلت و مقام حسین در چیست؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: زمانی که حسن علیه السلام متولد شد تا مدتی به او شیر دادم، روزی رسول خدا علیه السلام به دین من آمدند و حسن در حجال خوردن خرما بود، فرمود: حسن را از شیر باز گرفتی؟ گفتم: آری او را از شیر گرفتم. سپس به من فرمود: دخترم! در جبین تو تشعشع نوری می بینم که به زودی فرزند می آوری که برای خلائق حجت باشد. آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام کیفیت حمل امام حسین علیه السلام را چنین بیان فرمود: چون یک ماه از حمل من سپری شد حرارتی در من بوجود آمد چون این موضوع را به عرض پدر رساندم رسول خدا کوزه آبی طلبید و کلماتی بر آن خواند و در آن دمید و به من فرمود: فاطمه جان! از این آب بنوش، وقتی که شربت از آن آب نوشیدم به اذن خداوند عطش من بر طرف شد و از ماه دوم تا سوم رغبتی به خوردن و نوشیدن نداشتم و به قدرت پروردگار چنان بود که شربت شیر می آشامم. در ماه سوم خبر و سعادت در خانه ما زیاد شد و در ماه چهارم به بعد زحمت و ناراحتی از من زایل شد، بیشتر به مسجد می رفتم و به ذکر خدای مشغول بودم و از مصلاهی خویش فقط برای حاجتی بیرون می فتم. تا ماه پنجم تمام شد چون ماه ششم فرا رسید در شبهای تاریک از فروغ نور حسین علیه السلام احتیاج به نور چراغی نداشتم و در مصلاهی خویش صدای خویش صدای تشبیح و تهلیل او را از درون خویش می شنیدم و چون از ماه ششم نه روز گذشت نیرویی بدست آوردم و خداوند پشت مراقوی ساخت و چون ده روز دیگر گذشت در خواب بودم که شخصی سفید پوش را دیدم که بر بالین من نشست و بر روی و پشت من دمید، من ترسیدم از خواب بیدار شدم و تجدید وضو کردم چهارم رکعت نماز گذاشتم، دیگر باره من از حال خود رفتم و دوباره شخصی کنارم حاضر شد و مرا نشانید و بر من چیزی خواند و تعویذ کرد. روز بعد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وقتی که مرا دید آثار سرور و شادمانی در چهره مبارکش آشکار شده و حال من نیکو شد. من جریان خواب را به عرض ایشان رساندم حضرت فرمود: بشارت باشد تو را ای فاطمه! آنکه در تو بدمید دوست من میکائیل بود که موکل ارحام اهل بیت من است. پس حضرت گریست و مرا به سینه خود چسبانید و فرمود: آن دیگری دوست من جبرئیل است که خداوند او را برای خدمت به فرزند تو گماشته است (۲۰۳).

### قطرات اشک و فرزندان فاطمه علیها السلام

عایشه می گوید: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سخت گرسنه بودند و از خوردنی چیزی در منزل نداشتم. حضرت به من فرمود: ردای مرا حاضر کن، تا به خانه فاطمه روم و حسن و حسین علیه السلام را دیدار کنم تا کمی از گرسنگی خود را فراموش کنم. چون حضرت به خانه فاطمه علیها السلام آمد و فرمود: ای فاطمه! فرزندان من کجا هستند؟! عرض کرد: پدرجان! حسن و حسین علیه السلام سخت گرسنه بودند با حالت گریه از خانه بیرون رفتند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای پیدا کردن آنها از خانه فاطمه علیها السلام بیرون آمدند. در بین راه ابودردا را دید و فرمود: ای ابو دردا پسرهای مرا ندیدی؟ عرض کرد: یا رسول الله! آنها در سایه دیوار بنی جذعان خوابیده اند، پس با هم به طرف آنها رفتند، پیامبر آن دو را به سینه چسباند و اشک از رخسارشان پاک کرد. ابودردا عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! اجازه دهید تا من ایشان را بردارم. حضرت فرمود: ای ابودردا! بگذار تا آب دیده گانشان را پاک کنم، سوگند به آن کسی که مرا به پیامبری فرستاد، اگر قطره ای از آب دیده گانشان بر زمین افتد، تا قیامت بلای گرسنگی از میان امت بیرون نمی رود. پس حضرت آن دو را برداشته و به طرف خانه فاطمه علیها السلام آمدند. (۲۰۴)

### آرامش گهواره امام حسین علیه السلام

در خبر آمده است که: روزی حضرت فاطمه علیها السلام خواب بود و حسین علیه السلام در گهواره گریه می کرد، در این هنگام جبرئیل فرود آمد و حسین علیه السلام را تسلیت (۲۰۵) می داد. چون فاطمه علیها السلام بیدار شد صدای کسی را شنید که حسین علیه السلام را آرام می کند، ولی کسی را ندید نگران شد، از این جهت خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و این واقعه را به عرض پدر رساند پیغمبر فرمود: ای فاطمه! او جبرئیل بود که برای آرام کردن حسین فرود آمد بود. (۲۰۶) خاطره امام حسین علیه السلام از زبان مادر امام صادق علیه السلام از اجداد گرانقدر خود و از امام حسین علیه السلام روایت می کند که فرمود: مادرم فاطمه علیها السلام به من فرمود: هنگامی که تو را به دنیا آوردم، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر من وارد شد. من تو را در پارچه ای زرد رنگ پیچیده و به دست حضرت دادم. حضرت پارچه را به سویی افکنده و پارچه سفید گرفت و تو را با آن پوشانده در گوش راست اذان و در گوش چپ اقامه گفت و سپس فرمودن ای فاطمه! او را بگیر، او پدر امامان است، نه نفر از فرزندان او امامان نیکو کارند و نهمین آنان، مهدی علیه السلام ایشان است. (۲۰۷)

### توجه به فرزندان

روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خانه پیامبر رفت، چون به در خانه رسید دید دخترش فاطمه مضطرب و ناراحت پشت در ایستاده است. آن حضرت فرمود: چرا اینجا ایستاده ای؟ فاطمه زهرا علیها السلام با حالتی مضطرب، عرض کرد: فرزندانم صبح زود بیرون رفته اند و تا کنون از آنها هیچ خبری ندارم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دنبال آنها روانه شد، چون به نزدیک غار جیل رسید، آنها را دید که در کمال سلامت و آرامش، مشغول بازی هستند. آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه فاطمه (ع) آمد. (۲۰۸)

### بازی با فرزندان

نقل شده است که حضرت زهراء علیها السلام با فرزندش امام حسن علیه السلام بازی می کرد و او را بالا می انداخت و در قالب زیبای شعر چنین می فرمود: اشبه اءباک یا حسن و اخلع عن الحق الرسن و اعبد الها ذالمن و لا توالم ذالاحن ۱- حسن جان! مانند پدرت علی باش، و ریسمان ظلمی را از گردن حق بردار. ۲- خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی مکن. آنگاه که امام حسین علیه السلام را دست نوازش می کرد، می فرمود: انت شبیه بابی لست شبیها بعلی حسین جان! تو به پدرم رسول الله شباهت داری و به پدرت علی شباهت نداری. این در حالی بود که علی علیه السلام سخنان فاطمه علیها السلام را می شنید و لبخندی می زد. (۲۰۹) یاد پدر در جمع کودکان حضرت فاطمه علیها السلام، بعد از برگشتن از کنار قبر پدر، ساعت به ساعت غش می کرد و از حال می رفت و هر هنگام که به هوش می آمد از دو فرزند دلبندهش سؤال می فرمود: کجاست پدر (۲۱۰) مهربان شما ای دو فرزندم، که شما را عزیز و کرامی می داشت و همواره شما را بر روی دوش خود می گرفت و نمی گذاشت بر روی زمین راه بروید؟ کجاست پدر شما که مهربان ترین مردم نسبت به شما بود؟ دیگر هرگز او را نمی بینم که این درب منزل را باز کند و شما را بر دوش خود گیرد، همان رفتاری که همواره نسبت به شما انجام می داد. (۲۱۱)

### آیا فرزندان فاطمه علیها السلام فرزندان پیامبرند؟

مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار به نقل از احتجاج طبرسی و تفسیر علی بن ابراهیم از ابی الجارود، از حضرت باقر علیه السلام نقل می کنند که حضرت فرمود: ای اباجارود! مخالفان ما در مورد حضرت امام حسن و امام حسین علیه السلام چه می گویند؟ عرض کردم: ادعای ما را دل بر اینکه این دو بزرگوار فرزندان رسول خدایند، انکار می کنند و فرمودند: شما بر آن چگونه

احتجاج می کنید؟ عرض کردم: فرموده خدای متعال را در مورد حضرت عیسی شاهد می آورم، و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون و کذلک نجزی المحسنین و زکریا و یحی و عیسی و الیاس کل من الصالحین. (۲۱۲) می بینم در این آیه پروردگار توانا حضرت عیسی علیه السلام را از فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی می فرماید. امام فرمود: آنان در مقابل این حجت چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند که فرزند دختر نیز فرزند انسان هست اما فرزند صلیبی او نیست، فرمودند: آن گاه شما چگونه بر آنان احتجاج می نمائید؟ ابوالجارود می گوید: عرض کردم: به فرموده خدای تعالی که می فرماید: ... فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم .... (۲۱۳) سؤال فرمودند: آنان در برابر این استدلال چه می گویند؟ عرض کردم می گویند: در زبان عرب و مرسوم است که شخصی که چند فرزند دارد به جای فرزندان من می گوید فرزندان ما، در حالی که آنها فقط فرزند شخصی واحدی هستند. فرمودند: والله ای ابی الجارود آیه ای از کتاب خدا به تو نشان دهم که فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را مشخص نموده که جز کافر آن را رد نمی کند. ابوالجارود گوید: گفتم فدایت شوم این آیه کجاست؟ فرمودند: آنجا که خدای تعالی می فرماید: حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم (۲۱۴) تا آنجا که می فرماید: و حلائل ابنائکم الذین من اصلابکم. (۲۱۵) حضرت فرمودند: پس از این منکران پیرس، آیا برای رسول خدا ازدواج با همسران امام حسن و امام حسین علیه السلام حلال بود؟ اگر بگویند آری پس به خدا سوگند دروغ گفته و اگر بگویند نه پس آنان فرزندان صلیبی رسول خدایند و آن حرمت به خاطر آن است که این دو فرزندان صلیبی وی می باشند. (۲۱۶)

### استدلالی دیگر

حجاج ابن یوسف ثقفی، استاندار خونخوار عبدالملک در کوفه بود او با شیعیان و یاران حضرت علی علیه السلام بسیار دشمنی می کرد. عامر شعبی می گوید: شبی حجاج مرا طلبید، هراسان شدم و برخاسته و نزدش رفتم، ناگهان در کنار مسند او سفره چرمی دیدم پهن شده (رسم بر این بود که افراد را روی آن می کشتند) و شمشیر تیز در کنار آن بود، سلام کردم جواب سلام مرا داده و گفت: نترس، به تو امشب تا فردا ظهر امان دادم بعد مرا در کنار خود نشانند و فرمان داد تا پیر مردی را که در غل و زنجیر بود نزد وی آورند. گفت: این مرد می گوید که حسن و حسین علیه السلام دو پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند، باید بر این ادعا برایم از قرآن دلیل آورد و گرنه با شمشیر گردنش را خواهم زد. گفتم: بهرت است که غل و زنجیرش را بگشائید اگر دلیل آورد که آزاد خواهد شد و خواهد رفت و الا این شمشیر نمی تواند آهن را ببرد. وقتی که غل و زنجیر از او باز کردند به دقت در او نگریستم وی را شناختم که سعید بن جبیر است (مفسر قرآن و یار و شاگرد خاص امام سجاد). اندوهگین شدم با خود گفتم که وی چگونه می خواهد از قرآن دلیل بیاورد، ناگهان صدای حجاج بلند شد و به سعید گفت: بر آنچه ادعا کرده ای، که حسن و حسین علیه السلام فرزندان پیامبرند از قرآن دلیل بیاور و گرنه گردنت را می زنم. سعید گفت به من مهلت بده حجاج چند لحظه سکوت کرد و دوباره گفت: دلیل خود را بیاور! سعید اندکی فکر کرد و سپس گفت: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم و وهبنا له اسحق و یعقوب کلا- هدینا و نوحا هدینا من قبل و من ذریته داود و سلیمان ایوب و یوسف و موسی و هارون و کذلک نجزی المحسنین. (۲۱۷) سعید اندکی مکث کرد و آن گاه خطاب به حجاج گفت: حالا دنباله آیه را تو بخوان. حجاج چنین ادامه داد: و زکریا و یحی و عیسی و الیاس کل من الحالین. (۲۱۸) سعید خطاب به حجاج گفت: به چه مناسبت خدای متعال نام عیسی را در اینجا ذکر فرموده است؟ حجاج گفت: زیرا که عیسی از فرزندان ابراهیم بود. سعید گفت: چگونه عیسی می تواند از فرزندان ابراهیم باشد و حال آنکه وی اساسا پدر نداشته است، بلکه عیسی پسر دختر اوست و در عین حال خدای تعالی با وجود بعد و فاصله زمانی حضرت عیسی را به حضرت ابراهیم منسوب نمود؟ پس در حالی که می توان پس دختر را چنین فاصله زمانی به کسی منسوب داشت قطعاً حسن و حسین علیه السلام با وجود قرب زمانی و بلکه هم زمان بودن آنها در زمان

حیات پیامبر (صلی الله علیه وآله) و پرورش یافتن آنها در دامان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و با وجود اینکه مادرشان دختر بدون واسطه پیامبر است فرزندان آن حضرت به شمار می آیند. حجاج از این استدلال دقیق و محکم قانع شد و دستور آزادی سعید را داد و ده هزار دینار به عنوان هدیه به او داد. عامر شعبی گوید: وقتی صبح شد با خود گفتم بر من واجب شد که سراغ این شیخ رفته و معانی قرآن را از وی یاد بگیرم، زیرا تصور می کردم که معانی آیات را می دانیم و حال آنکه نمی دانیم. پس به سراغ شیخ رفتم و او را در مسجد یافتم در حالی که آن دینارها پیش رویش بود و آنها را در بین تهیدستان و فقراء تقسیم می کرد و می گفت: که اینها هم از برکت امام حسن و امام حسین علیه السلام است. اگر یک نوبت ما را دچار غم و غصه کنند در مقابل هزار بار خوشحالمان نموده و به علاوه خدا و پیامبرش را از ما راضی می کنند. (۲۱۹)

### لباس بهشتی برای فرزندان فاطمه علیها السلام

ایام عید بود و امام حسن و حسین علیه السلام که کودکی بیش نبودند، لباس مناسبی نداشتند، به مادر خود گفتند: بچه های مدینه لباس نو پوشیده اند، چرا ما را لباس نو نمی پوشانی؟ فاطمه علیها السلام فرمود: لباس شما نزد خیاط است هر گاه آورد به شما لباس نو می پوشانم. یا به روایتی فرمود: بخواست خدا برای شما دوخته خواهد شد، شب عید دوباره همان سخن را به مادر خود گفتند. فاطمه علیها السلام دلش برای آنان سوخت و گریست و همان پاسخ پیشین را داد. آنان هم سخن خود را تکرار کردند. چون تاریکی شب همه جا را فرا گرفت و همه به خواب رفتند. شخصی در خانه را زد. فاطمه علیها السلام پرسید: کیستی؟ گفت: ای دختر رسول خدا، من همان خیاطم، جامعه ها را آوردم. در را باز کرد دید مردی است که با لباس عید را آورده است. فاطمه علیها السلام فرمود: به خدا سوگند هیچ کس را شکوهمندتر از او ندیده بودم. دستمال بسته ای را به فاطمه علیها السلام سپرد و برگشت. فاطمه علیها السلام وارد اطاق شد و دستمال بسته ای را به فاطمه علیها السلام سپرد و برگشت. فاطمه علیها السلام وارد اطاق شد و دستمال را گشود و دید دو پیراهن، دو روپوش بلند، دو شلوار، دورداء دو عمامه و دو جفت کفش مشکی پاشنه سرخ در آن است. حضرت فاطمه علیها السلام فرزندان خود را بیدار کرد و لباس ها را به آن پوشاند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وقتی که آن سبط خود را با لباس نو دید به آغوش گرفت و بوسه زد، سپس از فاطمه علیها السلام پرسید: خیاط را دیدی؟ عرض کرد: بله. خیاط و لباسهایی را که فرستاده بودی دیدم. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: او خیاط نبود بلکه رضوان گنجینه دار بهشت بود. فاطمه علیها السلام پرسید: ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از کجا خبردار شدی؟ فرمود: به آسمان عروج نکرده بود که نزد من آمد و خبر آن را به من داد. (یا به روایتی: خدای متعال چون سخن فاطمه علیها السلام را شنید فرمود: نمی پسندیم که سخن فاطمه را تکذیب کنیم. (۲۲۰)

### مصیبت امام حسین علیه السلام

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود: روزی حضرت فاطمه علیها السلام حسین علیه السلام را در آغوش گرفته بود، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) او را از آن حضرت گرفته و فرمود: خداوند کشته تو را لعنت کند، خداوند کسی را که تو را برهنه می کند لعنت کند، خداوند کسانی را که یکدیگر را بر علیه تو کمک می کنند نابود سازد و بین من و کسانی که یکدیگر را بر علیه تو کمک و یاری می کنند حکم فرماید. حضرت زهرا علیها السلام پرسید: پردجان چه می گویند؟ فرمود: به یاد مصیبتهایی که پس از من و تو به او می رسد و ستمها و کینه توزی هایی که با او می شود افتادم. او در آن روز به همراه گروهی خواهد بود که گویا ستارگان آسمانند که خود را برای کشته شدن هدیه آورده اند. گویا میدان آنان را می بینم، جایگاه فرود و محل قتل و دفن آنان را می نگرم، عرض کرد: پدر جان، این جایی را که توصیف می فرمایید کجاست؟ فرمود: جایگاهی که به آن کربلا

می‌گویند و خانه غم و اندوه و گرفتاری ما و امت است. بدترین افراد امت بر آن خروج می‌کنند. اگر تمام ساکنان آسمانها و زمین بخواهند برای یک نفر از آنان شفاعت کنند، شفاعتشان در مورد آن یک نفر پذیرفته نمی‌شود. آنان در آتش جاودانه خواهند بود. (۲۲۱) ام ایمن و حسین علیه السلام و فاطمه علیها السلام وقتی که زهرا اطهر به فرزند دوشم حامله گردید، ام ایمن (۲۲۲) خوابی دید که او را به شدت متاثر کرد و به شدت می‌گریست. بنابر آنچه که از امام صادق علیه السلام منقول است: همسایگان ام ایمن نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده و عرض کردند: ای پیامبر گرامی! ام ایمن از شدت گریه شب گذشته را تا صبح نخوابیده، پیامبر (صلی الله علیه و آله) کسی را به سراغ ام ایمن فرستاد. وی را آوردند پس حضرت به او فرمود: ای ام ایمن خدا دیدگانت را نگریند، همسایگانت آمده و به من خبر دادند که تو شب را تا صبح گریسته‌اند؟ علت گریه تو چه بوده؟ عرض کرد: یا رسول الله! رؤیایی عجیب دیدم که گفتنش برایم سخت و دشوار است. حضرت فرمودند: معلوم نیست که همان گونه که خواب دیده‌ای در بیداری هم همانگونه واقع شود، پس برایم نقل کن. ام ایمن گفت: شب پیش خواب دیدم که گویی برخی از اعضاء بدن شما در منزل من افتاده است. پیامبر فرمودند: خوش خبر باشی چه خواب نیکویی دیدی ام ایمن فاطمه زهرا فرزندی به نام حسین به دنیا خواهد آورد و تو او را تربیت کرده و در پناه و آغوش خود می‌گیری. این است معنی آنچه در خواب دیده‌ای که بعضی از اعضاء بدن من در منزل تو افتاده است. وقتی که فاطمه زهرا علیها السلام امام حسین علیه السلام را به دنیا آورد، ام ایمن او را پیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برد پس پیامبر فرمودند: آفرین بر حامل و محموله‌ی ام ایمن. این تاءویل رؤیای تو است. همچنین ام الفضل زوجه عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز چنین خوابی را دیده بود. (۲۲۳) رفع تشنگی فرزندان فاطمه علیها السلام در روایت آمده است: زمانی مسلمانان به علت کمبود آب سخت در فشر بودند، حضرت فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام را نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) برد و عرض کرد: ای رسول خدا! فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی در توان آنها نیست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) که نگرانی دخترش را دید، زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین علیهما السلام قرار داد و با بالا- کردن دهان آنها، تشنگی فرزندان فاطمه علیها السلام را بر طرف کرد و موجب خشنودی دخترش شد (۲۲۴)

### ماجرای پنج تن آل عبا

در کتاب عوالم الکبیر از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است که: فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول اکرم می‌فرماید: روزی پدرم بر من وارد شد و فرمود: سلام بر تو ای فاطمه علیها السلام! عرض کردم: علیک السلام فرمودند: در بدن خود احساس ضعف می‌کنم. عرض کردم پدر جان! شما را از ضعفتان به خدا می‌سپارم. فرمودند: عبا یمن را بیاور و مرا در آن بپوشان. فاطمه زهرا می‌فرمایند عبا را آوردم و ایشان را در آن عبا پوشاندم. در آن هنگام چهره ایشان مانند ماه شب چهارده می‌درخشید، ساعتی بعد فرزندم حسن آمد و سلام کرد. حسنین بیان داشت: مادر جان! در اینجا بوی خوشی استشمام می‌کنم که شبیه بوی جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. گفتم: آری فرزندم، جدت در زیر عبا خوابیده است. پس حسن علیه السلام به طرف عبا رفت و بر جدم سلام کرد و گفت آیا به من اجازه می‌فرمائید که داخل عبا شوم؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او اجازه ورود داد. بعد از ساعتی حسین علیه السلام آمد و سلام کرد و فرمود: مادر جان! من بویی مثل بوی جدم استشمام می‌کنم. گفتم: آری فرزندم، جدت و برادرت در زیر عبا هستند، امام حسین علیه السلام جلو رفت و اجازه ورود خواست، پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای فرزندم و ای شفیع امت! تو نیز اجازه داری داخل عبا شوی. فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: در این هنگام ابوالحسن علی علیه السلام نیز آمدند، بر من سلام کردند و من نیز پاسخ دادم فرمودند: فاطمه جان! بوی خوشی همچون بوی برادر و پسر عم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را استشمام می‌کنم، گفتم آری ایشان به همراه دو فرزند

شما زیر عبا رفته و سلام کردند و از ایشان اجازه ورود خواستند، پیامبر فرمودند: علیک اسلام ای برادر، جانشین و صاحب پرچم من ، تو نیز اجازه داری در عبا در آیی ، آنگاه من نیز نزدیک عبا رفتم و گفتم : ای پدر بزرگوام ! آیا به من اجازه ورود می دهی ؟ فرمودند: علیک اسلام دخترم و پاره تنم ، تو نیز اجازه داری داخل عبا شوی ، پس من هم به جمع آنها پیوستم . در این هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله ) طرفین عبا را گرفت و با دست راست به سوی آسمان اشاره کرد و عرض داشتند: پروردگارا ! اینان اهل بیت و خاصان و یاوران من هستند. گوشت آنان گوشت من و خون آنان خون من است . علی علیه السلام از رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) سؤال می کند: استقرار ما در زیر عبا چه فضیلتی دارد؟ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله ) فرمودند: قسم به آن کسی که مرا به پیامبری برانگیخت ، این خبر اجتماع ما زیر این عبا (حدیث کساء) در هیچ محفلی از محافل اهل زمین که دوستان و شیعیان ما در آن گرد آمده باشند خوانده نشود، مگر آنکه رحمت خدا بر آنان نازل شده و ملائکه در مجمع آنان جمع خواهند شد برای ایشان طلب آمرزش نمایند. پس دوباره پیامبر (صلی الله علیه و آله ) فرمود: ای علی ! قسم به آن خدایی که مرا به پیغمبری برانگیخت ذکر نمی شود این خبر ما در مجلسی از مجالس اهل زمین - و در آن بوده باشند جمعی از شیعیان و دوستان ما و در میان ایشان صاحب هم و غمی بوده باشد - مگر آنکه خداوند متعال هم و غم او را بر طرف گرداند و صاحب حاجتی مگر آنکه خداوند حاجت او را برآورده گرداند. (۲۲۵)

### خبر شهادت امام حسین علیه السلام

روزی امام حسین علیه السلام (در ایام کودکی ) گریان و غمگین به سوی مادرش حضرت فاطمه علیها السلام آمد، حضرت فاطمه علیها السلام به او فرمود: نور دیده ام ، میوه دلم ! چرا گریه می کنی ؟ خدا چشم تو را نگریاند. عرض کرد: مادر جان ! گویا جدم از من رنجیده است ؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: فدایت شوم چرا؟ عرض کرد: مادر جان ! من و برادرم حسن خدمت جد خود رفتیم تا او را زیارت کنیم ، در مسجد و در حالی که پدرم علی و اصحاب دور او نشسته بودند، به خدمتش رسیدیم ، او حسن را طلبید و بر زانوی راست خود نشاند و مرا طلبید و بر زانوی چپ خود نشاند تا اینکه دهان و لبان حسن را بوسید و مدت طولانی بوئید، اما دهان و لبان مرا نبوسید و بر گلویم و بوسه زد، پس اگر مرا دوست داشت و از من بدش نمی آمد، باید مرا مثل برادرم می بوسید. مادر جان ! تو بیا دهان مرا ببوی ، آیا در دهان من بوی بدی است که دوست ندارد؟ زهراء علیها السلام فرمود: نه عزیزم ، به خدای بزرگ سوگند، در دل رسول خدا ذره ای از تو ناراحتی نیست ، اکنون بیا با هم خدمت پیامبر برویم .. (بینم ماجرا چه بوده است ) پس دست حسین علیه السلام را گرفت و تا درب مسجد آمدند، فاطمه علیها السلام به جز پیامبر و علی کسی را ندید. فاطمه عرض کرد: پدر جان ! سلام بر شما. پیامبر فرمود: ای فاطمه ! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. عرض کرد: سرورم ! دل حسینم را چگونه شکستی ؟ آیا نفرموده ای که حسین گل آرام بخش من است ؟ آیا نفرموده ای که او زینت آسمانها و زمین است ؟ فرمود: چرا دخترم ! اینها را گفته ام . عرض : پس چرا او را همانند برادرش حسن نبوسیدی ؟ او گریان نزد من آمده است . فرمود: دخترم ! این رازی است که می ترسم اگر بشنوی پریشان گردی و دلت شکسته شود. عرض کرد: پدر جان ! تو را به حقی که بر ما داری آن راز را از من پنهان مدار. پیامبر (صلی الله علیه و آله ) گریست و فرمود: هر آینه ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم ، دخترم فاطمه علیها السلام جان ! اکنون این برادرم جبرئیل است که از خدای بزرگ من خبر می دهد که سرانجام حسن علیه السلام با زهری که همسرش به او می خوراند شهید خواهد شد، از این رو من لبان او را که محل تماس با زهر است بوسیدم و بوئیدم . امام حسین علیه السلام با شمشیر شمر سرش از تن جدا می شود و به شهادت می رسد، از این رو من گلوی او را که محل تماس شمشیر است بوسیدم و بوئیدم . (۲۲۶) الا لعنة الله على القوم الظالمين



## عنایت حضرت زهراء به حضرت عباس

اگر در جریان حادثه کربلا می‌خوانیم که ام‌البنین همواره از حسین علیه‌السلام سراغ می‌گرفت و می‌فرمود: همه پسرانم به فدای حسین علیه‌السلام در عوض حضرت زهراء علیها‌السلام نیز علاقه خاصی به حضرت عباس علیه‌السلام داشت و او را به عنوان پسرش یاد کرده است. نقل شده که شخصی از اهالی کربلا هر روز دو یا سه بار مرقد منور در ده روز یکبار زیارت می‌نمود. شبی در عالم خواب، فاطمه علیها‌السلام را دید و به حضور آن حضرت مشرف شد و سلام کرد، ولی حضرت زهرا علیها‌السلام از او روی گردانید. آن شخص عرض کرد: پدر و مادرم به فدای شما، چرا از من روی می‌گردانید؟ چه تقصیری نموده‌ام؟ حضرت فرمود: چرا از زیارت فرزندم دوری می‌کنی؟ عرض کرد: من روزی سه بار مرقد مطهر فرزندان حسین علیه‌السلام را زیارت می‌کنم. فرمود: تزور ابنی الحسین (ع) و لا تزور ابنی العباس الا قليلا پسر حسین را زیارت می‌کنی اما پسر عباس را کم زیارت می‌کنی. (۲۲۷) توجه خاص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به فرزندان فاطمه علیها‌السلام زمانی که حضرت فاطمه علیها‌السلام به امام حسن علیه‌السلام حامله شد پیامبر در این ایام عازم سفری خارج از مدینه شدند، لذا به دخترش فرمود: ای فاطمه! جبرئیل به من خبر داد که فرزند تو پسر است پس به هنگام تولد به او شیر مده تا من خود بیایم. سه روز از تولد امام حسن علیه‌السلام گذشت و پیامبر علیه‌السلام نیامد، عواطف و محبت مادری، باعث شد که فاطمه علیها‌السلام حسن را شیر دهد، چون رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مسافرت مراجعت نمود از دخترش سؤال کرد: دخترم! با این مولود چگونه رفتار کردی؟ عرض کرد: اءدرکنی علیه رقه‌الامهات فارضعتته پدر جان! این نوزاد از گرسنگی گریه می‌کگردد، دلم به حالش سوخت پس به او شیر دادم. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: ابی‌الله عز و جل الا ما اءراد؛ خداوند نمی‌خواهد الا آنچه را خود خواهد. (کنایه از اینکه اگر حسن علیه‌السلام شیر نمی‌خورد تا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌آمد امامان امت از صلب او بودند). بعد از امام حسن علیه‌السلام وقتی که حضرت فاطمه علیها‌السلام به امام حسین علیه‌السلام باردار شد، باز پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به فاطمه علیها‌السلام فرمود: دخترم فاطمه! جبرئیل به من خبر داد که به زودی صاحب پسری خواهی شد، پس به او شیر مده تا من حاضر شوم. اگر چه یک ماه باشد! عرض کرد: پدرجان چنین خواهم کرد. پیامبر به هنگام تولد حسین علیه‌السلام هم از مدینه به جهت امری خارج شده بودند. فاطمه به دستور پیامبر از شیردادن خودداری کردند تا اینکه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مراجعت نمودند و به خانه فاطمه علیها‌السلام آمدند و به فاطمه علیها‌السلام فرمود: با این مولود چه کردی؟ عرض کرد: پدرجان طبق دستور شما به او شیر ندادم. پس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) حسین علیه‌السلام را به بغل گرفت و زبان مبارکش را در دهان او گذاشت تا بمکد و سیراب شود پس پیامبر دو بار فرمود: کامیاب شدی ای حسین؟ کفایت تو را، آنگاه فرمود: خداوند با دارد الا آنچه را خود بخواهد و وهی فیک و فی ولدک؛ امامت در تو و فرزندان توست. به روایتی دیگر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) انگشت ابهام خود را در دهان حسین علیه‌السلام گذاشت و در هر یک روز یا دو روز این عمل را تکرار می‌نمود و تا چهل روز ادامه داشت تا اینکه گوشت حسین علیه‌السلام از گوشت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پرورش یافت. (۲۲۸)

## پارچه دست بافت فاطمه علیها‌السلام

در پی خطبه‌های امام سجاد علیه‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام و جریانات دیگر، باعث شد که مردم شام تغییر جهت داده و بر علیه یزید شدند. یزید از ترس شورش مردم و جهت اغفال آنها اظهار پشیمانی می‌کرد و به اهل بیت علیها‌السلام اظهار محبت می‌کرد و حتی به آنها اجازه داد که در دمشق برای امام حسین علیه‌السلام و شهدای کربلا عزاداری کنند. نقل شده که وقتی یزید خواست اهل بیت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در مدینه باز گرداند به امام سجاد علیه‌السلام گفت: اگر سه حاجت از من



تقاضا کنی هر سه را برآورده می‌کنم. امام سجاد علیه السلام فرمود: اول آنکه سر مقدس پدرم حسین علیه السلام را بده تا آن صورت نازنین را ببینم. دوم آنکه اموالی را که از ما غارت شده است به ما بازگردانی. سوم آنکه اگر تصمیم کشتن مرا داری، شخص امینی را معین کن که این بانوان را به حرم جدمان مدینه برساند. یزید گفت: در مورد تقاضای اول، هرگز روی پدرت را نخواهی دید. دوم اینکه ۹ من تو را عفو کردم و زنان را کسی جز تو به مدینه باز نمی‌گرداند. و اما اموالی را که از شما به غارت برده اند من در عوض چندین برابر قیمت آن را به شما می‌پردازم. امام سجاد علیه السلام فرمود: ما از اموال تو چیزی نمی‌خواهیم و بگذار از اموالت چیزی کم نشود، ولی اموال غارت شده خود را می‌خواهیم، زیرا بافته‌های مادرم فاطمه علیها السلام دختر محمد (صلی الله علیه و آله) و مقنعه و گردنبند و پیراهن او در میان آنهاست. یزید دستور داد آن اموال را باز آورند و دویست دینار از مال خود بر آن افزود و به امام سجاد علیه السلام داد و آن حضرت آن را گفت و در میان فقرا و مساکین تقسیم کرد. (۲۲۹)

### مرقد حضرت معصومه (س) تجلیگاه مرقد حضرت زهرا (س)

آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در درس خود فرمودند: من متولد شده نجف اشرف و بزرگ شده آنجا بودم، علت آمدنم به شهر قم این بود که مرحوم پدرم، آیت الله سید محمود مرعشی برای آنکه از محل قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام با خبر شود چهل شب در حرم حضرت علی علیه السلام بیتوته (شب زنده داری و عبادت و مناجات) نمود، یک شب آن حضرت (در یک حالت مکاشفه) به پدرم فرمود: سید محمود چه می‌خواهی؟ پدرم عرض کرد: محل قبر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کجاست تا در کنار قبرش بروم و او را زیارت کنم؟ حضرت فرمود: من که نمی‌توانم قبر فاطمه علیها السلام را بر خلاف وصیت او معلوم کنم. پدرم عرض عرض: پس در هنگام زیارت او چه کنم؟ حضرت فرمود: خداوند مقام شکوهمند فاطمه را (در این مورد) به حضرت معصومه داده است، یعنی مرقد حضرت معصومه تجلیگاه مرقد شریف حضرت زهرا است. هر کس می‌خواهد زیارت حضرت فاطمه علیها السلام را درک کند مرقد حضرت معصومه علیها السلام را زیارت کند. (۲۳۰)

### فصل هشتم: فضایل و کرامات

#### حضرت زهراء و حضرت مریم

مریم از یک نسبت عیسی عزیز از سه نسبت حضرت زهراء عزیز نور چشم رحمة العالمین آن امام اولین و آخرین آنکه جان در پیکر گیتی دمید روزگار تازه، آیین آفرید بانوی آن تاجدار هل اتی مرتضی مشکل گشا شیر خدا پادشاه و کلبه ای ایوان او یک حسام و یک زره سامان او مادر آن مرکز پرگار عشق مادر ان کاروان سالار عشق آن یک شمع شبستان حرم حافظ جمعیت خیر الامم تا نشیند آتش پیکار و کین پشت پا زد بر سر تاج و نگین و ان دگر مولای ابرار جهان قوت بازوی احرار جهان در نوای زندگی، سوز از حسین اهل حق حریت آموز از حسین سیرا فرزندا از امهات جوهر صدق و صفا از امهات مزرع تسلیم را حاصل بتول مادران را اسوه کامل بتول بهر محتاجی دلش آنگونه سوخت با یهودی چادر خود را فروخت نوری و هم آتشی فرمانبرش گم رضایش در رضای شوهرش آن ادب پرورده صبر و رضا آسیاب گردان و لب قرآن سرا گریه های او ز بالین بی نیاز گوهر افشاندی بدامان نماز اشک او بر چید جبرئیل از زمین همچون شبم ریخت بر عرض برین رشته آیین حق زنجیر پاست پاس فرمان جناب مصطفی است ورنه گرد تربتش گردیدمی سجده بر خاک او پاشیدمی (۲۳۱)

### اسماء و القاب آن حضرت

فاطمه زهرا علیها السلام دارای نامها و القاب متعددی بودند که هر یک از آنها بیانگر فضیلتی برای او می باشند. اسمهای حضرت عبارتند از: ۱- فاطمه: درباره وجه تسمیه فاطمه به عنوان نام مبارک بانوی دو عالم علیها السلام برگرفته شده از کلام معصوم (ع) و جوهی چند است: فاطمه یعنی جدا شده از هر زشتی و بریده شده از هر بدی و باز داشته شده از آلودگی ها، یا ذریه او از آتش فاصله دارند. شفاعت کننده دوستدارانش در قیامت - عجز مردم از شناخت کامل او - فاصله، اسمی مشتق شده از نام پروردگار.

۲- صدیقه: به معنای زن بسیار راستگو، چون در تمام عمر شریفش هیچ دورغی از او شنیده نشده. در ضمن گفتاری پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی علیه السلام می فرمایند: یا علی! خداوند به تو همسری چون دختر صدیقه هدیه کرده که به من عطا نکرده است. یا عایشه می گوید: من را راستگوتر و صادق تر از فاطمه علیها السلام ندیدم. ۳- مبارکه: یعنی برکت خجسته و میمون، زیرا خداوند در نسل او برکتی قرار داده، که از وجود نازنین او پروردگار نسل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در همه جهان گسترش بخشیده است و خداوند ذریه او را مبارک گردانید. ۴- طاهره: از طهارت است به معنای پاکی از هر نقصی، و پاکیزگی از همه پلیدیها. امام صادق فرمود: مادامی که فاطمه (ع) زنده بود خداوند سایر زنان را بر علی علیه السلام حرام کرده بود، زیرا فاطمه علیها السلام پاکیزه بود و حائض نمی شد. آن حضرت حتی در زایمان هم خون نفاس نمی دید. ۵- زکیه: به معنی پاکیزگی، رشد و نمو. به معنای نمو کننده در کمالات و خیرات، تا جایی که سوره هل اتی و آیه ایثار در شأن آنها نازل شد و اخلاق او از هر حیث پاک و تزکیه شده بود و هم چنین رشد و نمو، از لحاظ جسمانی، زیرا گفته اند که آن حضرت بیشتر از کودکان هم سن خود در روزها و هفته ها و ماهها رشد می کرد. ۶- راضیه: چون در تمام شئون زندگی از خدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و شوهرش راضی بود. با دیدن آن همه سختی از زمان کودکی تا روز شهادت، آنچه که خداوند برایش تدبیر کرده بود راضی بود و حیت یکبار شکایت نکرد. ۷- مرضیه: اسم مفعول از رضا است. چون خداوند در آخرت آن قدر شفاعت او را پذیرد که راضی گردد. یا آنکه خدا و رسول خدا و شوهرش از او راضی بودند. ۸- زهرا علیها السلام: به معنی درخشنده و نورانی. اینکه چرا فاطمه را زهراء نام نهاده اند بنابر روایات و کلام معصومین علیها السلام فاطمه علیها السلام از نور با عظمت پروردگار خلق شده است و نورانیت آسمانها و زمین از نور اوست. صورت فاطمه علیها السلام در هر روز چند بار - وقت نماز صبح و ظهر و شام برای علی علیه السلام نور افشانی می کرد و بالاخره فاطمه علیها السلام زهرا نامیده شد چون به فرموده امام صادق علیه السلام: چون هرگاه در محراب عبادت به نیایش مشغول بود برای ملائکه و اهل آسمانها نور افشانی می کرد. ۹- محدثه: به معنای کسی که معارف الهی را از زبان فرشتگان وحی دریافت کرده و ملائکه با او سخن می گویند. امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که فاطمه علیها السلام محدثه نامیده شد، برای آنکه ملائکه پروردگار از آسمان بر او نازل می شدند و او را ندا می دادند، همانطوری که مریم دختر عمران را خطاب می کردند. آنها خطاب به فاطمه علیها السلام می گفتند: ای فاطمه علیها السلام خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است. ای فاطمه علیها السلام به شکرانه این نعمت برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جای آور. (۲۳۲)

### اما لقبهای حضرت:

ایشان دارای لقبهای فراوانی بوده که به بعضی از آنها اشاره می شود: سیده: بانو انسیه حوراء: انسان بهشتی نوری: موجودی از حقیقت نوری حانیه: دلسوز فرزندان کریمه: بزرگوار رحیمه: با محبت و مهربان قانع: کم توقع قوامه: شب زنده دار عقیده خردمند فهیمه: بافهم رئوفه: دلسوز و مهربان محرمه: گرمی و مورد احترام منصوره: یاری شده - خداوند او را یاری کرده است. جمیله: زیبا جلیله: بزرگ صابره: پایدار شریفه: شرافتمند عقیفه: پاکدامن شهیده: شهید شده، گواه حکیمه: با حکمت و دارای فهم و ادراک حکیمانه مطهره: پاکیزه شده عطوفه: با عاطفه و محبت. زاهده: پارسا فاطمه علیها السلام زبانه ترازو علی

السلام فرمود: روزی وارد منزل شدم دیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که حسن علیه السلام در سمت راست و حسین علیه السلام در سمت چپ و فاطمه علیها السلام پیش روی آن حضرت نشسته بودند می فرماید: ای حسن و ای حسین! شما دو کفه ترازو هستید و فاطمه علیها السلام زبانه آن است. دو کفه جز به وسیله زبانه یکسان و هماهنگ نمی شوند و زبانه جز بر روی دو کفه استوار نمی ماند. شما دو نفر، امام هستید و مادران دارای مقام شفاعت است. (۲۳۳) احترام به فاطمه علیها السلام از نظر فقه اسلامی یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نام دخترش را فاطمه نام نهاده بود، امام علیه السلام به او فرمود: اما اذا سمیتها فاطمة فلا- تسبها و لا- تلعنها و لا- تضربها؛ حالا- که او را فاطمه نامیده ای به او دشنام مده و او را نفرین مکن و او را مزین. شائن و مقام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و جنبه قداست آن بانوی بزرگوار، بر هر مسلمان مؤمنی، امری بدیهی و مسلم است. در فقه و فرهنگ اسلامی نیز، تجلیل و تکریم و تعظیم به حضرت فاطمه زهراء در مرتبه والایی قرار دارد که رعایت آن بر هر فرد مسلمانی در ردیف واجبات و عدم رعایت آن جزو محرمات و معاصی به شمار می آید. در اینجا به عنوان نمونه به چند مورد از دستورات فقهی که در این باب (احترام به حضرت فاطمه علیها السلام) صادر شده و در فقه اسلامی جای ویژه ای دارد اشاره می شود. ۱- برای فرد بی وضو حرام است که اسم خداوند متعال را مس نمایند، و مس اسامی مبارک پیغمبر و ائمه و حضرت زهراء علیها السلام نیز اگر هتک حرمت و بی احترامی تلقی شود حرام است. ۲- حفظ حرمت اسامی معصومین علیه السلام و زیر پانگذاشتن و دورنگه داشتن این اسامی مبارک از اماکن آلوده و ناپاک، از واجبات شرعی است. ۳- در باب دیات و قصاص فقه اسلامی نیز آمده است که متعدیان به امور اعتقادی حکم ارتداد را دارند. علامه حلی (ره) در تحریر الاحکام در این باره می گوید: کسی که مادر پیامبر گرامی را یا دخترش را مورد قذف و نسبت ناروا و عمل غیر مشروع قرار دهد مرتد و از دین خارج است. ۴- کیفر دشنام گفتن به فاطمه زهرا علیها السلام قتل است. بر اساس فقه اسلامی فردی که نسبت به آن بانوی مقدس هتک حرمت کند و به فحاشی و دشنام و بدگوئی، زبان بگشاید مستوجب مرگ است و باید به قتل رسانده شود. امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله خود می فرماید: الحاق صدیقه طاهره علیها السلام به ائمه اطهار علیه السلام از فرزندان، خالی از وجه نیست، بلی اگر دشنام به صدیقه طاهره بازگشت به دشنام و سب رسول الله (صلی الله علیه و آله) نماید بدون شبهه دشنام دهند کشته می شود. طبق نظر فقهای شیعه اگر شخصی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا ائمه معصومین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دشنام دهد بر شنونده آن واجب است او را به قتل برساند مگر این که ترس زیان جانی و یا مالی قابل توجه یا آبرویی بر خود داشته باشد بنابراین هم وجوب قتل ثابت است و هم این که اجرای این حکم احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد. (۲۳۴) پس دریافتیم که از نظر فقهی اگر کسی به چهارده معصوم علیه السلام ناسزا بگوید و یا عملی توهین آمیز در مورد آنان انجام دهد حکمش قتل است مسلما حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یکی از حضرات معصومین می باشند. در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: چون حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند پس از اقداماتی به کیفر قاتلان ستمگر مادرش حضرت فاطمه علیها السلام می پردازد و به سراغ قبر آنان می رود و آنان را زنده می کند، و به محاکمه می کشد و پس از آن به دارشان آویزان می کند و پس از باز کردن از دار، پیکر کثیف و نحسشان را آتش می زند. (۲۳۵) علاوه بر حکم فقهی در مورد توهین کننده به حضرت فاطمه علیها السلام اذیت حضرت فاطمه علیها السلام اذیت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. دهها حدیث معتبر در این مورد در کتابهای شیعی و سنی آمده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: فاطمة بضعه منی، فمن اغضبها اغضبنی فاطمه پاره تن من است، هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است. و نیز فرموده: من آذاها فقد آذانی، و من آذانی فقد اذی الله عزوجل هر کس او را اذیت کند مرا اذیت نمود و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است. و بنابر فرموده خداوند در قرآن: کسی که خدا و رسولش را بیازارد مورد لعنت خدا قرار می گیرد. ان الذین یوذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الاخرة همانا کسانی که خدا و رسول او را بیازارند خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده است و از رحمت خود دور

فرموده است . (۲۳۶) حضرت امام خمینی (ره) در مورد اهانت کننده به حضرت صدیقه طاهره که روز شنبه هشتم بهمن ۱۳۶۷ از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شده و بعد فرمودند: بسمه تعالی ، با کمال تأسف و تأثر صدای جمهوری اسلامی مطالبی در مورد الگوی زن پخش کرده است که انسان شرم دارد باز گو نماید. فردی که این مطالب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می گردد و دست اندکاران آن تعزیر خواهند شد و در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است بلا شک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است ، اگر بار دیگر از این گونه قضایا تکرار گردد موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسؤلین رده بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه ها قوه قضائیه اقدام می نماید. روح الله الموسی الخمینی ۹/۱۱/۱۳۶۷

### ملاقات فاطمه علیها السلام با حوریان بهشتی

سلمان فارسی (ره) می گوید: روزی از خانه بیرون آمدم ، در حالی که ده روز از رحلت رسول (صلی الله علیه و آله) گذشته بود. علی علیه السلام را دیدم به من فرمود: ای سلمان! تو پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر ما جفا نمودی . عرض کردم: ای محبوب من ، ای ابالحسن! کسی همچون شما مورد جفا قرار نمی گیرد. بلکه حزن و اندام پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باعث شد نتوانم به زیارت شما بیایم . حضرت فرمود: ای سلمان! برو به خانه نزد فاطمه ، دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، زیرا او مشتاق دیدار توست . می خواهد از هدیه ای که از بهشت برایش آورده اند به تو هم بدهد. عرض کردم: آیا مگر پس از حضرت رسول برای آن حضرت از بهشت تحفه و هدیه می رسد؟ فرمود: آری ، دیروز رسید. سلمان فارسی (ره) می گوید: سراسیمه خود را نزد آن حضرت رساندم و با اجازه زهرا صعب وارد خانه شدم ، دیدم حضرت نشسته و بر روی خود عبای کوتاهی انداخته است . در پیشگاهش زانوی ادب زدم . آن حضرت به من فرمود: ای سلمان! بعد از رحلت پدرم به من جفا کردی؟ عرض کردم: ای حبیب من! آیا من به شما جفا کردم؟ فرمود: پس چه کسی؟ ای سلمان! بنشین و آنچه به تو می گویم ، خوب فراگیر! حضرت فرمود: دیروز همین جا نشسته بودم و در منزل هم بسته بود. در این فکر بودم که با وفات پدرم وحی الهی از ما قاطع شد و از رفت و آمد ملائکه دیگر خبری نیست ، بسیار غمگین و محزون بودم . به ناگاه در منزل باز شد و سه دختر وارد شدند که از نظر زیبایی ، شادابی و معطر بودن بی مانند بوده و هیچ چشمی به زیبایی آنان ندیده است . از جایم برخاسته و به سوی آنان رفتم . پرسیدم: از زنان مکه هستید یا مدینه؟ گفتند: ای دختر رسول خدا! ما اهل مکه و مدینه نیستیم و نیز از ساکنان زمین نمی باشیم ، ما از حوریان بهشتی و مشتاق و دوستدار تو هستیم . خداوند ما را نزد شما فرستاده است . من از یکی که بزرگتر می نمود پرسیدم: اسم تو چیست؟ جواب داد: مقدود. گفتم مقدوده چرا؟ گفت من برای مقداد بن اسود کنندی صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آفریده شده ام . از سومی پرسیدم: اسم تو چیست؟ گفت: سلمی گفتم: به چه مناسبت سلمی نامیده شده ای؟ گفت: من برای زندگی با سلمان فارسی ، دوست و خدمتکار پدر تو، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشم . حضرت ادامه داد: سپس حوریان بهشتی خرمایی تازه به من دادند که از مشک خوش بو تر بود. آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام مقداری از آن خرماها را به من داد و فرمودند: ای سلمان! با این خرما افطار کن و فردا هسته آن را برایم بیاور! سلمان گوید: من خرما را گرفته از حضورش مرخص شدم . در کوچه های مدینه به طرف منزل می رفتم ، به هر کس از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می گذاشتم ، می پرسید: چه بوی عطر دلنشینی! آیا مشک با خود داری؟ در جواب می گفتم: آری . در موقع افطار با خرما روزه ام را باز کردم ، ولی نه هسته داشت و نه ریگ و نه خاشاکی . روز بعد نزد آن حضرت رفته عرض کردم: من دیروز روزه ام با تحفه و هدیه شما باز کردم ولی هیچ هسته ای نداشت . حضرت فرمود: ای سلمان! هیچ گاه هسته ای نخواهد داشت ، زیرا خرماها از نخلی است که خداوند آن را در دارالسلام (بهشت) با کلام و سخنی کاشته است که پدرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به من آموخت و من هر صبح و شام بر آن مواظبت می کنم . (۲۳۷) بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله نور الله نور الله بسم الله نور

علی نور بسم الله الذي خلق النور من النور الحمد لله الذي خلق النور من النور و انزل النور على الطور في كتاب مسطور في رق منشور بقدر مقدور على نبي محبور الحمد لله الذي هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و على السراء و الضراء مشكور و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين ؛ به نام خدای بخشنده مهربان به نام مبارک خدا که نور عالم است و به نام مبارک خدا که نور نور عالم است و نام مبارک خدا که نور بالای نور عالم است به نام مبارک خدا آن نام که مدبر امور عالم است به نام مبارک خدا آن نام که نور آفرید (یعنی عالم و آدم را از نور خود آفرید) ستایش خدا را که نور (تجلی خود) را بر طور سینا در کتاب مسطور تورات نازل کرد در صحیفه گشوده بقدری که مقدور نمود بر پیغمبر عالم و صالح خود ستایش خدا را که نزد تمام موجودات به عزت مذکور و به فخر و جلالت معروف است و در حال آسایش و سختی باید شکر گزار او بود و درود خدا برسید ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت طاهرینش باد. سلمان گفت: چون این دعا را از آن حضرت آموختم آن را به بیشتر از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که مبتلا به تب بودند آموختم، به خدا قسم همه آنها به اذن خدای تعالی شفا یافتند.

### چادر بانوی زنان جهان

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: هنگامی که خداوند خلاق از اولین و آخرین را مبعوث گرداند، منادی پروردگاران از زیر عرش خداوند صدا می زند: ای گروه خلاق، دیدگاه خود را ببندید که فاطمه علیها السلام دختر محمد (صلی الله علیه و آله) و بانوی زنان جهانیان از طراط بگذرد! هیچ کس در صحنه قیامت نیست مگر آنکه چشمانش را می بندد، به جز محمد، علی، حسن، حسین و فرزندان پاک آنان علیه السلام چرا که فرزندان آن حضرتند. هنگامی که وارد صحرای محشر می شود، دنباله چادرش بر روی صراط کشیده می شود، یک سر آن در بهشت به دست خود آن حضرت است و سر دیگرش در عرصه قیامت است. منادی پروردگاران صدا می زند: ای دوستان فاطمه! به گوشه های چادر بانوی زنان جهانیان چنگ زنید! و کسی از دوستان حضرت باقی نمی ماند مگر اینکه به گوشه ای از اطراف چادر آن حضرت باقی نمی ماند مگر اینکه به گوشه ای از اطراف چادر آن حضرت چسبیده است تا اینکه بیش از هزار فنام و هزار فنام به آن چنگ می زنند و می چسبند. گفتند: یک فنام چقدر است؟ فرمود: هزار هزار که به وسیله آن حضرت از آتش نجات می یابند. (۲۳۸)

### توقف فاطمه علیها السلام در مدخل جهنم

از محمد بن مسلم روایت شده که گویند: از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: حضرت زهرا علیها السلام در مدخل جهنم توقفی ویژه می نماید. در روز قیامت بر پیشانی هر کس مؤمن یا کافر نوشته شده است. به کسانی که گناهان زیادی انجام داده اند دستور داده می شود که وارد آتش جهنم شوند. فاطمه زهراء علیها السلام بین دو چشم او می خواند که وی دوستدار اهل بیت است. آنگاه می گوید: ای خدا و ای مولای من! تو مرا فاطمه نامیدی و به وسیله من آن کس را که من و ذریه ام را دوست می دارد، از آتش جدا می سازی، و وعده تو راست است و تو از نویدی که داده ای تخلف نمی کنی. خداوند متعال می فرماید: راست می گویی ای فاطمه! من تو را فاطمه نامیده و به وسیله تو، کسی که تو را دوست داشته باشد و به ولایت پذیرفته، و ذریه تو را دوست داشته و به ولایت پذیرفته باشد، از آتش نجات می دهم. وعده من حق است و از آن تخلف نمی کنم هر کس را که بر پیشانیش بخوانی که مؤمن است، دستش را بگیر و به بهشت واردش ساز. (۲۳۹)

### سخن گفتن با جبرئیل

امام خمینی (ره) در یکی از بیانات خود، در ایام شهادت حضرت زهراء علیها السلام و در ملاقات با زنان می فرماید: مساءله آمدن

جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست، خیال نشود که جبرئیل برای هر کس می‌آید و امکان دارد بیاید، این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می‌خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است... و این تناسب بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیاء درجه اول بوده است. مثل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و موسی و عیسی و ابراهیم و امثال اینها، بین همه کس نبوده است. بعد از این هم بین کسی دیگر نشده است. حتی درباره ائمه علیها السلام هم من ندیده‌ام که وارد شده باشد، این طور که جبرئیل به آنها نازل شده باشد فقط این که برای حضرت زهرا علیها السلام است که من دیده‌ام که جبرئیل به طور مکرر در این هفتاد و پنج روز وارد می‌شده و مسائل آینده‌ای که بر ذریه او می‌گذشته است این مسائل را میگفته است و حضرت امیر هم ثبت می‌کرده است... در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضائلی بزرگ است - این فضیلت را من بالاتر از همه می‌دانم که برای غیر انبیاء علیهم السلام آن هم نه همه انبیاء برای طبقه بالای انبیاء که در رتبه آنهاست، برای کسی دیگر حاضر نشده و با این تعبیری که مراد داشته است جبرئیل در این هفتاد و چند روز، برای هیچ کس تا کنون واقع نشده و این از فضائلی است که از مختصات حضرت صدیقه علیها السلام است. (۲۴۰)

### فاطمه و اهل بیت علیه السلام در کشتی نوح

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هنگامی که خداوند متعال اراده فرمود که قوم نوح را نابود کند، به او دستور داد تا درخت ساج را قطع کند، بعد جبرائیل فرود آمد و شکل کشتی را به او نشان داد و صندوقچه‌ای که در آن صد و بیست و نه هزار میخ در آن بود برایش آورد. نوح غیر از پنج میخ تمام آنها را در آن کشتی به کار گرفت. وقتی که دستش را به یکی از آن پنج میخ زد، آن میخ در دست او همچون ستاره‌ای نورانی تابید. نوح متحیر و شگفت زده شد. خداوند آن میخ را به زبان فصیح و گویا به نطق آورد و گفت: من به نام بهترین پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) - می‌باشم. جبرائیل نزد او آمد، نوح به او گفت: ای جبرائیل این چه میخی است که تا کنون چیزی شبیه به آن ندیده‌ام؟ گفت: این میخ به نام محمد (صلی الله علیه و آله) - بهترین انسانها از اولین تا آخرین می‌باشد. آن را در جلوی راست کشتی به کار گرفت. بعد دستش را به میخ دوم زد، نوری از آن درخشید و اطراف را روشن کرد. نوح پرسید: این میخ چیست؟ جبرائیل پاسخ داد: میخ برادر و پسر عمویش علی علیه السلام است. آن میخ را در قسمت جلو سمت چپ کشتی کوبید. بعد دستش را به میخ سوم زد، آن نیز درخشید و اطراف را روشن کرد، جبرائیل گفت: این میخ فاطمه علیها السلام است. آن را در کنار میخ پدرش کوبید. بعد دستش را به میخ چهارم زد آن نیز درخشید و اطراف را روشن کرد. جبرائیل به او گفت: این میخ حسن علیه السلام است. آن را در کنار میخ پدرش علی علیه السلام کوبید. بعد دستش را به میخ پنجم زد، نوری درخشید و صدای گریه بلند شد و نمناک گشت، نوح پرسید: ای جبرائیل! این نم و تری چیست؟ پاسخ داد: این میخ حسین سیدالشهدا علیه السلام است. آن را در کنار میخ برادرش کوبید. آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند متعال فرموده است. و حملنا - علی ذات الواح و دسر: او را بر چوبها و میخها سوار کردیم. میخهای آن ما هستیم و اگر ما نبودیم کشتی، ساکنانش را حرکت نمی‌داد. (۲۴۱)

### فاطمه سبب سجده ملائکه بر آدم

ابوسعید خدری می‌گوید: در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم که مردی از راه رسید و از حضرت درخواست کرد تا درباره قول خداوند: استکبرت ام کنت من العالین (۲۴۲) توضیح داده و بفرماید اینان چه کسانی هستند که حتی از ملائکه مقربین برتر و والاترند؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: منظور از آنان من، علی فاطمه، حسن و حسین می‌باشیم که در سراق عرش، دو هزار سال پیش از خلقت آدم، خداوند را تسبیح می‌کردیم، و ملائکه با تسبیح ما تسبیح می‌کردند. هنگامی که



خداوند آدم را آفرید به ملائکه دستور فرمود که بر او سجده کنند، پس ملائکه ماء‌مور به سجده نشده بودند مگر به خاطر وجود ما. همه فرشتگان به امر خداوند سر اطاعت نهادند مگر ابلیس که نافرمانی کرد و از سجده کردن امتناع ورزید. خداوند متعال به او فرمود: ای ابلیس! چه چیز تو را بازداشت از اینکه بر آنچه که من با دست قدرت خود آفریدم سجده کنی؟ آیا استکبار ورزیدی یا از موجودات عالی و برتر بودی؟ یعنی از این پنج تن که اسامی آنان در سرداق عرش نوشته شده است. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ما هستیم آن باب خدایی که از آن در وارد می شوند و هدایت یافتگان به وسیله ما هدایت می گردند. هر کس ما را دوست داشته باشد خداوند او را دوست داشته و به بهشت خود واردش می سازد و هر کس با ما دشمنی کند خداوند او را دشمن داشته و به آتش داخل می کند. دوست ندارد ما را مگر کسی که در دامان پاک و پاکیزه زاده شده باشد. (۲۴۳)

### حضرت فاطمه علیها السلام در آیه مباهله

در کتاب بحارالانوار مرحوم مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) به نقل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: گروهی از نصاری نجران پیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند که سه تن از آنان جزء بزرگان و دو تن از مشاهیر یهود بودند. آنها آمده بودند تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را بیازمایند. پس از سؤال و جوابهایی که با پیامبر داشتند، نصاری پیرامون حضرت مسیح علیه السلام سؤال کردند. اسقف که یکی از بزرگان آنان بود پرسید: پدر عیسی که بود؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) ساکت شدند. جبرئیل فرود آمد و گفت: او روح خدا و کلمه او بود. اسقف گفت: آیا روح بدون بدن می شود؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) ساکت ماندند، در این هنگام وحی الهی نازل شد: ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون (۲۴۴) این جواب که حضرت عیسی از خاک است بر اسقف گران آمد. سپس گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله)! این مطلب را به در تورات و نه در انجیل و نه در زبور یافته ایم، مطلبی است که فقط تو می گویی. پس خداوند وحی فرمود: فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل العنة الله علی الکاذبین. (۲۴۵) پس اسقف و همراهان گفتند. وقت مباهله را معین نما پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: انشاء الله فردا صبح. صبح پس از نماز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست علی علیه السلام را گرفت و او را پیش خود قرار داد و فاطمه علیها السلام را از پشت سر و حسن و حسین علیه السلام را در سمت راست و چپ خود قرار داد و به آنان فرمود: وقتی که من دعا کردم شما آمین بگوئید. آنگاه به حالت دعا زانو بر زمین نهادند. وقتی که مسیحیان این حالت و افراد را مشاهده کردند پشیمان گشته و گفتند: سوگند به خدا که او پیامبر است. یا به عبارتی اسقف نجران (۲۴۶) گفت: ای گروه و جماعت نصاری! من چهره هایی می بینم که اگر از خدا بخواهند کوه را نابود کند حتما آن را نابود خواهد ساخت. پس آمدند در برابر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشستند و گفته: ای ابالقاسم! ما را از مباهله معاف دار. پیامبر فرمود: بسیار خوب، ولی به شما می گویم که اگر با شما مباهله می کردم روی زمین حتی یک نصرانی باقی نمی ماند مگر آنکه هلاک می شد. (۲۴۷)

### ویژگیهای خاص حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه زهراء علیها السلام در زندگی خود دارای ویژگی خاصی بودند. از ابتدای خلقت تا پایان عمر، که عبارتند از: ۱- اولین ویژگی آن حضرت خلقت آن حضرت است از نور خدا امام صادق علیه السلام از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت می کنند که: خداوند عز و جل فاطمه علیها السلام را از نور خود خلق کرد قبل از آنکه آدم را بیافریند. و نام فاطمه مشتق شده از نام خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور می دهد که چهل روز در خلوت، شبها به عبادت و روزها را روزه داری کند و بعد از اتمام این مدت برای او طعام بهشتی می فرستد. ۲- یکی دیگر از ویژگیهای منحصر به فرد صدیقه طاهره علیها السلام، تکلم کردن



او در رحم با مادر عزیزش بود که او را در سختیهای تسلی می داد. ۳- سومین ویژگی آن حضرت اینکه: به هنگام تولدش برترین زنان قابله اش بودند و بعد از تولد نور وجودش تمام خانه های مکه را روشن کرد و او را با آب کوثر شستشو دادند و او لب به سخن گشود که خدایی جز الله نیست و پدرم پیامبر خدا و شوهرم جانشین او و فرزندانم امامان بعد از او هستند. هم چنین در روایت آمده است که حورالعین و بهشتیان یکدیگر را در ولادت آن حضرت بشارت دادند و جشن میلاد گرفتند. ۴- رشد و نمو آن حضرت: امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام رشد جسمی خود را آغاز نمود به طوری که در هر روز به اندازه یک هفته و در هر هفته به اندازه یک ماه و در هر ماه به اندازه یک سال کودکان هم سن خود رشد می نمود. ۵- ازدواج آسمانی: عقد او در آسمانها بسته شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی علیه السلام فرمود: که یا علی عده ای از مردم مرا در مورد ازدواج فاطمه سرزنش کرده و گفتند: او را به مرد فقیری دادی، به آنان گفتم: من او را به همسری علی علیه السلام در نیاوردم، بلکه خداوند واسطه این ازدواج بود، همانا خداوند می فرماید: اگر علی علیه السلام را نیافریده بودم برای دختری فاطمه بر روی زمین از آدم تا کنون کفو و همتایی نبود. ۶- مهریه آسمانی: از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد مهریه فاطمه در آسمان سؤال شد. حضرت فرمود: مهریه اش در آسمان خمس زمین است و هر کس در آن راه رود و نسبت به او و شوهرش و فرزندانش کینه داشته باشد. تا روز قیامت به صورت حرام بر آن راه برفته است. ۷- او اولین زن طاهره بود. فاطمه زهرا علیها السلام از همه آلودگیها و پلیدیها پاک بود و هرگز خون حیض و نفاس ندید و تا زنده بود خداوند زنان دیگر را بر علی علیه السلام حرام کرده بود. ۸- عصمت فاطمه علیها السلام: او تنها زن معصوم اسلام است که آیه قرآن درباره او و اهل بیت علیها السلام نازل شده است. انما یرید الله الیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا (۲۴۸) در معصوم بودن او همین بس که خداوند بواسطه خشم او خشمگین و به واسطه رضای او راضی می شود. ۹- فرشتگان خدمتکار فاطمه علیها السلام: روایت شده است که آن حضرت گاهی در نماز بود و فرزندش گریه می کرد و مشاهده که فرشتگان گهواره اش را حرکت می دادند و یا اینکه آسیای دستی آن حضرت را می چرخانند. ۱۰- محدثه بود: یعنی با فرشتگان صحبت می کرد. بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرشتگان الهی بر او فرود می آمدند و با او صحبت می کردند و مصحف را بر او نازل کردند. امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه زهراء علیها السلام را محدثه نامیده اند، زیرا که فرشتگان آسمان فرود آمده و با ایشان گفتگو کردند همانگونه که مریم دختر عمران را مورد ندا قرار داده اند. فرشتگان آسمانی به فاطمه زهراء علیها السلام گفتند: ای فاطمه! خدا تو را انتخاب کرده و پاک نموده و بر زنان عالم و برتری بخشیده است. (۲۴۹) ۱۱- اولین شخصی که بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد بهشت می شود. ۱۲- پنهانی بودن قبرش بعد از ۱۴۰۰ سال. این از ویژگیهای خاص آن حضرت می باشد. محبوبیت نام فاطمه علیها السلام در نزد ائمه (ع) این نام مقدس یعنی فاطمه نزد اهل بیت علیها السلام بسیار دوست داشتی و محبوب بود آنان این نام را گرامی می داشتند و هر کس را که به این نام نامیده می شد احترام می نمودند. امام صادق (ع) از یکی از یارانش که خدا به وی دختری عنایت فرموده بود، سؤال کردند: او را چه نام نهاده ای؟ عرض کرد: فاطمه اش نام نهاده ام. حضرت فرمودند: فاطمه! درود خدا بر فاطمه باد. پس بدان چون این نام را بر او نهاده ای مواظب باش سیلی بر صورتش نزن و به او بد نگویی و گرامیش بداری. همچنین در وسائل الشیعه از سکونی نقل شده است که: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که گرفته و افسرده بودم. سؤال فرمودند: ای سکونی چه غمی داری؟ عرض کردم: دختری برایم به دنیا آمد. فرمودند: او را چه نامیده ای؟ عرض کردم: فاطمه. فرمودند: آه، آه، آه، سپس اضافه کردند: بدان اگر او را فاطمه نام نهاده ای، لعن و دشنام مده و او را مزین. از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که: فقر در خانه ای که نام محمد و فاطمه در آن باشد وارد نمی شود. (۲۵۰)

ابان بن تغلب نقل می کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چرا فاطمه دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) زهرا نامیده شد. آن حضرت فرمودند: برای اینکه فاطمه علیها السلام درخشان می شد برای علی علیه السلام در هر روز سه مرتبه، با نوری که در حین نماز از صورتش درخشان می شد. وقت نماز صبح هنگامی که مردم در خانه ها بسر می بردند، سفیدی آن نور به خانه های مدینه داخل می شد به طوری که اطاقهایشان سفید می شد. مردم از این موضوع تعجب می کردند، به نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رفته و از آنچه اتفاق افتاده بود از حضرت سؤال می کردند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آنها را به طرف منزل فاطمه علیها السلام می فرستاد. آنها به منزل حضرت فاطمه می فرستادند، حضرت را در حالی می دیدند که در محرابش به نماز ایستاده و نور از محراب عبادتش ساطع می شود و آن نور از صورت حضرت زهراء علیها السلام پخش می شود. بنابر این می فهمیدند نوری که به خانه هایشان داخل شده، از نور آن حضرت است. پس از آن هنگامی که روز به نیمه می رسید و فاطمه مشغول نماز ظهر می شد از صورتش نور زردی ساطع می شد. این نور به حدی بود که زردی آن داخل خانه های مدینه می شد، به گونه ای که لباسها و رنگ رخسار آنها را زرد می کرد. آنها دوباره خدمت پیامبر رفته و از ایشان درباره این نور پرسش می کردند و حضرت مجددا آنها را به خانه حضرت فاطمه می فرستاد و آنها حضرت را در محراب عبادت می دیدند در حالی که نور صورتش پرتو افشانی می کرد. چون روز به پایان می رسید و خورشید غروب می کرد صورت فاطمه علیها السلام از شادی و شکرگذاری پروردگار سرخ شده و پرتو افشانی می کرد و سرخی صورتش خانه های مردم را سرخ می کرد. آنها دوباره نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) می آمدند و از این موضوع سؤال می کردند و حضرت آنها را به خانه دخترش رهنمون می ساخت. آنها پس از ورود به منزل فاطمه علیها السلام می دیدند که آن حضرت نشسته و به تسبیح و تمجید خدای متعال مشغول است و نور از صورت مبارکش پرتو افشانی می کند. سپس می دانستند که آنچه اتفاق می افتاده، از نور صورت فاطمه علیها السلام بوده است. فاطمه نور خدائی داشتست در دلش مهر خدایی کاشتست نور او نور محمد نور حق زین سبب نامیم او را حور حق یک زمان وقت نماز صبح بود موقع راز و نیاز صبح بود نوری از وجه جمیلش شد نمود جمله اجزاء هستی سبزگون گفت ای پیغمبر که این نور جلی از جبین دخترم شد منجلی دخترم نور خدا بودست و هست از شما مردم جدا بودست و هست

### دخترم، طاهره مطهره است

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) راجع به کلمه بتول سؤال کردند. عرض کردند: یا رسول الله! از شما شنیده ایم مریم بتول است و فاطمه نیز بتول است. فرمودند: بتول کسی است که هرگز خون ندیده، چون که خون ریزی ماهانه در دختران انبیاء ناپسند است. اسماء بنت عمیس می گوید: در فاطمه علیها السلام خون حیض ندیدم و به هنگامی که حصن علیه السلام را به دنیا آورد از خون نفاس عاری بود. رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: آیا نمی دانی که دخترم طاهره و مطهره است و در او به هنگام حیض و زایمان خون دیده نمی شود. هم چنین امام صادق علیه السلام می فرماید: خدای متعال تا زمانی که فاطمه زهراء در قید حیات بودند دیگر زنان را بر علی علیه السلام حرام فرمودند بود. سؤال شد، چرا یا بن رسول الله؟ فرمودند: زیرا که او طاهره ای بود که هیچگاه حائض نمی گردید. (۲۵۱)

### انگشتر دنیایی یا تخت بهشتی؟

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از هر فرصتی برای تربیت جسمی و روحی فاطمه علیها السلام استفاده می کرد تا از او دختری نمونه، همسری نمونه و مادری نمونه بسازد، تا الگویی دیگران باشد. ابن شهر آشوب نقل می کند: روزی حضرت فاطمه علیها السلام از پدرش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) تقاضای انگشتری نمود، پیغمبر به او فرمود: می خواهی چیزی به تو یاد دهم که از

انگشتر بهتر باشد؟ سپس به او فرمود: هرگاه نماز شب خود را خواندی از خدا بخواه که به حاجت خود می رسی! فاطمه علیها السلام به دستور پدر این کار را انجام داد. هاتفی او را ندا داد: ای فاطمه علیها السلام! آنچه را خواسته ای در زیر مصلی و جای نماز تو است. فاطمه حای نماز را بلند کرد، زیر آن انگشتر یاقوتی را که به قیمت در نمی آمد مشاهده نمود. آن را بر داشته به انگشت کرد و مسرور شد. چون شب شد در خواب دید گویا در بهشت است و سه قصر را مشاهده کرد که مانند آنها در بهشت نبود، پرسید: این قصرها از آن کیست؟ گفتند: فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله). فاطمه علیها السلام داخل یکی از آن قصرها شد و گردشی کرد. تختی در آنجا دید که سه پایه داشت. پرسید: این تخت چرا سه پایه دارد؟ گفتند: چون صاحب این تخت از خدا انگشتری در خواست کرده، به همین جهت یکی از پایه های این تخت را برداشته و برای او انگشتر درست کرده و به او داده اند و از این جهت این تخت روی همین سه پایه مانده است. فاطمه علیها السلام از خواب بیدار شد. چون صبح شد، پیش پدر آمد و خوابی را که دیده بود برای پدر تعریف کرد. حضرت به او فرمود: دنیا از آن شما نیست و آخرت بهره شما است و وعده گاه شما بهشت خواهد بود، شما را با دنیای فانی و پر از فریب کاری نیست. سپس به او دستور داد که به همان ترتیب انگشتر را زیر مصلی و جانماز خود بگذارد. فاطمه علیها السلام طبق دستور پدر عمل کرد. شب در خواب بهشت را دید و داخل همان قصر شده و آن تخت را مشاهده کرد که روی چهار پایه است و چون علت را پرسید گفتند: انگشتر برگشت و تخت به حال نخستین روی چهار پایه استوار گردید. (۲۵۲) عالم صدف است و فاطمه گوهر اوست گیتی عرض است و این گوهر جوهر اوست در قدر و شرافتش همین بس که ز خلق احمد پدر است و مرتضی شوهر اوست پوشش در مقابل مرد نابینا از علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمود: مردی کوری از فاطمه زهراء علیها السلام اجازه خواست که به خانه آن حضرت وارد شود. حضرت فاطمه علیها السلام خود را از وی پوشانید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دیدن این منظره فرمودند: چرا خود را از او پوشاندی و حال آنکه او تو را نمی بیند. حضرت پاسخ دادند: اگر او مرا نمی بیند من که او را می بینم، و به علاوه شامه او بوی مرا استشمام می نماید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی! (۲۵۳)

### شفاعت فاطمه (ع) از گریه کنندگان حسین علیه السلام

روایت شده است هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دخترش از کشته شدن فرزندش حسین علیه السلام و مصائب آن حضرت خبر داد، فاطمه علیها السلام بسیار گریست و گفت: پدرجان! این حادثه چه وقت اتفاق خواهد افتاد؟ فرمود: هنگامی که من و تو و علی نباشیم. گریه حضرت فاطمه علیها السلام شدت یافت و گفت: پدرجان! پس چه کسی بر او گره می کند و چه کسی عزای او را بر پای می دارد؟ حضرت فرمود: ای فاطمه! زنان امت من بر زنه‌های اهل بیتم و مردانشان بر مردان اهل بیتم گریه خواهند کرد و نسلی پس از نسل دیگر هر سال عزاداری را تجدید می کنند. روز قیامت که بر پا می شود، تو شفیع زنان می شوی و من شفیع مردان و هر یک از آنان که بر مصیبت حسین علیه السلام گریه کنند دستش را می گیریم و او را به بهشت وارد می نمایم. ای فاطمه! در روز قیامت همه چشمها گریانند به جز چشمی که بر مصیبت حسین علیه السلام گریه کرده باشد. (۲۵۴)

### وجه نامگذاری فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام از رسول (صلی الله علیه و آله) نقل می کنند که: پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی علیه السلام فرمودند: آیا مردانی فاطمه علیها السلام چرا به این نام نامیده شده است؟ علی علیه السلام عرض کردند: نه یا رسول الله. رسول مکرم فرمودند: زیرا که آتش بر وی و شیعیانش ممنوع گردیده است. همچون حضرت رضا علیه السلام چنین فرمودند: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمودند: فاطمه را فاطمه نامیده اند، زیرا که خدای تبارک و تعالی وی و فرزندان او را از آتش باز داشته

و بر کنار داشته اند. البته آن فرزندان از ایشان که خدا را ملاقات کنند در حالی که ایمان به پروردگار داشته و بر آنچه نیز که بر من نازل گردیده اعتقاد داشته باشند. (۲۵۵)

### نزدیکترین حالات زن

روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از اصحابش سؤال فرمود: زن چیست؟ گفتند عورت (به معنای شرم و حیا است). حضرت فرمود: در چه زمان و چه حالتی او نزدیکتر به پروردگار خود می باشد؟ اصحاب جواب این سؤال را ندادند. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام این مطلب را شنید، فرمود: نزدیکترین حالت او به پروردگارش زمانی است که در اندرون خانه اش به سر می برد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا فاطمه پاره تن من است. (۲۵۶) فاطمه علیها السلام مصداق آیات قرآن بر اساس روایاتی که مورد قبول و اتفاق شیعه و سنی است حضرت فاطمه علیها السلام مصداق آیات متعددی از قرآن است که از آن جمله:

- ۱- مصداق خیر کثیر: خدای متعال در قرآن او را کوثر یا خیر کثیر نامید. انا اعطیناک الکوثر... (۲۵۷). اساس نزول آن، سخن مشرکان در مورد پیامبر بود که خداوند پیامبر را به خیر کثیر از نسل فاطمه بشارت می دهد و شماتت کنندگان پیامبر را ابر می نامد.
- ۲- مصداق آیه قدر: امام صادق علیه السلام در تفسیر و معنی آیه انا انزلناه فی الیلة القدر (۲۵۸) فاطمه علیها السلام را معنی آن دانسته و مصداق کسی می داند که در شب قدر نازل شده است. ۳- مصداق آیه نساء در داستان مباحله که بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسیحیان نجران پدید آمد، پیامبر از میان زنان و اقوام فقط حضرت فاطمه علیها السلام را مصداق آیه نساء قرار داد و بقیه را خارج کرد. ۴- مصداق آیه تطهیر: انما یرید الله الیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یتطهر کم تهریرا. (۲۵۹) این آیه در مورد پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام نازل شد. بعد از نزول آهی - به گفته انس بن مالک - پیامبر شش ماه یا به روایتی تا آخر عمر شریفش هنگام طلوع فجر از خانه بیرون می آمد و رهسپار مسجد می شد و مرتب در آن هنگام مقابل در خانه فاطمه علیها السلام می ایستاد و می فرمود: اهل بیت من! به یاد نماز باشید خداوند می خواهد از شما اهل بیت هر گونه پلیدی را دور کند. (۲۶۰) ۵- مصداق آیه ذی چ: قل الا- اساء لکم علیه اجرا الا- المودة فی القرى. (۲۶۱) فاطمه علیها السلام از نظر خویشاوندی نزدیکترین ذی القربایی است که در قرآن مودت او در خواست شده است. این فاطمه است که خون پیامبر در رگهای او جاری است و بضعه رسول و پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. ۶- مصداق آیه ایشار و اطعام: و یوثررون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة (۲۶۲) و مصداق آیه و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و اسیرا. (۲۶۳) فاطمه است که به همراه علی و فرزندان و فضه افطاری خود را در راه خدا دادند و با آن روزه خود را افطار کردند. و این عمل شایسته سه روز پی در پی ادامه یافت. ۷- مصداق آیه اهل بیت: (۲۶۴) فاطمه علیها السلام مصداق کامل اهل بیت رسول خداست که در دامان وحی پرورش یافته، و کاملترین افراد و عزیزترین آنها در نزد رسول خداست. در حدیث کساء می خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) کسانی خود را روی فاطمه علی و حسن و حسین علیه السلام انداخت و فرمود: خدایا اینان اهل بیت و خاندان من هستند و به ام سلمه فرمود: تو به خیر و نیکی هستی ولی از اهل بیت من نیستی. ۸- مصداق آیه: لن تنالوا البر حتی تنقوا مما تجبون. (۲۶۵) این آیه اشاره به هدیه دادن آن حضرت در شب عروسی است. که در شب عروسی فقیری از آن حضرت درخواست لباس کهنه ای کرد که آن حضرت لباس نو خود را به آن فقیر هدیه داد. ۹- مصداق آیه: مرج البحرین یلتفیان... (۲۶۶) که این آیه در امر ازدواج فاطمه و علی علیه السلام است که ثمره این ازدواج لؤلؤ و مرجان یعنی امام حسن و امام حسین علیه السلام هستند. ۱۰- مصداق آیه: ذریاتنا در تفسیر آیه ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما (۲۶۷) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل درباره کلمات ازواج و ذریه و قره عین و اماما پرسید. جبرئیل گفت: مصداق ازواجنا، خدیجه و مصداق ذریه فاطمه و حسن و حسین قره عین و علی علیه السلام را مصداق امام ذکر کرد. ۱۱- مصداق آیه: تتجافی جنوبهم عن... (۲۶۸) می نویسند این آیه

در شب زفاف فاطمه علیها السلام نازل شده است .

### فاطمه علیها السلام ، نخستین کسی که وارد بهشت می شود

در ضمن حدیثی طولانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمود: ای فاطمه! سوگند به آن کسی که مرا به راستی مبعوث کرد، ورود در بهشت بر همه آفریدگان حرام است تا اینکه من داخل آن شوم، و تو نخستین کسی هستی که پس از من وارد بهشت می شوی، در حالی که زیوری پوشیده و برخوردار از نعمت، و خوشحالی. ای فاطمه گوارایت باد! سوگند به آن کسی که مرا به حق مبعوث کرد، تو بانوی زنان هستی که وارد بهشت می شوند. سوگند به آن کسی که مرا به راستی مبعوث فرمود، همانا دوزخ چنان فریادی بر می آورد که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل باقی نمی ماند مگر آنکه از هوش می رود. پس به او خطاب می شود: ای دوزخ! خداوند جبار به تو می گوید: به عزت من، آرام باش و در جای خود آرام بگیر، تا اینکه فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سوی بهشت برود، هر آینه حسن و حسین علیهما السلام با تو داخل می شوند. حسن علیهما السلام در سمت راست و حسین علیهما السلام در سمت چپ تو، و تو از بالاترین نقطه بهشت در پیشگاه پروردگار، بر دیگران اشراف داری. ای فاطمه! من به دشمنی و حکومت با دشمنان، تو به پا می خیزم و آنان که حق تو را گرفتند و رشته دوستی با تو را بریده و بر من دروغ بستند. پشیمان خواهند شد و در مقابل من به زمین کشانیده می شوند و من می گویم: پروردگار، امت من، امت من! و گفته می شود: آنان بعد از تو کلام حق را تبدیل و تحریف نمودند. سپس آنان را به سوی دوزخ می برند. (۲۶۹) آنچه خوبان همه دراند... در احادیث معتبر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمودند: خداوند در پیامبران بوی بهشتی قرار داده، و در حورالعین بوی گل یاس بهشتی، و در ملائکه بوی گل سرخ بهشتی، و در دخترم زهرا علیها السلام هر سه بوی را جمع فرموده است. در جای دیگر فرمودند: خداوند هیچ پیامبر و امامی را مبعوث نکرده مگر آنکه از او بوی به استشمام می شده است. پس به بخورید و به همسرانتان نیز بخورانید تا فرزندانان خوش بو و خوش سیرت شوند. (۲۷۰) ای آدم! اگر آنها نبودند تو را خلق نمی کردم ابوهیره از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: هنگامی که خدای متعال آدم ابوالبشر را آفرید و از روح خود در او دمید، آدم به جانب راست عرش نظر کرد، آنجا پنج شبخ غرقه در نور که در حال سجود و رکوع بودند مشاهده کرد. به درگاه پروردگار عرضه داشت: خداوند! آیا پیش از آفریدن من کسی را از خاک آفریده ای؟ خدای متعال فرمود: نه خلق نکرده ام. آدم عرض کرد: پس این پنج شبخ که آنها را در هیئت و شکل خود می بینم چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود: این پنج تن، از نسل تو هستند که عبارتند از محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام که اگر آنها نبودند تو را نمی آفریدم. اگر این پنج تن نبودند بهشت و دوزخ، عرش و کرسی و آسمان و زمین و فرشتگان و انس و جن را خلق نمی کردم. (۲۷۱)

### فاطمه علیها السلام نور آسمان و زمین

در شب معراج رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از درخت طوبی سیبی گرفت و به دو نیم کرد، از وسط آن سیب نوری ظاهر شد، پیغمبر از جبرئیل پرسید: این نور چیست؟ عرض کرد: نور منصوره خدا در آسمان و فاطمه علیها السلام در زمین! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: چرا در آسمان منصوره است؟ عرض کرد: چون یاری کرده خداست در روز قیامت و در شفاعت، پس پیغمبر آن سیب را میل فرمودند، و ماده نطفه زهرا علیها السلام از آن سیب منعقد شد. (۲۷۲)

### این بانو کیست؟

جابر بن عبدالله از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: وقتی که خداوند آدم و حوا را خلق فرمود آن دو در بهشت از نعمتهای خداوند لذت می‌بردند و می‌گفتند: از ما زیباتر کیست؟ در این گفتگوها بودند که دختری را مشاهده نمودند که هرگز مانند وی را ندیده بودند، زیرا نورانیت عجیب و درخشندگی فراوانش، چشمها را خیره می‌ساخت. عرض کردند: خداوند! این بانو کیست؟ فرمودند: صورت سیده زنان، فاطمه علیها السلام است. عرض کردند: پروردگارا! این تاجی که بر سر اوست چیست؟ فرمود: شوهرش علی بن ابیطالب علیه السلام است. سؤال کردند: این دو گوشواره‌ها چه هستند؟ فرمودند: دو فرزندش حسن و حسین علیه السلام هستند، که ایشان این مقام را دو هزار سال پیش از آنکه تو را خلق کنم در علم پنهانم داشته‌اند. (۲۷۳)

### شفاعت فاطمه علیها السلام از گناهکاران

در اخبار متواتره آمده است که در روز محضر قبه ای از نور بالای سر زهرا علیها السلام نصب کنند و هفتاد هزار ملک و حوریه اطراف او را دارند که در دست هر یک مجمری از نور است که بوی عمود از آن متصاعد است و هر یک شمعدانی مرصع به جواهر در دست دارند که نور افشانی می‌کند و آسیه و مریم، و خدیجه حاضر می‌شوند و تکبیر گویان وارد صحرای محشر می‌شوند و از آنجا به قصرهای تزئین شده بهشت می‌روند. در صحرای محشر فاطمه علیها السلام، و حسین علیه السلام را می‌خواهد و حسین شهید با همان سر بریده ظاهر و محشور می‌شود. فاطمه علیها السلام به خونخواهی بر می‌خیزد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: فاطمه جان امروز، روز شفاعت است نه روز انتقام. فاطمه علیها السلام از پیشگاه دیوان محاسبات الهی تقاضای عفو گناهان شیعیان خود را می‌نماید و مصداق آیه: و لسوف یعطیک ربک فترضی پروردگارت (در قیامت) آن قدر به تو خواهد داد که راضی شوی. (۲۷۴) ظاهر می‌شود. (۲۷۵) مشاهدات حضرت آدم در بهشت انس بن مالک از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: حضرت آدم علیه السلام چون در بهشت به ره سو نگاه کرد صورتی را به شکل و قیافه خود نیافت. عرض کرد: خدایا، صورتی نظیر چهره من نیافریده‌ای؟ خدای تبارک و تعالی او را متوجه بهشت فردوس کرد. حضرت آدم در آنجا قصری از یاقوت سفید مشاهده کرد و داخل آن قصر سفید شد. داخل قصر پنج تصویر مشاهده کرد که بر روی هر یک از آن صورتهای، اسم آن نیز نوشته شده بود. آن نوشته‌ها عبارت بودند از: من محمودم و این احمد (صلی الله علیه و آله) است. منم اعلی و این علی است. منم فاطر و این فاطمه علیها السلام است. من محسنم و این حسن علیه السلام است. من ذوالاحسانم و این حسین علیه السلام است. (۲۷۶)

### آتش بر گوشت و خون فاطمه علیها السلام حرام است

انس بن مالک روایت می‌کند که: روزی عایشه بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شد در حالی که آن حضرت مشغول درست کردن حریره با آرد و شیر و روغن برای بچه‌ها بود و دیگ بر روی آتش می‌جوشید و فاطمه علیها السلام آن را با دست خود هم می‌زد. عایشه با اضطراب و نگرانی از نزد او بیرون آمده و نزد پدرش ابوبکر رفت و گفت: ای پدر! من از فاطمه علیها السلام چیز شگفت‌آوری دیدم و آن اینکه او دست به درون دیگی که بر روی آتش می‌جوشید برده و آن را هم می‌زد. ابوبکر گفت: دخترکم! این را پنهان کن که کار مهمی است. این خبر به گوش پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید، حضرت بر بالای منبر رفته و بعد از حمد و ثنای خداوند فرود: همانا مردم دیدن دیگ و آتش را بزرگ شمرده و تعجب می‌کنند. سوگند به آن کس که مرا به پیامبری برگزید، خداوند آتش را بر گوشت و خون و موی و رگ و پیوند فاطمه علیها السلام حرام فرموده است. فرزندان و شیعیان او را نیز از آتش دور نموده است. آسمان بر کاتش را بر او نازل نموده و زمین گنجینه‌های خودش را تسلیمی او نموده است، وای، وای، وای به حال کسی که در فضیلت و برتری فاطمه علیها السلام شک و تردیدی به خود راه دهد، همانا فاطمه پیش از من دعا



می کند و شفاعت می نماید و شفاعتش علی رغم میل کسانی که با او مخالفت می کنند، پذیرفته می شود. (۲۷۷)

### احترام به حدیثی از پیامبر

ابوجعفر طبری در کتاب الدلائل به سند خود از ابن مسعود نقل می کند: مردی به محضر فاطمه علیها السلام آمد و گفت: ای دختر رسول خدا، آیا چیزی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای خود شما یادگار مانده که مرا از آن بهره مند سازی؟ فاطمه زهرا علیها السلام به کنیز خود فرمود: آن جریده (لوح نوشته شده) را بیاور. کنیز جستجو پرداخت، اما آن را پیدا نکرد، فاطمه به او فرمود: و یحکک اطلبیها فانها تعدل عندی حسنا و حسینا؛ وای بر تو، آن را پیدا کن، که آن در نزد من مانند حسن و حسین علیه السلام ارزش دارد. کنیز به جستجو پرداخت و آن را پیدا کرد و نزد فاطمه علیها السلام آورد، در آن نوشته بود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: از مؤمنان نیست کسی که همسایه اش از آزار او در امان نباشد، و هر کس به خدا و معاد معتقد است، به همسایه اش آزار نمی رساند، هر که به خدا و معاد معتقد است، به همسایه اش آزار نمی رساند، هر که به خدا و معاد ایمان دارد، سخن نیک بگوید یا ساکت شود، خداوند دوست می دارد، کسی را که خیر اندیش و بردبار و خویشترن دار است، و دشمن می دارد هر که را که دشنام دهنده و بد زبان و بی شرم و بسیار سؤال کننده و اصرار کننده در سؤال باشد، زیرا شرم و حیاء از ایمان است و ایمان در بهشت می باشد، ولی دشنام از بی شرمی است و بی شرم در آتش است. (۲۷۸)

### فایده های دوستی فاطمه علیها السلام

از سلمان فارسی نقل شده است که: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: ای سلمان! هر کس فاطمه (ع) دخترم را دوست داشته باشد، در بهشت با من خواهد بود و هر کس او را دشمن بدارد، در آتش خواهد بود، ای سلمان! دوستی فاطمه در صد جا فایده خواهد داد که آسانترین آن، مواضع مرگ، قبر و میزان محشر، پل صراط و جایگاه حسابرسی است. هر کس که دخترم فاطمه علیها السلام از او راضی باشد من از او راضی هستم و از هر کس که من راضی باشم خدا هم از او راضی خواهد بود، هر کس که فاطمه بر او خشمگین باشد من بر او خشمگین باشم و هر کس که من بر او خشمگین باشم خداوند بر او خشمگین خواهد بود. ای سلمان! وای بر حال کسی که به او و شوهرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام ستم نماید و وای بر کسی که به ذریه و شیعیان او ستم کند. (۲۷۹) شفاعت فاطمه علیها السلام به وسیله دو دست بریده عباس نقل شده است: در روز قیامت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی علیه السلام می فرماید: به فاطمه بگو برای شفاعت و نجات امت چه داری؟ علی علیه السلام پیام پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به فاطمه (ع) ابلاغ می کند. فاطمه در جواب می گوید: یا امیر المؤمنین کفانا لاجل هذا المقام الذان المقطوعتان من ابنی العباس؛ ای امیرالمؤمنین! دو دست بریده پسر عباس، برای ما در مورد مقام شفاعت کافی است. (۲۸۰)

### تأثیر حالات معنوی حضرت فاطمه علیها السلام بر فضا

ابولقاسم قشیری نقل کرده که: روزی در بیابان از قافله باز ماندم و در این هنگام زنی را دیدم که تنها در آن بیابان سرگردان است، از او پرسیدم: تو کیستی؟ گفت: قل سلام فسوف یعلمون؛ بگو سلام، به زوید خواهند دانست. (۲۸۱) سلام کردم و گفتم: در این بیابان چه می کنی؟ گفت: و من یهد الله فما من مضل؛ و هر کس که خداوند هدایتش کرده باشد گمراه کننده ای ندارد. (۲۸۲) از حالت و سخنان او شگفت زده شدم، لذا پرسیدم تو از آدمیانی یا جن و یا پری هستی؟ گفت: یا بنی آدم خذوا زینتکم؛ ای فرزندان آدم، زینت خود را بگیرید. (۲۸۳) گفتم از کجا می آیی؟ گفت: ینادون من مکان بعید؛ از جایی دور دست ندایشان



می دهند. (۲۸۴) گفتم اینک کجا می روی؟ گفت: و الله علی الناس حج البیت و خدای را بر مردم، حج خانه (کعبه) مقرر است. (۲۸۵) گفتم: چند روز است که از قافله باز مانده ای؟ گفت: و لقد خلقنا السوات و الارض و ما بینهما سته ايام، و به راستی که آسمانها و زمین و ما بین آنها را در شش روز آفریدیم. (۲۸۶) گفتم: غذا و طعام میل داری؟ گفت: و ما جعلنا هم جسدا لا یاء کلون الطعام؛ و ما آنان را به صورت پیکری نساخته بودیم که خوراک نخورند (۲۸۷) فهمیدم که میل به غذا دارد. او را طعام دادم، سپس گفتم: عجله کن تا به کاروان برسیم، گفت: لا- یکلف الله نفسا وسعها؛ خداوند هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند (۲۸۸). گفتم: بیای به ردیف من سوار اسب شو، گفت: لو کان فیهما الهة الا الله لفسدتا؛ اگر در آن دو، خدایان متعددی جز خداوند بود تباه می شدند. (۲۸۹) فهمیدم که ایشان به مساءله نامحرمی اشاره دارد، لذا سریع پیاده شدم و او را سوار کردم. گفت: سبحان الذی سخر لنا هذا، پاک است کسی که این را رام ما ساخت (۲۹۰) زمانی که به قافله رسیدیم، پرسیدم: در این قافله کسی را داری؟ گفت: یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض؛ ای داود، ما تو را در روی زمین خلیفه خود گماشته ایم. (۲۹۱) و ما محمد الا رسول؛ و محد نیست مگر پیامبری از طرف خدا. (۲۹۲) یا یحیی خذ الكتاب بقوة؛ ای یحیی، کتاب آسمانی را به جد و جهد بگیر. (۲۹۳) یا موسی انی انا الله؛ ای موسی، من خداوندم. (۲۹۴) پس به میان قافله رفتم و این نامها را با صدای بلند خواندم، ناگهان دیدم چهار جوان به سوی آن زن توجه کردند. من از آن زن سؤال کردم: این جوانان کیستند؟ گفت: المال و البنون زینة الحیوة الدنیا؛ اموال و پسران، تجمیل زندگی دنیوی است. (۲۹۵) فهمیدم که این جوانان پسران هستند، وقتی که جوانان نزد او آمدند، خطاب به آنان گفت: یا ابت استاخره ان خیر من استاء جرت القوی الامین، پدر جان، او را دستمزد به کارگیر که او بهترین کسی است که می توانی به کارگیری، هم تواناست و هم درستکار. (۲۹۶) پس آن جوانان به من احساس و نیکی کردند و پاداش دادند، آن زن دوباره گفت: و الله یضاعف لمن یشاء، و خداوند برای هر کسی که بخواهد چند برابر می کند. (۲۹۷) پس آن جوانان پاداش مرا زیاد کردند. من از آن جوانان پرسیدم این بانو کیست؟ گفتند: او مادرمان فضا است که کنیز بی بی فاطمه زهراء علیها السلام بود و بیست سال است که تمام صحبتهايش با آیات قرآن است و جز قرآن چیزی دیگر بر زبان جاری نمی سازد. فضا نام کنیزی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سالهای آخر عمرش به حضرت زهراء علیها السلام بخشید تا کمک کار او باشد و نام فضا را خود پیامبر برای او انتخاب کرد. فضا در خانه حضرت فاطمه و اهل بیت پیغمبر علیه السلام چنان تربیت شد که تدریجا یکی از زنان بزرگ اسلام گردید و کمالات بسیاری کسب نمود و کراماتی از او نقل گردیده است.

### استقبال از فاطمه علیها السلام

از ابن عباس وارد شده که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شنیدم: روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بر فاطمه زهراء علیها السلام وارد گردیدند و ایشان را اندوهناک یافتند، فرمودند: دخترم! چرا اندوهگینی؟ پاسخ دادند: پدرجان به یاد محشر افتادم که همه مردم در آن صحنه عریان ایستاده اند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آری دخترم، روز قیامت روز بزرگی است، ولی جبرئیل از سوی خدای متعال به من خبر داده، اولین کس که زمین برایش شکافته شده و در روز قیامت بیرون می آید منم و بعد از من شوهر تو علی علیه السلام، آنگاه خدای تعالی جبرئیل را با هفتاد هزار فرشته به سوی تو گسیل می دارد، در آن هنگام بر قبر تو هفت قبه نور روشن می شود. سپس اسرافیل سه جامعه نور برایت می آورد و تو را ندا می دهد: ای فاطمه! دخت محمد (صلی الله علیه و آله) برخیز و به سوی محشر بیا. تو بلند می شودی در حالی که از ترس قیامت کاملاً-ایمنی و بدنت کاملاً-پوشیده است. اسرافیل پوششها را به تو می دهد و تو می پوشی، سپس روفائیل به سوی تو می آید در حالی که شتری از نور به همراه اوست که زمان آن شتر از لؤلؤ تازه است و بر روی آن شتر هودجی است از طلا- و تو سوار بر آن می شوی و روفائیل زمان آن را در دست

می‌گیرد، و پیش روی تو هفتاد هزار فرشته است که در دستشان پرچمهای تسییح است. وقتی که حرکت تو تند شد، هفتاد هزار فرشته از تو استقبال می‌کنند و با دیدن تو اظهار خوشحالی می‌کنند (۲۹۸)

### سبزی حضرت فاطمه علیها السلام

شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: در روی زمین گیاهی اشرف و پر منفعت تر از خرفه نیست و آن سبزی فاطمه علیها السلام است. سپس حضرت فاطمه فرمود: خدا لعنت کند بنی امیه را که خرفه را بقله الحماق نامیدند، به جهت بغض و عداوتی که با ما و فاطمه علیها السلام داشتند. (۲۹۹) خرفه را به عربی الرجل، الفرفخ، بقله المبارک می‌گویند و به فارسی خرفه، تو تورک گویند. در روایت آمده که حضرت فاطمه علیها السلام این گیاه را بیشتر دوست داشت بدین جهت به آن حضرت نسبت داده شده. چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز این گیاه را دوست داشت. (۳۰۰) در روایت ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر روی شن گرم راه می‌رفت، پایش سوخت، بر روی گیاه رجه بقله الزهرا راه رفت و سوزش پای مبارک آن حضرت ساکت شد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آن گیاه را دعا کرد و آن را دوست می‌داشت. (۳۰۱) حماد بن زکریا از امام صادق علیه السلام از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده که فرمود: بر شما باد فرفخ (خرفه) که پوشانند است و اگر چیزی عقل را زیاد می‌کند، همان فرفخ است. (۳۰۲) این گیاه در مسیل، وادیها، رودخانه ها، و جاهای نمناک می‌روید و چون منافع زیادی دارد به آن بقله الزهراء و بقله المبارک نیز می‌گویند. گلبرگهای این گیاه خودرو و دارای ساقه سرخی است که روی زمین می‌خوابد، گل‌های سفید یا زرد و ختمهای آن ریز و سیاه و تخم آن در طب به کار می‌رود. اطباء پیشین عقیده داشتند این گیاه ثالول را قطع می‌کند و برای سردرد، گرمی التهاب معده چشم و جریان خون نافع است. (۳۰۳)

### صلوات بر فاطمه و فرزندان ایشان

کعب بن عجره گویند: هنگامی که آیه شریفه: ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما (۳۰۴) نازل شد و عرض کردیم: ای رسول خدا! می‌دانیم که چگونه بر تو سلام کنیم، ولی نمی‌دانیم که چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگوئید: اللهم صل علی محمد و آل محمد. نیز روایت شده که حضرت فرمود: صلوات بریده و بی دنباله بر من نفرستید پرسیدند: صلوات بریده چیست؟ فرمود: اینکه بگوئید: اللهم صل علی محمد و بعد ساکت شوید، بلکه بگوئید: اللهم صل علی محمد و آل محمد (۳۰۵) علامه امینی گوید: دیلمی این حدیث را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آورده است که حضرت فرمود: دعا در پرده و حجاب است تا اینکه بر محمد و اهل بیتش صلوات فرستاده شود. (۳۰۶)

### اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

توسل به فاطمه علیها السلام قفل بسته را باز می‌کند. یکی از طلاب فاضل و مورد و ثوق تعریف می‌کند: زمانی که در نجف اشرف مشغول تحصیل بودم، یک روز در ماه مبارک رمضان، طرف عصر غذایی برای افطار خود تهیه کرده و در حجره گذاردم و بیرون آمده و در را قفل کردم، پس از ادای نماز مغرب و عشاء و گذاشتن مقداری از شب برای صرف افطار به مدرسه برگشتم. چون به در حجره رسیدم، متوجه شدم که کلید را گم کرده‌ام، داخل صحن مدرسه را خوب گشتم و از بعضی از طلاب که در مدرسه بودند سؤال نمودم، اما باز هم کلید پیدا نشد. به علت گرسنگی و نیافتن راه پاره سخت پریشان شدم از مدرسه بیرون آمده، روانه حرم مطهر شدم. به زمین نگاه می‌کردم که ناگاه مرحوم حاج سید مرتضی کشمیری (۳۰۷) (اعلی الله مقامه) را دیدم.

جریان را به عرض ایشان رساندم . پس با من به مدرسه آمد و به در حجره رفتیم ، فرمود: معروف است که نام مادر موسی کلید قفل‌های بسته است . پس چگونه نام نامی حضرت زهراء علیها السلام چنین اثری نکند؟ آنگاه دست روی قفل نهاد و ندا کرد: یا فاطمه ! کهه ناگهان قفل باز شد. (۳۰۸) همه چیز برای دوستان فاطمه علیها السلام جابر بن عبدالله انصاری به نقل از حضرت باقر علیه السلام می گوید: در روز قیامت منادی که جبرئیل است ندا در می دهد: پس فاطمه علیها السلام دختر محمد (صلی الله علیه وآله) کجاست ؟ آنگاه فاطمه زهراء (صلی الله علیه وآله) بر پای می خیزد و خدای تبارک و تعالی می فرماید: ای اهل جمع و محشر ! کرامت و بزرگواری امروز از آن کیست ؟ محمد و علی و حسن و حسین علیه السلام عرض می کنند: برای خدای واحد قهار. آنگاه خدای تعالی می فرماید: ای اهل جمع و صحرای محشر ! من امروز کرامت و بزرگی را برای محمد و علی ، فاطمه و حسن و حسین علیه السلام قرار دادم . ای اهل جمع و محشر ! سرها را پایین افکنده و چشمها را ببندید، این فاطمه علیها السلام است که به سوی بهشت می رود. آنگاه جبرئیل شتری از شتران بهشت می آورد در حالی که دو طرفش را دیباج آویزان کرده اند و مهار آن از لؤلؤ تازه است . پس جلوی پای حضرت زانو می زند و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بر آن سوار می شوند و خدای متعال صد هزار فرشته در طرف راست و صد هزار فرشته را در سمت چپ وی می فرستد و صد هزار فرشته را مأمور می کند تا حضرت فاطمه را روی بالهای خود سوار کنند و حمل نمایند تا ایشان را به در بهشت برسانند. وقتی به در بهشت می رسند حضرت فاطمه می ایستد. خدای تعالی می فرماید: ای دخت حبیب من ! چرا توقف کردی و حال آنکه من تو را امر کردم به بهشت من در آیی ؟ حضرت فاطمه علیها السلام عرض می کنند: پروردگارا ! دوست دارم که ارزش و قدر و قیمت من در مثل چنین روزی شناخته شود. پروردگار می فرماید: ای دختر حبیب من برگرد و بنگر، هر کس در قلبش محبت تو و یا محبت یکی از فرزندان تو باشد دستش را بگیر و او را داخل بهشت نما. آنگاه ، حضرت شیعیان و دوستانش را بر می گزیند و انتخاب می کند، همانگونه که پرنده دانه نیکو را از دانه بد جدا می کند. وقتی که شیعیان و دوستان حضرت زهرا علیها السلام بر در بهشت می رسند می ایستند و خدای تعالی می فرماید: ای دوستان من ! توقف شما برای چیست و حال آنکه فاطمه علیها السلام دخت حبیب من شفاعت شما را نموده است ؟ پاسخ می دهند: پروردگارا ! ما دوست داریم که در چنین روزی ارزش و منزلت‌مان شناخته شود. خدای تعالی می فرماید: ای دوستان من برگردید و ببینید چه کس شما را به خاطر آنکه شما فاطمه علیها السلام را دوست می داشتید دوست داشت ؟ چه کسی به شما به خاطر دوستی فاطمه زهراء علیها السلام غذا داد؟ چه کسی به شما به خاطر دوستی فاطمه زهرا علیها السلام شربتی داد؟ چه کسی شما را به خاطر دوست داشتن فاطمه علیها السلام لباس پوشاند...؟ پس دستش را بگیرید و او را وارد بهشت نمائید. (۳۰۹) هر که مهر فاطمه در دل ندارد دین ندارد دین و ایمان غیر حب فاطمه امکان ندارد بی ولای فاطمه صوم و صلوة ارزش ندارد خصم زهرا جای غیر از دوزخ و نیران ندارد هر که حب زهرا گویا در بزم ما بی صفای فاطمه درد کسی درمان ندارد.

### صفات شیعیان و پیروان اهل بیت علیه السلام

یکی از پیروان اهل بیت علیه السلام در شهر مدینه همسرش را خدمت حضرت زهرا علیها السلام فرستاد، تا بپرسد: آیا شوهرم از شیعیان شما می باشد یا نه ؟ حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ کلی داد و فرمود: اگر به آن چه به شما امر می کنیم ، عمل کنید و از آنچه شما را به حذر می داریم دوری کنید از شیعیان مائید و والا هرگز !! آن شخص پس از شنیدن پاسخ کلی حضرت ، مضطرب شد و با توجه به ضعفها و سستی های خود گفت : وای بر من که همیشه در آتش جهنم خواهم بود. همسرش نگرانی او را خدمت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بازگو نمود. حضرت پاسخ داد: (از من) به همسرت بگو چنین نیست (که او قضاوت کرده است). شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشتند و همه دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما، همه در بهشت خواهند بود. آری کسی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت شده ، اما از او امر ما سرپیچی کند و نواهی و موارد پرهیز را محترم نشمرد از شیعیان واقعی ما

نخواهد بود، گرچه این گروه پس از پاک شدن از گناهان، و تحمل مشکلات روز قیامت و قرار گرفتن اندک زمانی در طبقات بالای جهنم و چشیدن عذاب، اهل بهشت خواهند بود و ما به خاطر دوستی شان با ما نجاتشان داده و آنان را به پیشگاه خودمان انتقال خواهیم داد. (۳۱۰) شفاعت فاطمه علیها السلام از فرزندان و شیعیان در امالی صدوق از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که می فرمودند: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می گفت: رسول خدا فرمود: (صلی الله علیه و آله) فرمود: وقتی روز قیامت می شود، دخترم فاطمه علیها السلام سوار بر ناقه ای از ناقه های بهشتی به پیش می آید، در حالی که سمت راست او هفتاد هزار و در سمت چپ او نیز هفتاد هزار فرشته در حرکتند و جبرئیل در حالی که مهار ناقه را در دست دارد ندا در می دهد: چشمان خود را ببندید تا فاطمه علیها السلام دخت محمد (صلی الله علیه و آله) عبور کند. در آن روز هیچ نبی و رسول و صدیق و شهیدی باقی نمی ماند مگر آنکه چشمانش را می بندد تا فاطمه بگذرد. در این هنگام این خطاب از سوی حضرت حق جل جلاله می آید که ای حبیب من و ای دختر حبیب من! از من بخواه تا به تو بدهم، و شفاعت کن تا بپذیرم، پس به عزت و جلالم سوگند که از ستم و ستمگری نخواهم گذشت. فاطمه زهرا علیها السلام عرض می کند: الهی و سیدی! فرزندان و شیعیانم و شیعیان فرزندانم و دوستانم و دوستان فرزندانم. آنگاه از سوی خدای تعالی خطاب می رسد، فرزندان فاطمه علیها السلام و شیعیان و دوستان فرزندان فاطمه کجایند؟ در این هنگام افراد مورد نظر که فرا خوانده شدند می آیند، سپس فاطمه علیها السلام در جلو به راه می افتد تا آنان را داخل بهشت کند. (۳۱۱)

### فاطمه علیها السلام شاخه شجره طیبه

از حضرت امام باقر علیه السلام معنای کلمه طیبه و شجره طیبه را پرسیدند، (آیه ۲۴ سوره ابراهیم: کَشَجَرَةُ طَیْبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فِرْعَاهُ فِي السَّمَاءِ) (۳۱۲) فرمود: مراد از شجره و درخت، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است که نسب ایشان در بنی هشام ثابت است و منظور از فرع شجری علی علیه السلام است و فاطمه علیها السلام شاخه آن و ائمه علیها السلام میوه آن درخت می باشند و شیعیان برگهای درخت هستند. هرگاه یکی از شیعیان بمیرد بررگی از درخت مزبور می افتد، و چون مؤمنی متولد می شود برگ تازه ای سبز می شود. (۳۱۳)

### ارزش و احترام خداوند به فاطمه

ابوایوب انصاری می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیمار شد، فاطمه علیها السلام به عیادت آن حضرت آمد و گریه می کرد. حضرت به او فرمود: ای فاطمه! به خاطر ارزش و احترامی که خداوند به تو گذاشت تو را به همسری کسی که در اسلام از دیگران سابقه اش بیشتر و علمش بیشتر بود در آورد. فاطمه! بهترین پیامبران از ماست و او پدرت می باشد، و بهترین اوصیاء از ماست و او شوهرت می باشد، و بهترین شهیدان از ماست که حمزه عمومی پدرت می باشد، و از ماست کسی که داری دو بال است و در بهشت به وسیله آن دو بال رو از می کند و او جعفر پسر عمومی پدرت می باشد. از ماست دو نواده این امت و دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن و حسین علیه السلام که آن دو، پسران تو هستند. سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست از ماست مهدی (عج) این امت و او از فرزندان تو است. (۳۱۴)

### اهل محشر! چشمان خود را ببندید

از امام رضا علیه السلام روایت است که فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: روز قیامت از جانب عرض الهی ندایی بلند می شود که ای اهل محشر! چشمان خود را ببندید تا فاطمه از صراط عبود کند دختر پیامبر اسلام در حالی که هفتاد هزار

حوریه ملازم رکاب او هستند، تاجی از نور بر سر دارد و دو گوشواره نور در گوش، و از نور جمالش صحرای محشر منور می گردد. از ملائکه می پرسند این کیست وارد محشر شده؟ جبرئیل می گوید: او ملکه اسلام، صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام، یگانه دختر پیغمبر اسلام است. علی علیه السلام از پیغمبر (صلی الله علیه وآله) روایت می کند که فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: به دخترت فاطمه سلام برسان و بگو روز قیامت همه عریان هستند ولی برای آنکه فاطمه برهنه نباشد دو حوله از نور بر او می پوشانیم. (۳۱۵)

### نام فاطمه علیها السلام معجزه می کند

قطب راوندی روایت کرده است: چون حضرت فاطمه علیها السلام از دنیا رحلت فرمود: ام ایمن (خادمه آن حضرت) سوگند یاد کرد که دیگر در مدینه نماند، زیرا که نمی توانست جای آن حضرت را خالی ببیند، پس از مدینه خارج شد و به طرف مکه به راه افتاد. در بین راه دچار تشنگی و گرسنگی شدید شد. چون از یافتن آب مایوس شد دست به سوی آسمان بلند نمود و عرض کرد: خداوند! من خادمه حضرت فاطمه ام، آیا مرا از تشنگی هلاک خواهی کرد؟ ناگهان به اعجاز فاطمه علیها السلام دلو آبی از آسمان برای او به زمین آمد. چون از آن آب خورد تا هفت سال محتاج به خوردن و آشامیدن نشد. مردم او را در روزهای بسیار گرم برای کار به بیابان می فرستادند، اما او تشنه نمی شد. (۳۱۶)

### فاطمه علیها السلام روشنی نور آسمانها

روایت کرده اند از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که فرمودند: خداوند من و علی علیه السلام را از نور و عظمت و بزرگی خود خلق کرد، هزار سال قبل از آنکه سایر خلایق با بیافریند، در آن زمان که هیچ تسبیح و تقدیسی وجود نداشت. پس نور مرا شکافت و از نور من آسمانها و زمین را آفرید و به خدا قسم که من از آسمانها و زمین برترم. چون نور علی علیه السلام را منتشر ساخت، عرش و کرسی از نور او خلق گردید، به پروردگرم قسم که علی علیه السلام از عرش و کرسی افضل است. سپس نور حسن علیه السلام را باز کرد و لوح و قلم از نور حسن علیه السلام به وجود آمد و به خداوند قسم که حسن علیه السلام از لوح و قلم برتر است. سپس همه هستی از شرق تا غرب تاریک ماند. ملائکه بر پروردگار از آن همه تاریکی و ظلمت شکایت کردند و خواستند که خداوند تاریکی را از میان ایشان برطرف کند. خداوند خواسته آنان را اجابت فرمود و کلمه ای را فرمود و از آن کلمه نوری خلق؛ سپس آن نور را به آن روح اضافه کرد و آن را در بلندترین مکان عرش قرار داد، همه عالم از شرق تا غرب نورانی شد. آن روح آمیخته به نور خلق شده از لطف پروردگار کسی نیست جز فاطمه علیها السلام و به همین دلیل او را زهراء علیها السلام نامیدند، زیرا نورش آسمانها را روشن ساخت. (۳۱۷)

### سقف خانه فاطمه علیها السلام، عرش پروردگار

روایتی است در تفسیر برهان از حضرت باقر علیه السلام نقل شده است که: سقف خانه علی و فاطمه علیها السلام حجره رسول الله است و سقف خانه شان، عرش رب العالمین. در انتهای خانه هاشان شکافی است که از آن تا عرش، پرده از معراج وحی برداشته شده است و ملائکه هر صبح و شام و هر ساعتی و هر لحظه ای با وحی الهی بر آنان نازل می شوند و رشته فروج ملائکه فرود می آیند، قطع نمی شود. گروهی فرو می آیند و دسته ای بالا می روند... و همانا خداوند بر قوت دیده محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین علیه السلام بیفزود تا عرش را مشاهده می کردند و جز عرش، سرپوشی برای خانه هایشان نمی دیدند. خانه هایشان به عرش

رحمان مسقف است و معراجهای ملائکه و روح در خانه های اینان است ، به اذن پروردگارشان ، من کل امر سلام . (۳۱۸)

### خدا از خشم فاطمه علیها السلام خشم می کند

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: بعضی جوانان حدیثی از شما نقل می کنند که باور کردنی نیست ، می گویند: خدا از خشم فاطمه علیها السلام به خشم می آید؟! (۳۱۹) امام صادق علیه السلام فرمود: مگر شما این روایت را در کتابهای خود ندارید که خدا از خشم بنده مؤمن به خشم می آید؟ گفتند چرا؟ فرمودند پس چرا باور نمی کنی که فاطمه علیها السلام زنی با ایمان باشد و خدا از خشم او به خشم آید؟ (۳۲۰)

### ما وسیله خدا در بین بندگان هستیم

حضرت زهرا علیها السلام فرموده است : سپاس بگذارید خداوندی را که به خاطر عظمت و نورانیتش تمام ساکنان آسمانها و زمین برای رسیدن به او در جستجوی وسیله اند، و ما وسیله او در بین مخلوقاتش می باشیم ، ما برگزیدگان او، جایگاه قدس و تنزه او، و حجت او در پنهانی حق و وارثان پیامبر اویم . (۳۲۱) فاطمه علیها السلام جزء زنان به کمال رسیده پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا اربع : آسیه بنت مزاحم ، مریم بنت عمران ، خدیجه بنت خویلد، فاطمه بنت محمد در مراحل رشد و تکامل انسانی مردان بسیاری به مرحله کمال رسیدند، ولی از زنان جزء چهارتن به آن مقام دست نیافته اند، و آن چهار نفر، آسیه همسر فرعون ، مریم دختر عمران ، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد است . (۳۲۲)

### اطعام الهی

کلینی (ره) از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه علیها السلام فرمود: فاطمه ، برخیز و آن کاسه بزرگ بهشتی ( را بیرون بیاور. فاطمه علیها السلام برخاست و کاسه ای را بیرون آورد که در آن ترید و استخوان گوشت دار لبریز بود. فاطمه و حسن و حسین علیه السلام تا سیزده روز از آن غذا همراهش بود بدید، به او عرض کرد: این را از کجا آورده ای؟ فرمود: ما چندین روز است که از این غذا می خوریم . ام ایمن ، خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسید. عرض کرد: فاطمه ! اگر نزد ام ایمن چیزی باشد آن برای فاطمه و فرزندان اوست ، و اگر نزد فاطمه چیزی باشد ام ایمن از آن بهره ای ندارد؟ پس فاطمه علیها السلام از آن غذای بهشتی برای ام ایمن آورد. همین که ام ایمن از آن خورد آن کاسه بهشتی ناپدید شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه علیها السلام فرمود: اگر از آن طعام به ام ایمن نخورانده بودی ، تو و فرزندان تا قیامت قیامت از آن تناول می کردید. امام باقر علیه السلام فرمود: آن کاسه نزد ماست که قائم ما آن را در زمان (ظهور) خود بیرون می آورد. (۳۲۳) بخشش پروردگار، خشنودی فاطمه علیها السلام در جلد دهم بحار مرحوم مجلسی (ره) به نقل از امام صادق علیه السلام و جابر بن عبدالله انصاری آمده که فرمودند: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فاطمه زهرا علیها السلام را دیدند در حالی که لباس از پوشاک شتر بر تن داشت و به سمت خود آسیا می کردند و فرزند خود را نیز شیر می دادند، اشک از چشمان مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سرازیر گردید و فرمودند: دختر جانم ! تلخی و سختی دنیا را پیشاپیش بچش تا شیرینی آخرت را پس از آن دریابی ، عرض کرد: ای رسول گرامی ! سپاس پروردگار را بر نعمتهای فراوانش و شکر به خاطر مواهب و بخشوده هایش . پس از این گفتگو آیه : و لسوف یعطیک ربک فترضی به زودی پروردگارت آنچه را بخشش بر تو نماید که راضی و خشنود گردی نازل شد. (۳۲۴)



**گلوبند بر برکت**

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: روزی نماز عصر را با پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خواندیم، اصحاب اطرافش نشسته بودند، ناگاه پیرمردی خدمت پیغمبر رسید که لباس کهنه‌ای پوشیده بود و از شدت پیری و ناتوانی نمی توانست بر جای خودش قرار گیرد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) متوجه او شد و از احوالش پرسید. عرض کرد: یا رسول الله مردی هستم گرسنه، سیرم کردن، برهنه ام لباسی به من عطا کن، تهی دستم چیزی به من بده. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود من اکنون چیزی ندارم، ولی تو را به جایی راهنمایی می کنم، بلکه شاید حاجتت برآورده شود. برو به منزل کسی که خدا و رسولش را دوست دارد، خدا و رسول نیز او را دوست دارند. به خانه دخترم فاطمه علیها السلام برو، شاید چیزی به تو عطا کند... سپس به بلال فرمود: پیر مرد ناتوان را به خانه فاطمه (صلی الله علیه و آله) هدایت کن. بلال به اتفاق پیر مرد به خانه فاطمه علیها السلام رفتند. پیر مرد عرض کرد: سلام بر شما ای خانواده نبوت و مرکز نزول فرشتگان. حضرت فاطمه جوابش را داد و فرمود: کیستی؟ عرض کرد: فقیری هستم. خدمت پدرت رسیدم و مرا به سوی شما راهنمایی نموده‌ای دختر پیغمبر! گرسنه ام سیرم کنید. برهنه ام پوششی به من بدهید، فقیرم چیزی به من عطا کنید. حضرت زهرا علیها السلام هیچ غذایی در خانه سراغ نداشت پوست گوسفندی که فرش حسن و حسین علیه السلام که هیچ غذایی در خانه سراغ نداشت پوست گوسفندی که فرش حسن و حسین علیه السلام بود و پیر مرد داد. عرض کرد: این پوست کجای زندگی مرا اصلاح می کند؟ حضرت فاطمه علیها السلام گلوبندی را که دختر عمویش به او هدیه داده بود به او داد و فرمود: این را بفروش و زندگی خودت را بدان اصلاح کن. پیر مرد برگشت و جریان را خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرد. آن حضرت گریست و فرمود: گردنبد را بفروشی تا خدا به برکت عطای دخترم برای تو گشایش فراهم سازد. عمار یاسر (ره) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجازه گرفت که آن گردنبد را خریداری کند، از پیر مرد پرسید: آن را چقدر میفروشی؟ گفت: به بهای آنکه شکم را از نان و گوشت سیر کنی و یک برد یمانی بر تنم بپوشانی تا با آن نماز بخوانم و یک دینار پول بدهی تا ما نزد اهل و عیالم برسند. عمار گفت: من این گردنبد را به بیست دینار و دوست درهم و یک برد یمانی و یک حیوان سواری و نان و گوشتی که سیرت کند می خرم. پیر مرد گردنبد را به عمار فروخت و پولش را تحویل گرفت. او خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برگشت. حضرت از او پرسید: سیر و پوشیده شدی؟ عرض کرد: آری به برکت عطای فاطمه علیها السلام بی نیاز شدم، خدا در عوض به فاطمه عطائی بکند که نه چشمی دیده و نه گوش شنیده باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به اصحاب فرمود: خدا در همین دنیا چنین عطائی را به فاطمه علیها السلام کرده است، زیرا پدری مثل من و شوهری مثل علی علیه السلام و فرزندان چون حسن و حسین علیه السلام به او داده است. وقتی که عزرائیل فاطمه علیها السلام را قبض روح کند، در قبر از او پرسند: پیغمبرت کیست؟ جواب می دهد: پدرم. می گویند: امامت کیست؟ جواب می دهد: شوهرم علی بن ابیطالب علیه السلام خدا گروهی از ملائکه را مأموریت داده که بعد از مردنش دائما درود می فرستند و بر او و پدر و شوهر و فرزندان. عمار گردنبد را گرفت و خوشبو کرد و در پارچه یمانی گذاشت و به غلامش گفت: این را خدمت حضرت رسول تقدیم کن، خودت را نیز به آن حضرت بخشیدم. وقتی که غلام پیش پیغمبر رفت حضرت گردنبد را با غلام به فاطمه علیها السلام بخشید. فاطمه گردنبد را گرفت و غلام را آزاد نمود. غلام بعد از آزادی خندید. علت خنده اش را پرسیدند، گفت: از برکت این گردنبد در گشتم! زیرا گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشش داد، و تهی دستی را بی نیاز کرده و بنده ای را آزاد کرد و باز هم نزد صاحبش برگشت. (۳۲۵)

**از خود گذشتگی و ایثار فاطمه علیها السلام**



عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم کمک خواست، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اصحاب خود نگریست، سلمان فارسی برخاست تا نیاز آن مرد را برطرف سازد، هر جا رفت با دست خالی برگشت. با ناامیدی به طرف مسجد می آمد که چشمش به منزل حضرت زهرا علیها السلام افتاد، با خود گفت: فاطمه سر چشمه نیکوکاری است، لذا درب خانه را کوبید و داستان مرد عرب را شرح داد. حضرت زهراء علیها السلام فرمود: ای سلمان! سوگند به خداوندی که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را به پیامبر برگزید، سه روز است که غذا نخورده ایم و فرزندانم حسن و حسین علیه السلام از شدت گرسنگی بی قراری می کردند و خسته و مانده به خواب رفته اند. اما من، نیکی و نیکوکاری را که در خانه مرا کوبیده است، رد نمی کنم آنگاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغاز شمعون یهودی گرو گذاشت، مقداری خرما و جو قرض بگیرد. سلمان فارسی می گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل حضرت فاطمه علیها السلام آمدم و گفتم: دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه ات بردار. پاسخ داد. ای سلمان! این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادیم و هرگز از آن چیزی بر نمی داریم (۳۲۶).

### ارزش علم و دانش

امام حسین عسکری علیه السلام فرمود: دو زن که یک مؤمن و دیگری معاند بودند در یک مطلب دینی با هم تنازع داشتند، برای حل اختلاف خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسیدند و جریان را تعریف کردند. چون حق با زن مؤمن بود حضرت فاطمه علیها السلام گفتارش را با دلیل و برهان تائید کرد و بدین وسیله بر زن معاند پیروز گشت و از این پیروزی شادمان شد. حضرت فاطمه علیها السلام به زن مؤمن گفت: فرشتگان خدا بیشتر از تو شادمان گشتند و غم و اندوه شیطان و پیروانش نیز بیشتر از غم و اندوه زن معاند می باشد. آنگاه امام حسن علیه السلام فرمود: و بدین جهت خدا به فرشتگان فرمود: در عوض خدمتی که حضرت فاطمه علیها السلام به این زن مؤمن کرد، بهشت و نعمت های بهشتی را برای او هزار برابر آنچه قبلا مقرر بود مقرر بدانید، و همین روش و سنت را درباره هر دانشمندی که با علم و دانش خود مؤمنی را تقویت کند که بر معاندی پیروز گردد معمول دارید و ثوابش را هزار هزار برابر مقرر دارید. (۳۲۷)

### علم و دانش حضرت فاطمه علیها السلام

عمار می گوید: روزی حضرت علی علیه السلام وارد منزل شد، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: یا علی! نزدیک بیا تا از حوادث گذشته و آینده برایت سخن بگویم. حضرت علی علیه السلام که از سخن فاطمه علیها السلام در شگفت بود، خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شد و سلام کرد و نزدیک آن حضرت نشست. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی! آیا تو آغاز به سخن می کنی یا من بگویم؟ حضرت علی علیه السلام عرض کرد: دوست دارم از سخنان شما استفاده کنم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: گویا فاطمه علیها السلام به شما این چنین و آن چنان فرمود و به همین جهت به نزد من آمدی؟ حضرت علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! مگر نور فاطمه هم از سنخ نور ما است؟ پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مگر نمی دانستی؟ حضرت علی علیه السلام از شنیدن این سخن به سجده شکر افتاد و خدای را سپاس گفت. سپس به نزد فاطمه علیها السلام برگشت. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: یا علی! گویا نزد پدرم رفتی و این چنین و آن چنان به تو فرمود؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: آری ای دختر پیامبر. فاطمه علیها السلام فرمود: یا ابالحسن! خداوند نور مرا آفرید و خدای را تسبیح می گفت، آنگاه او را در یکی از درختان بهشتی به ودیعه گذاشت، آنگاه که پدرم داخل بهشت شد از جانب خدا ماء موریت یافت که میوه های آن درخت تناول کند، پدرم از میوه آن درخت خورد و بدین وسیله نور من به صلب او منتقل گشت و از صلب پدرم به رحم مادرم

وارد شدم . یا علی ! من از آن نور هستم و حوادث گذشته و آینده را بوسیله آن نور می یابم . یا ابالحسن ! مؤمن به وسیله نور خدا می بیند. (۳۲۸)

### عنايات حضرت زهرا عليها السلام به سادات

ابن عنین شاعر قرن هفتم ، سالی به سوی مکه رهسپار شد، در بین راه بعضی از سادات منسوب به بنی داود به او دستبرد زدند و همه اموال او را غارت کردند و حتی لباسهای تنش را بیرون آورده و چنین زخم بر او وارد نمودند و گریختند. ابن عنین برای سلطان یمن عزیزبن ایوب نامه شکایت نوشت و از او دادخواهی کرد و برای او قصیده ای نوشت که انتقام او را از ساداتی که اموالش را غارت نمود بودند بگیرد. وقتی که ابن عنین قصیده و نامه شکایت آمیز را نوشت و برای سلطان یمن فرستاد، در عالم رؤ یا دید که در کنار کعبه است و حضرت زهرا علیها السلام مشغول طواف کعبه می باشد، پیش رفت و سلام کرد، ولی حضرت جواب سلام او را نداد، گریه و زاری کرد و به آن حضرت عرض کرد که گناه من چیست که جواب سلام مرا نمی دهی ؟ حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ ابن عنین اشعاری خواند که مضمون آن چنین است : حاشا که همه فرزندان فاطمه پست و زشت باشند، ولی روزگار با مگر و حيله با ما بدی و ستم کرد، اگر يك نفر از اولاد من بدی نمود، تو نباید عمدا به همه آنها دشنام بدهی ، از کردار خود توبه کن به خاطر جدشان مصطفی (صلی الله علیه و آله ) آنها را گرامی بدار و به آنها توهین مکن ، و هر چه از ناحیه آل رسول به تو رسید، پاداش آن را در روز قیامت هنگام ملاقات با ما دریافت خواهی کرد. ابن عنین می گوید: در حال گریه و زاری و ترس از خواب بیدار شدم در حالی که زخمهای بدنم خوب ده بود و در آن هنگام توبه کردم و اشعاری در عذر خواهی نوشتم . (۳۲۹)

### فضائل فاطمه عليها السلام

از ابوذر روایت شده است که : سلمان نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله ) آمد و عرض کرد: ای مولای من ! از تو می خواهم از فضائل فاطمه علیها السلام در قیامت به من خبر بدهی . پیامبر (صلی الله علیه و آله ) با چهره ای خندان به او نگریست و فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست ، فاطمه علیها السلام همان بانویی است که در عرصه محشر، سوار بر شتر عبور می کند که سر شتر نمودی از خشیت خدا است ، چشمانش از نور خدا می باشد، تا اینکه فرمود: جبرئیل در سمت راست آن شتر، و میکائیل در سمت چپ آن و علی علیه السلام در پیشاپیش آن ، و حسن و حسین علیه السلام در پشت سر آن حرکت می کنند. خداوند حافظ و نگهبان اوست ، تا از صحنه محشر عبور کند، در این هنگام ناگهان از جانب خدا ندا می رسد: ای خلاق ! چشمهای خود را فرو خوابانید، و سرهای خود را پایین آورید، این فاطمه دختر پیامبر شما، همسر علی علیه السلام امام شما، مادر حسن و حسین علیه السلام است ، پس از پل صراط عبور می کند در حالی که دو چادر شفاف و سفید بر سر دارد. وقتی که فاطمه علیها السلام وارد بهشت می شود و به نعمتهای و مواهبی که خداوند برای او آماده ساخته می نگرد می گوید: بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور احلنا دار المقامه من فضله لا یمسنا فیها لغوب ؛ به نام خداوند مهربان ، حمد و سپاس خداوند را که : حزن و اندوه را از ما دور ساخت ، البته خدای ما بخشنده و شکرپذیر است ، آن خدایی که ما را در مقام عالی از عطای خود قرار داد که در آن هیچ گونه رنج و ناگواری به ما نمی رسد. (۳۳۰)

### سیبی از طرف خداوند

در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) بودیم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام نیز حاضر بودند، در این وقت جبرئیل فرود آمد و سبی آورد و به دست رسول خدا داد آن حضرت سیب را به امیرالمؤمنین علی علیه السلام داد علی علیه السلام

آن را گرفت و بوئید و به رسول خدا باز گردانید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آرا گرفت و به دست حسن علیه السلام داد، امام حسن علیه السلام نیز آن را گرفت و بوئید و باز گردانید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، دوباره سیب را گرفت و به دست حسین علیه السلام داد. آن حضرت نیز سیب را گرفت و بوئید و باز گردانید. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) سیب را به فاطمه داد و فاطمه همچنان آن را گرفت و بوئید و باز گردانید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دوباره سیب را گرفته به دست علی علیه السلام داد و چون علی خواست دوباره سیب را دست رسول خدا باز گرداند آن شیب را شکافت و دو نیمه شد و نوری از آن به سوی آسمان ساطع گشت و خطی در دو سطر بدین گونه نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم تحیه من الله تعالی الی آل محمد المصطفی، و علی المرتضی، و فاطمه الزهراء، و الحسن و الحسين سبطی رسول الله، و ائمان لمحییهما یوم القیمه من النار؛ این تحیتی است از خداوند به سوی آل محمد، علی مرتضی و فاطمه زهراء و حسن و حسین علیه السلام فرزندان رسول خدا و امانی است از برای دوستان حسن و حسین علیه السلام در روز قیامت از آتش جهنم. (۳۳۱)

### برائتی از سوی خداوند برای شیعه علی و فاطمه علیها السلام

از بلال بن حمامه روایت شده است که گفت: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شادان و خندان به ما رسید، عبدالرحمن بن عوف از جا حرکت کرده عرض کرد: ای رسول خدا چه شده که می خندید؟ فرمود بشارتی از سوی پروردگارم به من رسیده است، خداوند متعال هنگامی که اراده کرد علی علیه السلام را به فاطمه علیها السلام تزویج کند به فرشته ای دستور داد که درخت طوبی را تکان دهد، با تکان دادن درخت سکه هایی از آن نثار شد، فرشتگان شروع به جمع آوری آنها کردند، چون روز قیامت شود، فرشتگان آنها را در بین خلائق پخش خواهند کرد. در آن روز هیچ یک از دوستداران با اخلاص ما دیده نخواهند شد مگر اینکه نامه ای به دستش رسیده که در آن نوشته شده: برائت و برکناری از آتش، از سوی برادر و پسر عمو و دخترم، رها شدن مردان و زنانی از امت از آتش. (۳۳۲) بانوی برگزیده روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نشستند بودند، و در کنار ایشان حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و حسین علیه السلام نشستند بودند. پیامبر عرض کردند: خدایا تو می دانی که اینان اهل بیت من هستند، پس بار خدایا آن کسی که آنان را دوست داشته باشد دوستش بدار، و هر کس که یاور آنان باشد یاورش باشد و آن کس که دشمن آنان است با او دشمن باش... پس فرمودند: ای علی! تو امام امت و خلیفه پس از من بر مسلمانان خواهی بود، تو در قیامت پیشوای مؤمنانی هستی که به سوی بهشت خواهند رفت. و گوئی هم اکنون می نگرم که دخترم فاطمه علیها السلام بر مرکبی از نور سوار است و به صحرای محشر می آید در حالی که هفتاد هزار فرشته در سمت راست و هفتاد هزار در طرف چپ و به همین تعداد پیش رو و به همین تعداد فرشته نیز در پشت سر او وی را همراهی می کنند. او هم زنان مؤمنه امت را به سوی بهشت می برد. سؤال شد: یا رسول الله آیا فاطمه علیها السلام در زمان خویش برترین زنان است؟ فرمود: برترین زنان در زمان خود مقامی است که از آن مریم دختر عمران است. در حالی که دختر من فاطمه سرور و برترین زنان در تمام زمانهاست و به هنگامی که برای عبادات در محراب می ایستد هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند و او را اینگونه مخاطب قرار می دهند: ای فاطمه! خدا ترا برگزید و پاکت ساخت و بر تمام زنان عالم برتری بخشید. (۳۳۳)

### در وصف فاطمه علیها السلام

فاطمه تکوین یافته از میوه بهشتی! فاطمه محل اسرار رب العالمین، دختر ولی خدا، همسر ولی دیگر خدا و مادر اولیای خدا و معصومان است. او ذخیره بزرگ الهی و ذخیره دار حجت خداوند است. نور چشم رسول، دردانه خدیجه کبری است. معجزه تربیت محمد است و پرورنده امامان و حجت های الهی. فاطمه انسان است، ولی به تعبیر رسول خدا او فرشته ای است در صورت

انسان! در جنبه حسب و نسب و فضل و افتخار چه کسی می تواند چون فاطمه باشد، او دختر بهترین افراد عرب و عجم، و خود بانوان زنان عالم، پدرش بهترین پیامبران و شوهرش بهترین اوصیاء و فرزندانش بهترین جوانان اهل بهشت و مهدی امت از نسل اوست. پدرش در وصف او می فرمود: فاطمه علیها السلام یک شاخه گل است. او از نور عظمت خدا خلق شده، حوراء انسیه است و نطفه او از میوه بهشتی است. پیامبر بوی بهشت را از او استشمام می کرد، محور اهل بیت است و از زنان برگزیده جهان است. زهراء علیها السلام از صابرين است. بهشت برای فاطمه خلق شده و دارای مقام شفاعت است. با جبرئیل مراد شده است، برای او مائده نازل می شد، امامتدار خلفای الهی است، یادگار خدیجه کبری. هر چند عمرش کوتاه و وجود نازنینش بهار عمر را ندیده، خزان گشت ولی توانست پرثمرترین و با فضیلت ترین و بهترین الگو برای زنان باشد. در ادب فاطمه همین بس که پدر را به حکم قرآن، رسول الله خطاب می کرد و خدمتکار خانه را بانوی من و در طول زندگی مشترک با امیرالمؤمنین چیزی از وی نخواست. عالم صدف است و فاطمه گوهر اوست گیتی عرض است و فاطمه جوهر اوست در قدر و شرافتش همین بس از ز خلق احمد پدر است و مرتضی شوهر اوست.

### فاطمه علیها السلام در آیه مؤده فی القربی

زمخشری گوید: هنگامی که این آیه (۳۳۴) نازل شد، سؤال شد: ای رسول خدا! این خویشاوندان تو که مودت و محبت نسبت به آنها بر ما واجب شده، چه کسانی می باشند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسران او... رسول خدا در مورد محبت به اهل بیت فرمود: هر کس به محبت آلف محمد بمیرد، شهید مرده است، آگاه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، آمرزیده شده از دنیا رفته است، هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، ملک الموت مزده ورود به بهشت به او می دهد. آگاه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد همان گونه که تازه عروس به خانه داماد قدم بر می دارد، او به سوی بهشت گام بر می دارد. آگاه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد خداوند در قبرش دو در به بهشت قرار می دهد، آگاه باشید هر کس بر دشمنی آل محمد از دنیا برود، در روز قیامت در حالی وارد محشر می شود که بر پیشانی و بین دو چشمش نوشته شده است: ماء یوس از رحمت خدا. آگاه باشید هر کسی بر دشمنی و بغضی آل محمد بمیرد، کافر از دنیا رفته است، آگاه باشید هر کس بر کینه و بغض نسبت به آل محمد بمیرد بوی بهشت به مشامش نمی رسد. (۳۳۵) سؤال از پیامبر (صلی الله علیه و آله) جواب از فاطمه علیها السلام علی علیه السلام فرمودند: من با عده ای از اصحاب نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم. آن حضرت فرمودند: آیا می دانید که بهترین خصوصیت و صفت برای زنها چیست؟ هیچ یک از حاضران نتوانستند جوابی بدهند، بعد از پایان جلسه من به خانه رفته و جریان آن مجلس و سؤال پیامبر، و ندانستن جواب آن را با فاطمه زهراء علیها السلام بیان کردیم، او به من گفت: یا علی! من جواب سؤال پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می دانم. بهترین چیز برای زن آن است که نه نامحرمی او را ببیند و نه او نامحرمی را ببیند. من نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) باز گشتم و جواب سؤال را گفتم، حضرت فرمود: یا علی! تو وقتی نزد من بودی جواب سؤال را نمی دانستی اینک چه کسی جواب را به تو گفته است؟ عرض کردم: فاطمه جواب را به من یاد داد! پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوشحال شد و فرمود: فاطمه پاره تن من است. (۳۳۶) فاطمه علیها السلام یکی از چهار سواران قیامت در پاره ای از روایات آمده، فاطمه علیها السلام یکی از سواران چهارگانه روز قیامت است که سوار بر غضبا شتر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می گردد و وارد محشر می شود. مرحوم ابن شهر آشوب، روایت می کند: هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بستر رحلت قرار گرفت، ناقه غضباء به پیامبر عرض کرد: مرا بعد از خود برای چه کسی وصیت می کنی؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای غضباء خدا به تو برکت دهد تو از آن دخترم فاطمه هستی، که در دنیا و آخرت بر تو سوار می گردد. هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) رحلت کرد، آن ناقه، شبانه نزد فاطمه علیها السلام آمد و گفت: سلام بر تو ای دختر رسول خدا، اکنون فراق من از دنیا نزدیک

شده است، سوگند به خدا پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) لب به آب و علف نزنده ام، آن ناقه از فراق جانسوز پیامبر سه روز بعد از رحلت پیامبر جان داد. (۳۳۷) همچنین عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب گوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: ای مردم! ما تنها چهار نفریم که در قیامت سواره ایم و سواره دیگری جز ما نیست. مردی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! آن سواران چه کسانی هستند. فرمود: من بر براق خود سوام، و برادرم صالح پیامبر بر همان شتری که قومش آن را پی کردند، و دخترم فاطمه بر شتر غضبای من، و علی ابن ابی طالب بر اشتری از اشتران بهشتی سوار است. (۳۳۸) وعده بهشت برای صلوات بر فاطمه علیها السلام شخصی بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد و سلام کرد. حضرت فرمود: چه مطلبی باعث شده که صبح به این زودی به اینجا آمده ای؟ عرض کرد: برای طلب برکت آمده ام. حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: پدرم به من خبر داد، هر کس بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا بر من سه روز سلام بفرستد خدا بهشت را بر او واجب می گرداند: عرض کرد: در زمان حیات او و حیات شما؟ فرمودند: آری در زمان حیات ما و حتی پس از مرگ ما. (۳۳۹)

### اگر فاطمه نبود درخت نبوت باردار نمی شد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: همانا خداوند تبارک و تعالی وجد پیامبران را از درختان متفاوت و متفرق آفریده ولی مرا از یک درخت خلق کرد. من اصل آن درختم و علی علیه السلام ساقه آن است و فاطمه علیها السلام مایه باوری آن درخت و حسن و حسین علیه السلام میوه های درخت وجود من هستند. هر کس از آن دور شود. به گمراهی افتاده است، اگر بنده ای از بندگان خدا سه هزار سال بین صفا و مروه خدا را عبادت کند، ولی محبت ما پنج تن را درک نکرده باشد خدای تبارک و تعالی او را به صورت در آتش افکند. (۳۴۰)

### اهمیت پوشش و حجاب

در کافی از جابر بن عبدالله نقل شده که گوید: من به همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به در خانه حضرت فاطمه علیها السلام رسیدیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زدند و فرمودند: السلام علیکم، فاطمه زهرا علیها السلام پاسخ دادند: علیکم السلام یا رسول الله. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودن آیا داخل شوم. پاسخ دادند: آری ای فرستاده خدا. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند آیا من و آن کسی که همراه من است داخل شویم؟ عرض کردند: ای پیامبر مکرم، بر سر من چیزی نیست. فرمودند: فاطمه جان علیها السلام خود را بپوشان. ایان همین کار را انجام دادند، آنگاه رسول اکرم، فرمودند: السلام علیکم فاطمه زهراء پاسخ دادند: علیکم السلام یا رسول الله پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آیا وارد شوم؟ فاطمه زهرا علیها السلام پاسخ دادند: آری ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شما و آن کس که با شماست وارد شوید. (۳۴۱)

### نزول آیه برای خشنودی فاطمه علیها السلام

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دستور دزدی را قطع کنند، درد گفت: ای رسول خدا من این دست را در اسلام تقدیم کردم و شما دستور می دهید آن را ببرند، حضرت فرمود: اگر دخترم فاطمه نیز به جای تو می بود، این دستور را می دادم. حضرت فاطمه علیها السلام این سخن را شنید و غمگین شد، جبرائیل فرود آمد و این آیه را آورد: لئن اشرکت لیحطن عملک اگر شرک بورزی عمل و کار تو بی ارزش خواهد بود. (۳۴۲) رسول خدا غمگین شد، در همین هنگام این آیه نازل شد: لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا اگر در آسمان و زمین خدایانی غیر از الله وجود می داشت تباه و فاسد می شدند. (۳۴۳) حضرت رسول از نزول آیه تعجب کرد، جبرئیل نازل شده و گفت: فاطمه زهراء علیها السلام از سخن تو غمگین شده بود، این آیات برای همراهی با او نازل

شد تا خشنود گردد. مرحوم مجلسی در شرح این حدیث می گوید: شاید معنا چنین باشد که این نازل شد تا فاطمه علیها السلام بداند که مانند این گونه کلمات مشروط، با جلال و مقام مخاطب منافات ندارد. (۳۴۴)

### این قبه پر نور از آن فاطمه علیها السلام است

حسن بن یزید می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم چرا فاطمه علیها السلام، زهراء نامیده شده است؟ فرمودند: به دلیل اینکه برای فاطمه علیها السلام در بهشت قبه ای از یاقوت سرخ است که بلندی آن مسیر یکسال راه است. آن قبه به قدرت خدای قادر آویزان است، بدون آنکه از پایین بر هیچ ستونی تکیه زند و از بالا هیچ وسیله نگهدارنده ای آن را نگاه دارد. برای آن قبه هزار در است، بر هر دری هزار ملک از ملائکه پروردگار قرار دارند، اهل بهشت آن را می بینند به هیبتی که هر یک از شما ستاره ای درخشان و نورانی را در آسمان می بیند، پس اهل بهشت می گویند: این قبه پر نور از آن فاطمه علیها السلام است. (۳۴۵) چرا فاطمه علیها السلام را زهراء نامیدند؟ از امام محمد باقر پرسیدند: چرا فاطمه علیها السلام، به نام زهراء نامیده شد؟ فرمودند: زیرا خداوند او را از نور عظمت خودش آفرید. بواسطه نور آن حضرت آسمان و زمین روشن شد و حدی که ملائکه تحت تاءثیر آن نور قرار گرفتند و برای خدا به سجده افتادند، عرض کردند: خدایا این نور چیست؟ حق تعالی فرمود: شعله ای است که از نور عظمت خودم آفریدم و در آسمانها ساکنش نمودم. او را از صلب بهترین پیغمبران خارج خواهم ساخت و از این نور ائمه و پیشوایان دین را خارج می کنم تا مردم را به سوی حق هدایت کنند، آنان جانشینان پیغمبر من خواهند بود. (۳۴۶)

### سنگریزه هایی که به غذای خوش طعم مبدل شدند

امام حسن و امام حسین علیه السلام سه روز بود که چیزی از خوراکی نخورده بودند، از گرسنگی بی تاب شده، از مادر غذا طلب کردند. چون در خانه چیزی برای خوردن نبود، لذا فاطمه زهرا علیها السلام آنان را به بهانه ای تسلی داده که جد بزرگوارتان می آید و چیزی برایتان می آورد. باز آنان ناراحتی می کردند به حدی که حضرت دلگیر شد و اشکش جاری گردید. برخاسته قدری سنگ ریزه جمع نمود، در دیگی ریخت و رویش آب کرد، سر دیگ را نیز پوشانده، آتش در زیر آن روشن نمود تا به جوش آید و به فرزندانش فرمود: صبر کنید طعام بار گذاشته ام، هنوز پخته نشده است. ایشان بیرون می رفتند و بعد از زمانی می آمدند و به مادر می گفتند: اگر آن غذا پخته است برایمان بیاور. حضرت فاطمه علیها السلام می فرمود: هنوز خام است، ساعتی صبر کنید تا پخته شود. در این هنگام امام حسن علیه السلام بر سر دیگ رفته و سر پوش را برداشت و گفت: ای مادر! اگر پخته یا خام است، قدری برای ما بردار تا بخوریم. فاطمه علیها السلام کاسته را برداشت و فرمود: عجب که پخته باد! چون بر سر دیگ آمد مشاهده کرد طعامی در کمال خوبی و خشبویی است. پس از آن برداشت و نزد فرزندان گذاشت آنان مشغول خوردن شدند. فاطمه زهرا علیها السلام برخاست و وضو تازه نمود و نماز شکر به جای آورد و چون این خبر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید، فرمود: الحمد لله، تو ای فاطمه! چنان هستی که در ذریه انبیاء و اولیاء سابق بوده. (۳۴۷)

### فاطمه علیها السلام برترین مخلوقات

در کتاب ادریس پیامبر علیه السلام آمده است: روزی حضرت ادریس اصحاب خود را جمع کرد و به آنها گفت: فرزندان آدم روزی در محضر او اختلاف کردند که بهترین خلاق چه کسانی هستند؟ بعضی گفتند: پدر ما آدم، بهترین مخلوقات است، چرا که خداوند او را با دست قدرتش آفرید و روحش را در او دمید و به فرشتگان امر کرد که به عنوان احترام او را سجده کنند؟ او را معلم فرشتگان و خلیفه خود در زمین قرار داد و از همه خلائق خواست از او اطاعت کنند. بعضی گفتند: نه بهترین مخلوقات،



جبرئیل امین است و هر کدام مطلب خاصی گفتند، و در این باره سخن به درازا کشید تا اینکه حضرت آدم علیه السلام به آنها رو کرد و فرمود: فرزندانم! آنچه شما گفتید هیچ کدام درست نیست، وقتی که خداوند مرا آفرید و روحش را در کالبد من دمید، برخاستم و نشستم و به عرش پروردگار نگاه کردم، پنج نور که در نهایت عزت و زیبایی و شکوه و جلال بودند دیدم به گونه ای که مرا غرق انوار و درخشش خود کرده بودند. عرض کردم: پروردگار! اینها چه کسانی هستند؟ فرمود: اینها بهترین مخلوقات من و بابهای رحمت من و واسطه های بین من و خلق من هستند، اگر اینها نبودند زمین و آسمان و بهشت و دوزخ و خورشید و ماه را نمی آفریدم. گفتم: خدایا نام اینها چیست؟ فرمود: به عرش بنگر! وقتی که نگاه کردم این نامهای پاک را دیدم: فارقلیطا (محمد (صلی الله علیه و آله))، ایلیا (علی علیه السلام)، طیطه (فاطمه علیها السلام)، شبر (حسن علیه السلام) و شبیر (حسین علیه السلام) ای خلاق من! مرا تهلیل و تسیح کنید، خدای یکتا جز من نیست و محمد (صلی الله علیه و آله) رسول من است. (۳۴۸)

### مقصود از نور علی نور چیست؟

موسی بن قاسم از علی بن جعفر روایت کرده است که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره این آیه کمشکاة فیها مصباح، المصباح فی زجاجه. (۳۴۹) پرسیدم، فرمود: مقصود از مشکاة فاطمه علیها السلام و مصباح حسن علیه السلام و زجاجه، حسین علیه السلام است. کوكب دری فاطمه علیها السلام است که در بین زنان جهان مثل ستاره درخشان می باشد، شجره مبارکه ابراهیم است که (نه شرقی است و نه غربی) نه یهودی است و نه نصرانی، روغن چراغ آن که نور می دهد علم است که از آن ظاهر می شود و بدان سخن می گوید: و مقصود از نور علی نور در وجود حضرت فاطمه علیها السلام امامانی هستند که یکی پس از دیگری می آیند، خداوند به نورش هر که را بخواهد هدایت می کند، یعنی به ولایت ما هدایت می کند. (۳۵۰)

### مقام فاطمه علیها السلام در بهشت

امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید: بعد از وفات پدر بزرگوارم شبی در عالم رؤیا دیدم که گویا پدر به سویم متوجه شد از خود بی اختیار شدم فریاد زدم: یا ابا، یا رسول الله، بعد از تو اخبار آسمان و وحی خداوند رحمان از خانه ما قطع شد در این حال صفهای ملائکه در جلوی روی من نمودار شد دو ملک مرا به آسمان بلند کردند، در این وقت سر برداشتم دیدم قصرهای بلند و نه‌های جاری، چنانکه وصف آن نتوان کرد، در این حال حوریان بهشتی مرا استقبال کردند و به قدم من یکدیگر را بشارت می دادند و تبسم می نمودند و می گفتند: مرحبا به کسی که بهشت برای او خلق شده و ما را خدا برای پدرش خلق کرده، از آنجا ملائکه مرا داخل قصری بردند که در آن غرفه هایی بود که هیچ چشمی ندیده و وصف آن را فرشهای سندس، و استبرق و حریر و دیباج محال است... و چندان از الوان طعامها در ظرفهای طلا- و نقره و مائده های گوناگون و نه‌های جاری از شیر سفیدتر و از مشک خوشبوتر نمودار بود که وصف آنها ممکن نبود. (۳۵۱)

### زنان مورد شفاعت فاطمه علیها السلام

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): فائما امرأه صلت فی الیوم و اللیلة خمس صلوات، و صامت شهر رمضان، و حجت بیت الله الحرام و زکت مالها، و اطاعت زوجها، و والت علیا بعدی دخلت الجنة بشفاعه ابنتی فاطمه و اءنها لسیده نساء الغالمین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی فرمودند: هر زنی که نمازهای پنج گانه شبانه را بخواند و ماه رمضان را روزه بگیرد و حج خانه با حرمت خدا را به جا آورد و زکات مالش را بپردازد و از همسرش فرمان برد و پس از من پیرو علی علیه السلام باشد با شفاعت دخترم به بهشت در آید به راستی که او خاتون زنان جهانیان است. (۳۵۲)

## لباس بهشتی فاطمه علیها السلام

در بحار از خرائج نقل می فرماید: روایت شده که یهود عروسی داشتند. آمدند خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عرض کردند: ما حق جوار و همسایگی با شما داریم، از شما تقاضا می کنیم که دخترت فاطمه علیها السلام را به این عروسی ما بفرستید تا اینکه مزید عیش ما شود و بر این مطلب خیلی اصرار کردند. حضرت فرمودند: فاطمه زوجه علی بن ابیطالب است و به فرمان اوست. یهود از حضرت رسول در خواست کردند که شفاعت بفرماید نزد علی. از طرفی یهود تمام اسباب عیش را از حلی و خلل آراسته بودند و گمان می کردند اینکه فاطمه علیها السلام با لباسهای کهنه و مندرس به عروسی می آیند و می خواستند با این کار آن را خفت بدهند. ناگاه جبرئیل نازل شد و جامعه های بهشتی آورد، پس صدیقه طاهره جامعه لباس بهشتی را پوشید و زینت کرد. وقتی که وارد مجلس آنان شد تعجب کردند از لباسها و زینت و بوهای آن حضرت. چون حضرت زهراء علیها السلام داخل شد به خانه یهود، زنان یهود به سجده افتادند و به سبب دیدن آن حضرت عده زیادی اسلام آوردند و مسلمان شدند. (۳۵۳)

## فاطمه علیها السلام سزاوارترین زنان

زنی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من زنی بی همسر هستم. امام فرمودند: منظورت چیست؟ عرض کرد: ازدواج نمی کنم و از آن دوری می نمایم، و با این کار می خواهم به مقام عالی معنوی برسم. امام صادق علیه السلام فرمودند: از این عقیده دست بردار، هرگز ترک ازدواج موجب وصول به مقامات عالی معنوی نیست، اگر انسان با ترک ازدواج به چنین مقامی می رسید حضرت فاطمه علیها السلام سزاوارتر از تو بود که ترک ازدواج کند. چرا که هیچ کس در وصول به کمالات معنوی از فاطمه علیها السلام پیشی نگرفته است. (۳۵۴)

## فاطمه علیها السلام حوریه ای انسان نما

امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می فرمایند که: فاطمه علیها السلام به جهت طاهره نامیده شده است، از جمله اینکه هرگز خون حیض و نفاس ندید. (۳۵۵) امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تا زمانی که فرمانی که فاطمه علیها السلام زنده بود، زنان را بر علی علیه السلام حرام کرد، زیرا او زن پاکیزه ای بود که حیض نمی دید. (۳۵۶) اسماء بنت عمیس گفت: در یکی از زایمانهای فاطمه علیها السلام حضور داشتم، هنگامی که وضع حمل کرد، خونی ندیدم. به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض کردم: یا رسول الله فاطمه زایمان کرد، ولی از او خونی ندیدم؟ فرمود: اسماء فاطمه علیها السلام حوریه است که به شکل انسان آفریده شده است. (۳۵۷)

## فاطمه علیها السلام تمام حقیقت زن

امام خمینی (ره) درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می فرمایند: تمام ابعادی که برای زن و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهراء علیها السلام جلوه کرده است. یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست. او موجودی ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجودی الهی و جبروتی که در صورت یک زن ظاهر شده است. (۳۵۸)

## فاطمه علیها السلام حقیقت لیلة القدر

مردی نصرانی به خدمت امام موسی کاظم علیه السلام شرفیاب شد و در بین سؤالات متعددی که بیان داشت، تفسیر باطن آیات اول سوره دخان را جویا شد. حم و الکتب المبین انا انزلنه فی الیلة مبرکة انا کنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم حم، سوگند به این کتاب روشننگر که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم، ماهواره انذار کننده بوده ایم در آن شب هر امری بر اساس حکمت الهی تدبیر و جدا می گردد. (۳۵۹) امام در پاسخ فرمود: امام حم محمد (صلی الله علیه وآله) است و کتاب مبین علی علیه السلام می باشد و اما الیلة فاطمه علیها السلام می باشد. (۳۶۰)

### مصحف فاطمه علیها السلام

ابوبصیر می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام در مورد مصحف پرسیدم، فرمود: مطالبی است که پس از در گذشت پدرش، حضرت رسول بر ایشان نازل شد. گفتم: آیا از قرآن چیزی در آن هست؟ فرمود: چیزی از قرآن در آن نیست. عرض کردم: آن را برایم توصیف فرمایید! فرمود: آن دارای دو جلد از جنس زبرجد قرمز است و به اندازه طول و عرض یک برگ می باشد. عرض کردم: ورقه و برگ آن از چیست؟ فرمود: از در سفید که با گفتن کلمه کن به وجود آمده است. عرض کردم: چه چیزی در آن نوشته شده است؟ فرمود: اخبار آنچه تا به حال بوده است و آنچه که تا روز قیامت خواهد بود و اخبار هر یک از آسمانها و تعداد فرشتگان هر یک از آنها، نامهای فرستادگان خدا از انبیای مرسل و غیر مرسل و اقوامی که اینان بر آنها مبعوث شده اند. اسامی مخالفان و گروندگان به آنها، اسامی تمام مؤمنان و کافران از آغاز تا پایان آفرینش، نامهای هر شهر و آمار کافران... اسامی همه آفریدگان و مدت عمر آنها، تعداد کسانی که وارد بهشت می شوند. تعداد جهنمیان و نامهای هر یک از آن دو گروه و نیز علم قرآن به همان گونه که نازل شده و همچنین علم تورات و انجیل و زبور به همان ترتیب نزول و تعداد درختان و سنگریزه های هر شهر و دیار وجود دارد. حضرت باقر علیه السلام فرمود: خداوند این مصحف را توسط جبرائیل، میکائیل و اسرافیل نزد آن حضرت فرستاد. این نزول در ثلث دوم شب جمعه در هنگامی که حضرت در محراب خود به نماز ایستاده بود واقع شد. فرشتگان پس از اتمام نماز از حضرت به او سلام کردند و گفتند: خداوند به تو سلام می رساند و سپس مصحف را در دامان آن حضرت گذاشتند، حضرت فرمود: سلام مخصوص خداوند و از سوی او و به سوی اوست و بر شما ای فرشتگان خدا سلام و سلامتی باد. آنگاه فرشتگان به آسمان رفتند، حضرت پس از نماز صبح تا سر ظهر مشغول خواندن و مطالعه آن بود تا اینکه به آخرش رسید. راوی می گوید: عرض کردم: فدایتان شوم، پس از آن حضرت، این مصحف به چه کس منتقل شد؟ فرمود: آن را به علی علیه السلام داد و پس از شهادت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام و بعد به امام حسین علیه السلام و بعد نزد اهلش باقی می ماند تا اینکه به صاحب این امر واگذار کند. عرض کردم: این علم بسیار زیاد است!! فرمود: ای ابا محمد! آنچه را که من به تو گفتم، دو برگ اول آن بود و مطالب پس از ورقه دوم را برای تو نگفتم و حتی یک حرف از آن را هم بازگو نکردم. (۳۶۱)

### پوشش از نامحرم

عمران بن حصین می گوید: روزی پیامبر (صلی الله علیه وآله) به من فرمود: با من به دیدن فاطمه علیها السلام نمی آیی! عرض کردم: چرا یا رسول الله! مایل به دیدار او هستم. با هم به طرف منزل فاطمه علیها السلام رفتیم. در زدیم و پیامبر از فاطمه رخصت خواست و فاطمه علیها السلام اجازه ورود داد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: آیا با کسی که همراه من است داخل شوم؟ فاطمه علیها السلام گفت: جز پارچه ای پشمین وسیله ای برای پوشش و ستر خود ندارم. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دستور پوشش دادند که چنین و چنان خود را بپوشان تا وارد شویم. فاطمه علیها السلام عرض کرد: چیزی که سرم را بپوشاند ندارم، پیامبر پارچه ای کهنه به همراه داشت، فرمود: با این پارچه سرت را بپوشان. پس فاطمه علیها السلام خود را پوشاند و ما وارد شدیم

. (۳۶۲)

**نور تبسم فاطمه علیها السلام**

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: در آن هنگام که بهشتیان در بهشت برخوردار از نعمت و دوزخیان در آتش گرفتار عذابند، برای بهشتیان نوری می درخشد، از یکدیگر می پرسند: این نور چیست؟ شاید پروردگار با عزت و اقتدار بر ما توجه فرموده و به ما نظر افکنده است؟! رضوان (فرشته نگهبان بهشت) به آنان می گوید: نه علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام مزاحی کرده و او (فاطمه لبخند زده است، این نور از بین دندانهای او درخشیده است. (۳۶۳)

**فصل نهم: پس از رسول الله (صلی الله علیه وآله)****ناله های حضرت زهرا علیها السلام در فراق پدر**

کسی از اهل زمین نمی تواند گریه کننده ای گریان تر و نالانتر از فاطمه زهرا علیها السلام بیابد. مدت هفت روز از رحلت رسول گرامی می گذشت که حضرت در منزل نشسته بود و هر روز گریه اش از روز قبل زیادتر می گردید. روز هشتم از خانه بیرون آمد، زنها هم او را همراهی می کردند، و چراغها را خاموش کردند تا چهره آنان مشخص نباشد. صدیقه طاهره پدر را صدا می زد و ناله می کرد و زنان هم او را همراهی می کردند. و ابتاه! و اصفیاه! و احمده! و ابالقاسماه! آنگاه حرکت کرد و نحوه حرکت کردن و لباس پوشیدن آن حضرت درست مانند رسول خدا بود تا به قبر پدر نزدیک شد. وقتی که نگاهش به جای اذان افتاد بی هوش شد بعد از اینکه به هوش آمد چنین گفت: پدرجان! قوتم رفته و یکه و تنها باقی مانده و در کار خویش حیران و سرگردانم. پدرجان! بعد از تو برای وحشتم انیسی نمی یابم و مانعی برای گریه ام و یآوری برای ضعفم نمی یابم. آری پدر بعد از تو نزول قرآن و مل هبوط جبرئیل و میکائیل از بین رفت. پدرجان! بعد از تو روابط انسانها دگرگون شد و درها پشت سر من بسته گردید. پدر عزیز! بعد از تو از دنیا نفرت دارم و تا زمانی که نفسم بر آید بر تو گریه خواهم نمود. پدرجان! شوق من نسبت به تو پایانی ندارد، و حزن من بعد از تو انجامی. و چنین می سرود: اندوه من پیوسته بر تو تازه است و قلب من به خدا سوگند عاشق سرسخت است. دلی که در عزا و مصیبت تو، صبور باشد یا تسلیت پذیرد همانا بسیار شکیب و پر طاقت است. (۳۶۴)

**استدلال فاطمه علیها السلام به قرآن**

یکی از معجزات حضرت صالح، شتر و بچه آن شتر بود که در قرآن معجزه و چگونگی برخورد قوم صالح با آن آمده است که بخاطر کشتن ناقه صالح علیه السلام خداوند متعال عذاب خود را بر آن قوم نازل نمود. (۳۶۵) آنگاه که علی علیه السلام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند حضرت زهرا علیها السلام وارد مسجد شد و فرمود: رها کنید پسر عموی مرا! قسم به آن خدایی که محمد را به حق برانگیخت، اگر از وی دست بر ندارید، گیسوان خود را پریشان کرده، و پیراهن رسول خدا را بر سرافکنده و در برابر خدا فریاد خواهیم زد. یقین بدانید که ناقه صالح در نزد خدا از من گرامی تر نبود، و بچه آن ناقه نیز از فرزندان من قدر و قیمتش زیادتر نبود. (۳۶۶)

**ام سلمه از فاطمه علیها السلام دفاع می کند**

در جریان غصب فدک و جسارتهایی که عمر و ابوبکر به حضرت فاطمه علیها السلام کردند، ام سلمه یکی از زنان پیامبر در دفاع از

حضرت فاطمه علیها السلام چنین می گوید: ای ابابکر! آیا با فاطمه چنین رفتار می کنی؟ با اینکه او حوریه ای است در میان انسانها. در دامن پیغمبر پرورش یافت، و در حین ولادت بین فرشتگان دست به دست می شد، و در پرورشگاه پاکیزگان پرورش یافت، و در بهترین جا رشد و نمو کرد. آیان چنان می پنداری که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فاطمه علیها السلام را از ارث محروم نموده، ولی به خودش نگفته است؟ با اینکه خدا به پیغمبرش می فرماید: خویشان و نزدیکان را انذار کن! یا احتمال می دهید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او گفته باشد، ولی او مطالبه ارث کند؟ با اینکه بهترین زنان عالم و مادر بهترین جوانان و همانند مریم دختر عمران می باشد و پدرش خاتم پیغمبران است. به خدا سوگند! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فاطمه علیها السلام را از سرما و گرما نگهداری می کرد. هنگام خواب دست راست خودش را زیر سر فاطمه علیها السلام و دست چپش را بر روی بدنش می نهاد. ای ابوبکر! آهسته تر باشید، هنوز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیش چشم شماست. به زودی بر خدا وارد می شوید و نتیجه کردارتان را مشاهده می کنید. ام سلمه از فاطمه علیها السلام دفاع کرد، ولی تا یک سال از حقوق محروم شد. (۳۶۷)

### شهادت ام ایمن در غصب فدک

بعد از اینکه ابوبکر از حضرت فاطمه علیها السلام در مورد بخشیدن فدک از طرف پیامبر به دخترش شاهدانی خواست. حضرت فاطمه علیها السلام ام ایمن و علی علیه السلام را به عنوان شاهد آوردند. ام ایمن گفت: من در خانه فاطمه نشسته بودم و رسول الله (صلی الله علیه و آله) نیز نشسته بود، جبرئیل نازل شد و گفت: یا محمد برخیز، خداوند به من دستور داده که حد و حدود فدک را برای تو مشخص کنم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخاست و با جبرئیل رفت و طولی نکشید که برگشت، فاطمه علیها السلام عرض کرد: بابا کجا رفتی؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: با جبرئیل رفتم حد و حدود فدک را برایم مشخص نماید. فاطمه علیها السلام گفت: پدر! من می ترسم بعد از تو در مضیقه قرار بگیرم آن را به من صدقه بده، پیامبر فرمود: دخترم من آن را به تو بخشیدم. فاطمه هم آن را تحویل گرفت. آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ام ایمن و ای علی! شاهد باشید که آن را به فاطمه بخشیدم. (۳۶۸)

### وصیت فاطمه علیها السلام در مورد املاک

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام داری هفت بستان بودند که وقف بنی هاشم و بنی مطلب فرموده و نظاره و سرپرستی بر آنها را به عهده مولا علی علیه السلام نهادند تا زمانی که ایشان در قید حیات هستند و بعد از ایشان بر عهده فرزندان خود به ترتیب سن آنها گذاشته شد و آن حضرت برای این امر وقفنامه ای نوشتند که مضمون آن چنین است: بسم الله الرحمن الرحیم این وصیتی است که فاطمه دختر محمد نسبت به بستان های هفتگانه خویش یعنی عواف ذلال مبيت یا میشب، حسنی، صافیه، مشربه و ام ابراهیم، به علی بن ابیطالب علیه السلام می نماید که پس از وفاتش حسن و پس از وفاتش حسن و پس از حسن به حسین و پس از حسین، بزرگترین فرزند من ناظر به آنها خواهد بود و خدای تعالی و مقداد بن اسود و زبیر بن عوام را بر این وصیت شاهد می گیرم و علی علیه السلام این وصیت حضرت را مرقوم داشت. همچنین در نسخه دیگری از وصیت حضرت فاطمه علیها السلام در مورد لوازم خانه آمده است که برای دختر جنذب، یعنی دختر ابوذر غفاری، وصیت کرده است که چنین است: آن صندوق کوچکتر است و در اموال، هر چه هست به او می دهید و نیز دو کفش من که از پوست است و فرش و جبه و تخت و متکاه دو قطیفه، همه از آن او باشد. (۳۶۹)

## بوی پیراهن پدر

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: من حضرت رسول را در پیراهن مبارکش غسل دادم . روزی فاطمه علیها السلام گفت : آن پیراهن را به من نشان بده ! پیراهن را آورد همین که بوی پیراهن به مشام او رسید از هوش رفت ، من که این حالت را از او مشاهده کردم ، پیراهن را از او پنهان نمودم . (۳۷۰)

## دوست دارم صدای اذان بلال را بشنوم

با سکوت صوت قرآن پیامبر (صلی الله علیه و آله ) ، صدای اذان بلال هم خاموش شد. بلال برده ای دل سوخته بود که به برکت اسلام و محبت پیامبر، ارجمند و عزیز شده بود. او مؤذن نبی مکرم اسلام بود. روزی دختر پیامبر اسلام فاطمه علیها السلام شخصی را نزد بلال فرستاد و فرمود: به او بگوئید که دوست دارم صدای اذان تو را بشنوم . بلال گفت : بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) برای هیچ کس جز دخترش اذان نمی گویم . بلال به ماءذنه رفت و صدای خاطره انگیز خویش را به الله اکبر، الله اکبر بلند کرد. فاطمه علیها السلام به یاد پدر افتاد. صدای ضجه زهرا علیها السلام بلند شد و بیهوش بر زمین افتاد. مردم پنداشتند که او جان داده ، شتابان به سوی بلال دویدند و فریاد زدند: بلال دیگر اذان نگو، که فاطمه طاقت شنیدن ندارد، بلال دم فرو بست . زهرا علیها السلام پس از چند لحظه ای به هوش آمد و فرمود: چرا بلال اذان را به پایان نبرد؟ عرض کردند: بر تو بیمناک شدیم که ناگهان جان به جان آفرین تسلیم کنی . (۳۷۱)

## یاد آوری ماجرای غدیر خم

محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله ) فاطمه علیها السلام را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم ، فرصت را غنیمت شمرده سؤال کردم : آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام ، می توانید دلیلی بیاورید؟ حضرت زهراء پاسخ داد: شگفتا ! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله ) فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می دهم . علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم (حسن و حسین علیه السلام ) و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام پیشوایان و امامانی پاک و نیکند. اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بالای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم : بانوی من ! پس چرا امام علی علیه السلام سکوت و حق خود را نگرفت ؟ حضرت فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) فرموده است : مثل امام ، مانند کعبه است ، مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آن که کعبه دور مردم طواف نماید. (۳۷۲) بلند شدن پایه های مسجد به واسطه خشم فاطمه علیها السلام سلمان در ضمن روایت بردن علی علیه السلام به مسجد و تصمیم حضرت زهراء برای رفتن کنار قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) برای نفرین کردن ! می گوید: من نزدیک آن حضرت بودم ، به خدا سوگند، دیدم پایه های دیواره مسجد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله ) از زمین کنده شده به طوری که کسی می توانست از زیر آنها عبور کند. خودم را به آن حضرت رسانید گفتم : ای بانوان من ! ای سرور من ! همانا خداوند تبارک و تعالی پدرت را به عنوان رحمت فرستاد، از نفرین دست بردار و این مردم را دچار عذاب خداوند قرار مده . حضرت برگشت (یا به قولی به دستور علی علیه السلام برگشت ) سلمان می گوید: در این وقت دیدم که دیواره های مسجد در جای خود مستقر گردید، به طوری که از زیر آنها گرد و غبار حرکت کرده به بینی های ما فرو رفت . (۳۷۳)

## شهادت عایشه علیه فاطمه علیها السلام



در کتاب اختصاص شیخ مفید از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رحلت فرمود و ابوبکر به جای او نشست، برای وکیل فاطمه علیها السلام در فدک، پیامبر فرستاد و او را از فدک بیرون کرد. حرت فاطمه علیها السلام نزد ابوبکر آمد و فرمود: ای ابوبکر تو ادعا می کنی که جانشین پدرم هستی و به جای او نشسته ای، با اینکه می دانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فدک را به من بخشید و من برای این موضوع شهود دارم. پس چرا وکیل مرا از فدک بیرون کردی؟ ابوبکر گفت: پیامبر از خود ارث نمی گذارد. فاطمه علیها السلام فرمود: چرا من از پدرم ارث نمی برم، با اینکه سلمیان از داود ارث برد، و یحیی از زکیا برد؟ ابوبکر گفت: عایشه و عمر گواهی می دهند که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیده اند که فرمود: پیامبر از خود ارث نمی گذارد. فاطمه علیها السلام فرمود: هذا اول شهادة زور شهدا بها فی السلام این نخستین گواهی باطل در اسلام است که آن دو نفر گواهی داده اند. (۳۷۴)

### فاطمه علیها السلام خودش را معرفی می کند

فاطمه زهراء ع در ضمن خطبه ای که؛ مسجد ایراد فرمود، خود را این چنین معرفی می کند: بدانید! منم فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله) آنچه اول می گویم آخر هم همان را می گویم و آنچه می گویم غلط نیم گویم، و آنچه اقدام می کنم زیاده روی نمی کنم. برای شما پیامبری از خودتان آمد تا بر شما دلسوز بود، از ناراحتی شما ناراحت بود، نسبت به مؤمنان مهربان و رئوف و دلسوز بود. اگر خواستید اصل و نسب او را بجوید، بدانید که او پدر من است، نه پدر زنان شما و برای پسر عم من است، نه پسر عم شما، چه نیکو نسبتی است انتساب به محمد (صلی الله علیه و آله).

### چرا ابوبکر فدک را به فاطمه علیها السلام نداد

اقرار و اعتراف به درستی ادعای فاطمه زهرا علیها السلام در مورد مالکیت فدک موضوعی است که حتی دانشمندان منصفی از اهل سنت نیز آن را صحیح دانسته اند و اعراف به درستی سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) کرده اند. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه می نویسد: من از استادم علی بن عیسی فارقی معلم مدرسه غریبه در بغداد پرسیدم: آیا فاطمه علیها السلام در ادعای مالکیت فدک صادق بود؟ جواب داد: آری گفتم سپس چرا خلیفه اول فدک را به او نداد، در حالی که فاطمه علیها السلام در ادعای خود راستگو بود. او خنده ای بر لب آورده و سپس با کلام لطیف و زیبا و طنز گو در حالیکه کم تر عادت به شوخی داشت چنین گفت: اگر ابوبکر آن روز فدک را به مجرد ادعای فاطمه علیها السلام به او می داد، فردا به سراغش می آمد و ادعای خلافت برای همسرش می کرد و وی را از مقامش کتار می زد و از هیچ گونه عذری و دفاعی از خود نداشت، زیرا با دادن فدک پذیرفته بود که فاطمه هر چه را ادعا کند راست می گوید و نیازی به دلیل و شاهد ندارند، سپس ابن الحدید اضافه می کند: این یک حقیقت است، گرچه استادم آن را به عنوان مزاح مطرح کرد. (۳۷۵)

### انگیزه های مطالبه فدک

نخستین انگیزه مطالبه فدک از جانب فاطمه علیها السلام این بود که با مطالبه فدک و پس گرفتن آن، می توانست خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام را که با توطئه سقیفه بنی ساعده از دستش خارج نمود بودند و ابوبکر را جانشین وی کرده بودند به شوهرش باز گرداند و از حقوق آن حضرت دفاع کند. انگیزه دوم این است که حق گرفتاری است نه دادنی. هر کس موظف است حقوق از دست رفته اش را مطالبه کند و باز ستاند، اگر چه نسبت به آن احساس بی نیازی کند این کار باز هد و تقوای انسان منافات ندارد،

چه سکوت در برابر ظلم، کمک به ظلم است. سوم: این که انسان هر چند به دنیا دل بستگی نداشته باشد، ولی برای حفظ آبرو و امرار معاش و ادامه زندگی به عوامل مادی نیازمند است و از طرفی می‌تواند از ثورتش برای کمک به دیگران استفاده نماید. کما اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز رسالت با ثروت خدیجه توانست علاوه بر احیای دین خدا، به یاری بینویان و تهیدستان بشتابد. چهارم: انسان به اقتضای عقل باید به دفاع از حقش پردازد. اگر پیروز شد به هدف خود دست می‌یابد و اگر نتوانست به حق خود برسد مظلوم واقع خواهد شد و با این مظلومیت، غاصب و ستمگر را که مدعی درستی رسوا خواهد کرد، و بهترین وسیله جلب قلوب مردم است. (۳۷۶) خطبه حضرت صدیقه طاهره در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) از عایشه نقل می‌کنند که فاطمه زهرا علیها السلام چند نفر را نزد ابوبکر فرستاد و از عمال او شکایت کرد و پیغام داد: که فدک میراث من است و آنچه از خمس خیر باقی مانده بهره ما می‌باشد و دستور ده فدک را برگردانند. ابوبکر به فرستادگان دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: من از پدرت شنیدم که فرمود: نحن معاشر الانبیاء لانورث؛ ما جماعت پیغمبران ارث نمی‌گذاریم. برای فاطمه علیها السلام خبر آوردند که ابوبکر چنین می‌گوید. حضرت فاطمه علیها السلام چادر خواست و با زنان بنی هاشم به مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدند، پرده ای حایل کشیدند، و حضرت فاطمه علیها السلام پشت پرده نشست. چنان آهی از دل پر درد در فراق پدر کشید که مهاجر و انصار به گریه در آمدند. بعد از چند لحظه که حصار آرام شدند، آنگاه روی سخن با ابوبکر کرده و این چنین خطبه نمود. سپاس و ستایش پروردگاری را که دست بخشنده او از آستین آفرینش بیرون آمد و به اشباح بی رنگ صحرای عدم رنگ وجود بخشید و از نیستی و کتم عدم لباس هستی پوشانید. سپاس او را که ما را این درس آموخت و شکر گذاری را وظیفه ما گردانید... چه کسی گفته است فاطمه از میراث پدر محروم است؟ آن کیست که حصار قانونی ارث را شکست و آیات قرآن را به مقتضای میل تغییر داده است؟ ای مهاجر و انصار: ابوبکر با من داستانها گوید و سخنها سراید، که سخت شگفت انگیز است. من از گفتار این مرد غرق حیرتم! او چنین فکر می‌کند که خود می‌تواند میراث ابی قحافه را در اختیار گیرد، اما میراث محمد (صلی الله علیه و آله) بر فاطمه حرم است! به او تلقین کرده اند که پیغمبران برای بازماندگان خویش میراث نمی‌گذارند و از پدرم روایت آورده اند که: نحن معاشر الانبیاء لانورث، اما فراموش کرده اند که قرآن مجید اجازه نمی‌دهد کسی بیهوده از بان محمد (صلی الله علیه و آله) سخن گوید. من اکنون قرآن مقدس را پیش چشم شما می‌گشایم و آیات آن را بر شما می‌خوانم. تا بنگرید روایت ابوبکر منطبق با قرآن است یا مخالف آن؟ آنگاه از سوره نمل آیه ۱۶ تلاوت نمودند: و ورث سلیمان داود (۳۷۷) و از سوره مریم گفتار زکریا را که خبر می‌دهد. ... فهب لی من لدنک ولیا (۵) یرثنی و یرث من آل یعقوب... (۳۷۸) را تلاوت کرد. سپس فرمود: ای مهاجر و انصار شما چه می‌گوئید؟ شما چگونه می‌خواهید فاطمه دختر محمد را که جگر گوشه او و پرورش یافته به آئین اوست از میراث محمد (صلی الله علیه و آله) بی بهره سازید؟ در این موقع روی به ابوبکر کرد و فرمود: من روز رستاخیز گریبان تو را خواهم گرفت و حق پایمال شده امروز را از تو باز ستانم. قالت فاطمة الزهراء علیها السلام: الحمد لله علی ما انعم، و له الشکر علی ما الهم، و الثناء بما قدم من عموم نعم ابتداها، و سبوغ آلاء اسداها، و تمام منن والاها، جم عن الا حصاء عددها، و ناءى عن الجزاء امدها، و تفاوت عن الادراک ابدها، و ندبهم لاستیزادتها بالشکر لاتصالها و استحمد الی الخلاق باجزالها، و ثنی بالنذب الی امثالها. و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له کلمة جعل الاخلاص تاء ویلها، و ضمن القلوب موصولها و انار فی التفکر معقولها. الممتنع من الابصار رویته و من الالسن صفته و من الاوهام کیفیته. ابتداء الاشياء لا من شیء کان قبلها، و انشاءها بلا احتذاء امثلة امثالها، ثم جعل الثواب علی طاعته و وضع العقاب علی معصيته ذیادة لعباده عن نقمته و حیاشة لهم الی جنته و اشهد ان ابی محمدا عبده و رسوله، اختاره و انتجبه قبل ان ارسله، و سماه قبل ان اجتبه، و اصطفاه قبل ان ابتعثه. ثم قالت: ایها الناس اعلموا انی فاطمة و ابی محمد اقول عودا و بدءا و لا اقول ما اقول غلطا، و لا اقول ما اقول شططا. فان تعزوه و تعرفوه تجدوه ابی دون نسائکم اخابن عمی دون رجالکم و لنعم المزی الیه. فبلغ الرسالة صادعا بالندارة مائلا عن مدرجة المشرکین. و انی

تو فکون؟ و کتاب الله بین اظهر کم، اموره ظاهره و احکامه زهراء و اعلامه باهره و زواجره لائمه و اءوامره واضحه... ستایش خداوند را، بر نعمتهای که به ما بخشید، و شکر او را بر آنچه الهام فرمود. حمد و ثنا بر خداوند، در برابر نعمتهایی که از پیش فرستاد و نعمتهائی که آفرید و نعمتهای فراوانی که به انسانها عطا فرمود، و تمام منتها و نعمتهایی که پیاپی فرستاد. نعمتهایی که شمارش آن از توان اسنان فروتر، و پاداش آن ناممکن و درک دامنه و گستردگی آن از ادراک و هوش بشر فراتر است. مردم را به شکر گزاری فرا خواند، تا نعمتها را پیاپی فرستد و به حمد و سپاس دانمایی کرد. تا نعمتها را فزونی بخشد و با درخواست بندگان، نعمتها را چند برابر نماید. گواهی می‌دهم، به جز الله، خدایی نبوده و شریکی برای او نیست، تفسیر این گواهی و شهادت تن اخلاص است و پایبند آن، قلبهای آگاه که در پیشگاه تفکر و اندیشه، معنای آن را روشن فرمود. خداوندی که چشمها او را نمی‌توانند بنگرند، و زبانها از وصف او عاجزند. و هم و خیال از درک ذات او فرو مانده اند. اشیای عالم را بدون اینکه چیزی موجود باشد آفرید، و بدون مثال و نمونه ای ایجاد کرد. آنگاه پاداش را بر اطاعت و بندگی، و عذاب را در مخالفت و سرپیچی قرار داد، تا بندگان را از عقوبت برهان و به سوی بهشت سوق دهد. سپس فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه علیها السلام هستم! و پدرم محمد (صلی الله علیه و آله) است. آغاز و پایان سخن من بر حق است. آنچه می‌گویم ناروا نیست و آنچه انجام دهم بر ظلم و ناروا تکیه ندارد. اگر او را (محمد (صلی الله علیه و آله)) بشناسید، می‌دانید، می‌دانید که پدر من است. نه پدر زنان شما، و برادر پسر عموی من (علی علیه السلام) است نه مردان شما. چه نیکو بزرگواری است که این نسبت را به او دارم. پیامبر را سالت خود را به گوش مردم رساند و آنان را از عذاب الهی ترساند. راه خود را از پرتگاه سقوط مشرکین گردانید. چرا بیراهه می‌روید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شماست، مطالبش روشن است و احکام آن درخشان، و نشانه‌های هدایت آن آشکار و نهی و هشدارهای آن روشن و او امرش واضح است.

### داستان فدک

فدک، روستای آباد و حاصل خیزی است که در سرزمین حجاز واقع شده و بین این قریه تا مدینه منوره دو یا سه روز فاصله است. بعضی مسافت آن را ۱۴۰ کیلومتر نوشته‌اند. این روستا دارای چشمه‌های جوشان و درختان فراوان بوده و بعد از خیبر، بالاترین تکیه گاه اقتصادی یهودیان حجاز به حساب می‌آمده است. مشهور بین مورخان این است که در سال هفتم هجرت، بعد از فتح خیبر و قلعه‌های یهودی نشین، وحشت و ترسی در دل اهل فدک به وجود آمد. رسول خدا محیصه بن مسعود را جهت مذاکره با اهل فدک فرستاد. یهودیان پس از مذاکره با فرستاده پیامبر، نون بن یوشع و چند تن از رؤسای قبایل را، همراه، محیصه خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرستادند و قرار داد صلح را بر اساس واگذار نمودن نیمی از فدک به آن حضرت امضاء کردند و به این ترتیب فدک بدون درگیری و خونریزی فتح گردید و یهودیان اهل فدک تسلیمی شدند و امان گرفتند و خداوند آیات ذیل را بر رسول اکرم نازل فرمود: و ما افاء علی رسوله منهم فما اوجفتم علیه من خیل و الارکاب و لکن الله...؛ و آنچه را که خداوند از آنان (یهود) به رسولش باز گرداند (و بخشید) چیزی است که شما برای بدست آوردن آنها زحمتی نکشیده‌اید، نه اسبی تاخید و نه شتری، ولی خداوند پیامبران خود را بر هر کس بخواهد مسلط می‌نماید و خداوند بر هر چیزی تواناست. آنچه را که خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش باز گرداند، از آن خدا و رسولش و خویشاوندان او می‌باشد. (۳۷۹) به این ترتیب فدک ملک خالص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گردید و پس از نول آیه و آت ذالقربی حقه (۳۸۰) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فدک را به دخترش فاطمه زهراء بخشید و علی علیه السلام و ام ایمن را بر این هدیه گواه گرفت. در آمد فدک را چنان که ابن طاووس می‌گوید، سالیانه به ۲۴ هزار دینار و به روایتی بالغ بر هفتاد هزار دینار می‌شد. گویا این تفاوت در آمد به اعتبار اختلاف عواید سنواتی بوده است. (۳۸۱)

## فدک در طول تاریخ

بودن فدک در دست علی علیه السلام و خاندان اهل بیت علیه السلام می توانست پشتوانه ای اقتصادی باشد تا آنان با توان سیاسی و امکانات مالی بتوانند در گسترش ولایت گام بردارند. از این رو خلفای غاصب بعد از پیمبر (صلی الله علیه و آله) پس از تصرف کرسی خلافت سعی کردند فدک را که روستای حاصل خیز و پر در آمدی بود، با هر حيله ای از دسترس زهراى اطهر و علی علیه السلام در آورند و آنان را از حق مسلم خود و ارث پدر محروم نمایند. مراحل غصب فدک و بر گرداندن آن در دوره های مختلف به شرح زیر است: ۱- ابوبکر پس از نشستن بر کرسی خلافت، این آبادی را تصرف و جزء اموال عمومی و ثورت ملی اعلام کرد و مأموران وی افراد منصوب شده از سوی فاطمه زهراء علیها السلام را از فدک بیرون راندند و تلاش های دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جهت برگرداندن فدک به جایی نرسید. ۲- خلیفه دوم: پس از قرار گرفتن بر مسند خلافت، فدک را به ورثه رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، نه اولاد فاطمه و علی علیه السلام باز گرداند تا برایش کسب آبرویی شود و اعمال گذشته شان در مورد فدک ... به و در نامه خود به عثمان بن حنیف نوشت: مرا با فدک چه کار؟ در حالی که فردا بدنمان به خاک سپرده خواهد شد. جریان فدک تا زمان عمر بن عبدالعزیز همچنان ادامه داشت. اما از آنچه که او نسبت به اهل بیت علیه السلام برخورد ملایم و مناسب در پیش گرفته بود، به فرماندار خود در مدینه عمرو بن حزم دستور داد تا فدک را به فرزندان فاطمه علیها السلام باز گردانم و او چنین کرد. ۳- یزید بن عبدالملک از خلفای بنی امیه پس از چندی مجدداً آن را غصب نمود. ۴- پس از انقراض بنی امیه، ابوالعباس سفاح، خلیفه معروف عباسی، فدک را به عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام باز پس داد، چون وی را نماینده بنی فاطمه می دانستند. ۵- پس از مدتی کوتاه، او جعفر عباسی فدک را از بنی الحسن گرفت، چون آنان قیامی را علیه بنی عباس انجام دادند. ۶- مهدی عباسی فرزند ابو جعفر عباسی بار دیگر آن را به بنی فاطمه باز گرداند. ۷- موسی بن الهادی، خلیفه دیگر عباسی باز فدک را غصب کرد و بعد از آن هارون الرشید راه و رسم او را در این امر ادامه داد. ۸- مأمون فرزند هارون برای چندمین بار، پس از استقرار بر کرسی خلافت در سال ۲۱۰ه ق فدک را با احترامی خاص به بنی فاطمه علیها السلام پس داد. ۹- متوکل عباسی فدک را در خلافت خود بار دیگر غصب کرد. ۱۰- منتصر عباسی دستور داد آن را در سال ۲۴۸- ق مجدداً به فرزندان امام حسن و امام حسین علیه السلام باز گردانند و بدین ترتیب فدک هر روز در دست گروهی قرار گرفت و ابزاری جهت اعمال سیاست های حکام بنی امیه و بنی عباس شد. هر گاه می خواستند دست بر روی آن می گذاشتند و یا رهایش می کردند که سرانجام ویران شد و درختانش خشک گردید. (۳۸۲) ابوبکر شاهدان فاطمه علیها السلام را رد کرد پس از جریان مصادره فدک سرانجام ابوبکر از فاطمه علیها السلام گواهی و شاهد بر گفتارش می طلبد، و آن حضرت ام ایمن و امیرالؤمنین علیه السلام و به روایتی حسین علیه السلام را به عنوان شاهد معرفی می کند. نخست ام ایمن نزد ابوبکر حاضر می شود و می گوید: ای ابوبکر! تو را به خدا سوگند می دهم که آیا پیامبر نفرمود که: ام ایمن از اهل بهشت خواهد بود؟ ابوبکر گفت: شنیدم. آنگاه ام ایمن گفت: من گواهی می دهم که خداوند متعال به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وحی فرستاد که حق ذی القربی را بده، و پیامبر به دنبال این وحی، فدک را به فاطمه علیها السلام داد. سپس علی علیه السلام نزد ابوبکر آمد و به همین نحو شهادت داد. ولی ابوبکر شهادت هیچ کدام را نپذیرفت و گفت: چون ام ایمن زن است، شهادت زن صحیح نیست و گواهی علی علیه السلام را هم، چون وی شوهر فاطمه علیها السلام است و به نفع خود گواهی می دهد و حق را به سوی خود می کشد. نپذیرفت! برخی نوشته اند که بعد از سخنان فاطمه علیها السلام و گواهی آوردن علی علیه السلام و ام ایمن، ابوبکر حاضر شد فدک را به فاطمه علیها السلام برگرداند و نامه ای هم در این باره نوشت و به آن حضرت داد، ولی عمر اطلاع یافت و گفت: این چه نامه ای است؟ ابوبکر گفت: فاطمه ادعای مالکیت فدک را کرد و شاهدان بر صدق گفتار او گواهی و شهادت دادند و من این نامه را نوشتم. عمر، نامه را از دست

فاطمه علیها السلام گرفته و پاره کرد... دختر رسول خدا گریان شد و بیرون رفت. در مورد شاهدان حضرت فاطمه علیها السلام گفت: و اما ام ایمن زنی اعجمی است و درست حرف نمی زند و علی علیه السلام هم آتش را به طرف نان خود می کشاند، یعنی به بهانه همسرش، به نفع خویش تلاش می کند. (۳۸۳)

### سخنان فاطمه علیها السلام در برابر هجوم کنندگان به خانه خود

وقتی که عمر همراه جماعت بسیاری به در خانه حضرت علی علیه السلام آمد و از آن حضرت خواست که از خانه برای بیعت با ابوبکر بیرون بیاید، حضرت علی علیه السلام امتناع ورزید، باری عمر پیام فرستاد که ممکن نیست من از خانه بیرون بیایم، زیرا من مشغول جمع آوری و تنظیم قرآن هستم که شما آن را به پشت سر خود افکنده اید، و دلبستگی به دنیا شما را به خود سرگرم ساخت، و من سوگند یاد کرده ام که از خانه ام بیرون نیایم و عبا بر دوش نیفکنم تا قرآن را جمع و تنظیم کنم. در این هنگام فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از خانه بیرون آمد و کنار در خانه در برابر جمعیت ایستاد و فرمود: من قومی را نمی شناسم که مثل شما بد محضر (بد برخورد) باشند، جنازه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در دست ما رها کردید، (امر خود را بین خود بریدید. (مساءله رهبری را نزد خودتان بدون مشورت با ما پایان دادید) پس با ما مشورت نکردید، حق ما را نادیده گرفتید، گویا اصلا به جریان روز غدیر آگاهی ندارید، و سوگند به خدا، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آن روز، دوستی و ولایت علی علیه السلام را از مردم عهد گرفت، تا میان شما را از دستیابی به مقام رهبری قطع کند، ولی شما رشته های پیوند خود با پیامبران را بریدید. و الله حسیب بیننا و بینکم فی الدنیا و الاخره خداوند در دنیا و آخرت، بین ما و شما حکم و داوری کند. (۳۸۴)

### محدوده فدک از نظر امام کاظم علیه السلام

هارون به امام کاظم علیه السلام گفت: یا ابالحسن! فدک را بگیر تا آن را به تو باز گردانم. امام کاظم علیه السلام از آن سرپیچی می کرد، تا اینکه هارون بر این مطلب پافشاری کرد، امام فرمود: من فدک را با حدود آن تحویل می گیرم. هارون گفت: حدود آن کدام است؟ امام فرمود: اگر حدود آن را معین کنم، آن را بر نمی گردانی. هارون گفت: به حق جدت که بر می گردانم. امام علیه السلام فرمود: حد اول، عدن است. چهره هارون تغییر کرد و گفت عجب! حد دوم: سمرقند رنگ رخسار هارون تیره تر شد. حد سوم: آفریقا چهره هارون سیاه شد و گفت: عجب! حد چهارم: ساحل دریا در امتداد خزر و ارمنستان. هارون گفت: بنابر این چیزی برای ما باقی نماند، پس بفرما در جای من بنشین! امام کاظم علیه السلام فرمود: به تو گفتم که اگر حدود فدک را تعیین کنم، آن را بر نمی گردانی. (۳۸۵)

### سخنان فاطمه علیها السلام در مورد فدک

حضرت فاطمه علیها السلام در پاسخ عایشه دختر طلحه فرمود: تو از من درباره جنایتی پرسش می کنی که دل مرغان هوا از شنیدن آن کباب است و قدمهای انسان را سست می کند و به لرزه در می آورد، گرد و غبارش به آسمان رفته داستان مصیبت بارش در زمین به جای مانده است. فرزند فرومایه ابی قحافه از قبیله تیم و حقه باز قبیله عدی خواستند تا با ابوالحسن علی علیه السلام رقابت کنند و چون نتوانستند کاری از پیش ببرند، بغض گلویشان را فشرده، کینه و دشمنی او را در سینه هایشان پنهان کرده و ظاهر آن را در خون فرود بردند، همین که چراغ دیانت خاموش و پیامبر امین دیده از جهان فرو بست، کینه هایشان به جوش، و خشمشان به خروش آمد، شیطان حاکم بر افکار و گفتارشان گشته، بی درنگ دست روی فدک گذاشته آن را غصب کردند. همان سرزمین

که ملک خاص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و عطیه پروردگار به برگزیده با وفایش بود. آن حضرت ملک مخصوص خود را به خاطر کودکان گرسنه ام که نوادگان پاک او بودند به من بخشید. خداوند از این بخشش آگاه، و امین وحی او بر این واگذاری گواه بود. حال که معونه وارث مخصوصم را از من گرفته و سایبانم را از سرم ربوده اند و نیز از مختصر روزی و قوتی که داشتم، مرا باز داشته و حقم را خورده اند، در روز قیامت شکایتشان را به خدا کرده، خورنده اش شعله های جهنم را به همراه آب داغ و گداخته خواهد دید. (۳۸۶)

### طلب یاری از مردم

در روایت آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سقیفه بنی ساعده شبها به همراه علی علیه السلام و فرزندانش حسن و حسین علیه السلام به در خانه مهاجر و انصار می رفت و آنها را به نصرت و یاری علی علیه السلام دعوت می کرد. آنها در جواب می گفتند: ای دختر رسول خدا! ما با ابوبکر بیعت کرده ایم و دیگر کار گذاشته است. اگر قبل از این پسر عمت ما را به بیعت خود دعوت می کرد البته با او بیعت می کردیم. علی علیه السلام در جواب آنها می فرمود: چگونه می توانستم پیکر مطهر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را بی غسل و کفن بر جای بگذارم و برای بیعت به نزد شما بیایم؟ چگونه می توانستم در امر خلافت با مردم مبارزه کنم در حالی که هنوز پیکر مطهر پیامبر بر روی زمین بوده؟ مگر کسی را باور می شد که مدعیان خلافت این گونه حق وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را غصب کنند؟ حضرت زهراء علیها السلام در جواب آنها می فرمود: ابوالحسن کاری غیر از آنچه که سزاوار و مناسب او بود، انجام نداد و آنان نیز کاری کردند که حسابشان با خداست و خداوند از آنان باز خواست خواهد کرد. (۳۸۷)

### گریه فاطمه علیها السلام بر مظلومیت علی علیه السلام

از جعفر بن محمد، از پدران بزرگوارش روایت شده که فرمود: هنگامی که موقع رحلت حضرت فاطمه علیها السلام رسید، گریه اش گرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام از آن حضرت پرسید: ای بانوی من! چرا گریه می کنی؟ فرمود: گریه من به خاطر پیشامدهایی است که پس از وفات من خواهی دید. علی علیه السلام فرمود: گریه نکن! به خدا سوگند این مطالب در راه خدا برایم کوچک است. آنگاه حضرت زهراء علیها السلام به او وصیت کرد که ابوبکر و عمر را در تشییع جنازه اش خبر نکنند. علی علیه السلام نیز به وصیت های همسرش عمل نمود. (۳۸۸)

### استدلال علی علیه السلام در مورد فدک

علی علیه السلام به مسجد نزد ابوبکر رفت در حالی که عده ای از مهاجران و انصار اطراف او را گرفته بودند به او خطاب کرده و فرمود: چرا فاطمه علیها السلام را از تصرف در میراثش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منع کردی، با اینکه در زمان حیات پیامبر آنجا را در تصرف خود داشت؟ ابوبکر پاسخ داد: فدک فیء و غنیمت مسلمانان است، اگر فاطمه بر این مطلب گواه و شهودی بیاورد به او می دهم و گر نه حقی در آن نخواهد داشت. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تو در بین ما بر خلاف حکم خداوند درباره دیگر مسلمانان حکم می کنی؟ گفت: نه حضرت فرمود: اگر چیزی در دست مسلمانان باشد و من مدعی آن شوم، تو از چه کسی مطالبه شهود و بینه می کنی؟ گفت از تو شاهد خواهم خواست. فرمود: پس چرا از فاطمه علیها السلام مطالبه شهود می کنی با اینکه هم اکنون فدک در دست اوست و در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پس از رحلت آن حضرت، آنجا را تملک کرده است و از مسلمانانی که مدعی آن شده اند بینه و شاهد می خواستی؟ ابوبکر ساکت شد و عمر



گفت: ای علی! دست از این سخنان بردار! ما نمی‌توانیم در مقابل تو استدلال کنیم. (۳۸۹)

### عثمان از ارث فاطمه علیها السلام دفاع کرد

زنان پیغمبر مقرر سالیانه از بیت المال دریافت می‌داشتند. عایشه و حفصه سالی دو هزار دینار و بقیه زوجات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سالانه ده هزار دینار به عنوانه مقدری می‌گرفتند. در زمان حکومت عثمان، حفصه و عایشه جهت مطالبه مقرر خود نزد عثمان آمدند. عایشه گفت: ای عثمان! آنچه پدر و عمر بن خطاب به من عطا می‌کردند تو نیز به من بده. عثمان گفت: ابوبکر و عمر به میل خود به تو چیزی می‌دادند، ولی من در کتاب و سنت چیزی نیافتم که به تو عطایی بدهم، من چنین کاری نمی‌کنم. عایشه گفت: پس میراث مرا که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من رسیده، به من بده. عثمان گفت: مگر فراموش کرده‌ای که فاطمه علیها السلام نزد پدرت آمد و مطالبه میراث خود که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) باقی مانده بود کرد، تو و مالک بن اوس گواهی دادید که پیامبر چیزی را به ارث نمی‌گذارد، تو حق ارث فاطمه علیها السلام را باطل کردی و اینک آمده‌ای آن ارث را مطالبه می‌کنی؟ من هرگز چیزی به تو نمی‌دهم. به گفته طبرسی: عثمان در این موقع تکیه داده بود، وقتی سخنان عایشه را شنید برخاست و نشست و گفت: فاطمه علیها السلام اینک چه خوش خواهد دانست که امروز من پسر عمومی هستم پشتیبان او، آیا تو نبودی (عایشه) که همراه یک اعرابی که با بول خود وضو گرفت، نزد پدرت شهادت دادید که کسی از پیامبر ارث نمی‌برد و فاطمه را از ارث محروم کردی؟ (۳۹۰)

### دیدار ام سلمه با فاطمه علیها السلام

مرحوم ابن شهر آشوب در مناقب از ام سلمه نقل می‌کند که: پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دین فاطمه علیها السلام آمدم و حال آن حضرت را پرسیدم، فاطمه، در جواب فرمود: صبح کردم در حالی که میان غم و اندوه بسیار هستم، فقدان پیغمبر و ظلمی که نسبت به وصی او انجام شده، به خدا سوگند پرده حرمتش را دریدند. مقام امامت و رهبریش را بر خلاف تنزیل کتاب خدا و تاءویلی که پیغمبر از آن فرمود از دستش رفته و از او گرفتند، و انگیزه‌ای نداشتند جز کینه‌هایی که از جنگ بدر از او داشتند. و انتقامهایی که بدین وسیله از جنگ احد می‌خواستند بگیرند، و آن کینه و انتقامها را در دلهای نقاق جویانه خویش پنهان کرده بودند... (۳۹۱) سخنان فاطمه علیها السلام در جمع زنان مدینه گروهی از زنان مدینه در ایام بیماری حضرت به دیدنش آمدند و از احوالش پرسیدند حضرت فرمود: به خدا سوگند روزی دارم که از دنیای شما بیزار و از مردان شما خشمناکم، پیش از آنکه چشم‌امیدی به یاری و کمک آنها داشته باشم آنان را از پیش نظر خود به کناری افکندم و پس از آنکه در معرض آزمایششان در آوردم آنان را دشمن خود دانستم و چه زشت است در میدان مبارزه شمشیر شکسته و نیز سست و راء و تدبیر پراکنده و مضطرب! به راستی به دست خود چه کردار زشتی را برای فردای خویش فراهم کرده که مرود خشم خدای تعالی قرار گرفته و در عذاب الهی مغلط هستند. و ای بر اینان! به چه منظوری و چه این منصب الهی را از فراز پایاهای محکم و ستونهای غیر قابل تزلزل رسالت و نبوت و مهبط وحی امین، و خبیر و ماهر در امر دنیا و دین بر کنندند؟ به راستی که این کارشان همانا خسران و زیانی است آشکار. آخر اینان از ابوالحسن چه عقده‌ای در دل داشتند؟!... (۳۹۲)

### فاطمه علیها السلام یکی از بکائین

ابن بابویه روایت کرده است که بکائون (یعنی بسیار گریه‌کنندگان) پنج نفر بودند. آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله) و علی بن الحسین علیه السلام. اما حضرت آدم، پس از در مفارقت بهشت آن قدر گریست که به روی او اثر

گریه مانند دو نهر مانده بود. اما یعقوب پس بر مفارقت یوسف آن قدر گریست که نابینا شد. اما یوسف، او هم در فراق یعقوب آن قدر گریست تا آنکه اطرافیان او در زندان به او گفتند که یا شب گریه کن یا روز، تا ما در وقتی آرام بگیریم. اما فاطمه علیها السلام پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آنقدر گریه می کرد که اهل مدینه به نزد علی علیه السلام آمدند و از گریه فاطمه شکایت کردند، پس آن حضرت روزها به مقبره شهدایی احد می رفت و در آنجا عزاداری می کرد و شب به خانه بر می گشت. اما علی بن الحسن علیه السلام، که بر مصیبت پدرش بیست سال یا به روایتی چهل سال گریست و هر وقت طعامی نزد حضرت می گذاشتند گریه می کرد هر وقت نگاهش به آن می افتاد گریه می کرد تا اینکه به ایشان عرض کردند یا بن رسول الله! می ترسیم که خود را از گریه هلاک کنید؟ فرمود: شکایت می کنم مصیبت و اندوه خود را به سوی خدا و می دانم از خدا آنچه شما نمی دانید. همانا به یاد نمی آوردم شهادت فرزندان فاطمه علیها السلام را مگر آنکه گریه در گلوی من می گیرد. (۳۹۳)

## فصل دهم: ادعیه و اذکار

### عشق فراوان فاطمه به جمال زیبای پروردگار

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از فاطمه علیها السلام پرسید: فاطمه جان! چه در خواست و حاجتی دارد؟ هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خداوند پیام آورده است تا هر چه بخواهی تحقق پذیرد. فاطمه علیها السلام پاسخ داد: شغلنی عن مسئلته لذة خدمته، لا حاجة لی غیر النظر الی وجهه الکریم؛ لذتی که خدمت حضرت حق می برم، مرا از هر خواهشی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته نظاره گر جمال زیبا و والای خداوند باشم. (۳۹۴)

### تسبیح حضرت فاطمه زهرا و فضایل آن علیه السلام

طبق روایات وارده: مشهور آن است که تسبیح حضرت زهراء در دو جا، یکی پس از نماز و دیگری به هنگام خوابیدن مستحب است. رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: تعقیباتی هست که هر کس آنها را بعد از تمامی نمازهای واجب بگوید ناکام و ناامید نشود، آن عبارت است از: ۳۳ مرتبه سبحان الله ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۴ مرتبه الله اکبر. صاحب وسائل اشیعه از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: تسبیح فاطمه علیها السلام را بگو! و آن سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله است. به خدا سوگند که اگر چیزی برتر از آن وجود داشت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آن را به دخترش آموزش می داد. در جای دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: خداوند به هیچ تحمیدی برتر از آن عبادت نشده است و اگر برتر از آن چیزی وجود داشت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آن را به دخترش می بخشید (۳۹۵) گفت آن پس از هر نمازی در هر روز نزد امام صادق علیه السلام محبوبتر از هزار رکعت نماز در هر روز است و هر بنده ای که ملازم و متعهد نسبت به آن باشد، هیچ گاه شقی و بدبخت نخواهد شد، بنابر این همان گون که کودکان را به اصل خواندن نماز امر کرده، می باید به خواندن این تعقیبات نیز امر نمود، زیرا هر چند این ذکر در زبان صد تاست ولی در میزان الهی هزار تا به شمار می آید، شیطان را دور می سازد و خشنودی پروردگار را جلب می نماید، سنگینی هایی را که در گوشها وجود دارد بر طرف می کند و آن را هیچ بنده ای نمی گوید مگر اینکه قبل از اینکه پایش را از جای نماز بر دارد و تکان بخورد، خداوند او را می بخشد و بهشت را بر او واجب می گرداند. مخصوصا پس از نماز صبح و هنگامی که آن را با گفتن لا اله الا الله تکمیل کند و سپس استغفار نماید. با گفتن این تسبیحات است که بنده خدا در جمله کسانی محشور می شود که بسیار ذکر خدا می گویند. لذا کرین الله کثیرا و شایسته آن می شد که خداوند از او یاد کند همان گونه که خداوند وعده کرده و فرموده است: فاذکرونی اذکرکم

(۳۹۶) روایت شده است که: هر گاه حورالعین یکی از فرشتگان را ببیند که برای کار به سوی زمین می‌آورد، با تسبیحی که از خاک قبر امام حسین علیه السلام درست شده است راه او را پیدا می‌کنند. از حضرت کاظم علیه السلام نیز روایت شده است که فرمود: مؤمن از پنج خصلت خالی نیست: مسواک، شانه، سجاده، تسبیح سی و چهار دانه و انگشتر عقیق. (۳۹۷)

### فضیلت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در شب

در روایت آمده که: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که به رختخواب می‌روید، یک فرشته بزرگوار و یک شیطان ناپاک و سرکش و شروری با شتاب به سویتان می‌آیند، فرشته می‌گوید: روز خویش را با عمل خیر ختم کن و شب خود را با عمل خوب آغاز نما، اما شیطان می‌گوید: روز خود را با گناه ختم کن و شب خود را با گناه آغاز کن. امام علیه السلام در ادامه افزود: اگر شخصی از فرشته بزرگوار اطاعت کند و روز خود را با یاد خدا به پایان برد و وقتی وارد جایی که می‌خواهد بخوابد شد، شب خود را با یاد خدا آغاز نماید و سی و چهار بار تکبیر، و سی و سه مرتبه تسبیح، و سی و سه بار حمد خدا را بگوید. فرشته، شیطان را از او دور می‌کند، و شیطان دور می‌شود، و تا هنگام بیدار شدن از خواب آن فرشته از او نگهداری می‌کند. وقتی بیدار شد، شیطان با شتاب به پیش آمده و مشابه سخنی را که پیش از خواب به وی گفته بود می‌گوید، اگر بنده به همان صورتی که نخست خدا را یاد کرد، خداوند عزوجل را یاد کند، فرشته شیطان را از او دور می‌کند و خداوند در برابر این عمل، عبادت یک شب را برای او می‌نویسد. و در جای دیگر فرمود: هر کس شب را با تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام سپری کند از مردان و زنان باشد که خدا را زیاد یاد می‌کند. همچنین از امام هادی علیه السلام در باره آنچه که اهل بیت علیه السلام هنگام خوابیدن انجام می‌دهند، آمده است: ما اهل بیت در هنگام خوابیدن ده کار را پیوسته انجام می‌دهم: طهارت، سی و سه بار تسبیح خدا، و سی و سه بار حمد، و سی و چهار بار تکبیر گفتن و رو به سوی قبله خوابیدن و فاتحه‌الکتاب و آیه‌الکرسی و... هر کس این کارها را انجام دهد بهره آن شب را بر گرفته است. (۳۹۸)

### تسبیح حضرت فاطمه از بیان امام صادق علیه السلام

در مکارم الاخلاق نقل شده که در دست حضرت فاطمه علیها السلام تسبیحی از نخ پشمینی که صد گره خورده بود وجود داشت که تعداد تکبیرها در آن باکره موجود بود که در دست می‌گردانید و تکبیر گفته و تسبیح می‌کردند، تا این که حمزه سید الشهداء عمومی پیامبر شهید شد پس از شهادت حمزه حضرت از تربت حمزه سید الشهداء برای ساختن دانه‌های تسبیح استفاده کردند. وقتی که موضوع شهادت حضرت امام حسین علیه السلام سالار شهیدان واقع شد مردم از خاک و تربت سرور جانبازان عالم برای ساختن دانه‌های تسبیح استفاده نمودند، زیرا فضیلتی عظیمی در آن وجود دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: تسبیح از نخهای آبی درست شده و سی و چهار دانه داشت و آن تسبیح مادر ما فاطمه زهرا علیها السلام بود، که بعد از شهادت حمزه از خاک قبر او دانه‌های تسبیح را ساختند و با آن تسبیح می‌گفتند. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کسی تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید قطعاً خدای را فراوان ذکر نموده است.

### تعلیم دادن تسبیح به فاطمه علیها السلام توسط پدر

علی علیه السلام در گفتگویی که با یکی از مردان بنی‌اسعد داشت به او فرمود: فاطمه علیها السلام در خانه تلاش بسیار می‌کرد، حمل آب، آرد کردن جو پختن نان و کارهای دیگر خانه، او را آزرده و خسته کرده بود. روزی شنیدم که بردگانی (غلام و کنیز) برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آورده‌اند، من به فاطمه علیها السلام گفتم: خوب است پیش پدرت بروی و از او درخواست

خدمتکاری نمایی تا در امر خانه داری به تو کمک کند. فاطمه علیها السلام به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید ولی مشاهده کرد که جمعی از اصحاب نزد آن حضرت نشسته اند و گفتگو می کنند. از شرم برگشت و چیزی نگفت، ولی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) متوجه آمدن فاطمه شدن بود، فردای آن روز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خانه ما آمد و فرمود: فاطمه جان! دیروز برای چه کاری آمده بودی؟ حیا موجب سکوت فاطمه شد. برای بار دوم پرسید و باز هم شرم فاطمه مانع شد تا چیزی بگوید. من عرض کردم: ای رسول خدا! فاطمه آنقدر در خانه من آسیاب کرده که دستش تاول زده و آنقدر آب کشیده که اثر بند مشک در گردنش مشاهده می شود، آنقدر خانه را جاروب کرده که جامه اش گرد آلود شده و آن قدر آتش روشن کرده که رنگ لباسهایش تغییر کرده، و ما شنیدیم که برای شما برده هایی آورده اند، از این رو من به او گفتم تا به نزد شما بیاید و از شما تقاضای کنیز کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وقتی که این سخن را شنید، فرمود: دخترم! می خواهی چیزی به تو آموزش دهم که از کنیز و خدمتکار بهتر باشد؟ بعد فرمود: شب هنگام خواب ۳۳ مرتبه خدای را با سبحان الله تسبیح کن و ۳۳ مرتبه الحمد لله بگو، نیز ۳۴ مرتبه الله اکبر را بر زبان بیاور. دخترم! اگر این ذکر را هر شب تکرار کنی، خداوند مشکلات دنیا و آخرت را بر تو آسان می گزrand. فاطمه علیها السلام بعد از شنیدن این سخنان، سه مرتبه گفت: از خدا و رسول خدا خوشنودم. (۳۹۹) نقل شده است بعد از خروج پیامبر اکرم از منزل فاطمه علیها السلام آیه ۳۰ سوره اسراء نازل شد و حضرت که همه وجودش رحمت و عطوفت بود. فضه را که زنی پرهیز کار بود برای کمک به خانه فاطمه فرستاد. (۴۰۰)

### درمان با تسبیح فاطمه علیها السلام

مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت با او سخن گفت، آن مرد کلام حضرت را نشنید و از سنگینی گوشش به حضرت شکوه نمود. حضرت به او فرمود: چرا از تسبیح فاطمه علیها السلام غافلای؟ آن مرد گفت: فدایت کردم تسبیح فاطمه چیست؟ حضرت فرمود: سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله می گویی تا این به عدد صد برسد و کامل گردد. آن مرد می گوید: پس از مدت کوتاهی به این تسبیحات مداومت کردم، سنگینی گوشم بر طرف شد.

### تلاوت قرآن فاطمه علیها السلام

امام محمد باقر علیه السلام از سلمان (ره) روایت می فرماید که: روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای امری مرا به سوی خانه فاطمه علیها السلام فرستاد. چون به در حجره فاطمه رسیدم، دیدم که آن حضرت آیات قرآن تلاوت می کند و با دست آسیاب می نماید. پیغام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را گفتم و برگشتم خدمت پیامبر و جریان کار فاطمه را گزارش دادم، پیغمبران (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا سلمان ان ابنتی فاطمة ملاء الله قلبها و جوارحها الی ماشاشها الطاعة الله ای سلمان! خداوند گوشت و پوست دخترم فاطمه را تا استخوان از ایمان پر فرموده و هیچگاه از فکر خدا دور نیست. (۴۰۱) ایمان و عبادت حضرت فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در باره حضرت فاطمه علیها السلام می فرمود: ایمان به خدا در اعماق دل و باطن روح زهراء علیها السلام چنان نفوذ کرده که برای عبادت خدا خودش را از همه چیز فارغ می سازد. فاطمه علیها السلام دخترم بهترین زن عالم است. پاره تن من و نور چشم من و میوه دل من و روح و روان من است. حوریه ای است به صورت انسان. آنگاه که در محراب عبادت می ایستد نورش برای فرشتگان آسمان درخشندگی دارد و خداوند به ملائکه خطاب می کند: بنده مرا ببینید! چطور در مقابل من به نماز ایستاده و اعضای بدنش را خوف می لرزد و غرق عبادت است! ای ملائکه گواه باشد که پیروان فاطمه را از عذاب دوزخ در امان قرار دادم. (۴۰۲)

## دعای خلاص شدن از زندان

سید بن طاووس (ره) در مهج الدعوات فرموده، روایت شده است که: شخصی در شام مدت زیادی محبوس بود، پس شبی حضرت زهراء علیها السلام را در خواب دید. حضرت دعایی به او تعلیم فرمود و به او گفت این دعاء را بخوان! چون شخصی محبوس این دعاء را خواند از زندان خلاص شد و به خانه خود رفت. و آن دعا این است: اللهم بحق العرش و من علاو، و بحق الوحی و من اوحاه و بحق النبی و من نباه، و بحق البیت و من بناه، یا سامع کل صوت، یا جامع کل فوت، یا باری النفوس بعد الموت، صل علی محمد و اهل بیته و اتنا و جمیع المؤمنین و المؤمنات فی مشارق الارض و مغارها، فرجا من عندک عاجلا، بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا عبدک و رسولک، صلی الله علیه و آله و علی ذریته الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا خدا یا به حق عرش و آنکه بر بالای اوست و به حق وحی و آنکه وحی به او می رسد و به حق پیامبر و آنکه به او پیام می دهد و به حق خانه کعبه و آنکه خانه را بنا کرد. ای شنونده هر صدا، ای جمع کننده هر چه نابود شده، و ای براگیزاننده جانها پس از مرگ، درود فرست بر محمد و اهل بیتش و به ما تمام مرد و زن اهل ایمان در مشرق و مغرب عالم فرج و گشایش عاجلا از جانب خود عطا فرما، به حق گواهی ما بر اینکه خدایی جز تو نیست و محمد بنده و فرستاده توست که درود خدا بر او بر آید او و ذریه او باد که همه نیکان و پاکان عالمنده و تحیت کامل فراوان بر آنان باد. (۴۰۳)

## اضافه شدن یک رکعت به نماز مغرب

از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا نماز مغرب سه رکعت است و نافله اش چهار رکعت که در سفر و حضر تقصیر در آن نیست؟ آن حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی همه نمازها را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صورت دو رکعتی نازل کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (به امر پروردگار) به همه نمازها به جز مغرب و نماز صبح دو رکعت اضافه نمودند، که در حضر به صورت تمام و در سفر به طور قصر خوانده شود. (۴۰۴) هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشغول اقامه نماز مغرب بودند، حضرت فاطمه علیها السلام بدینا آمدند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به شکرانه این نعمت (به امر پروردگار) یک رکعت به نماز مغرب اضافه فرمودند. پس چون امام حسن علیه السلام به دنیا آمد، دو رکعت دیگر به عنوان نافله به آن سه رکعت اضافه نمودند و زمانی که امام حسین علیه السلام به دنیا آمد، به نافله مغرب دو رکعت دیگر اضافه فرموده و آن را شکرانه تولد آن حضرت قرار دادند. (۴۰۵) نماز هدیه به حضرت فاطمه علیها السلام و ائمه معصومین علیه السلام در روایت آمده است: آدمی در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد، یعنی بعد از هر دو رکعت سلام بگوید، چهار رکعت آن را هدیه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) کند و چهار رکعت دیگر را هدیه به حضرت فاطمه علیها السلام و در روز شنبه چهار رکعت نماز به جای آورد هدیه به حضرت علی علیه السلام گردانه و همچنین هر روز از هفته را چهار رکعت نماز نماید و هدیه به امامی کند به ترتیب آنها تا آنکه روز پنجشنبه چهار رکعت و هدیه به امام جعفر صادق علیه السلام و دوباره در روز جمعه هشت رکعت نماز گذارد و چهار رکعت آن را به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و چهار رکعت دیگر آن را هدیه حضرت فاطمه علیها السلام گرداند و در روز شنبه چهار رکعت نماز هدیه امام موسی علیه السلام کند و در طول هفته هر روز چهار رکعت نماز هدیه امامی به تربیت آنها روز پنجشنبه چهار رکعت نماز هدیه امام زمان (عج الله فرجه) گرداند و ما بین هر دو رکعت از این نمازها این دعا را بخواند: اللهم انت السلام و منک اسلام و ایک یعود السلام حینا ربنا منک بالسلام اللهم ان هذه الركعات هدیة من الی و الیک فلان. فصل علی محمد و آله و بلغه ایاها و اعطنی افضل املی و رجائی فیک و فی رسولک صلواتک علیه و آله و فیه بار خدایا سلام و از توست سلام و به سوی تو برگردد سلام. ارزانی دار به ما پروردگارا! از خود به سلام. بار خدایا این رکعت ها هدیه من است به دوستش فلانی

(اسم امام را می آوریم) پس رحمت فرست بر محمد و آلش و برسان و به او این را و بده به من بهترین آرزویم را و امیدم را از خودت و از رسولت. رحمت تو بر او و آلش و از او. پس هر دعایی که می خواهد بکند به جای کلمه فلان اسم آن امام را بگوید که نماز را هدیه ایشان کرده است.

### دعای جامع حضرت زهراء علیها السلام

شیخ طبرسی از بقطان مقری نقل نموده که: سید احمد بن عبدالرحمن حسینی، والی مدینه را دیدم که بسیار دعا و زاری می نمود، پس از مدتی به سفر رفت و مدت زیادی او را ندیدم، هنگامی که مراجعت نمود، دیدم گریه و دعایش گاهش پیدا کرده، پس از علت کاهش گریه اش سؤال نمودم او گفت: شبی در حرم پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روضه آن حضرت ما بین قبر و منبر نافله صبح را خواندم و قبل از نماز صبح هنگامی که تضرع و دعا می نمودم خواب بر من غلبه کرد. پس حضرت فاطمه علیها السلام را در خواب دیدم، ایشان فرمودند: فرزندم! کثرت گریه و دعایت قلبم را مجروح ساخته است، عرض کردم، خود شما ما را به تضرع و دعا ارم فرموده اید، فرمود: درست می گویی، اما چرا به دعای جامع دعاء نمی کنی؟ گفتم: دعای جامع چیست؟ فرمود: چنین بگو: اللهم قننی بما رزقتنی و استرنی و عافنی ابدا ما ابقیتنی و اغر الی و ارحمنی اذا توفیتنی، اللهم لا تتعبنی فی طلب ما لم تقدرة الی و ما قدرت الی فاجله سهلا یسیرا اللهم کاف عنی والدی و کل ذی نعمه علی، اللهم فرغنی عما خلقتنی له و لا تشغلنی بما تکفلت لی به مو لا- تذنبی و انا اسغفرک و لا تحرمنی و انا اسئلك، اللهم ذل نفسی لیبی نفی نفسی، و عظم شانک فی قلبی، و اللهمنی طاعتک و العمل بما یرضیک و التجنب لما یسخطک یا ارحم الراحمین. (۴۰۶) خدایا! مرا به آنچه روزی داده ای قانع گردان، و عیبهای مرا بپوشان و به من تا آن زمان که باقی گذاری سلامتی عطا فرما، و مرا بیامرز و رحم کن آنگاه که مرا میراندی، خدای! مرا در سختی بدست آوردن آنچه برایم مقدر نفرمودی نیازدار و آنچه برایم مقدار فرمودی بدست آوردن را برایم سهل و آسان گردان، خدایا! به پدر و مادرم و هر آنگه بر من نعمتی دارد عوض و پاداش عطا کن، خدایا! مرا به خاطر آنچه آفریدی فراغت بال ده و به آنچه خود انجامش را برایم بر عهده گرفتی مشغول مساز، و در حالی که من از تو طلب آمرزش می کنم عذابم مکن، و در حالی که از تو درخواست می کنم محورم مساز، خدای!؟ نفسم را در نزد خودم خوار گردان، و مقامت را در دلم بزرگ نشان ده، و اطاعتت و آنچه باعث خش تو گردد، ای مهربان ترین مهربانان. روایتی از حضرت فاطمه در مورد شخص بیمار فاطمه زهراء علیها السلام را رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که فرمودند: اذا مرض العبد اوحی الله الی ملائکته ان ارفعوا عن عبدی القلم ما دام فی وثاقی فانی انا حبسته حیت اقبضه او اخلی سبیله زمانی که بنده ای مریض می شود خداوند به فرشتگان خود فرمان می دهد تا زمانی که بنده ام در بستر بیماری است از او قلم را بردارید. (۴۰۷)

### صلوات بر فاطمه علیها السلام

صلوات بر سیده نسوان فاطمه زهرا علیها السلام، صلواتی است که امام حسن عسکری علیه السلام به یکی از یاران خود تعلیم فرمود که بسیار مورد تاءکید است و در مفاتیح الجناح در قسم صلوات بر حجج طاهره بعد از صلوات بر حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین آمده است: اللهم صل علی الصدیقه فاطمه الزکیه حبیبه حبیبک و نیبک و ام اءصفیائک الی انتجتها و فصلتها و اخترتها علی نساء العالمین اللهم کن الصالب لها ممن ظلمها و استخف بحقها و کن الثائر اللهم بدم اءولادها اللهم و کما جعلتها ام اءئمه الهدی و حلیله صاحب الواء و الکریمه عند الملا الا علی فصل علیها و علی امها صلاه تکرم بها و جه اءیبها محمد صلی الله علیه و آله و تقربها اءعین ذریتها و اءبلغهم نی فی هذه الساعه اءفضل التحیه و السلام پروردگارا درود فرست بر صدیقه فاطمه، دارای نفس ذکیه که مورد علاقه و محبت و دوستی حیت تو و پیغمبر اکرم تو است و مادر دوستان



خاص تو امامان برگزیده و او منتخب توست که وی را برگزیدی و فضیلت دادی، و برتری بر تمام زنان عالم دادی، پروردگارا! تو از ظلم و بیدادی که امت جاهل در حق او کردند و اهانت نمودند دادخواهی کن، و از آن مردم بی رحم که خون پاک فرزندان را به خاک ریختند خونخواهی کن و انتقام بکش، پروردگارا! چنانکه آن حضرت را قرار دادی مادر ائمه هدی و همسر علی مرتضی صاحب لواء و بیرق فتح و شفاعت، آنکه در ملا اعلی گرامی است، پس تو ای خدا! درود فرست بر آن حضرت و بر مادرش درودهایی که وجود پدر بزرگوارش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را به آن درود اکرام می کنی و چشم ذریه او را روشن می گردانی و از من هم ای خدا در این ساعت بهترین سلام و تحیت را به آن بزرگواران برسان. (۴۰۸)

### فاطمه و شب قدر

شب قدر برای فاطمه زهراء علیها السلام یک شب عادی جلوه نمی کرد، بلکه آن را شبی فوق العاده و بی نظیر و از دست رفتنی می دانست، از این رونه تنها خویش را برای آن شب آماده می کرد، بلکه فرزندان خود را برای آن شب آماده می کرد. بنابراین در تاریخ می خوانیم که: فاطمه علیها السلام، نمی گذاشت که احدی از بستگانش در شب قدر ماه مبارک رمضان به خواب روند و حال آنان را با کمی طعام و غذا، چاره جویی می کرد و برای آن شب، از روز آمده می گریید و می فرمود: محروم آن کسی است که از خیر این شب، محروم بماند. (۴۰۹)

### برنامه عبادی فاطمه علیها السلام

حضرت زهراء علیها السلام برای عبادت برنامه و محل خاص داشتند که از جمله داشتن محراب و جایگاه خاص در خانه بود. در روایات آمده است که امام حسن علیه السلام می فرماید: رأیت امی فاطمه قامت فیبی محرابها الیله جمعتها... مادرم فاطمه را در شب جمع در محراب عبادتش دیدم که... و همچنین در تاریخ آمده است که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خانه حضرت زهراء علیها السلام آمدند و سراغ فاطمه علیها السلام را گفتند و فرمودند: این ابنتی؟؛ کجاست دخترم؟ جواب دادند: فی محرابها در محراب عبادتش می باشد. همچنین زمان خاصی را برای دعا داشتند و می فرمودند: از پدرم شنیدم که: در غروب جمع ساعتی است که دعا مستجاب می شود و لذا شخصی را مأمور می کردند که در آن وقت به ایشان خبر دهند. حضرت برای درک شب قدر و احیاء آن برنامه ریزی خاصی داشتند. در روایاتی آمده است که آن حضرت در روز به بیچه ها استراحت کافی می داد و به آنها شام کمتری می داد تا برای مراسم شب احیاء آماده باشد و می فرمود: هر کس که خیر این شب به او نرسد مرحوم است. از جمله برنامه های آن حضرت در مسائل عبادی استفاده از بوی خوش و لباس مخصوص در نماز بود. در تاریخ می خوانیم که آن حضرت در واپسین لحظه هایی زندگی پس از وضو گرفتن به اسماء فرمودند: ای اسماء عطر مرا، همان عطری که همیشه می زدم، و پیراهنی را که همیشه در آن نماز می گزارم بیاور و بر بالینم بنشین، هرگاه وقت نماز شد مرا از خواب بیدار کن، اگر بیدار شدم که نماز می گزارم و گرنه کسی را دنبال علی علیه السلام را بفرست تا بیاید. (۴۱۰) ساعت و روز مخصوص حضرت زهرا علیها السلام در روایت، روزهای هفته و ساعات شبانه روز، هر یک به نام مبارک یکی از معصومین نامگذاری شده است و برای هر روز و هر هفته با توجه به همین نام گذاری ادعیه و اعمالی در مفاتیح الجنان آمده است. از جمله از بین روزها روز یکشنبه متعلق به امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام آمده است و زیارت حضرت فاطمه علیها السلام با زیارت حضرت علی علیه السلام خوانده می شود. پس قصد زیارت حضرت فاطمه علیها السلام را در این روز می کنیم با این سلام. السلام علیک با ممتحنه امتحنک الذی خلقک فوجدک لما امتحنک صابره انا لک مصدق صابر علی ما اءتی به اءبوک و وصیه صلوات الله علیهما و انا اءسالک ان کنت صدقتک الا و الحقتین بتصدیقی لهما لتسر نفسی فاشهدی اءنی ظاهر بو لایتک و ولایه آل بیتک صلوات الله علیهم اءجمعین سلام

بر تو باد ای آزموده نزد خدایی که تو را آفرید و در آنچه آزمون صابر یافت من مقام رفیع شما را تصدیق می‌کنم و صبر کننده ام بر آنچه پدرت و وصی او آورده اند و من از شما در خواست می‌کنم که هرگاه من شاءن و مقام شما را بحق تصدیق کرده ام شما هم مرا بمصدقان و مؤمنان به آن دو بزرگوار (پیغمبر و وصیش) ملحق کنید تا دلشاد گردم و گواه باشید که من با اخلاص کامل متوسلم به دوستی شما و اهل بیت شما صلوات الله علیهم اجمعین. (۴۱۱) ساعت خاص آن حضرت (فاطمه) ساعت آخر شب، یک ساعت به اذان صبح است که بهترین ساعات و وقت استجاب دعا است. این ساعات و وقت استجاب دعا است. این ساعات به ملکه اسلام تعلق دارد. و جه اختصاص این ساعت به حضرت، مستوری آن بانو است از نامحرمان و اشاره به این است که آن معظمه، لیلۃ القدر حقیقی است و لذا سوره قدر را ده بار در آن ساعت خوانده اثر عمیق دارد. ان شاء الله. (۴۱۲)

### دعای فاطمه علیها السلام برای گنهکاران

اسماء می‌گوید: در آخرین لحظه وفات حضرت زهراء دیدم که حضرت دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده و می‌گوید: پروردگارا! به حق حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و شوق و اشتیاقی که او نسبت به من دارد، و به حق شوهرم علی مرتضی علیه السلام و اندوهی که بر من دارد، و به حسن مجتبی علیه السلام و گریه اش بر من، و به حسین شهید علیه السلام و حسرت افسردگی اش نسبت به من، و به دخترانم که دختران فاطمه اند و به حق آه و ماتمشان بر من از تو می‌خواهم که بر گنهکاران امت حضرت محمد ترحم فرموده و آنان را ببخشایی و به بهشت واردشان سازی که تو گرامی ترین سؤل شونده‌گان و مهربانترین مهربانانی! (۴۱۳)

### روایتی از حضرت فاطمه در مورد سستی در نماز

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که از پدر گرلامی خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسید: پدرم! چگونه است حال آن زنان و مردانی که در نمازشان سستی می‌کنند؟ حضرت فرمود: ای فاطمه مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، خداوند آنها را به پانزده چیز مبتلا می‌گرداند، شش در دنیا، سه در هنگام مرگ، سه در قبر، و سه دیگر در روز قیامت، آنگاه که از قبر خارج می‌شوند. اما شش چیزی که در این دنیا به ایشان می‌رسد عبارتند از: ۱- خداوند برکت را از عمرشان دریغ می‌دارد. ۲- روزیشان را بی برکت می‌گرداند. ۳- سیمای افراد صالح را از چهره آنها بر می‌گیرد. ۴- عمل شایسته ای که انجام می‌دهند، اجر و پاداشی برایش محسوب نمی‌دارد. ۵- دعایشان را به آسمان بالا نمی‌برد. ۶- برایشان لذت و بهره ای از دعای صالحین نمی‌باشد. اما آنهایی که هنگام مرگ به ایشان رخ می‌نمایند: ۱- در حال ذلت و خواری می‌میرند. ۲- گرسنه دارفانی را وداع می‌گویند. ۳- تشنه از این سرا رخت بر می‌بندند. اگر از آبهای این دنیا به آنها بنشانند، تشنگی آنها بر طرف نمی‌شود. اما آنچه در قبر به سراغ آنها می‌آید: ۱- خدا ملکی را در قبر برای آزار و اذیت آنان می‌گمارد. ۲- قبر را بر ایشان تنگ می‌گرداند. ۳- تاریکی گورشان را فرا می‌گیرد. اما آنچه که هنگام خروج از قبر در روز قیامت با آنان همراه می‌گردد: ۱- خدا ملکی را ماء مور می‌کند تا آنان را به صورت روزی زمین بکشند، آن هم در حالی که مردم آنها را نظاره می‌کنند. ۲- موقع حساب از آنان به شدت حساب پس می‌گیرد. ۳- خداوند نگاه خود را از آنان دریغ می‌دارد و آنان را پاک نمی‌گرداند و برای آنان عذاب دردناک است. (۴۱۴) دعایی برای رفع بی‌خوابی در روایتی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آمده که حضرت علی علیه السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام از بی‌خوابی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شکایت نمود: حضرت فرمود دخترم عزیزم، این دعا را بخوان یا مشبع البطن الجائعة، و یا کاسی الجسم العاریة، و یا مسکن العروق الضاربة، و یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة، و اذن لعینی نوما عاجلا ای سیر کننده شکمهای گرسنه، و ای پوشاننده تنهای برهنه، و ای آرام کننده رگهای زنده، و

ای به خواب برنده چشمهایی که به خواب نمی روند، رگهای زنده (بدن) مرا آرام فرما، و زود به چشم اجازه خوابیدن بده. پس حضرت فاطمه علیها السلام این دعا را خواند و از بی خوابی ای که رنج می برد آسوده شد (۴۱۵) دعاء و تسییحات آن حضرت یکی از تسییحات حضرت زهراء علیها السلام که همواره آن جملات را می خواند چنین است: سبحان الذی من استنار بالحوول و القوة پاک است آن خدایی که در نورانیت و قدرت، خود کفاست. سبحان من احتجب فی سبع سموات فلا عین تراه پاک است آن که در هفت آسمان محبوب است و چشمی نتواند او را بگرد. سبحان من اذل الخلاق بالموت و اعز نفسه بالحیاء پاک است آن که آفریدگان را با مرگ به خواری کشانده و خویش را با حیات عزیز فرمود. سبحان من یقی و یفنی کل شی سواه پاک است آن جاوید است و هر چیزی غیر از فاین است سبحان من استخلص الحمد لنفسه و ارتضاه پاک است آن که ستایش را ویژه خود کرد و برای خود برگزید. سبحان الحی العلیم؛ پاک است آن زنده آگاه. دعای معروف حضرت زهراء علیها السلام برای رفع تب سلمان فارسی (ره) نقل می کند: حضرت زهرا علیها السلام پس از ملاقات با حوریان بهشتی، از خرماي خوش بویی که به آن حضرت تقدیم داشتند، مقداری را به من عطا فرمود، پس از خدا حافظی از حضرت زهراء علیها السلام، در شهر مدینه با هر یک از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ملاقات می کردم می گفت: چه عطر دلنشینی؟ آیا مشک ناب با خود داری؟ من این ماجرای شگفت آور را برای حضرت فاطمه علیها السلام بازگو نمودم، حضرت در حالی که متبسم و خوشحال بود فرمود: این خرماي معطر بهشتی از درختی است که برای یکی از دعاهاي من آفریده شده و من آن را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آموختم که برای رفع تب بکار می رود و آن دعا این است که: بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد الله الذی خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد الله الذی هو بالعرز مذکور و بالفخر مشور و علی اسراء و الضراء مشکور و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین به نام خدای بخشنده مهربان به نام مبارک خدا که نور عالم است به نام مبارک خدا که نور نور عالم است به نام مبارک خدا که نور بالای نور عالم است به نام مبارک خدا آن نام که مدبر امور عالم است به نام مبارک خدا آن نام که نور را از نور خود آفرید (یعنی عالم و آدم را از نور خود آفرید) ستایس خدا را که نور (وجود عالم و نور جان آدم) را از نور (جمال خود) آخرد و نور (تجلی خود) را بر طور سنا در کتاب مسطور تورات نازل کرد در صحیفه گشوده بقدری که مقدور نمود بر پیغمبر عالم و صالح خود ستایش خدا را که نزد تمام موجودات به عزت مذکور و به فخر و جلالت معروف است و در حال آسایش و سختی باید شکر گزار او بود و درود خدا بر سید ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت طاهرینش باد. (۴۱۶) سلمان گفت: چون این دعا را از آن حضرت آموختم آن را به بیشتر از هراز نفر از اهل مکه و مدینه که مبتلا به تب بودند آموختم به خدا قسم همه آنها به اذن خدای تعالی شفا یافتند.

### نماز فاطمه علیها السلام

در روایت آمده است: حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز می خواند که جبرئیل به ایشان تعلیم نمود بود، در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید می خواند و چون سلام می گفت این دعا را می خواند: سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من لبس البهجة و الجمال سبحان من تردی بالنور و الوقار سبحان من ری اثر النمل فی الصفا سبحان من یری وقع الطهیر فی الهواء سبحان من هو هكذا لا هكذا غیره منزه است خدای صاحب عزت و مقام بلند منزه است خدای صاحب جلال و کبریایی و عظمت منزه است خدای صاحب ملک فاخر ازلی منزه است خدایی که لباس حسن و جمال به قامت خود آراسته منزه است خدایی که ردای - نور وقار در بر دارد منزه است خدایی که اثر پای مورچه را در سنگ سخت سیاه می بیند منزه است خدایی که خط سیر مرغ را در هوا

می بیند منزّه است خدایی که تنها او بدین کمال است و غیر وی دارد این کمال نیست .. در روایت آمده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور آن حضرت خوانده شود. (۴۱۷)

### نماز دیگری از حضرت فاطمه علیها السلام

محمد بن علی حلبی روز جمعه خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شد و سؤال کرد که می خواهم مرا عملی تعلیم فرمایی که بهترین اعمال باشد در این روز. حضرت فرمود: من کسی را بزرگتر از فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نمی دانم و نمی دانم چیزی را افضل از آنچه که تعلیم کرد پیغمبر فاطمه را فرمود: هر که صبح کند در روز جمعه، غسل کند و قدمهای را بگستراند و چهار رکعت نماز کند، به دو سلام، و بخواند در رکعت اول بعد از حمد توحید را ۵۰ مرتبه و در رکعت دوم بعد از حمد ۵۰ مرتبه اذا جاء نصر الله را و چون از نماز فارغ شد این دعا را بخواند: الهی و سدی من تهیاء اءو تعبی اءو وعد و استعد لوفادة مخلوق رجاء رفته و فوائده و نائله و فواضله و جوائز فالیک یا الهی ... (۴۱۸)

### توسل به آن حضرت علیه السلام

از توسلات بسیار مجرب به بی بی دو عالم جملات زیر است که شایسته است با حضور قلب بیان شود: یا فاطمة الزهراء یا بنت محمد یا قره عین الرسول یا سیدتنا و مولاتنا انا توجهنا و استشفعنا و تولنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجهه عند الله اشفعی لنا عند الله ای فاطمه زهرا ای دخت محمد ای نور دیده پیغمبر خدا ای سیده و مولای ما همه ما رو به تو آورده ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع به درگاه خدا آورده ایم و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته ایم ای آبرومند نزد خدا ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما (۴۱۹) یا بنت محمد یا قره عین الرسول تویی فاطمه دخت محمد تو زهرائی و نور چشم احمد یا سیدتنا و مولاتنا انا توجهتنا و استشفعنا تو ما را سروری در هر دو دنیا شفاعت خواهمان از حی دانا و توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجاتنا توسل بر تو جویم نزد یزدان بر آور حاجتم با اذن سبحان یا وجهه عند الله اشفعی لنا عند الله تو را در نزد یزدان هست بس جاه شفاعت بهر ما از حضرتش خواه (۴۲۰)

### زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

السلام علیک یا سیده نساء العالمین السلام علیک یا والده الحجاج علی الناس اجمعین السلام علیک ائیتها المظلومة الممنوعه حقها (پس بگو) اللهم صل علی ائمتک و ابنه نبیک و زوجة وصی نبیک صلاة تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین اهل السماوات و اهل الارضین : درود بر تو باد ای بانوی زنان جهان درود و سلام بر تو باد ای مادر امامان همه مردم درود باد بر تو ای ستمدیدی که حقت را به زور گرفتند بار خدایا رحمت فرست بر کنیزت و دختر پیغمبر و همسر وصی پیغمبر رحمتی که او را برتر از نزدیکی بندگان گرامیت از اهل آسمانها و اهل زمینها نزدیک گرداند. (۴۲۱)

### چهار عمل مهم موقع خواب

در خلاصه الاذکار از حضرت فاطمه علیها السلام روایت است که فرمود: حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) بر من وارد شد در وقتی که رختخواب خود را پهن کرده بودم و می خواستم بخوابم . حضرت فرمود: ای فاطمه ! مخواب مگر آنکه چهار عمل بجای آوری : ۱- ختم قرآن کنی ۲- پیغمبران را شفیعان خود گردانی . ۳- مؤمنین را از خود خشنود کنی . ۴- حج و عمره کنی . این سخنان را فرمود و مشغول نماز شد. من توقف کردم تا نمازش را تمام کرد. عرض کردم : یا رسول الله ! امر فرمودی به چهار

چیز که من قدرت ندارم در این وقت آنها را به جا آورم، آن حضرت تبسم کرد و فرمود: دخترم! هرگاه بخوانی قل هو الله احد (سوره توحید) را سه مرتبه پس گویا ختم قرآن کرده ای. (۴۲۲) هرگاه صلوات بفرستی بر من و پیغمبران قبل از من، ماشفیعان تو خواهیم بود در روز قیامت. و هرگاه استغفار کنی از برای مؤمنین، پس تمایم ایشان از تو خوشنود خواهند شد. و هرگاه بگویی: سبحان و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر پس حج و عمره کرده ای (۴۲۳) سفارش امام زمان (عج) به ذکر تسبیح حضرت زهراء علیها السلام حضرت آیه العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (اعلی الله مقامه) نقل کرده اند که: وقتی در سامراء اقامت داشتم، شبی برای زیارت حضرت سید محمد علیه السلام از سامراء بیرون رفته و راه را گم نمودم. بخاطر تشنگی فوق العاده و گرسنگی و وزیدن باد، بیهوش شده روی خاکهای گرم افتادم. ولی دفعتاً چشم باز کردم و سر خود را بر زوانوی شخصی دیدم. آن شخص کوزه آبی به لب من رسانید که تا کنون نظیر آن آب را در گوارایی و شیرینی نیاشامیده بودم. پس از خوردن آب، سفره نان را باز نمودم. پس از صرف غذا، آن مرد عرب به من فرمود: نهی جاری در اینجا وجود دارد خود را در آن شستشو بده. من گفتم: در اینجا نهی نیست و گرنه من این قدر تشنه نمی شدم. آن مرد عرب فرمود: این آب است که در اینجا جاری است. به مجرد صادر شدن این کلمه از آن مرد عرب دیدم در آنجا نهر با صفایی است. تعجب کردم که نهر آب در کنار من بوده و من از تشنگی و عطش نزدیک به هلاک شدن بودم! پس آن مرد عرب از من پرسید: قصد کجا داری؟ گفتم حرم مطهر سید محمد. آن شخص عرب فرمود: این هم حرم سدی محمد است. دیدم نزدیک بقعه سید محمد هستم و حال آنکه محلی که در آنجا راه را گم کرده بودم قادسیه بود و مسافت زیادی از آنجا تا حرم سید محمد وجود داشت. در فاصله مصاحبت با آن مرد عرب مطالبی چند را برایم توضیح داد از سفارشهای او، تاکید بر تلاوت قرآن مجید، انکار تحریف قرآن، نیکی به والدین، رفتن به بقاع متبر که و امامزادگان، احترام به ذریه علوی، خواندن نماز شب، ذکر تسبیح حضرت زهراء علیها السلام و زیارت حضرت سید الشهداء بود. در این هنگام به فکرم خطور کرد که نکنند این شخص محترم همان امام زمان (عج) باشد. با بروز این فکر در ذهنم ناگهان آن شخص عرب از نظرم ناپدید گردید. (۴۲۴)

### دعای حضرت زهرا علیها السلام در آخرین روزهای حیات

امام باقر علیه السلام فرمود: فاطمه دخترم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از گذشت شصت روز از رحلت پیامبر، بیمار و بستری شد و بیماریش شدید گردید و دعای او در شکوه از ظالمان این بود: یا حی و یا قیوم برحمتک استغیث فاغثنی، اللهم زحزحنی عن النار و ادخلنی الجنة و الحقنی بابی محمد (صلی الله علیه و آله) ای خدای زنده و توانا! پناه می آورم به رحمت تو، پس به من پناه بده و مرا از آتش دوزخ دور گردان و به بهشت وارد کن و مرا به پدرم محمد (صلی الله علیه و آله) ملحق فرما. علی علیه السلام به او می فرمود: خدا به تو عافیت می دهد و تو را زنده نگهدارد. فاطمه علیها السلام می فرمود: ای ابوالحسن! بسیار نزدیک است که با خدایم ملاقات کنم. (۴۲۵) فضیلت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: تعقیباتی هست که هر کس آنها را بعد از تمامی نمازهای واجب بگوید ناکام و ناامید نشود، و آن عبارت است از: ۳۳ مرتبه سبحان الله، ۳۳ مرتبه الحمد لله، ۳۴ مرتبه الله اکبر. امام صادق علیه السلام می فرمایند: هر کس تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام را در نماز واجب و قبل از اینکه از حالت جلوس تشهد و سلام خارج شود، به جا آورد خدا بهشت را بر او واجب کند. باز می فرمایند: هر کس شب را با تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام سپری کند. (هنگام خواب تسبیح بگوید) از مردان و زنانی باشد که خدا را زیاد یاد می کنند. امام باقر علیه السلام می فرماید: خداوند به چیزی برتر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام حمد و ستایش نشده و اگر چیزی برتر از آن بود هر آینه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را به حضرت فاطمه علیها السلام می بخشید. (۴۲۶)

## حرز حضرت فاطمه علیها السلام

بسم الله الرحمن الرحيم: یا حی یا قیوم برحمتک اسغیث فاعثنی و لا تکنی الی نفسی طرفه عین ابداء و اصلح شاءنی کله به نام خداوند بخشنده و مهربان. ای زنده، ای برپادارنده، به رحمت تو فریاد خواهی می‌کنم، به فریادم برس و مرا هیچ گاه و برای همیشه حتی یک چشم بر هم زدن، به خودم وا مگذار و تمام کارهایم را اصلاح فرما!.

## نماز استغاثه به حضرت زهراء علیها السلام

در روایات آمده است: هر گاه تو را حاجتی باشد و سینه ات از آن تنگ شده است، پس دو رکعت نماز بخوان و چون سلام نماز را گفتی، سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان، پس به سجده برو و صد مرتبه بگو: یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی و بعد جانب راست صورت را بر زمین بگذار و همین دعا را صد مرتبه بگو و بعد جانب چپ صورت را بر زمین بگذار و همین ذکر را صد مرتبه بگو، و باز دوباره به سجده برو و صد و ده مرتبه این ذکر را بگو، و حاجت خود را یاد کن. بدرستی که خداوند بر می‌آورد آن را انشاء الله تعالی. (۴۲۷)

## آداب سفره از زبان فاطمه علیها السلام

حضرت زهراء علیها السلام درباره آداب غذا خوردن و بهداشت عمومی فرمود: در سفره غذا ۱۲ کار نیک وجود دارد که سزاوار است، هر مسلمانی آنها را بشناسد که چهار مورد واجب و ۴ مورد مستحب و ۴ مورد نشانه ادب و بزرگواری است. اما چهار عمل واجب: ۱- شناخت و معرفت پروردگار. (بدانیم که نعمت‌ها از اوست) ۲- راضی به نعمتهای خدا بودن. ۳- گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز غذا. ۴- سپاسگذاری خدا در پایان. (گفتن الحمد للله رب العالمین). و چهار عمل مستحب عبارتند از: ۱- وضو گرفتن قبل از غذا. ۲- نشستن به جانب چپ. ۳- در حال نشسته غذا خوردن. ۴- غذا خوردن با سه انگشت. و آن چهار عمل که نشانه ادب و بزرگواری است: ۱- از غذای پیش روی برداشتن. ۲- لقمه‌ها را کوچک برداشتن. ۳- غذا را به خوبی جویدن. ۴- کمتر در صورت دیگران نگاه کردن. (۴۲۸)

## نماز شب فاطمه علیها السلام

فاطمه علیها السلام از جهت عبادت، عابدترین و پارساترین زنان عالم بود و با تمام مشاغل و گرفتاریهایی که در داخل و خارج خانه به عهده داشت علاوه بر فرائض، نوافل و مستحبات را نیز انجام می‌داد. شیخ صدوق (ره) در کتاب علل الشرایع از امام حسن علیه السلام فرزند بزرگوار آن حضرت روایت کرد که فرمود: رأیت امی فاطمه (ع) قامت فی محرابها لیلة جمعتها فلهم تزل راکعة ساجدة حتی اتضح عمود الصبح و سمعتها تدعو المؤمنین و المؤمنات و تسمیهم و تكثر الدعاء لهم و لا تدعو لنفسها بشیء فقلت لها یا امه لم لا تدعون لنفسک کما تدعون لغيرک فقلت یا بنی الجار ثم الدار مادرم فاطمه را دیم که در شب جمعه در محراب عبادت ایستاده و تا هنگامی که سپیده طالع شد پیوسته در حال رکوع و سجده بود و شنیدم پیوسته برای مردان و زنان با ایمان دعا می‌کرد و آنها را در دعا نام می‌برد و بسیار برای آنها دعا می‌کرد. و برای خودش دعا نمی‌کرد، من گفتم: مادر جان! چرا همانطور که برای دیگران دعا می‌کنی برای خودت دعا نمی‌کنی؟ فرمود: پسر! اول همسایه، سپس خانه! در روایات اهل سنت حسن بصری، یکی از بزرگان ایشان می‌گوید: در میان امت عبادت کسی از فاطمه علیها السلام بیشتر نبود، زیرا آنقدر روی پاهای خود در مقام عبادت ایستاد که



قدمهایش ورم کرد. (۴۲۹) عبادت فاطمه علیها السلام در کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیث نبوی آمده است که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره عبادت حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: فاطمه هرگاه در محراب عبادت به پیشگاه پروردگار خود می ایستد نور او برای فشتگان آسمان تابش می کند، همانند ستارگان که برای اهل زمینی می درخشد، و خدای عزوجل در آن وقت به فرشتگان خود می فرماید: کنیزم فاطمه، بانوی همه زنان جهان را بنگرید چگونه در پیشگاه من به عبادت ایستاده و بند بند بدنش از خوف من می لرزد! (۴۳۰) در حدیث دیگری به سلمان می فرماید: ای سلمان! خدای تعالی چنان دل و جان و تمام اعضاء و جوارح دخترم فاطمه را به ایمان پر کرده که یک سره برای عبادت و فرمانبرداری حق تعالی خود را از همه چیز فارغ ساخته است. (۴۳۱) آری فاطمه به هنگام عبادت چنان غرق در عظمت حق می گشت و از خود جدا می شد که از فکر عزیزان خود: با تمام علاقه ای که به آنها داشت بیرون می رفت و خدای تعالی فرشتگان را مأمور می کرد تا گهواره کودک او را حرکت دهند.

### عبادت فاطمه علیها السلام قبل و بعد از تولد

امام صادق علیه السلام از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت می کند که آن حضرت فرمودند: خداوند فاطمه را خلق کرد قبل از آنکه آسمان و زمین را خلق کند و او حوریه ای است انسانی که از نور خدا آفریده شده است قبل از آنکه خدا آدم را خلق کند، آنگاه خداوند فاطمه را در حقه ای زیر ساق عرش قرار داد. از رسول خدا سؤال شد: یا رسول الله فاماكان طعامها؟ پس در آن زمان غذای فاطمه علیها السلام چه بود؟ آن حضرت فرمودند: التسیح و التقدیس و التهلیل و التحمید. غذای فاطمه تسبیح و تقدیس و تهلیل و تمجید پروردگار بود. و به هنگام تولد به سجده افتاد و خداوند را شکر کرد و چنین گفت: شهدت می دهم که پروردگار و آفریننده من، کسی نیست مگر خدای بزرگ و بی همتا و گواهی می دهم به اینکه پدرم سید و سرور برگزیدگان خدا و رسول خداست و از همین آغاز اقرار می کنم به اینکه همسرم آقای پیشوایان و جانشین رسول خداست و فرزندانم (حسن و حسین علیه السلام) بزرگ اسباط رسول خدایند. (۴۳۲) نیز روایت شده که: کانت فاطمة تنهج فی الصلاة من خيفة الله تعالی فاطمه چنان بود که در نماز از خوف خدای تبارک و تعالی غش می کرد. (۴۳۳)

### نقش انگشترهای حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام دارای چند انگشتر بود که حلقه اش از نقره و انگشترش از عقیق بود. روی یکی از آنها این جمله بود: الله ولی عصمتی، خداوند نگهدار و ولی عصمت و پاکی من است. و در دیگری نوشته شده بود: نعم القادر و روی یکی دیگر از آنها: آمن المتوكلون بود. (۴۳۴) نقش این کلمات در انگشتری تاءثیر عجیبی در دفع دشمنان و نگهداری اموال و اولاد و بدن از شر انس و جن و شیاطین و تمام ناراحتی ها و آفات و بدیها دارد. همچنین گفته شده است که نقش انگشتر آن حضرت، نقش انگشتر سلیمان بن داود، یعنی سبحان من الجمن بکلماته؛ پاک و منزّه است خدایی که مهار کرد جن را به کلمات خود. بوده است. (۴۳۵) دعای حضرت فاطمه علیها السلام برای رفع گرفتاری امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: در روز عاشوراء، پدرم مرا در حالی که خون از بدن مبارکش می جوشید به سینه اش چسباند و فرمود: پسر! دعایی است برای رفع گرفتاری و نیاز شدید و مشکلی که پیش می آید. این دعا را مادرم فاطمه زهرا علیها السلام به من آموخته است و او خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرا گرفته بود و پیامبر را جبرئیل آموزش داده بود. از من فراگیر! انگاه فرمود: بخوان. بحق یس و القرآن الحکیم، و بحق طه و القرآن العظیم، یا من یقدر علی حوائج السائلین، یا من یعلم ما فی الضمیر، یا منفس عن امکروبین، یا المغومین، یا راحم الشیخ الکبیر، یا رازق الطفل الغیر، یا من لایحتاج الی التفسیر، صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا، خداوند! به حق یاسین و قرآن حکیم و به حق طه و قرآن حکیم، ای کسی که توانایی بر آوردن نیازهای درخواست کنندگان و محتاجان را داری، ای

کسی که به آنچه در ضمیر و باطن است آگاهی داری؟ ای برطرف کننده اندوه دل شکسته گان، ای گشاینده غم افسردگان! ای مهربان نسبت به پیرمرد کهنسال، و ای روزی دهنده کودک خردسال! ای کسی که نیازمند به تفسیر و برهان نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و برای من این کار را انجام بده. (۴۳۶) توسل ائمه علیه السلام به حضرت فاطمه علیها السلام امام باقر علیه السلام هرگاه تب می کردند آب خنگی طلب می کرد و وقتی که آب به دستش می رسید جرعه ای از آن را می نوشید، الحظه ای از نوشیدن باز می ماند و سپس با صدای بلند به حدی که در بیرون خانه نیز شنیده می شد از ته دل مادرش زهراء را صدا می کرد و می فرمود: یا فاطمه بنت محمد؛ فاطمه ای دختر رسول خدا و بدین گونه خود را از سوز تب تسلی می داد و بر خود مرحمی می نهاد و جان و روح خود را با یاد محبوب و توسل به او آرام و عطر آگین می نمود. در همین زمینه مرحوم شیخ عباس قمی می فرماید: شاید تذکر به نام حضرت زهراء علیها السلام در هنگام تب شدید بیانگر این بود که همچنانکه بدنم به آتش تب می سوزد و آن را با آب سرد خاموش مس سازم قلبم هم به آتش مصیبت مادرم گزاران است، لذا با ذکر فاطمه علیها السلام دل را آرام مس ساختند. (۴۳۷)

### دعاهای حضرت زهراء در روزهای هفته

از دعاهای وارده منسوب به حضرت فاطمه که بسیار تائید شده است: ۱- دعای روز شنبه اللهم افتح لنا خزائن رحمتك و هب لنا اللهم رحمه لا تعدبنا بعدها في الدنيا و الآخرة و ارزقنا من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا و لا تحوجنا و لا تفقرنا الى احد سواك و زدنا لك شكرا و اليك فقرا و فاقة و بك عن سواك غنا و تعففا اللهم و سع علينا في الدنيا الله انا نعوذ بك عن تزوي و جهك عنا في حال و نحن نرغب اليك فيه اللهم صل على محمد آل محمد اعظنا ما تحب واجعله لنا قوة فيما تحب يا ارحم الراحمين . خدایا! گنجیه های رحمت را بروی ما بگشا و خدایا! به ما رحمتی ببخش که بعد از آن در دنیا و آخرت عذابمان نفرمایی، و از فضل وسیع خود رزقی حلال و پاک نصیب ما گردان، و ما را به غیر خود محتاج و نیازمند مفرما، و شکر از تو حاجت و نیازمند به تو و بی نیازی از غیر خود را برای ما زیاد کن، خدایا! در دنیا بر ما وسعت عطا فرما، خدای! ما به تو پناه می بریم از اینکه روزی خویش را ز ما پنهان داری در حکالی که ما بسوی تو مشتاقیم، خدایا! بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) درود فرست و آنچه دوست داری به ما عطا کن و در آنچه علاقه دوست به ما نیرو ده، ای مهربان ترین مهربانان. ۲- دعای روز یکشنبه اللهم اجعل اول یومی هذا فلاحا و آخره نجاجا و اءوسطه صلاحا اللهم صل على محمد و آل محمد و اجعلنا ممن اءتاب اليك فقبلته و توکل عليك فكفیه و تضرع اليك فرحمته خدایا! ابتدای این روز را راستگاری و انتهای آن را پیروزی و وسط آن را صلاح قرار ده، خدایا! بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) درود فرست و ما را از آنکه بسوی تو بازگشتند و تو قبولشان فرمودی و آنانکه بر تو توکل نمودند و کفایتشان نمودی و آنانکه بسویت زاری نمودند و تو رحمتشان نمودی قرار ده. ۳- دعای روز دوشنبه اللهم انی اسئلك قوة في عبادتك و تبصرا في كتابك و فهما في حکمت الله صل على محمد و آل محمد و لاتجعل القرآن بنا ماحلا و الصراط زائلا و محمدا (ص) عنا مولیاء خدایا! از تو در انجام عبادت توانایی، و اندیشه در کتاب تو و فهم در حکمت در خواست بمی کنیم، خدایا! بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) درود فرست و قرآن را دشمن ما و صراط را بی ثبات و محمد (ص) را از ما روی گردان قرار مده. ۴- دعای روز سه شنبه اللهم اجعل غفلة الناس ذكرا و اجعل صالح ما نقول باءلستنا نیه في قلوبنا اللهم ان مغفرتك اءوسع من ذنوبنا و رحمتك اءرجی عندنا من اءعمالنا اللهم صل على محمد و آل محمد و وقفنا لصالح الاعمال و الصواب من الفعال . خدایا! غفلت مردم را برای ما یاد آوری و یا آنان را بریا ما شکر، و آنچه از سخنها شایسته و به زبانهایمان می گوئیم و به عنوان نیتی (پاک) در دلهای ما قرار ده، خدای! همانا که آمرزشت وسیع تر از گناهان ما، و رحمت در نزد ما ایمدوار کننده تر از کردار ما است، خدایا! بر محمد (صلی الله علیه

وآله) درود فرست و در اعمال صالح و انجام کارهای درست ما را موفق گردان . ۵- دعای روز چهارشنبه اللهم احسننا بعینک التي لا تنام و رکنک الذی لا یرام و یاءمسائک العظام و صل علی محمد و آل محمد و احفظ علینا مالو حفظه غیرک ضاع و استر علینا مالو ستره غیرک شاع و اجعل کل ذلک مطوعا انک سمیع الدعاء قریب مجیب . خدایا ! به چشمان تو که هرگز نخوابد، و رکن و بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) درود فرست و از ما حفاظت کن که اگر غیر تو از ما حفاظت کند ضایعمان کند، و عیبهای ما را بپوشان که اگر غیر تو بپوشاند آشکارش نماید، و همه آن را برای ما فرمانبرداری قرار ده ، همانا تو شنونده دعا و نزدیک و اجابت کننده ای . ۶- دعای روز پنج شنبه اللهم انی اسئلك الهدی و التقی و العفاف و الغنی و العمل بما تحب و ترضی اللهم انی اسئلك من قوتک لضعفنا و من غناک لفقرنا و فافتنا و من حلمک و علمک و علمک لجهلنا اللهم صل علی محمد و آل محمد و اعنا عی شکر و ذکرک و طاعتک و عبادتک برحمتک یا ارحم الراحمین . خدایا ! من از تو هدایت ، تقوا، پاکدامنی ، بی نیازی از خلق ، و عمل به آنچه موجب خشنودی تو شود در خواست می کنم ، خدایا ! من از تو براستی سستی ما نیروی تو، نیازمندی ما بی نیاز تو و نادانی ما بردباری و دانائیت را درخواست می کنم ، خدایا ! بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) درود فرست ، و به رحمت خویش ما را در شکر و ذکر و فرمانبرداری و عبادتت یاری فرما، ای مهربان ترین مهربانان . ۷- دعای روز جمعه اللهم اجعلنا من اقرب من اقرب من تقرب الیک و اعوجه و من توجه الیک و اءنجح من ساءلك و تضرع الیک اللهم اجعلنا ممن کانه یراک الی یوم القیامه الذی فیه یلقاک و لا تمتنا الا علی رضاک اللهم و اجعلنا ممن اءخلص لک بعمله و اءحبک فی جمیع خلقک اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لنا مغفره جزما حتما لانقترب بعدها ذنبا و لا نکتسب خطیئه و لا ائما اللهم صل علی محمد و آل محمد صلاه نامیه زاکیه متابعه متواصله مترادفه برحمتک یا ارحم الراحمین (۴۳۸) خدایا ما را از نزدیکترین کسانی که به تو نزدیک شوند، و آبرومندترین کسانی که رو به سوی تو نمودند، و کامیاب ترین کسانی که از تو درخواست و به سوی تو زاری کردند قرار ده ، خدایا ! ما را تا روز قیامت که تو را ملاقات کنند از آنان قرار ده که گویا تو را می بینند و ما را نمیران جز به خشنودیت ، خدایا ! ما را از آنان که کردار خویش را برای تو خالص کرده و تو را در همه آفریدگانت دوست دارد قرار ده ، خدایا ! بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) درود فرست و ما را بیامرز، آمرزیدنی حتمی که پس از آن در گناه نیفتیم و خطاء و گناهی کسب ننماییم ، خدایا ! به رحمت خویش بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد درود فرست درودی همیشگی و پاک پی در پی و متصل ، ای مهربان ترین مهربانان .

## فصل یازدهم : سوگنامه فاطمه علیها السلام

### شکایت امام زمان (عج)

حضرت مهدی (عج) فرمودند: اگر نبود که دوستدار شایستگی و مهر بر شما بوده و اگر نسبت به شما محبت و علاقه نداشتیم ، از گفتگوی با شما روی گردانده و کاری به کار شما نداشته و به آزمایش خود که درگیری با یک ستمگر سرکش و گمراه است که عده ای را نیز در گمراهی به دنبال می کشد و می پرداختیم ، هم او که با پروردگار خود به نزاع و ضدیت برخاسته و مدعی چیزی شده که مربوط به او نبوده و حق کسی را که خداوند اطاعت او را واجب نموده منکر شده است ، همان ستمگر غاصب . من از دختر رسول خدا سرمشق نیکویی دارم : انسان نادان به پستی کار خودش گرفتار خواهد شد و به زودی شخصی کافر خواهد دانست که فرجام کار از آن کیست . (۴۳۹)

### یا علی علیه السلام در هیچ امری مخالف تو را نکردم

در یکی از روزهای آخر حیات فاطمه علیها السلام که در بستر بیماری بود به علی علیه السلام گفت: علی جان! هنگام فراق نزدیک شده است، سخنانی دارم که می‌خواهم با تو بگویم. علی علیه السلام فرمود: آنچه دلت می‌خواهد بگو، پس برالین فاطمه علیها السلام نشست و دستور داد کسی داخل اطاق نباشد. آنگاه دختر پیامبر این چنین گفت: ای پسر عم! شروع زندگی با تو در هیچ امری مخالفت تو را نکردم و هرگز از من دروغ و خیانت سر نزد. علی علیه السلام در حالی که او را تصدیق می‌کرد، گفت: تو باتقواتر و متواضع‌تر از آن هستی که من تو را بر چنین امری سرزنش کنم، آه چقدر جدایی و دوری از تو بر من دشوار خواهد بود! مصیبت پیامبر برایم زنده می‌شود، از دست دادن تو برای من بسیار سخت و ناگوار است. از این ماتم به خدای خود پناه می‌برم و دل به او می‌سپارم. مصیبت فراق تو آن قدر تلخ و سنگین است که تحمل آن برای علی مشکل و طاقت فرساست، مصیبتی که هیچ چیز نمی‌تواند آن را جبران کند، این دردی است که درمانی برای او نمی‌بینم. سپس علی علیه السلام سر فاطمه علیها السلام را به سینه چسباند و با هم گریستند. گریه فاطمه علیها السلام برای تنهایی علی علیه السلام و گریه علی علیه السلام در فراق زهراء علیها السلام. (۴۴۰) اشک مظلوم، موجب رحمت است. روزی حضرت فاطمه علیها السلام رو به حضرت علی علیه السلام نمود و گفت: ای ابالحسن! من از پدرم شنیدم که می‌فرمود: اشک، خشم خداوند را خاموش می‌کند و قبر باغی از باغهای بهشت نخواهد بود مگر هنگامی که بنده از ترس خدا گریه کند و خداوند عزیز و جبار می‌داند که من با این اشکها از خوف خدا می‌گریم. حضرت علی علیه السلام گریست، فاطمه علیها السلام از اشکهای آن حضرت گرفته و بر چهره خود کشیده و گفت: ای ابالحسن! اگر غمگینی در بین امت گریه کند خداوند آن امترا مورد بخشایش خود قرار می‌دهد. پسر عمو! تو غمگین و محزون و من اشک چشم تو رابه صورت می‌کشم تا مشمول رحمت خدا شوم. (۴۴۱) بیت الاحزان فاطمه علیها السلام بعد از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پیش آمدن مشکلات و مصیبتها بر اهل بیت پیامبر فاطمه زهراء علیها السلام همواره شال عزابر سر بسته بود. از نظر جسمی روز به روز به تحلیل می‌رفت و از فراق پدر گریان و قلبش سوزان بود. ساعتی بیهودش می‌شد و ساعتی به هوش می‌آمد گریه های آن حضرت بر پدرش قطع نمی‌شد. منزل زهراء علیها السلام از دو طرف در داشت یکی داخل مسجد باز می‌شد و دیگری در کوچه مجاور باب جبرئیل، مردی که در مواقع نماز به مسجد می‌آمدند از جلوی درب خانه فاطمه علیها السلام عبور می‌کردند و صدای ناله آن حضرت را می‌شنیدند و با خود می‌گفتند: مگر چه شده که یگانه دختر پیامبر این قدر نالان است؟ مگر چه ظلمی بر او روا داشتند؟! این موضوع بر سران حکومت گران آمد. لذا افرادی خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رسیدند و از آن حضرت خواستند تا گریه و عزاداری فاطمه علیها السلام را کنترل نماید یا شب گریه کند و یا روز، تا ما آرامش داشته باشیم. حضرت امیر پس از سخنان آنان، نزد فاطمه علیها السلام آمد و فرمود: فاطمه جلان! گروهی آمده اند و می‌گویند: به فاطمه بگو یا شب گریه کند یا روز! فاطمه علیها السلام جواب داد: ای ابالحسن! چقدر اندک است ماندن من در میان مردم و چقدر نزدیک است زمان، پنهان شدن من از جمعشان... سوگند به خدا هرگز سکوت نمی‌کنم، نه در شب و نه در روز، تا اینکه به پدرم رسول الله ملحق گردم. علی علیه السلام فرمود: هر طور دوست می‌داری عمل کن، لذا آن حضرت جایگاهی را در بقیع بنام بیت الاحزان برای فاطمه درست کرد و حضرت فاطمه هر روز دست حسن و حسین علیه السلام را می‌گرفت و به آنجا می‌رفت و به عزاداری مشغول می‌شد و غروب آنها را به منزل باز می‌گرداند. (۴۴۲)

### تقاضای عیادت از فاطمه علیها السلام

شیخ طوسی روایت کرده است: هنگامی که بیماری فاطمه علیها السلام شدت یافت، عباس (عمومی پیامبر) به عنوان عیادت، به خانه فاطمه آمد. به او گفته شد که حال فاطمه بسیار ناگوار است و هیچکس را به خانه ای که در آن بستری است راه نمی‌دهند. عباس به خانه خود مراجعت کرد و برای امیرمؤمنان علیه السلام پیام فرستاد، و به قاصد خود گفت: از قول من به علی بگویند: ای

بردارزاده، عمویت سلام می رساند و می گوید سوگند به خدا زای بیماری و دردمندی حبیبه رسول خدا و نور چشم پیامبر و من، یعنی فاطمه علیها السلام آن چنان اندوهگین و غم زده شده ام که وجودم در هم شکسته شده است، گمان می برم از نخستین کسی از ما باشد که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ملحق می شود و آن حضرت او را برای بهترین مقامات بهشت برگزیده و به پیشگاه خدای بزرگ می برد. اگر می دانی که فاطمه علیها السلام به رحمت خدا خواهد رفت، اجازه بده فردا جماعتی از مهاجران و انصار را جمع کنم، تا در تشییع جنازه و نماز او شرکت کنند و به پاداش ثواب آن نائل شوند که این کار برای عظمت اسلام، کار نیکی است. حضرت علی علیه السلام به قاصد عباس که به گفته راوی، عمار یاسر بود، فرمود: سلام مرا به عمویم عباس برسان، و بگو: خداوند محبت شما را از ما کم نکند، پیشنهاد شما را دریافتم، و راءای شما نیکو است ولی می دانی که آنها همواره به فاطمه علیها السلام ظلم کردند و او را از حقش باز داشتند و از میراث پدرش محروم نمودند و سفارش پیامبر در حق او را رعایت نکردند و رعایت حق الهی را نمودند و خداوند برای داوری کافی است و از ستمگران انتقام خواهد گرفت. من ای عمو از تو می خواهم که مرا ببخشی و مرا در ترک پیشنهاد تو معذور بداری، زیرا فاطمه علیها السلام وصیت کرده که امر او را پنهان سازم. (۴۴۳)

### و داع فرزندان با مادر

وقتی حضرت فاطمه علیها السلام از دنیا رحلت فرمود اسماء خود را روی آن حضرت انداخت و او را می بوسید و می گفت: یا فاطمه وقتی که بر پدرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدی سلام اسماء بنت عمیس را به او برسان. در این هنگام حسن و حسین علیما اسلام وارد شدند و دیدند که مادرشان رو به قبله دراز کشیده فرمودند: ای اسماء! مادرمان هیچ وقت در این ساعت نمی خوابید؟ اسماء عرض کرد: ای فرزندان رسول خدا! مادر شما نخواهید بلکه به جوار حق شتافته است. با شنیدن این سخن حضرت امام حسن علیها السلام خود را بر روی مادر افکنده در حالی که پاهایش را می بوسید می فرمود: مادر جان! قبل از آنکه جان از بدنم بیرون رود با من سخن بگو. و همین گونه حضرت امام حسین علیه السلام پای مادر را می بوسید و می فرمود: مادر جان! من حسینم، مادر جان پیش از آنکه قلبم از حرکت باز ایستد و بمیرم با من حرف بزن. صاحب کتاب ناسخ التواریخ می نویسد: به هنگام رحلت حضرت زهرا علیها السلام زینب علیها السلام در حالی که چادرش بر زمین کشیده می شد، جلو آمده فریاد زد: ای پدر، ای رسول خدا! هم اکنون محرومیت دیدار تو بر ایمان معلوم گردید و شناخته شد. علامه مجلسی نقل می کند: که ام کلثوم بیرون آمد در حالی که چادری بر سرافکنده بود که قسمت پایین آن بر زمین کشیده می شد و پیراهنی بر تن کرده که اندامش را پوشیده بود صدای می زد: ای بابا، ای رسول خدا! هم اکنون به راستی تو را از دست دادیم، به طوری که دیدار دیگری نخواهد بود.

### هنوز بازوی مادرم سیاه و کبود است

حضرت آیه الله مرتضی فیروز آبادی یکی از استوانه های علم در حوزه علمیه نجف اشرف و حوزه علمیه قم بود. نقل کرده اند که ایشان می فرمود: زمانی که در نجف اشرف بودم، یک شب در عالم رؤیا دیدم که در منزل شخصی خود، مجلسی اقامه شده و در آن مجلس حضرت فاطمه علیها السلام با چادر نشسته است. افرادی از مؤمنین به صف ایستاده، یکی یکی آمده عرض ادب می کنند و می روند. چون همه رفتند، حضرت چادر را کنار زد، از این عمل خانم متوجه شدم که چون من به آن حضرت محرم هستم، لذا این عمل را انجام داد. چه جمالی! در عالم رؤیا گفتم: صورتش شبیه به صورت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. سپس جلوتر رفته و عرض کردم: مادر! آیا این که قریب به هزار و چهارصد سال است خطابای می گویند، شوهرت علی علیه السلام را با

سر بی عمامه و دوش بی رداء و ریسمان به گردن به مسجد بردند، صحت دارد؟ حضرت فرمود: استحقروا ابا الحسن بعد رسول الله علی را بعد از رسول خدا تحقیر کردند! من به فارسی می گفتم و حضرت عربی جواب می داد. عرض کردم: مادر! قریب هزار و چهارصد سال است که مورخین نوشته اند و خطباء گفته اند که آن نانجیب به بازوی شما تازیانه زد و سیاه شده و فی عضدها کمثل الدملج. فرمود: بلی. آنگاه دست راست را از آستین بیرون آورد، دیدم هنوز بازوی مادرم سیاه و کمبود است. (۴۴۴)

### اندوه امام زمان علیه السلام

مرحوم علامه سید باقر پسر آیه الله حجت سید محمد هندی نقل شده که حضرت ولی عصر را در شب عید غدیر در خواب به حالت افسردگی و غمگین دید و پرسید: آقای من! چه شده که شما را امروز غمگین و افسرده می بینم با اینکه مردم از عید غدیر خوشحال و مسرورند؟ حضرت فرمود: در یاد و غم اندوه مادرم می باشم، سپس فرمود: لا- ترانی اتخذت لا و علاها بعد بیت الاحزان بیت سرور سوگند به شرف مقام آن حضرت مرا نخواهی دید که پس از بیت الاحزان خانه خوشی بگیرم. (۴۴۵)

### ذخیره فاطمه علیها السلام برای قبر

حضرت فاطمه علیها السلام در ضمن وصایای خود به علی علیه السلام گفت: یا علی! این شیشه را بگیر و هنگامی که از کار من فارغ شده و مرا در قبر نهادی، آنان را در لحد من بگذار. علی علیه السلام فرمودند: ای بانوی زنان! در این شیشه چیست؟ فاطمه علیها السلام پاسخ داد: یا ابالحسن! من از پدرم شنیدم که می فرمود: راستی که قطرات اشک، غضب و خشم خدای را خاموش می سازد و قبر، باغی از باغات بهشت نمی شود مگر اینکه بنده از خوف خدا گریه کرده باشد و خدای عزیز جبار می داند که گریه کرده ام و این قطرات اشک من در سحرهاست که در این شیشه جمع کرده ام و آن را ذخیره ای برای درون قبر خود نموده ام تا در روز حشر، آن را بیابم. حضرت علی علیه السلام از سخن حضرت زهرا علیها السلام گریان شد و در این موقع فاطمه علیها السلام دستش را دراز کرد و اشکهای چشم علی علیه السلام را گرفت و به صورت خود کشید. (۴۴۶)

### سفارش به خواندن قرآن

در کتاب مصابح الانوار از امام صادق علیه السلام و او از پدرانش نقل کرده است که: فاطمه علیها السلام هنگام علیها السلام هنگام احتضار، به امیر مؤمنان علی علیه السلام وصیت کرد: وقتی از دنیا رفتم، خودت مرا غسل بده و کفن کن و نماز بر جنازه ام بخوان و در قبر بگذار، ولحد مرا بچین و خاک بر قبرم بریز، و سپس بالای سر، مقابل صورتم بنشین و بسیار قرآن بخوان و دعا کن، زیرا آنان هنگام ساعتی است که میت و انس بازنده ها نیاز دارد، و من تو را به خدا می سپارم و وصیت می کنم که با فرزندانم به نیکی رفتار کنی. (۴۴۷) مولا- بیا شبهای جمعه بر مزارم روحم شود شاد اگر آبی کنارم ای روح و جانم یا علی ورد زبانه ام یا علی سوی پدر با صد محن امشب روانم جان تو و جان حسین و کودکانم بنشین کنارم یا علی ای افتخارم یا علی

### تابوت فاطمه علیها السلام

اسماء بنت عمیس، نقل می کند: روزهای آخر زندگانی حضرت زهراء علیها السلام با او بودم، روزی مرا به یاد کیفیت حمل جنازه توسط مردم انداخت، و ابراز نگرانی فرمود که: چرا جنازه را روی تخته ای می گذارند و بالای دست مردان حمل می کنند؟! سپس فرمود: من بسیار زشت می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه ای می اندازند که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می دهد. مرا به روی تابوت آن چنانی نگذار و بدن مرا بپوشان. که خدا تو را از



آتش جهنم باز دارد. به علی علیه السلام وصیت کرد: ای پس عمو! برای من تابوتی درست کنید، همانگونه که ملائکه شکل آن را به من نشان داده اند. اسماء بنت عمیس می گوید: خدمت آن حضرت توضیح دادم: در سرزمین حبشه، تابوتی برای حمل جنازه ها درست می کنند که بدن میت را می پوشاند و سپس به وسیله چوبهای تر و شاخه های نازک درخت، شکل و قیافه آن را ترسیم کردم. حضرت زهراء علیها السلام خوشحال شده و فرمود: برای من تابوتی مثل آن درست کن و مرا با آن بپوشان، خدا تو را از آتش دوزخ حفظ نماید. (۴۴۸) ماجرای ضربت فاطمه علیها السلام از زبان امام صادق علیه السلام در کتاب الاختصاص از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: ابوبکر نوشته ای در رد فدک برای زهراء علیها السلام نوشت. زهراء در حالی که نوشته را در دست داشت از نزد ابی بکر بیرون آمد، عمر در راه به او رسید و گفت: دختر محمد علیه السلام این نوشته چیست که در دست توست؟ فرمود: نوشته ای است که ابوبکر در رد فدک برایم نوشته است. گفت: نوشته را به من بده. زهرا علیها السلام حاضر نشد نوشته را به او بدهد. عمر لگدی به زهراء زد که در اثر این ضربه زهراء عرع که فرزند پسری به نام محسن در شکم داست سقط کرد، سپس عمر، او را سیلی زد. گویی هم اکنون به گوشواره های گوشش می نگریم که در اثر سیلی شکست. سپس عمر نوشته را برداشت و پاره کرد. زهراء علیها السلام به خانه رفت و هفتاد و پنج روز در اثر ضربتی که عمر به او زد، مریض بود تا اینکه از دنیا رفت. (۴۴۹)

### آتش زدن در خانه! از زبان فاطمه علیها السلام

قال فاطمة الزهراء علیها السلام: فجمعوا الحطب الجزل علی بابی و آتوا بالنار لیحرقوه و یحرقونا فوقعت بعضارة الباب و ناشدتهم بالله و بآبیبی ان یکفوا و ینصرونا فاخذ عمر السوط من ید قنفذ مولى ابوبکر فضرب به علی عضدی حتی صار کالد ملج. و رکال الباب برجله فرده علی و انا حامل فسقطت بوجهی و النار تسعر و یسفع فی وجهی فیضربی بیده حتی انثر قرطی من اذنی فجائنی المخاض فاسقطت محسنا بغير جرم، فاطمه زهراء فرمود: بر در خانه ام هیزم و خاشاک آوردند و آتش آوردند که آن را شعله ور سازند و ما را بسوزانند. من در آستانه در قرار داشتم و آنها را قسم دادم به خدا و به پدرم که دست از ما بردارید و به دادمان برسید. عمر تازیانه را از دست قنفذ غلام ابوبکر گرفت آن را بر بازویم زد، چنان که کبود شد لگد محکمی بر در زد و آن را بر رویم انداخت در حالی که حامله بودم به رو در خاک افتاده، آتش زبانه می کشید و چهره ام را داغ می کرد. مرا چنان سیلی زد که گوشواره از گوشم فرو افتاد درد زایمان مرا گرفت و محسنم را بدون جرم سقط کردم. (۴۵۰) گریه بر امام حسین علیه السلام مفصل به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای مولای من! اشک ریختن را چه ثوابی است؟ فرمود: در صورتی که به خاطر فردی بر حق اشک ریخته شود، ثوابی بی شمار دارد. عرض کرد: ای پسر رسول خدا! روز انتقام گیری شما از روز سختی و اندوهتان بزرگتر است. حضرت فرمود: ولی هیچ روز همچون روز محنت و اندوه ما در کربلا نیست، هر چند روز سقیفه و سوزاندن در خانه امیرالمؤمنین و حسین و فاطمه و زینب و ام کلثوم و فضه و کشتن محسن با ضرب لگد، بزرگتر و وحشتناکتر و تلخ تر است، زیرا آن روز اصل و ریشه عذاب است. (۴۵۱)

### فاطمه بین فشار در و دیوار

بر حاشیه برگ شقایق بنویسید گل طاقت بین در و دیوار ندارد علامه مجلسی از سلیم بن قیس کوفی نقل می کند که: بعد از رحلت خدا (صلی الله علیه و آله)، عمر به ابوبکر گفت: همه مردم با تو بیعت کرده اند جز علی و اهل بیت او، شخصی را نزد او بفرست که بیاید و بیعت کند، ابوبکر پسر عموی عمر را که قنفذ نام داست نزد علی علیه السلام فرستاد. قنفذ چند بار از طرف ابوبکر نزد علی رفت و پیامبر ابوبکر را ابلاغ کرد، ولی علی علیه السلام از آمدن نزد ابوبکر امتناع ورزید. عمر خشمگین شد و با

خالدین ولید و قنفذ به در خانه علی علیه السلام فرستاد. قنفذ چند بار از طرف ابوبکر نزد علی رفت و پیام ابوبکر را ابلاغ کرد، ولی علی علیه السلام از آمدن نزد ابوبکر امتناع ورزید. عمر خشمگین شد و با خالد بن ولید و قنفذ به در خانه علی علیه السلام هجوم آوردند. فاطمه علیها السلام پشت در بود، هنوز شال عزا از رحلت پیامبر بر سرش بود، و از فراق پدر سخت نحیف و ناتوان شده بود، عمر فریاد زد: ای پسر ابوطالب! در را باز کن! فاطمه علیها السلام فرمود: ای عمر! ما را با تو چکار، چرا دست از ما بر نمی داری؟ با اینکه ما عزادار هستیم؟ عمر گفت: در را باز کن، و گرنه آن را به روی شما می سوزانم. فاطمه علیها السلام فرمود: ای عمر! آیا از خدا نمی ترسی؟ بدون اجازه وارد خانه من می شود و به خانه ام هجوم می کنی؟ پس آتش طلیید و در خانه را به آتش کشید، آنگاه در نیم سوخته را فشار داد، در این هنگام فاطمه با عمر رو برو شد و فریاد زد: یا ایتاه یا رسول الله! ای پدرجان ای رسول خدا! عمر شمشیرش را که در نیام بود بلند کرد و به پهلوی زهراء زد، فاطمه علیها السلام ناله ای زد، عمر دوباره تازیانه اش را بلند کرد و بر بازوی زهراء زد، فاطمه علیها السلام فریاد زد یا ایتاه! ای پدرجان!... در این هنگام علی علیه السلام با شتاب بیرون آمد و گریبان عمر را گرفت و کشید و او را بر زمین افکند به طوری که بینی و گردن عمر مجروح گردید و تصمیم به قتل او گرفت، اما به یاد وصیت و سفارش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) افتاد که آن حضرت را به صبر و تحمل سفارش کرده بود. فرمود: ای پسر ضحاک! به خداوندی که محمد را به مقام نبوت، گرامی داشت، اگر وصیت پیامبر نبود البته می دانستی که بدون اجازه قدرت وارد شدن به خانه مرا نداشتی. عمر فریاد می زد و کمک می خواست. جمعی به یاری او شتافتند، و وارد خانه شدند و حضرت را به طرف مسجد برای بیعت بردند، در این هنگام فاطمه علیها السلام کنار در خانه بود. قنفذ با تازیانه، ضربتی بر بازوی آن بزرگ بانوی جهان زد و هنگامی که آن حضرت از دنیا رفت آثار آن تازیانه مانند بازوبند در بندنش نمایان بود و سپس در را فشار داد و به پهلوی فاطمه زد که یک دنده از دنده های پهلوی شکست و جین را که در رحم داشت سقط شد، از آن پس همچنان بستری بود تا اینکه به شهادت رسید. (۴۵۲) عذاب آنان که فاطمه علیها السلام را آزرده روایت شده است: نخستین فردی که در روز قیامت برای او داد خواهی می کنند و دوباره او داوری می نمایند، در مورد محسن فرزند علی علیه السلام است که درباره قاتل او، قنفذ حکم می شود، آنها را می آورند و با تازیانه های آتشین می زنند که اگر یک تازیانه از آن تازیانه ها به تمام دریا بیفتد، همه آب آنها از مشرق تا مغرب، به جوشش در می آید و اگر آن را بر کوههای دنیا بگذارند، همه آنها ذوب شده و به خاکستر مبدل می گردند، قاتل محسن، قنفذ را با آنان تازیانه ها می زنند. همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که فرمود: در روز قیامت، حضرت خدیجه و فاطمه بنت اسد (مادر علی علیه السلام) محسن را حمل می کنند، آنها گریه و ناله می کنند، مادرش فاطمه علیها السلام این آیات قرآن را می خواند: هذا یومکم الذی توعدون؛ این همان روزی است که به آن وعده داده شده ایم. (۴۵۳) یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء تود لو ان بینها و بینها امداء بعیدا امروز همان روز است که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می بیند، و دوست می دارد میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاطمه زمانی زیاد می بود. (۴۵۴) آنگاه امام صادق علیه السلام آن چنان گریه کرد که محاسن شریفش از اشک ترشد سپس فرمود: لا قرت عین لا تبکی عند هذا الذکر؛ روشن مباد آن چشمی که هنگام ذکر این مصیبت، گریه نکند. (۴۵۵)

### لحظه غم انگیز شهادت فاطمه علیها السلام

راویان سنی و شیعه از سلمی همسر ابو رافع نقل کرده اند که گفت: من در ساعات آخر عمر فاطمه علیها السلام از او پرستاری می کردم، یک روز حال او خوب شد و بیماریش آرام گرفت. علی علیه السلام برای بعضی از کارها از خانه بیرون رفته بود. فاطمه علیها السلام به من فرمود: مقداری آب بیاور تا غسل کنم، و بدنم را شستشو دهم. آب آوردم و کمک کردم، تا فاطمه برخاست و غسل نیکویی انجام داد، لباسش را عوض کرد، سپس به من فرمود: من امروز از دنیا می روم، من خودم را شسته ام. هیچکس روی

مرا باز نکند، سپس دستش را زیر دستش گذاشت و از دنیا رفت. روایات شده: آن هنگام که فاطمه علیها السلام جان سپرد، ساعت بین مغرب و عشاء بود و وقت احتضار بر جبرئیل و عزرائیل سلام کرد. (۴۵۶)

### ماجرای خاک سپاری فاطمه علیها السلام

چون شب فرا رسید علی علیه السلام جنازه زهراء علیها السلام را غسل داد، هنگام غسل هیچکس حاضر نبود جزء حسن و حسین، زینب و ام کلثوم، فضه و اسماء بنت عمیس علیه السلام. اسماء علی علیه السلام را در کار غسل فاطمه کمک می کرد. نیز روایت شده که علی علیه السلام با همان پرده ای که بدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را خشک کرده بود، بدن زهراء علیها السلام را خشک نمود. و در کتاب روضه الواعظین آمده است که: و چون پاسی از شب گذشت، حضرت علی علیه السلام همراه حسن و حسین علیهما السلام، عمار، مقداد، عقیل، زبیر، ابوذر، سلمان، بریده و چند نفر از خواص بنی هاشم، جنازه را از خانه بیرون آوردند و آن بدن مطهر را به خاک سپردند. حضرت علی علیه السلام اطراف قبر حضرت زهراء علیها السلام هفت قبر دیگر ساخت تا قبر فاطمه علیها السلام شناخته نشود. شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، امیرالمؤمنین در نماز بر فاطمه علیها السلام چند تکبیر گفت؟! آن حضرت فرمود: علی علیه السلام یک تکبیر می گفت، جبرئیل هم یک تکبیر می گفت، و بعد فرشتگان مقرب الهی تکبیری می گفتند، تا اینکه امیرالمؤمنین پنج تکبیر گفت: شخصی دیگر پرسید: در کجا بر او نماز خواند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: در خانه اش نماز خواند، سپس جنازه را حرکت دادند و از خانه بیرون آوردند. (۴۵۷)

### اندوه امام جواد علیه السلام بر مصائب مادرش فاطمه علیها السلام

در کتاب دلائل الامامة طبرسی نقل شده است که: روزی امام جواد علیه السلام که در آن زمان کمتر از چهار سال داشت بر پدر و بزرگوارش امام رضا علیه السلام وارد شد. در این هنگام امام جواد علیه السلام دستش را بر زمین زد و سرش را به طرف آسمان بلند کرد، و مدت طولانی در فکر فرو رفت. امام رضا علیه السلام به فرزندش فرمود: قربانت کردم، چرا در فکر فرو رفته ای؟ امام جواد علیه السلام در پاسخ گفت: به خاطر آن مصائبی که بر مادرم فاطمه علیها السلام وارد شد. سوگند به خدا، آن دو نفر را از قبر بیرون می آورم سپس با آتش آنها را می سوزانم و خاکسترشان را در دریا پراکنده می نمایم. حضرت رضا علیه السلام فرزندش را به نزدیک خواند، بین دو چشم او را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت، تو شایسته این امر (امامت) هستی. (۴۵۸)

### ماجرای ضربت فاطمه علیها السلام از زبان عمر

عمر در ضمن نامه ای برای معاویه چگونگی بر خورد خود با فاطمه علیها السلام را چنین بیان می کند: به فاطمه که پشت در بود گفتم: اگر علی از خانه (برای بیعت) بیرون نیاید، هیزم فراوانی به اینجا بیاورم و آتشی بر افروزم و خانه و اهلش را بسوزانم، و یا اینکه علی را برای بیعت به سوی مسجد می کشانم. آنگاه تو و مردان دیگر هیزم بیاورید، و به فاطمه گفتم: خانه را به آتش می کشم. همان وقت دستش را از در بیرون آورد تا ما از ورد به خانه باز دارد، من او را درود نموده و با شدت، در افشار دادم و با تازیانه بر دستهای او زدم تا در را رها کند، از شدت درد تازیانه، ناله کرد و گریست، ناله او به قدری جانگناه و جگر سوز بود که نزدیک بود دلم نرم شود و از آنجا منصرف کردم، ولی به یاد کینه های علی علیه السلام و حرص او بر کشتن قریشیان (مشرک) افتادم... با پای خودم لگد بر در زدم، ولی او همچنان در را محکم نگه داشت بود که باز نشود، وقتی که لگد بر در زدم صدای ناله فاطمه را شنیدم که گمان کردم، این ناله، مدینه را زیر و رو کرد، در آن حال فاطمه می گفت: یا ابتاه! یا رسول الله هکذا يفعل بحبیبتک و ابنتک، اه یا فضة الیک فحذینی فقد والله قتل ما فی و حشنائی من حمل ای پدر جان! ای رسول خدا! بنگر که

این گونه با حبیبه و دختر تو رفتار می شود. آه! ای فضا بیا و مرا دریاب که سوگند به خدا فرزندم که در رحم من بود کشته شد. در عین حال در را افشار دادم، در باز شد، وقتی وارد خانه شدم، فاطمه با همان حال روبروی من ایستاد، ولی شدت خشم مرا به گونه ای کرده بود که گویی پرده ای در برابر چشم افتاده است چنان سیلی روی روپوش به صورت فاطمه زدم که به زمین افتاد... (۴۵۹) پس منبری از نور برایش نصب می نمایند که هفت پله دارد و ما بین هر پله تا پله دیگر صفوفی از ملائکه است و با آن حضرت است رخت های خون آلود و پیراهن غرقه به خون حسین علیه السلام. پس عرض می کند: خدایا! می خواهم بینم حسن و حسین علیهما السلام را، پس مصور شود حسین به حالتی که سر در بدن ندارد و خون از رگهای او جاری است. پس چون آن حالت را ببیند فریادی زند و خود را از ناله به زیر اندازه و پیغمبر و ملائکه همه فریاد می زنند. (۴۶۰)

### مقام رفیع فاطمه علیها السلام در روز موعود

در روایت است که حضرت فاطمه علیها السلام در آن روز موعود، با کیفیت مخصوصی وارد محضر می شود که بر سرش تاجی است از نور که هفتاد رکن دارد و هر رکنی، مرصع است به در و یاقوت، و نور می دهد مانند ستاره درخشان و بر ناله ای سوار است از ناله های بهشت... و بر آن ناله هودجی (کجاوه ای) است از طلا که آن حضرت در آن است و به استقبالش می آیند از جانب بهشت، دوازده هزار حورالعین که برای احدی استقبال نموده اند و نخواهند نمود... پس منبری از نور برایش نصب می نمایند که هفت پله دارد و ما بین هر پله تا پله دیگر صفونی از ملائکه است و با آن حضرت است رخت های خون آلوده و پیراهن غرقه به خون حسین علیه السلام. پس عرض می کند: خدایا! می خواهم بینم حسن و حسین علیهما السلام پس عرض می کند: خدایا! می خواهم بینم حسن و حسین علیهما السلام را، پس مصور شود حسین به حالتی که سر در بدن ندارد و خون از رگهای او جاری است. پس چون آن حالت را ببیند فریادی زند و خود را از ناله به زیر اندازه و پیغمبر و ملائکه همه فریاد می زنند. (۴۶۱)

### صدای ناله زهرا علیها السلام

نقل کرده اند که: در اوج ناراحتی و بیماری مرحوم آیه الله امینی صاحب کتابا شریف الغدیر که شیفته و دلداره خاندان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده از ایشان سؤال کردند: آیا تا به حال برای شما معلوم نشده که قبر حضرت زهراء در کجاست؟ و در چه نقطه ای باید ایشان را زیارت کرد؟ مرحوم علامه امینی پس از لحظاتی سکوت فرمودند: هر وقت به مدینه می رفتم، صدای ناله و ضجه جانکاه و جانسوز حضرت زهرا علیها السلام به گوشم می رسید. شما از قبرش سؤال می کنید در حالی که هنوز ناله آن حضرت در مدینه طنین افکن است. (۴۶۲)

### وصیتهای حضرت زهراء علیها السلام به علی علیه السلام

در کتاب روضه الواعظین آمده است: حضرت فاطمه علیها السلام را مرض شدیدی عارض شد و تا چهل روز ادامه داشت و چون دانست که مرگش نزدیک است ام ایمن و اسماء بنت عمیس را فرستاد تا حضرت علی علیه السلام را حاضر سازند تا با او وصیت کند. چون حضرت امیر حاضر شد، گفت: ای پسر عم! از آسمان به من خبر دادند که مرگم نزدیک است. تو را به چند چیز وصیت می کنم. ای پسر عم! هرگز مرا دروغگو و خائن نیافتی و از روزی که با من معارشرت نموده ای مخالفت تو نکرده ام. حضرت علی علیه السلام فرمود: معاذالله تو داناتری به خدا و نیکو کارتر و پرهیز کارتر... و بر من بسیار گران است مفارقت تو ولیکن مرگ امری است اجتناب ناپذیر. پس حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: خدا تو را جزای خیر دهد ای پسر عم رسول خدا. وصیت می کنم: اول، این که بعد از من امامه را به عقد خود در آوری، زیرا که مردان را چاره از زن گرفتن نیست و او برای فرزندان من

، مثل من است . دوم ، برایم نعشی قرار ده ، زیرا که ملائکه صورت آن را به من نشان دادند . حضرت علی علیه السلام فرمود : وصف آن را برای من بیان کن . پس حضرت فاطمه علیها السلام وصف آن را بیان کرد ، و حضرت برای او درست کرد و آن اولین نعشی (تابوتی ) بود که در زمین ساختند . سوم ، اینکه وصیت می کنم تو را که نگذاری ، آنانی که بر من ستم کردند و حق مرا گرفتند که ایشان دشمن من و دشمن رسول خدایند ، احدی از ایشان و اتباع ایشان بر من نماز کنند . چهارم ، اینکه مرا شبانه دفن کن در وقتی که دیده ها در خواب باشد . (۴۶۳) هیچکس را بر جنازه ام داخل نکنید نوشته اند که : وقتی حضرت فاطمه علیها السلام از دنیا رحلت فرمود : عایشه خواست به حجه او برود ، اسماء طبق وصیت او را راه نداد . عایشه شکایت خود را نزد پدرش برد و گفت : این زن خثعمیه (۴۶۴) میان من و دختر پیغمبر در آمده است و نمی گذارد من نزد جسد او بروم ، بعلاوه برای او حجله ای چون نو عروسان ساخته است . ابوبکر به در حجه فاطمه آمد و گفت : اسماء چرا نمی گذاری زنان پیغمبر نزد دختر او بروند؟ چرا برای دختر پیامبر حجله ساخته ای ؟ اسماء گفت : زهرا به من وصیت کرد که کسی بر او داخل نشود . و چیزی را که برای او ساخته ام وقتی زنده بود به او نشان دادم و به من دستور داد مانند آن را برایش بسازم . ابوبکر گفت : حال که چنین است هر چند به تو گفته چنان کن . و این نخستین تابوتی است که در اسلام بدین صورت ساختند . (۴۶۵)

### بدون اجازه وارد خانه فاطمه علیها السلام شدند

سلیم بن قیس هلالی می گوید: به سلمان فارسی (ره) گفتم : آیا به خانه حضرت زهرا علیها السلام بدون اجازه اش هجوم بردند؟ گفت : آری به خدا سوگند ، و این در حالی بود که فاطمه روسری بر سر نداشت لکن آن حضرت به منظور رعایت حجابش خود را به پهلوی در کشید تا خود را از نامحرمان حفظ کند ، اما فشار در موجب شکسته شدن پهلویش و کشته شدن محسنش گردید ، و فریاد زد: آه ! ای فضا مرا دریاب ، سوگند به خدا جنینم را کشتند و استغاثه می کرد یا ابتاه یا رسول الله ، دیروز بود که از میان ما رفتی ! (۴۶۶) تشکر از قنفذ !! از سلیم بن قیس نقل شده است که : عمر بن خطاب در یک سال نصب حقوق همه کارگزارانش را به عنوان غرامت (و کمبود بودجه و مالیات ) برداشت ، ولی حقوق قنفذ را به طور کامل پرداخت کرد سلیم می گوید: به مسجد رسول خدا رفتم گروهی نشسته بودند ، که اکثر آنها از بنی هاشم بودند ، در این جلسه عباس عموی پیامبر به علی گفت : چرا عمر مانند کارگزارانش از حقوق قنفذ کم نکرد؟ حضرت علی علیه السلام به اطراف خود نگاه کرد و سپس قطرات اشک از چشمانش سرازیر شد ، آنگاه در پاسخ عباس فرمود: شکر له ضربه ضربها فاطمة بالسوط فماتت و فی عضدها اثره کانه الدملیج حقوق قنفذ را کم نکرد ، تا از او تشکر نماید به خاطر ضربت تازیانه ای که او بر فاطمه نواخته بود که وقتی فاطمه از دنیا رفت ، اثر آن تازیانه در بازوی او وجود داشت و همانند بازو بند ، نمایان بود . (۴۶۷)

### علی در فراق همسر

علی علیه السلام بعد از دفن همسر گرامیش احساس کرد که تمام غمهای عالم به او هجوم آورده ، پس رو به قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) کرد و چنین گفت : سلام من بر تو ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله ) ، اکنون دختر تو به سلام و زیارت تو آمده و به تو پیوسته . کاسه صبرم در مصیبت دختری لبریز گشته ، درد فراق او بر من سخت ناگوار است . اینک ودیعه خود را بگیر . به زودی فاطمه برای تو شرح ماجرا را خواهد گفت : چه ظلمها که به او کردند . یا رسول الله ! پسر امت تو با دختری چه کردند؟ ای رسول خدا ! دختری را از بیم دشمن به خاک سپردم ! اما بدان که حق او را به ظلم بردند ارث را از او گفتند... اکنون صلوات و درود خداوند بر تو و فاطمه ات باد . (۴۶۸) دوست دارم ، کز غمت یا فاطمه تنها بگیرم از یتیمان تو پنهان در دل شبها بگیرم دوست دارم ، بنگرم بر آسمان پر ستاره تا سحر با یاد تو ، ای زهرا زهرا بنگرم دوست دارم شرح حال من ، به پیغمبر بگوئی تا تسلی یابد

این دل ، چونکه با طاها بگریم دوست دارم ، جانم از تن ، با نفسهایم بر آید بس که یا زهراء بگویم ، بسکه بی پروا بگویم گر چه ناچیزم (حسانا) دوست دارم که منم جانم از پیکر بر آید، بسکه بر مولی بگریم (۴۶۹)

### خبر دادن از لحظه شهادت

حضرت فاطمه زهراء علیها السلام در ساعات آخر زندگی خویش با علی علیه السلام رازی را فشاء کرد و از لحظه وفات خویش خبر داد. ایشان فرمود: ای ابالحسن! در همین ساعت به خواب رفته بودیم ، محبوبم رسول خدا را در خواب دیدم پدرم در قصری از مروارید سفید بود، چون مرا دید فرمود: دخترم! به نزد من بشتاب که سخت مشتاق تو هستم . عرض کردم : سوگند به خدا، اشتیاق من برای زیارت شما شدیدتر است ، در این هنگام پدرم فرمود: تو امشب در پیش ما خواهی بود. یا علی رسول خدا آنچه وعده دهد، راست است و به آنچه عهد و پیمان بندد وفا می کند. (۴۷۰) یادم ز لحظه ای که آتش به خانه زدند پیش چشمان من تو را با تازیانه زدند بدون تو غریبم و تنها مرا ببر به همert زهراء

### علت وفات فاطمه علیها السلام از زبان امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام روز سه شنبه سوم جمادی الاخر سال یازدهم هجری از دنیا رفت و علت وفاتش این بود که قنفذ غلام عمر بن خطاب ، به دستور عمر با پایه غلاف شمشیر به او زد، به طوری که فرزندش محسن ، سقط گردید، و همین موجب بیماری شدید فاطمه شد، و آن حضرت وقتی که بسرتی گردید، به هیچکس از آن افرادی که به او ستم کرده بودند اجازه نداد که به عیادت او بیایند. (۴۷۱)

### قبر فاطمه علیها السلام کجاست ؟

چون خبر وفات حضرت فاطمه علیها السلام در مدینه منتشر گردید مردان و زنان مدینه همه گریان شدند و به سوی خانه آن حضرت دویدند و در انتظار بیرون آمدن جنازه و تشییع آن بودند. سپس ابوذر بیرون آمد و فت : تشییع جنازه به تاءخیر افتاده ، پس مدرم متفرق شدند، چون پاسی از شب گذشت و دیده ها به خواب رفت جنازه را بیرون آوردند. حرت علی ، امام حسن و امام حسین علیه السلام عمار، مقداد، عقیل ، زبیر، ابوذر، سلمان و گروهی از بنی هاشم و خواص آن حضرت ، بر حضرت فاطمه علیها السلام نماز کردند و در همان شب او را دفن کردند. حضرت علی علیه السلام دور قبر آن حضرت هفت قبر دیگر ساخت تا ندانند قبر آن حضرت کجاست . به روایتی دیگر قبر را آب پاشید که قبر آن مظلومه در میان آنها مشتبه باشد. و به روایت دیگر، قبر آن حضرت را با زمین همورا کرد که علامت قبر معلوم نباشد، لذا به همین سبب در موضع قبر آن حضرت اختلاف است . بعضی گفته اند که در بقیع است نزدیک قبور ائمه بقیع و بعضی گفته اند: ما بین قبر حضرت رسالت و منبر آن حضرت مدفون است ، زیرا که حضرت رسول اکرم فرمودند: ان بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنة ما بین قبر من و منبر من ، باغی است از باغهای بهشت و منبر من بر دری است از درهای بهشت . بعضی دیگر گفته اند: آن حضرت را در خانه خود دفن کرده اند. والله اعلم . (۴۷۲) ای گل پژمرده باغ علی تازه شد از هجر تو داغ علی آه عجب مرگ تو جانکار بود وای که عمر تو چه کوتاه بود ای گل امید گلستان من فایمه ای شمع شبستان من ای تو نبی را به جهان نور عین گو چه کنم با حسن و با حسین بهر تو محبوب به هر صبح و شام اشک غم دیده فشانده مدام (۴۷۳)

### آخرین کارهای فاطمه زهراء



در آخرین روز حیات حضرت فاطمه ساعتی از آن روز خوابید و ظاهراً در آن لحظات رؤیا، پدر بزرگوارش را به خواب می بیند. آری ایشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در خواب در قصری از در سفید دیدند و وقتی چشمشان به حضرت فاطمه افتاد فرمودند: دخترم عزیزم به سوی من بیا، من مشتاق دیدن تو هستم، حضرت فاطمه علیها السلام عرض کردند: والله من به دیدار شما مشتاق تر و آرزومندترم. رسول اکرم به وی فرمودند: تو امشب در نزد من خواهی بود. حضرت فاطمه علیها السلام بعد از بیدار شدن از خواب سبک خود را آماده سفر آخرت می کند، زیرا می دانست که وعده پدر راست است. بنابراین گاه نشسته و گاه ایستاده به طرف محل شستشو رفت و شروع به شستن لباس اطفال با دستهای لرزان خود کرد و آنگاه کودکان را فرا خواند و شروع به شستشوی سر آنان نمود. در همین حال علی وارد منزل شد و همسرش را مشغول انجام کارها دید. از او علت بلند شدن از بستر و پرداختن به انجام کارها را پرسید. آن حضرت پاسخ داد: چون امروز آخرین روز عمر من است خود برخاستم تا سرو لباس کودکام را بشویم، زیرا آنان به زودی یتیم می شوند. سپس رؤیای خیش را برای همسرش بیان نمود. (۴۷۴)

### وصیت نامه ای که بالای سر فاطمه علیها السلام بود

پس از وفات فاطمه علیها السلام، حضرت علی علیه السلام به بالین او آمد. روپوش را از صورت حضرت برداشت و نوشته ای را بالای سر او دید که در آن چنین نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما اعوت به فاطمة بنت رسول الله، اءوصف و هی تشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور. یا علی انا فاطمة بنت محمد زوجنی الله منک لا کون الک فی الدنيا و الاخرة، انت اولی بی من غیری حنطنی و غسلنی و کفنی باللیل و صل علی و ادفنی باللیل و لاتعلم احدا و اءستودعک الله و اقرء علی ولدی السلام الی یوم القیامة. به نام خداوند بخشنده مهربان. این آن چیزی است که فاطمه دختر حضرت محمد به آن وصیت کرده است. وصیت کرده در حالی که شهادت می دهد که جز الله خدایی نیست و این که محمد بنده و رسول او است. و این که بهشت حق و دوزخ حق است، قیامت خواهد آمد و شک و تردیدی در آن نیست و خداوند کسانی را که در قبرها هستند برانگیخته خواهد کرد. ای علی! من فاطمه دختر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می باشم، خداوند مرا به همسری تو در آورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم، تو از دیگران نسبت به من شایسته تری، مرا در شب حنوط کن و کفن بنما و غسل بده و بر من نماز بگذار و شبانه دفنم کن و هیچکس را آگاه نکن. تو را به خدا می سپارم و به فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می فرستم. (۴۷۵)

### آماده شدن برای دیدار حق

روایت کرده اند که: چون وقت وفات حضرت فاطمه علیها السلام نزدیک شد اسماء بنت عمیس را فرمود که آبی بیاور تا من وضو سازم، و به روایتی غسل کرد و نیکوترین غسلها و بوی خوش طلبید و خود را خوشبو گردانید و جامه های نو پوشید و فرمود: ای اسماء! جبرئیل وقت وفات پدرم چهل درهم کافور از بهشت آورد، حضرت آن را به سه قسمت تقسیم کرد: یک قسم را برای خود گذاشت و یکی برای من و یکی را برای علی علیه السلام گذاشت. آن کافور را بیاور، که مرا با آن حنوط کنند. پس رو به قبله خابید و جامه را روی خود کشید و فرمود: ای اسماء ساعتی صبر کن، بعد از آن مرا بخوان، اگر جواب نگفتم علی علیه السلام را خیر کن و بدان به پدر خود ملحق شدم. اسماء ساعتی انتظار کشید، بعد آن حضرت را صدا کرد اما صدایی نشنید و گفت: ای دختر مصطفی، ای دختر بهترین فرزندان آدم! جواب نشنید، جامه از روی مبارکش برداشت، دید که مرغ روحش به ریاضی جنات پرواز کرده است. پس به روی آن حضرت افتاد و او را می بوسید و می گفت: چون به خدمت حضرت رسول رسیدی سلام مرا به او برسان. در این حال امام حسن و امام حسین علیه السلام وارد شدند، گفتند: ای اسماء مادر مادر این وقت چرا به خواب

رفته است؟ اسماء گفت: مادر شما به رحمت رب العالمین و اصل گردیده است، بروید و پدر خود را خبر کنید. ایشان چون به نزدیک مسجد رسیدند صدا به گریه بلند کردند، پس صحابه گفتند سبب گریه شما چیست ای فرزندان رسول خدا؟ مگر جای جد بزرگواتان را خالی دیدید؟ گفتند: مادرمان از دنیا مفارقت کرده، چون حضرت علی این خبر را شنید بر روی در افتاد و غش کرد. و چون به هوش آمد می فرمود: زهراء جان! از تو خود را به که تسلی دهم.

### غمهای فاطمه علیها السلام از زبان علی (ع)

بعد از دفن فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام با دست خود خاک بر قبرش ریخت و آن را صاف نمود تا بر کسی معلوم نشود، در این هنگام حزن و اندوه آن حضرت هیجان کرد، آب از دیده های مبارکش جاری شد، رو به قبر رسول الله گردانید و گفت السلام علیک یا رسول الله. سلام از من بر تو باد و از جانب دختر و جیبیه تو و نور دیده تو و زیارت کننده تو که به زیارت تو آمده است، و در میان خاک در عرصه تو خوابیده، حق تعالی او را در میان اهل بیت اختیار کرد که زود به تو ملحق گردد. چه بسیار زود جدایی افتاد میان ما و به سوی خدا شکایت می کنم حال خود را یا رسول الله! به زودی دختری به تو خبر خواهد داد که: امت تو بر غصب حق من و ظلم کردن در حق او، یکدیگر را یاری کردند پس از او پرس احوالش را، چه بسیار غمها در سینه او بر روی هم نشسته بود که به کسی نمی توانست اظهار کند، و به زودی همه آنها را به تو خواهد گفت، و خدای از برای او حکم خواهد کرد و او بهترین حکم کنندگان است. (۴۷۶) سلام بر تو باد یا رسول الله!.

### فاطمه علیها السلام را در پیراهنش غسل دادم

امام حسین علیه السلام می فرماید: امیرالمؤمنین جنازه فاطمه علیها السلام را سه بار و پنج بار غسل داد و در شستن پنجم مقداری کافور گذارد و در کفن بر بدن او لنگ پهن و بلندی پوشاند و این تنها علی بود که غسل و کفن او را عهده دار بود. در موقع غسل می فرمود: بارالها! زهراء کنیز تو دختر پیامبر و برگزیده و بهترین آفریده تو است؟ خدایا! حاجتش را به او تلقین فرما و برهان او را بزرگ دار و درجه اش را بالا-ببر و او را به پدرش محمد ملحق کن. خود حضرت علی (ع) نیز می فرماید: من تجهیز فاطمه را آغاز نمودم و او را در پیراهنش غسل دادم. به خدا سوگند او خجسته و پاک و پاکیزه بود. سپس او را با باقی مانده حنوط رسول خدا حنوط کردم و در کفنهاش جا دادم. (۴۷۷)

### صدیقه را جز صدیق غسل ندهد

در روایتی مفضل بن عمر درباره غسل دادن فاطمه علیها السلام از امام صادق علیه السلام سؤال می کند؟ چه کسی فاطمه را غسل داد؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: امیرالمؤمنین علی علیه السلام. مفضل گوید: گویی این فرمایش امام قدری بر من گردان آمد، به همین دلیل امام فرمودند: گویا این واقعیت بر تو گران آمد؟ عرض کردم: آری فدایت گردم. فرمود: نباید این مطلب بر تو گران آید، چرا که فاطمه صدیقه بود و شایسته نیست که کسی جز صدیق صدیقه را غسل دهد، نمی دانی مریم را کسی جز پسرش عیسی غسل نداد؟ (۴۷۸)

### ای کاش فاطمه زنده بود

بعد از آنکه ابولؤلؤ به عمر خنجر زد، به حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! من این مرد را زودم و شکمش را دریدم. حضرت با شنیدن این موضوع اشکش جاری شده و به شدت گریست و آرزو کرد که ای کاش فاطمه علیها السلام زنده می

بود و این خبر را می شنید (۴۷۹) بعد حضرت نوشته ای را از گریبان در آورده و فرمود: این نامه را بگیر و از مدینه خارج شو و هفت مرتبه این نامه را بخوان و به هر جا که خواستی برو. (۴۸۰)

### اعمال روز شهادت حضرت فاطمه علیها السلام

در مفاتیح الجناح شیخ عباس قمی چنین آمده است: روز سوم جماید الاخری روز شهادت حضرت فاطمه (صلوات الله علیها) واقع شده پس باید در این روز شیعیان به عزاداری قیام کنند و زیارت آن مظلومه را بخوانند و بر ظالمان و غاصبان حق او نفرین کنند. سید بن طاووس در کتاب زوائد الفوائد زیارت مختص به روز شهادت آن حضرت را به این طریق فرموده است که: در ابتدا نماز زیارت یا نماز خود آن حضرت را به جا می آوری و نماز آن حضرت دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد، ۶۰ مرتبه سوره قل هو الله احد را می خواند و اگر نتوانی در رکعت اغول بعد از حمد سوره قول هو الله احد را بخوان و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون را بخوان و چون سلام نماز را گفتی زیارت حضرت فاطمه را بخوان. به تحقیق که روایت شده است که هر کس با این زیارت آن مظلومه را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش کند حق تعالی گناهانش را می آمرزد و او را داخل بهشت می گردند و اما زیارت آن حضرت در روز وفات: اسلام علیک یا سیده نساء العالمین اسلام علیک یا والده الحجاج علی الناس اجمعین السلام علیک ایتها المظلومه الممنوعه حقها (پس بگو) اللهم صل علی امتک و ابنه نبیک و زوجه وصی نبیک صلاه تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین اهل سماوات و اهل الارضین درود بر تو باد ای بانوی زنان جهان، درود و سلام بر تو باد ای مادر امامان همه مردم، درود باد بر تو ای ستمدیده ای که حقت را به زور گرفتند. بار خدایا رحمت فرست بر کنیزت و دختر پیغمبرت و همسر وصی پیغمبرت، رحمتی که او را نزدیک کند برتر از نزدیکی بزرگان گرامیت از اهل آسمانها و اهل زمینها (۴۸۱)

### مهدی (عج) منتقم فاطمه علیها السلام

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: قائم شما قیام خواهد کرد؟ حضرت فرمود: شما حضرت را درک نخواهید کرد، پرسیدند: آیا مردم زمان او حضرت را درک خواهند کرد؟ فرمود: اهل زمانش نیز او را درک نخواهند کرد، قائم ما به راستی و حقیقت قیام خواهد کرد، پس از آنکه شیعیان ناامید شده باشند. سه روز مردم را دعوت می کند و کسی جواب او را نمی دهد، روز چهارم دست بر پرده کعبه آویخته و می گوید: پروردگارا! مرا یاری کن! و مرتب دعا می کند. خداوند متعال به فرشتگانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در جنگ بدر یاری کرده بودند و هنوز زین اسبهایشان را پایین نیاورده و اسلحه شان را بر زمین نگذاشته اند دستور می دهد به یاری او بروند. آنان با حضرت بیعت کرده بعد سیصد و سیزده نفر با او بیعت می کنند و حضرت به مدینه می رود... و بعد آن دو نفر را به حالت تر و تازه از قبر بیرون می آورد با آنان صحبت کرده آنها جواب می دهند، پس آنان را با همان هیزمی که برای سوزاندن خانه علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام جمع کرده بودند می سوزاند. آن هیزمها هنوز نزد ما وجود دارد و به ارث به یکدیگر می رسد. (۴۸۲) مدت عمر حضرت فاطمه علیها السلام بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد تاریخ شهادت آن حضرت اختلاف است، برخی مدت عمر آن حضرت بعد از پیامبر را ۷۵ روز و برخی ۹۵ روز و برخی سه ماه و... گفته اند. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: همانا فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هفتاد و پنج روز زنده بود و در این مدت از در گذشت و فقدان پدر بزرگوارش بسیار اندوهگین بود. جبرائیل نزد آن حضرت می آمد و او را تسلیت و دلداری می داد و از پدرش و جایگاه وی برایش می گفت، و از حال آن حضرت و رویدادهای آینده که بر فرزندان آن حضرت وارد می شود، به او خبر می داد و حضرت علی علیه السلام آنها را می نوشت. پس آن حضرت در سال پنجم بعثت حضرت رسول متولد شد و در هنگام شهادت هیجده سال و هفتاد و پنج روز داشت. (۴۸۳)

## نبش قبر فاطمه علیها السلام

صبح روز شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وقتی که این خبر در مدینه منتشر شد، ابوبکر و عمر و گروهی از مهاجر و انصار اطراف خانه حضرت علی علیه السلام جمع شدند و گفتند: آمده ایم فاطمه نماز بگذاریم. مقداد بیرون آمد و گفت: فاطمه علیها السلام وصیت کرد که او را شب به خاک بسپارند و جز شوهر و فرزندان کسی به او نماز نخواند. عمر رو به ابوبکر کرد و گفت: نگفتم چنین خواهند کرد؟! عباس بن عبدالمطلب گفت: فاطمه وصیت کرده بود که شما بر وی نماز نگذارید آن دو بر آشفتمند. عمر گفت: قسم به خدا اگر بخواهم او را از قبر بیرون می آورم و بر او نماز می گذارم. علی علیه السلام بیرون آمد و فرمود: یابن ضحاک! سوگند به خدای بزرگ اگر چنین قصدی کنی دست راست تو را خواهم انداخت و اگر شمشیر بردارم تا خون تو را نیزم در غلاف نبرم. عمر فهمید چون علی علیه السلام قسم خورده و ممکن است چنین کند برگشته و با گروهی از مردم به طرف بقیع رفتند و دیدند چهل قبر است که مثل هم بودند، مردم به یکدیگر می گفتند: وای بر ما، پیغمبر جز یک دختر نداشت و او هم از دنیا رفت و حاضر نشد کسی بر او نماز بگذارد. خبر به حضرت علی علیه السلام رسید که مردم در بقیع اجتماع کردند. امیرالمؤمنین شمشیر به دست گرفت مانند شیر خشمناک به طرف بقیع حرکت کرد و روی یک از قبرها ایستاد در حالی که رگهای گردنش از فشار غضب پر خون شده بود و چشمهای مبارکش سرخ شده بود، فریاد زد: ای مردم مدینه! به پروردگار عالمیان قسم، اگر سنگی از روی یکی از این قبرها بردارید با شمشیر تمام این جمعیت را خواهم کشت. عمر پیش آمد و گفت: یا ابوالحسن علیه السلام قسم به خدا قبر فاطمه را نبش می کنم تا بر او نماز بگذارم. علی علیه السلام دست پیش برد و دامن عمر را گرفت و با تکانی او را به زمین انداخت و فرمود: ای پسر ضحاک! خلافت را که حق من بود گرفتی و من به امر پیغمبر ساکت ماندم تا مردم تا مردم مرتد نشوند، اما بحق آن خدایی که جان علی علیه السلام در دست قدرت اوست اگر تو و اصحابت قصد قبر فاطمه علیها السلام را کنید، زمین را از خون شماها سراب می کنم. در این حال ابوبکر پیش آمد و علی علیه السلام را قسم داد که دست از عمر بردارد، و گفت که ما کاری نمی کنیم که خاطر تو آزرده شود. (۴۸۴)

## بشارت عزرائیل و میکائیل به فاطمه علیها السلام

حضرت علی علیه السلام نقل فرمود: در لحظه های شهادت، حضرت زهرا علیها السلام نگاهی به اطراف خود کرد و فرمود: سلام بر شما ای فرشتگان و جبرئیل امین. ای پسر عمو! جبرئیل در حالی که بر من سلام می کرد، نزد من آمد و فرمود: خداوند بر تو سلام یم کند، ای محبوبه حبیب خدا و میوه دل رسول الله! امروز تو در ملکوت الهی و بهشت موعود ملحق خواهی شد. بعد روی از ما گردانید و باز به گروهی دیگر از ملائکه سلام داد و فرمود: ای پس عمو! سوگند به خدا این حضرت میکائیل است و همانند جبرئیل بر من سلام کرد و بشارتهای او را داد. بار دیگر به گروه دیگری سلام کرد و فرمود: ای پس عمو، سوگند به خدا که این حق است، این حضرت عزرائیل است که بال و پرش مشرق و مغرب عالم را فرا گرفته. پدرم چنین اوصافی درباره او را به من اصلاع داد بود و حال این همان است. سلام بر تو ای گیرنده روح آدمی! در قبض روح من عجله کن و مرا آزار نده. در پایان من می شنیدم که می فرمود: خدایا به سوی تو می آیم، نه به سوی آتش. (۴۸۵) گریه فرشتگان بر مظلومیت فاطمه علیها السلام علی علیه السلام خود به تنایی فاطمه زهرا را غسل داد و کفن کرد. و به فرموده خود (علی علیه السلام)، فاطمه را در پیراهن او غسل دادم، او طلاهر و مطهر بود، او را عریان نساختم، حنوط کردم او را حنوط باقیمانده پیغمبر که از بهشت آمده بود. و در آخرین مرحله صدا زد ای فضا، حسن و حسین و زینب و ام کلثوم را خبر کن تا بار دیگر توشه از جمال مادر بگیرند. یتیمان، خود را روی جنازه مادر انداختند. در این هنگام واقعه ای رخ داد که قلم از شرح و تحلیل آن عاجز و ناتوان است. قضیه ای که در حد خود

عجیب است و از قوانین ماورای طبیعی نشاءت می گیرد. علی علیه السلام می فرماید: خدای را شاهد می گیریم! همان طور که حسین و زینب علیهما السلام روی مادر افتاده بودند و گریه می کردند، ناگهان بندهای کفن باز شد تو فاطمه علیها السلام ناله کرد و دستهایش را کشیده از کفن بیرون آورد و حسن و حسین علیهما السلام را به آرامی در آغوش کشید. در این موقع هاتفی از آسمان ندا داد: یا علی! فرزندان فاطمه را زنا جنازه مادر جدا کن، فرشتگان آسمان به گریه در آمدند. دوست مشتاق دوست است. علی پیش آمد و بچه ها را از روی سینه مادر بلند کرد در حالی که به شدت اشک می ریخت. (۴۸۶)

### داغ دل مولا

داغ دل مولا- دوباره گشت تازه ریحانه ها را زد صدا پای جنازه که ای گوشه گیرانه شب غربت بیائید آخر وداع خویش با مادر نمائید آن پر شکسته طایران از جا پریدند افتان و خیزان جانب مادر دویدند چو جان شیرین جسم او در بر گرفتند گل بوسه از آن لاله پرپر گرفتند یکباره از عمق کفن آهی بر آمد با ناله بیرون دستهای مادر آمد در قلب شب خورشید خاموش مدینه بگذاشت روی هر دو ماهش را به سینه می خواست بی تابی ز طفلانی جان بگیرد می رفت تا جان علی پایان بگیرد ناگه ناله آمد علی! بشتاب، بشتاب دو گوشواره عرش را دریاب دریاب مگذار زهراء را چنین در بر بگیرند مگذار روی سینه مادر بمیرند خیل ملک را رحمی از بهر خدا کن از پیکر مادر یتیمان را جدا کن

### حنوط بهشت

حضرت زهراء در آخرین لحظات عمر شریفش به اسماء فرمود: ای اسماء! بقیه حنوط پدرم را از فلان محل بیاور و آن را در کنار سر من قرار بده. از علی علیه السلام در مورد حنوط نقل شده است که فرمودند: مدت زمان کمی به وفات پیامبر اکرم مانده بود که مرا صدا زد و فرمود: ای علی و ای فاطمه! این حنوطی که جبرئیل برای من از بهشت آورده و او به شما سلام می رساند و به شما عرض می کند آن را دو قسمت کرده، قسمتی را برای من و قسمتی را برای خودتان بردارید. حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: پدرجان! ثلث این حنوط برای شما است ولی ناظر در باقیمانده آن علی بن ابیطالب باشد. رسول خدا از شنیدن این سخن گریست و فاطمه را به خود چسباند و فرمود: ای دختر مؤ فقه، رشیده و مهدیه. آنگاه فرمود: یا علی علیه السلام در مورد باقیمانده حنوط چه می گویی. علی عرض کرد: نصف از باقیمانده برای فاطمه و نصف دیگر برای کسی که اکنون شما او را می بینی، یا رسول الله. پیامبر فرمودند: آری نصف آخر هم مال تو. (۴۸۷) و در خاتمه دنیا ست چو قطره ای و دریا، زهراء کی فرصت جلوه دارد اینجا، زهرا قدرش بود امروز نهان، چون دیروز هنگامه کنید، و لیک فردا، زهرا خالق چو کتاب خلقت انشاء فرمود عالم، چون الفبا شد و معنا، زهرا احمد که خدا گفت به مدحش (لولاک) کی می شدی آفریده، لولا، زهرا طاها و علی، دو بیرکان دریابند و آن برزخ ما بین دو دریا، زهرا بر تخت جلال، از همه والاتر بر مسند افتخار، یکتا، زهرا در آل کاء محور شخصیتهاست ما بین آب و بعل و بنوها زهرا از سر خدا و لیلۃ القدر نبی است خیر دو سرا، درخت طوبی، زهرا سر سلسله نسل پیمبر، کوثر سر چشمه نور چشم طاها، زهرا تنها نه همین مادر سبطین است او فرمود نبی: ام اینها، زهرا آن پایه که دیروز پیمبر بنهاد امروز، نگهداشته بر پا، زهرا از احمد و مرتضی، چه باقی ماند از مجمعیان، شود چو منها، زهرا حرمت بنگر که در صفوف محشر یک زن نبود سواره، الا زهرا هنگام شفاعت چو رسد، روز جزا کافی است برای شفیع، تنها زهرا حیفاست (حسانا) که در آتش سوزد آن شیعه که ورد اوست: زهرا، زهرا

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

